





فصلنامه علمی-تحقیقی علوم اقتصادی

سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

صاحب امتیاز: دانشگاه خاتم النبیین (ص)

مدیر مسئول: دکتر غلامرضا کمالی

سرپریر: دکتر سید برات علی نقوی

اعضای هیئت تحریریه

عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (ایران، قم) دکتری علوم اقتصادی	مصطفی کاظمی نجف آبادی
عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه خاتم النبیین (ص)	سید برات علی نقوی
عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه خاتم النبیین (ص)	محمدجان رحمانی
عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه بین المللی جامعه المصطفی العالمیه کابل؛	سید محمدتقی موسوی
عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه خاتم النبیین (ص) غزنی	سید محمدتقی هاشمی
عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه خاتم النبیین (ص)	غلامرضا کمالی
عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه خاتم النبیین (ص)	علی شاه حسینی
عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه خاتم النبیین (ص)	رضا حسین زاده

ویراستار محتوایی و فنی: سید محمد سجادی

صفحه آرا و طراح جلد: مجتبی احمدی

آدرس: دانشگاه خاتم النبیین (ص)، سرک دارالامان، کابل، افغانستان

شماره تماس: +۹۳۷۸۷۷۰۰۷۰۰

E-mail: research.d@knu.edu.af

رهنمود تدوین مقاله

این رهنمود به منظور تدوین مقالات علمی و پژوهشی با استانداردهای معین مجله علمی-پژوهشی تدوین شده است و از این رو، مقالات باید دارای مشخصات ذیل باشند:

۱. تحقیقی، تألیفی، مستند و تحلیلی باشند؛
۲. قبلاً در هیچ مجله‌ای چاپ نشده یا هم‌زمان به مجله دیگری ارسال نشده باشند.
۳. عنوان در، چکیده در، (حداقل ۲۰۰ و حداکثر ۲۵۰ کلمه شامل هدف، روش و یافته‌ها) و کلیدواژه‌ها (حداکثر ۷ کلمه) داشته باشند؛
۴. عنوان انگلیسی، چکیده انگلیسی (حداقل ۲۰۰ و حداکثر ۲۵۰ کلمه شامل هدف، روش و یافته‌ها) و کلیدواژه‌ها (حداکثر ۷ کلمه) داشته باشند؛
۵. مقدمه، متن (حداقل ۴۵۰۰ و حداکثر ۷۵۰۰ کلمه) و نتیجه‌گیری داشته باشند؛
۶. مقدمه (حداکثر ۳ صفحه ۳۵۰ کلمه‌ای) باید شامل بیان مسئله، سؤال‌های اصلی و فرعی، فرضیه‌ها، ضرورت و اهمیت، اهداف، نوآوری، نوع، پیشینه و ساختار تحقیق باشند؛
۷. رفرنس بر اساس شیوه‌نامه استناددهی درون‌متنی باشد (تخلص، سال و شماره صفحه)؛
۹. اسامی خاص و اصطلاحات لاتین در پاورقی ذکر شوند؛
۱۰. عناوین اصلی و فرعی در بدنه (متن) با استفاده از حروف و اعداد به شکل زیر مشخص شوند:

- عناوین اصلی مقاله - به جز مقدمه و نتیجه - با حروف ابجد مانند الف، ب) و ...؛

- عناوین فرعی با اعداد تکریمی (۱، ۲، ۳ و...)؛
- عناوین جزئی‌تر با اعداد ترکیبی دو و سه رقمی (۱-۱، ۱-۲ و ۱-۳ و ۱-۱-۱، ۱-۲-۱ و ۱-۳-۱ و...)؛

۱۱. تمامی قواعد و استانداردهای نگارشی رعایت شوند؛

۱۲. نیم‌فاصله‌ها رعایت شوند؛ به عنوان مثال: می‌رود (صحیح) می‌رود (غلط)

۱۳. بین کلمات تنها یک فاصله باشد و فاصله‌های اضافه حذف شوند؛ به عنوان مثال: قانون. جزا (صحیح) قانون... جزا (غلط)

۱۴. فهرست منابع

- فهرست منابع در عناوین کلی به کتاب، مقاله، پایان نامه و اسناد داخلی و بین المللی تقسیم بندی شود؛
- فهرست کتاب: تخلص، نام کوچک، (سال نشر) نام کتاب، جلد (نام و تخلص مترجم، اگر ترجمه باشد) محل نشر، انتشارات، نوبت چاپ؛
- فهرست مقاله: تخلص، نام نویسنده، نام مقاله، (نام و تخلص مترجم، اگر ترجمه باشد) شماره مسلسل، سال نشر، صفحات مقاله در مجله؛
- در صورتی که سند داخلی یا بین المللی باشد، نام سند و سال تصویب حتماً ذکر شود؛

یادآوری:

از آنجاکه احترام به حقوق پدیدآورندگان آثار علمی، یکی از اصول راهبردی مجله است، نقض این حقوق توسط ارسال کنندگان مقالات، موجب رد مقاله خواهد شد؛

سردبیر در تلخیص، اصلاح و ویرایش مقالات پذیرفته شده آزاد است؛

در صورت لزوم به روزرسانی اطلاعات مندرج در مقاله هنگام چاپ، نویسنده (گان) متعهد به انجام آن است (هستند)؛

دفتر مجله مجاز خواهد بود مقالات چاپ شده را به صورت الکترونیکی نیز عرضه نماید؛

مسئولیت آرا و دیدگاه های ارائه شده در مقاله ها به عهده نویسنده (گان) است و چاپ آن ها به معنای تأیید مطالب نیست.

فهرست مطالب

۳	رابطه میان «برون‌گرایی» و «رضایت شغلی»؛ مطالعه‌ای فراتحلیل
۳۱	مبانی و ابزارهای بانکداری اسلامی در افغانستان
۵۹	بررسی و تحلیل مطلوبیت‌گرایی اقتصادی از نظرگاه امیرمؤمنان علی (ع) و جرمی بنتام
۸۵	جایگاه دولت اسلامی در اقتصاد
۱۱۵	تصمیم‌حریصانه کنفرانس برتن و دز، پیامدها و لغزش‌های آن
۱۲۷	ترازنامه بانک مرکزی، پول و تورم
۲۰۲۰ تا ۲۰۱۰	بررسی تأثیر امنیت بالای رشد اقتصادی افغانستان و کشورهای منتخب در سال‌های
۱۳۷	میلادی
	تحلیل اقتصادی صحت دهان و دندان؛ بررسی کلینیک‌های دندان ناحیه سوم شهر کابل (حمل تا
۱۵۹	حوت ۱۴۰۱)

سخن نخست

در دنیای پیچیده و پرشتاب امروز، اقتصاد از ارکان اساسی توسعه و پیشرفت جوامع محسوب می شود بدین جهت توجه به مولفه های اقتصادی نیازمند تجزیه و تحلیل دقیق، عمیق و مستمر است. فصلنامه ای علمی تحقیقی علوم اقتصادی که پیش روی شماست، سعی دارد تا درک صحیحی از وضعیت کنونی و آینده اقتصادی کشور و جهان ارائه دهد و از این رهگذر بر ارتقای کیفیت تحلیل ها و تصمیم گیری های اقتصادی در سطح خرد و کلان اثرگذار باشد. در شرایطی که اقتصاد جهانی با چالش های متعددی چون نوسانات قیمت نفت، تغییرات اقلیمی، بحران های مالی و اقتصادی، سیاست های پولی و مالی نوین و تحولات فناوری روبه رو است، اهمیت دیدگاه های علمی و مبتنی بر داده های واقعی برای پاسخ به این چالش ها، به ویژه در کشورهایی که در حال گذار اقتصادی هستند، بیش از پیش محسوس است؛ بنابراین، هدف این فصلنامه تنها انتشار مقالات علمی نیست، بلکه این فصلنامه در پی آن است تا فضای گفت و گویی روشن و مستند برای اندیشمندان، سیاست گذاران، پژوهشگران و فعالان اقتصادی فراهم آورد تا از طریق آن به شفاف سازی مباحث پیچیده اقتصادی پرداخته و به راهکارهای بهینه برای مسائل جاری دست یابد.

این شماره از فصلنامه اقتصادی به مهم ترین موضوعات اقتصاد، در شرایط کنونی افغانستان و جهان، پرداخته است. مقالات منتشر شده در این شماره، طیف وسیعی از مسائل اقتصادی، از جمله بررسی بانکداری اسلامی و رایحه مدل نوین در بحث مدیریتی و دخالت دولت در اقتصاد ... در دوران بحران های اقتصادی، چالش های پیش روی اقتصاد افغانستان در عرصه بین المللی، مدل های جدید رشد اقتصادی و توسعه پایدار و نقش نهادهای بین المللی در حل بحران های اقتصادی شامل می شود. ما به دنبال ارائه مقالاتی هستیم که با استفاده از تحلیل های داده محور، مدل های نظری و تجربی و مطالعات موردی معتبر، ابزاری مناسب برای فهم دقیق تر واقعیت های اقتصادی و تصمیم گیری مبتنی بر علم و تحلیل صحیح به خوانندگان ارائه دهند.

همچنین، تلاش کرده ایم - با بهره گیری از دانش اقتصاد در زمینه های مختلف اقتصادی - به الگوبرداری از بهترین شیوه های مدیریت اقتصادی پردازیم و به کارگیری مدل های نوین اقتصادی را برای بهبود وضعیت فعلی کشورمان بررسی کنیم.

با توجه به اینکه بحران های اقتصادی و جهانی - چون بحران های مالی، تغییرات اقلیمی و پاندمی ها - می توانند تأثیرات عمده ای بر ساختارهای اقتصادی داشته باشند، فصلنامه اقتصادی در نظر دارد تا - ضمن بررسی ریشه ها و علل این بحران ها - راهکارهای مختلف مقابله و پیشگیری از آثار منفی آن ها را تحلیل و نقد کند. در نهایت، فصلنامه اقتصادی - به عنوان رسانه ای علمی و

تخصصی - همواره در تلاش است تا به دور از هیاهوهای سیاسی و اقتصادی به تحلیل‌هایی عمیق، مستند و واقع‌گرایانه بپردازد و با ارائه مطالب دقیق و پژوهش‌محور، فضای علمی اقتصاد کشور را غنی‌تر سازد. ما امیدواریم با همراهی شما، در این مسیر علمی و پژوهشی گام‌های مؤثری برداشته و به ارتقای سطح درک و دانش اقتصادی در جامعه کمک کنیم و از شما دعوت می‌کنیم تا با مطالعه این شماره از فصلنامه، ضمن بهره‌مندی از تحلیل‌های علمی و مستند، نگاهی نو به مسائل پیچیده اقتصادی پیدا کرده و از آن در تصمیم‌گیری‌های کلان اقتصادی و سیاست‌گذاری‌های کشور بهره‌برداری کنید.

سر دبیر مجله سید براتعلی نقوی



رابطه میان «برون‌گرایی» و «رضایت شغلی»؛ مطالعه‌ای فراتحلیل

علی کاتبی^۱، امیر مسعود صالحی^۲، سید رضا نقوی^۳ و حنیفه حسینی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۲/۱

تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۲/۲۰

چکیده

مدیران سازمان‌ها نیازمند شناخت ویژگی‌های شخصیتی کارکنان خود و نگرش آن‌ها نسبت به سازمان برای اقدامات مناسب جهت افزایش رضایت‌مندی کارکنان و به دنبال آن، افزایش میزان بهره‌وری سازمان هستند. هدف این مطالعه فراتحلیل ۵ بررسی رابطه برون‌گرایی ۶ با رضایت شغلی ۷، بدون در نظر گرفتن جنبه خاصی از برون‌گرایی، است. تعداد ۷۱۰ مطالعه در زبان‌های انگلیسی و فارسی، از چهار پایگاه داده (اسکوپوس، ساینس دایرکت، ACSE و مگ-ایران)، طی سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۹ به گروه نمونه افزوده شدند و در نهایت، ۳۶ مقاله با ۳۷ داده مستقل و قابل بررسی، انتخاب و تجزیه و تحلیل شد. ناهمگونی داده‌ها توسط آزمون Q کوکران تعیین شد. این مطالعه سوگیری‌های انتشار، زبان، استناد و انتخاب را در نظر گرفته است. وجود سوگیری انتشار نیز توسط کردار قیفی و آزمون ایگر بررسی شد. تمام آزمون‌های آماری توسط نسخه شماره ۲ نرم‌افزار Comprehensive Meta-Analysis (CMA2) انجام شده‌اند. نتایج تحلیل‌های انجام‌شده با مدل اثرات تصادفی نشان دادند که برون‌گرایی، رابطه معنادار و مثبتی با رضایت شغلی دارد؛ ضریب هم‌بستگی این ارتباط برابر با ۰/۲۰۳ است. در این مطالعه، متغیر تعدیل‌گری شناسایی نشد.

واژگان کلیدی: برون‌گرایی، رضایت شغلی، ویژگی‌های شخصیتی^۸، فراتحلیل.

۱ - استادیار، عضو هیئت علمی گروه مهندسی و مدیریت ساخت، گروه عمران، دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه خوارزمی،

katebi2020@khu.ac.ir

۲ - استادیار، عضو هیئت علمی گروه مهندسی و مدیریت ساخت، گروه عمران، دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه خوارزمی،

am_salehi@2020khu.ac.ir

۳ - کارشناسی ارشد مهندسی عمران (گرایش مهندسی و مدیریت ساخت)، دانشگاه خوارزمی،

Std_sayedrezanaqavi@khu.ac.ir

۴ - کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه لرستان،

Hosseini.ha@fc.lu.ac.ir

5 - Meta-Analysis

6 - Extraversion

7 - Job Satisfaction

8 - Personality Characteristics

۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین منابع هر سازمان، نیروی انسانی آن است و کارایی و اثربخشی سازمان‌ها به کارایی نیروهای انسانی آن بستگی دارد. خشنودی و رضایت شغلی کارکنان سازمان از مسائلی هستند که باید در هر سازمانی به آن‌ها توجه شود (Mostafaei & Roshan, 1389). مدل پنج‌فاکتوری، که به‌عنوان پنج عامل بزرگ شخصیت نیز شناخته می‌شود، قطعاً مورد قبول‌ترین و پرکاربردترین طبقه‌بندی شخصیت هنگام پیش‌بینی رفتار شغلی و شغلی است. این پنج عامل شامل ثبات عاطفی (روان‌رنجوری)، برون‌گرایی، گشودگی (پذیرا بودن نسبت به تجارب)، نرم‌خویی (سازگاری) و باوجدان بودن است (Paleczek et al, 2018). برون‌گرایی بیانگر میزان احساس راحتی فرد در تعامل اجتماعی با دیگران است. اشخاص برون‌گرا غالباً جسور، فعال، خوش‌صحبت و پرانرژی هستند (Paleczek et al, 2018). رضایت شغلی، میزان کلی اثر مثبت یا احساسی است که افراد نسبت به شغل خود دارند (Aydognmus et al, 2018). بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با شغل افراد، طی سال‌های متمادی موضوع پژوهش‌های متفاوتی بوده است (Baghban et al, 1386). علی‌رغم بیان میزان تأثیر شدید و مثبت برون‌گرایی بر رضایت شغلی در برخی مطالعات (Harari et al, 2018؛ Huang et al, 2016؛ Zhai et al, 2013)، پژوهش‌هایی نیز بر عدم تأثیر و معناداری آن‌ها تأکید دارند (Elfstrand Corlin & Kazemi, 2017؛ Bui, 2017). باتوجه به حجم مطالعات انجام‌شده در این زمینه، که نتایج متفاوت و متضادی را گزارش کرده‌اند، انجام مطالعه متاآنالیز دیگری ضروری به نظر می‌رسد.

۲. پیشینه تحقیق

برخی از مطالعات اخیر به هم‌بستگی مثبت و قوی بین برون‌گرایی و رضایت شغلی اشاره می‌کنند. جلال رجا نبیل و همکارانش (۲۰۱۹)، در پژوهش خود در کشور پاکستان، اثر ویژگی‌های شخصیتی بر رضایت شغلی کارمندان را با نقش مکمل اخلاق اسلامی کار بررسی کردند. آن‌ها به وجود رابطه‌ای قوی و مثبت با ضریب هم‌بستگی ۰/۷۲۹ بین ویژگی برون‌گرایی و رضایت شغلی اشاره دارند (Jalal et al, 2019). تعدادی دیگر از پژوهش‌های انجام‌شده، ارتباط متوسط و معنادار بین این دو متغیر را گزارش می‌کنند. حاتمیان و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود با عنوان پیش‌بینی رضایت شغلی براساس ویژگی‌های شخصیتی و توانمندسازی روانشناختی بین میان‌سالان و سالمندان شاغل در شهر کرمانشاه، اظهار داشتند که رابطه متوسط و مثبتی بین ویژگی برون‌گرایی و رضایت شغلی با ضریب هم‌بستگی ۰/۴۲ وجود دارد (Hatamian et al, 2019). نتایج مطالعات دیگری نیز حاکی از رابطه ضعیف بین این دو متغیر است. عبداللهی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی رابطه برون‌گرایی و درون‌گرایی با رضایت شغلی در معلولان شاغل در ادارات شهرستان الیگودرز پرداختند. آن‌ها دریافتند





که رابطه‌ای ضعیف و مثبت بین برون‌گرایی و رضایت شغلی با ضریب هم‌بستگی 0.20 وجود دارد (Abdullahi et al, 1395). زیگلر هیل و همکاران (2015) در پژوهشی در منطقه جنوبی اسرائیل با عنوان نقش ویژگی‌های شخصیتی و عملکرد شغلی در رفتار مشتریان گزارش کردند که تأثیر ضعیف و مثبتی بین بُعد برون‌گرایی شخصیت با عملکرد شغلی با ضریب هم‌بستگی 0.197 وجود دارد (Zeigler-Hill et al, 2015). سلیمان و رافنو (2019) در پژوهش خود با عنوان بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و رضایت شغلی با اعتیاد به اینترنت در میان کارکنان نهادهای مالی مالزی گزارش کردند که هم‌بستگی قابل توجهی بین برون‌گرایی و رضایت شغلی وجود ندارد؛ آن‌ها بر رابطه مثبت اما ضعیف بین این دو متغیر با ضریب هم‌بستگی 0.07 تأکید دارند (Sulaiman et al, 2019). جادج و همکاران (2012) به بررسی تأثیرات ژنتیکی بر رضایت و استرس شغلی روی افراد دوقلو در سوئد پرداختند و از متغیر برون‌گرایی به عنوان متغیر کنترلی استفاده و بیان کردند که رابطه ضعیف و مثبتی بین برون‌گرایی و رضایت شغلی با ضریب هم‌بستگی 0.11 وجود دارد (Judge et al, 2012).

با وجود مطالعات پیشین - که نتایج مثبت و تأثیرات مختلف بین دو متغیر را گزارش کردند - برخی از محققان، نبود ارتباط معنادار بین آن‌ها را بیان می‌کنند (اللهی، 1392). نجارپور استادی و همکاران (2010) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و باورهای غیر منطقی با رضایت شغلی نشان دادند که رابطه معنی‌داری بین ویژگی‌های شخصیتی و رضایت شغلی وجود ندارد و هیچ‌یک از ویژگی‌های شخصیتی نمی‌توانند رضایت شغلی افراد را پیش‌بینی کنند (سطح معنی‌داری 0.000) (استادی، 1389).

۳. هدف پژوهش

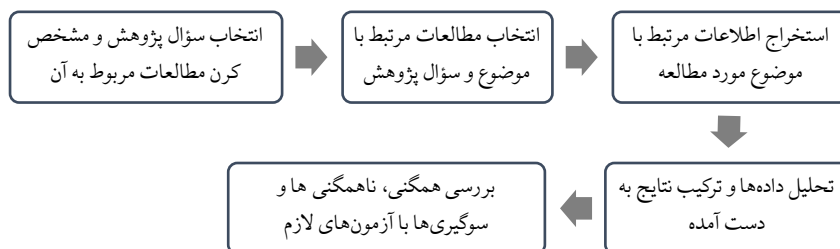
هدف از انجام این پژوهش، بررسی نتایج منتشر شده در بازه زمانی بین سال‌های 2012 تا 2019 میلادی در زمینه رابطه برون‌گرایی و رضایت شغلی است که با استفاده از روش فراتحلیل انجام می‌شود. این مقاله در چهار بخش قابل ارائه است؛ بخش اول شامل مقدمه‌ای بر انجام پژوهش‌های انجام‌شده درباره ارتباط بین برون‌گرایی و رضایت شغلی است؛ بخش دوم، روش تحقیق و نحوه انجام جستجو را شرح می‌دهد؛ نتایج جستجو، تحلیل، ناهمگونی، سوگیری و تحلیل حساسیت در بخش سوم بحث می‌شود و بخش پایانی به بحث و نتیجه‌گیری می‌پردازد.

۴. روش تحقیق

تحقیق حاضر، اثر برون‌گرایی بر رضایت شغلی را به روش فراتحلیل بررسی کرده است. فراتحلیل، روشی است که با به‌کارگیری روش‌های آماری خاص برای خلاصه کردن نتایج مطالعات مستقل جهت یافتن دقیق‌ترین شکل ارتباط بین متغیرهای مورد بررسی استفاده می‌شود. با روش فراتحلیل می‌توان نتایج پژوهش را با یکدیگر ترکیب کرد و روابط تازه‌ای میان پدیده‌های اجتماعی کشف کرد



(Afshin Mousavi Chelak, 2018). فراتحلیل نیز، مانند همه پژوهش‌های نظام‌مند، دارای مراحل مشخصی است و در واقع از مدل فرایندی خاصی تبعیت می‌کند. مراحل فراتحلیل از نظر یکی از اندیشمندان به شرح زیر است؛ ابتدا سؤال پژوهش مشخص و پژوهش‌های مربوط به آن تعیین می‌شوند؛ سپس پژوهش‌های مورد نظر انتخاب می‌شوند؛ پس از آن با توجه به مقتضیات پژوهش، یکی از دو مدل اثرات ثابت یا تصادفی انتخاب می‌شوند و در نهایت، اثر خلاصه شده محاسبه می‌شود و نتایج حاصل، با توجه به یافته‌های پژوهش‌های انجام شده، تفسیر و تعبیر می‌شوند. مراحل روش تحقیق به صورت فلوچارت در شکل (۱) قابل مشاهده هستند.



شکل ۱: مراحل روش تحقیق

هدف اصلی روش متاآنالیز، تعیین اندازه اثر خلاصه شده با ترکیب اطلاعات از مطالعات تحقیقاتی متعدد است. اندازه اثر در فراتحلیل، مقیاسی از شدت و جهت رابطه بین متغیرها است (Karada, 2015). اندازه اثر در مطالعات فراتحلیلی نیز گسترش یافته است که یافته‌های حوزه مطالعاتی خاصی را خلاصه می‌کند (گریسوم و کیم، ۲۰۰۵). کوهن، معیاری برای توصیف و برداشت از میزان اندازه اثر ارائه کرده است؛ براساس این معیار، اندازه اثر r برابر با $0/1$ به معنای ارتباط کم، $0/3$ به معنای ارتباط متوسط و $0/5$ به معنای ارتباط زیاد است؛ همچنین، اگر P -Value کوچک‌تر از $0/05$ باشد، نشانه معناداری رابطه است و اگر P -Value بزرگ‌تر از $0/05$ باشد، معناداری رابطه اثبات نمی‌شود.

جدول ۱: تفسیر اندازه اثر کوهن (کریمی، ۱۳۹۱)

اندازه اثر	d	r
اندازه اثر کم	$0/2$	$0/1$
اندازه اثر متوسط	$0/5$	$0/3$
اندازه اثر زیاد	$0/8$	$0/5$

۴-۱. نحوه جستجو و انتخاب مقالات

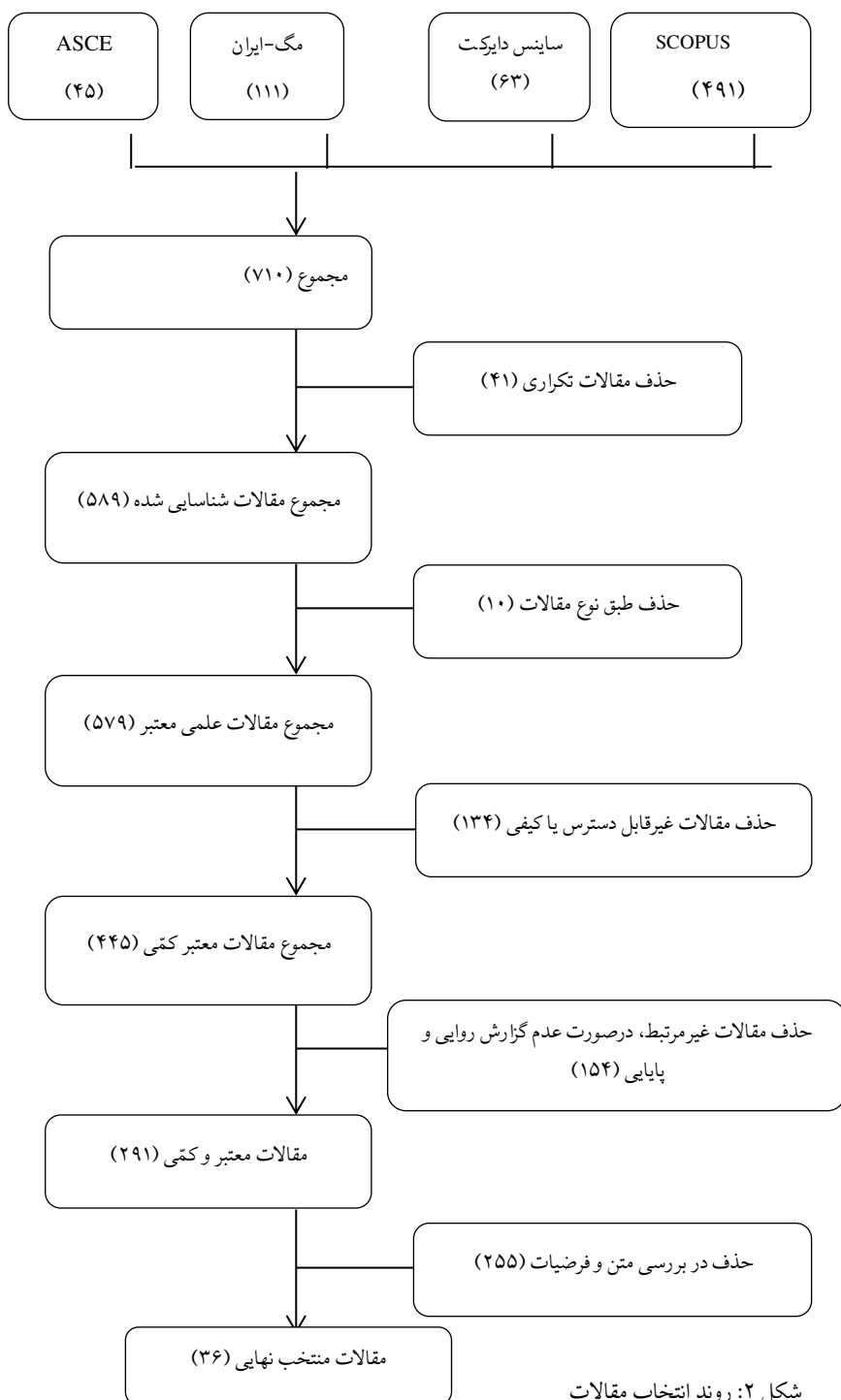
فرایند استاندارد در انتخاب مقالات، برای انجام این مطالعه فراتحلیل، در نظر گرفته شد. انتخاب مقالات باید بدون سوگیری انجام شود. مراحل فرایند استفاده شده در این تحقیق به شرح زیر هستند:

۱. محدودیت انتخاب شده برای سال انتشار مقالات، بین سال‌های ۲۰۱۲ الی ۲۰۱۹ میلادی؛
۲. روش و نحوه جستجوی کلیدواژه‌های مرتبط با موضوع مقالات؛
۳. انتخاب زبان‌های انگلیسی و فارسی برای جستجوی مقالات؛
۴. حذف مقالات تکراری دانلودشده؛
۵. محدود کردن مقالات طبق نوع آن‌ها (فقط مقالات مجلات علمی معتبر و منتشرشده)؛
۶. حذف مقالات غیرقابل دسترس شامل مقالات چاپ نشده، طرح‌های پژوهشی و گزارش‌های علمی و...؛
۷. حذف مقالات کیفی؛
۸. حذف مقالاتی که از روایی و پایایی مناسبی برخوردار نبودند؛
۹. حذف مقالاتی که ارتباط مستقیم با موضوع مورد مطالعه نداشتند.

جستجوی مقالات در ماه اکتبر ۲۰۱۹ صورت گرفت. جستجو برای مقالات انگلیسی در پایگاه‌های ASCE، Scopus، و ScienceDirect انجام شد. برای جلوگیری از سوگیری انتخاب زبان، مقالات فارسی از پایگاه داده مگ-ایران استخراج شدند.

محدودیت سال برای انتخاب مقالات، بین سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۹ میلادی بوده است. با این کار روشن می‌شود که پژوهش‌ها و مطالعاتی که قبل و بعد از این زمان منتشر شده‌اند، نادیده گرفته نشده‌اند؛ بلکه در قلمروی مطالعه و پژوهش ما قرار نگرفته‌اند. تعدادی از مقالات بر اثر تکراری بودن حذف شدند و فقط مقالاتی که از منابع و مجلات معتبر استخراج شده بودند، باقی ماندند. مطالعات و پژوهش‌هایی که نمونه کوچکی بررسی کرده بودند، از حوزه فراتحلیل خارج شدند تا بدین وسیله از تأکید بیش از حد بر پژوهش‌های کوچک اجتناب شود. مقالات قابل دسترس و مرتبط، به دو دسته مقالات کمی و کیفی تقسیم شدند. مقالات کیفی، به دلیل عدم کاربرد در فراتحلیل، حذف شدند؛ این تحقیقات، به دلیل ذهنی بودن در بررسی متغیرهای اصلی، در پژوهش‌های انجام شده ناتوان هستند. پس از آن، مقالاتی که دارای روایی و پایایی مناسب نبودند نیز حذف شدند؛ سپس با بررسی متن مقالات، آن دسته از مقالاتی که با موضوع مطالعه ما مرتبط نبودند یا فرضیه‌های آن‌ها با فرضیه مد نظر ما ارتباطی نداشتند و نتیجه لازم را گزارش نکرده بودند نیز حذف شدند. در نهایت، ۳۶ مقاله با داده‌های مستقل انتخاب شدند. روند کلی انتخاب مقالات در شکل (۲) نشان داده شده است.





شکل ۲: روند انتخاب مقالات

۴-۲. استخراج داده‌ها

پس از انتخاب مقالات، برای استخراج داده‌ها از الگوهای زیر استفاده شده است:

۱. ضریب هم‌بستگی^۱ و سائز نمونه^۲

۲. سائز نمونه، t-value و جهت اثر

بتا در مقالاتی که ضریب هم‌بستگی را در نتایج خود گزارش نکرده و صرفاً عدد β را گزارش کرده بودند، با استفاده از رابطه^(۱)، به ضریب هم‌بستگی تبدیل شد (Brown, 2005).

$$r = 0.98\beta + 0.05\lambda \begin{cases} \text{if } \beta > 0 \rightarrow \lambda = 1 \\ \text{if } \beta < 0 \rightarrow \lambda = 0 \end{cases} \quad (۱)$$

۴-۳. آنالیز داده‌ها

فرا تحلیل برای تمامی نتایج انجام شد. به طور کلی، دو رویکرد برای ترکیب و تحلیل نتایج در فرا تحلیل وجود دارد که یکی مدل اثرات ثابت و دیگری مدل اثرات تصادفی است (کریمی، ۱۳۹۱). انتخاب مدل به اندازه قابل توجهی به نوع استنباط‌هایی که پژوهشگر می‌کند، بستگی دارد. مدل اثرات ثابت، فقط با تغییرات درون پژوهش یا درون مطالعات سروکار دارد و مدل اثرات تصادفی، تغییرات بین مطالعه‌ها و تغییرات درون مطالعه‌ها را بررسی می‌کند. برای این پژوهش، مدل‌های اثرات تصادفی، مناسب‌تر شناخته شدند. ناهمگونی داده‌ها توسط آزمون Q کوکران تعیین شد. وجود سوگیری انتشار^۳ نیز توسط کردار قیفی^۴ و آزمون ایگر بررسی شد. تمام آزمون‌های آماری توسط نسخه شماره ۲ نرم‌افزار Comprehensive Meta-Analysis (CMA2) انجام شده‌اند.

مفهوم اصلی در فرا تحلیل، اندازه اثر است که میزان هم‌بستگی بین دو متغیر را نشان می‌دهد؛ البته میزان تغییر در متغیر وابسته به اثر متغیر مستقل را نیز می‌توان اندازه اثر نامید که ضریب هم‌بستگی، نشانگر متداول آن است. از میان شاخص‌های اندازه اثر می‌توان به d (هگز)، d یا g (کوهن)، r (هم‌بستگی گشتاوری پیرسون)، z (فیشر) و ... اشاره کرد. d، برآوردی از تفاوت بین میانگین گروه‌های اندازه اثر است؛ r نیز برآوردی از رابطه بین دو متغیر را در قالب هم‌بستگی نشان می‌دهد (Nasrollahi et al, 1392). نتایج حاصل از فرا تحلیل به صورت اندازه اثر و با ضریب هم‌بستگی پیرسون گزارش خواهند شد. ضریب هم‌بستگی پیرسون شاخصی برای توصیف شدت و جهت هم‌بستگی بین دو متغیر کمی است که مقداری بین -۱ و ۱ دارد (Pearson, 1895).

1 - Correlation

2 - Sample Size

3 - Publication Bias

4 - Funnel Plot





اندازه‌های اثر تک تک مطالعات ترکیب می‌شوند تا اندازه اثر متوسط یا ادغام‌شده حاصل شود که برآوردی دقیق از روابط بین متغیرها در مقایسه با برآورد روابط آن‌ها در تک تک این مطالعات است. اندازه اثر هر مطالعه مستقل، قبل از ترکیب با اندازه‌های اثر دیگر مطالعات مستقل، براساس اندازه نمونه آن مطالعه وزن‌دهی می‌شود که در نهایت، به صورت جدولی به همراه کردار درختی ارائه می‌شود. این جدول شامل ضریب هم‌بستگی محاسبه‌شده، بازه خطای مجاز، آماره‌های P-Value و Z-Value و حدهای بالا و پایین است (M. Borenstein, L. V Hedges, J. P. T. Higgins, 2011).

نمونه‌های آماری مطالعات مستقل معمولاً متعلق به جامعه‌های آماری مختلف هستند که به اندازه اثرهای ناهمگون منجر می‌شوند؛ از طرف دیگر، همگونی اندازه اثرها برای ترکیب مطالعات ضرورت دارد. وجود همگنی میان داده‌ها بدین معنیست که اندازه اثرهای مطالعات واردشده به فراتحلیل، شباهت دارند و از شرایط مشابهی پیروی می‌کنند. وجود ناهمگنی میان داده‌ها نیز بدان معنیست که مطالعات و نمونه‌های آن‌ها مشابه نبوده‌اند و تحقیقات به صورت تصادفی و غیرمشابه انجام شده‌اند. نتایج به دست آمده از نرم‌افزار CMA2 به صورت مدل اثرات ثابت و مدل اثرات تصادفی ارائه می‌شوند. انتخاب رویکرد مورد با توجه به میزان ناهمگنی میان داده‌ها بستگی دارد (M. Borenstein, L. V Hedges, J. P. T. Higgins, 2011).

مرحله بعدی فراتحلیل، بررسی نتایج آزمون Q کوکران برای انتخاب مدل اثرات ثابت یا تصادفی است. آماره Q در قالب توزیع کای دو (با درجه آزادی $df=n-1$ که n برابر با تعداد مطالعات واردشده به تحلیل است) برای برآورد ناهمگونی اندازه اثرها در مطالعات مختلف محاسبه می‌شود. ضریب همگونی Q برای آن است که دغدغه احتمال انتخاب نشدن نمونه‌ها از جامعه آماری یکسان را رفع کند. آزمون کوکران، مقادیر P-Value و Q-Value را گزارش می‌دهد و نتیجه‌گیری از این آزمون طبق مقدار P-Value صورت می‌گیرد. اگر مقدار این آماره کمتر از ۰/۰۵ باشد، به معنای وجود ناهمگنی میان داده‌ها است و باید برای فراتحلیل از نتایج مدل اثرات تصادفی استفاده شود؛ همچنین، اگر آماره P-Value بزرگ‌تر از ۰/۰۵ باشد، مدل اثرات ثابت انتخاب خواهد شد (Nasrollahi et al, 1392).

یکی از چالش‌های فراتحلیل، وجود سوگیری‌های مختلف است. مطالعه حاضر، سوگیری‌های زبان، انتخاب، انتشار و استناد را بررسی کرده است. سوگیری زبان هنگامی رخ می‌دهد که پژوهشگر ممکن است به علت آشنا نبودن با زبان‌های مختلف، فقط زبان خاصی را مدنظر قرار دهد و مطالعات به زبان‌های دیگر را بررسی نکرده باشد (M. Egger, G. D. Smith, M. Schneider, 1997). این مطالعه برای جلوگیری از سوگیری زبان، دو زبان را پوشش داده است. سوگیری انتخاب هنگامی رخ می‌دهد که پژوهشگر براساس قضاوت شخصی و سلیقه خود، مطالعات را انتخاب یا حذف کند

(M. E. and G. D. Smith, 1998)؛ این سوگیری با درپیش گرفتن فرایندی مشخص و استاندارد رفع شد. سوگیری انتشار در شرایطی رخ می‌دهد که پژوهشگران به دلیل کوچک بودن اندازه اثر مطالعات خود و نداشتن شانس برای منتشر شدن- نسبت به مقالاتی که اندازه اثرهای بزرگ یا متوسط دارند- از انتشار آن‌ها صرف نظر کنند؛ همچنین، ممکن است آن تحقیق- به دلیل جدید بودن- هنوز به مرحله انتشار نرسیده باشد. تمامی این شرایط، فراتحلیل را تحت تأثیر سوگیری انتشار قرار می‌دهند (M. Borenstein, L. V Hedges, J. P. T. Higgins, 2011).

همان‌گونه که می‌دانیم تورش انتشار¹ تهدیدی برای صحت نتایج مطالعات مروری است (Systematic review Funnel Plot, 1386). سوگیری انتشار توسط کردار کیفی و آزمون ایگر بررسی می‌شود. کاربرد کردار کیفی در بررسی شانس بروز سوگیری در انتشار نتایج است؛ محور عمودی این کردار نشان‌دهنده حجم نمونه مطالعات وارد شده و محور افقی آن میزان اثر یافت‌شده را نشان می‌دهد. یک خط افقی، نشان‌دهنده مقدار برآوردی شاخص در جامعه (حاصل از فراتحلیل) رسم شده و دو خط مورب کیفی شکل نیز حدود اطمینان ۹۵٪ مربوط به این شاخص‌ها را نشان می‌دهند. استفاده از کردار کیفی بر این اصل استوار است که هرچه حجم نمونه مطالعات افزایش پیدا کند، احتمال نزدیک‌تر بودن نتایج مطالعات به نتیجه حقیقی افزایش پیدا می‌کند و از سوی دیگر با کاهش حجم نمونه مطالعات، احتمال اینکه نتایج این مطالعات در محدوده بزرگ‌تری در اطراف نتیجه واقعی تغییر کنند، بیشتر می‌شود (Systematic review Funnel Plot, 1386). اگر فرض کنیم- به دلیل تورش انتشار- تعدادی از این مطالعات حذف شده باشند، توقع داریم قیف رسم‌شده، غیرقرینه باشد. اگر تورش انتشار وجود نداشته باشد، انتظار داریم کردار، متقارن باشد و مقدار پراکندگی حول اندازه اثر مداخله با افزایش اندازه نمونه کاهش یابد (Saadi et al, 1397).

آزمون ایگر به منظور بررسی اثرات سوگیری‌ها، به‌ویژه سوگیری انتشار، به کار گرفته می‌شود. مبنای روش ایگر این است که اگر تورش انتشار وجود نداشته باشد، انتظار می‌رود شیب رگرسیون به صفر نزدیک شود. نتایج این آزمون محدوده‌ای دارند که هرچه فاصله آن بیشتر باشد، به معنای کم بودن تعداد داده‌های مطالعه است. نتایج آزمون ایگر براساس کردار کیفی به دست می‌آید و ارائه می‌شود. آماره P-Value در دو حالت یک دامنه و دو دامنه، تقارن یا عدم تقارن را مشخص می‌سازد. اگر مقدار P-value برای یک و دو دامنه در این آزمون کمتر از ۰/۰۵ باشد، به معنی تأثیر سوگیری انتشار بر نتایج تحقیق است. اگر شیب به‌طور معنی‌داری با صفر اختلاف داشته باشد، نشان‌دهنده وجود رابطه‌ای بین اثر مداخله و اندازه نمونه، احتمالاً به دلیل تورش انتشار، است.

¹ - Publication bias





سوگیری استناد نیز ممکن است در مطالعه فراتحلیلی رخ دهد؛ این سوگیری هنگامی رخ می‌دهد که پژوهشگران صرفاً از یک پایگاه داده یا یک مجله به‌خصوص استفاده کرده باشند یا بیشتر به تحقیقاتی استناد کرده باشد که اندازه اثر بزرگ‌تر و معنادار نسبت به تحقیقات دارای اندازه اثر کمتر یا غیرمعنادار دارند (A.-S. Jannot, T. Agoritsas, A. Gayet-Ageron, 2013). مطالعه حاضر برای جلوگیری از این سوگیری، سه پایگاه داده را بررسی کرده است و شدت اندازه اثر گزارش شده در مقالات به‌عنوان معیار حذف در پروتکل قرار نگرفته است.

مرحله بعدی، ارزیابی و تعدیل سوگیری انتشار با استفاده از روش دوال و تونیدی انجام است که طی فرایندی مشاهدات نامنتطبق از کردار فائل حذف می‌شوند و به‌دنبال آن ارزش‌هایی که به مطالعات مفقود داده شده، اضافه می‌شوند.

آزمون N ایمن از خطای روزنتال، تعداد تحقیقات گم‌شده را محاسبه می‌کند که لازم است به تحلیل‌ها اضافه شوند تا عدم معناداری آماری اثر کلی به دست آید.

۵. نتایج تحقیق

بخش‌های قبلی این مطالعه، مقدمه‌ای بر دلیل و لزوم انجام فراتحلیل با موضوع مذکور و مروری بر ادبیات این موضوع بود که نتایج مطالعات پیشین به‌صورت خلاصه عنوان شدند. روش تحقیق و آزمون‌های مورد استفاده در این مطالعه نیز شرح داده شدند. بخش نتایج، آمارهای توصیفی و استنباطی را تبیین می‌کند. ابتدا برای تبیین آمار توصیفی، چگونگی جستجو و حذف مقالات بیان شده است و سپس اطلاعات کلی در رابطه با مقالات منتخب و نهایی، ارائه می‌شود. آمار استنباطی به مشخصات دقیق‌تری از مقالات می‌پردازد و سپس نتایج تحلیل‌ها و آزمون‌های مختلف به‌صورت تفکیک شده آورده می‌شود.

۵-۱. مشخصات مطالعات منتخب

مقالات منتخب در این مقاله با استفاده از فرایندی استاندارد و مشخص استخراج شده‌اند که در نهایت، ۳۶ مقاله با ۳۷ داده مستقل انتخاب شدند. این مقالات دربردارنده جامعه‌های آماری مختلفی شامل کارمندان فناوری اطلاعات، دانشجویان شاغل، معلولان شاغل، کارمندان خدمات شبکه‌های اجتماعی، فروشندگان، کارمندان سازمان خدمات عمومی، کارمندان رسمی و قراردادی، کارکنان پزشکی قانونی و... هستند. تحقیقات منتخب در بازه زمانی سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۹ منتشر شده‌اند که محل انجام این تحقیقات کشورهای مختلفی از جمله جنوب شرقی ایالات متحده، آلمان، کره جنوبی، چین، انگلستان، جنوب هند، مالزی، سنگاپور و ایران بوده است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در این مطالعات شامل پرسش‌نامه‌های الکترونیکی، مصاحبه و داده‌های پایگاه‌های اطلاعاتی بوده است. جدول (۲) مشخصات کلی مقالات انتخاب شده شامل نام خانوادگی اولین نویسنده، سال

انتشار، جامعه آماری بررسی شده در تحقیق، محل انجام تحقیق و تعداد داده‌های استخراج شده از هر مقاله را ارائه می‌دهد.

جدول ۲: مشخصات مقالات منتخب

ردیف	نویسنده	سال انتشار	جامعه آماری	محل انجام تحقیق	تعداد داده‌های استخراج شده
۱	Khatib (Khatib et al, 1395)	۱۳۹۴	کارکنان دانشگاه اما عصر رفسنجان	ایران	۱
۲	Bahrami (Forati & Dosti, 2017)	۱۳۹۶	کارکنان پزشکی قانونی لرستان	ایران	۱
۳	Abdullahi (Abdullahi et al, 1395)	۱۳۹۴	معلولان شاغل الیگودرز	ایران	۱
۴	Raja Nabeel (Jalal et al, 2019)	۲۰۱۹	کارمندان سازمان‌های بخش خصوصی	پاکستان	۱
۵	Fluei Chu (Chu et al, 2019)	۲۰۱۹	مدیران مؤسسات آموزشی	چین	۱
۶	Kampkotter (Kampkötter, 2017)	۲۰۱۶	کارمندان دولتی و صنایع	پاکستان	۱
۷	Celik (Çelik & Oral, 2019)	۲۰۱۹	اتحادیه مهندسان و معماران	ترکیه	۲
۸	Hyu jung Kim (H. J. Kim, 2016)	۲۰۱۶	کارمندان بخش فناوری اطلاعات	ترکیه	۱
۹	Ying Wang (Naseem et al, 2016)	۲۰۱۶	مدیران بانک‌ها	پاکستان	۱
۱۰	Akkerman (Akkerman et al, 2018)	۲۰۱۸	سازمان خدماتی مراقبتی	هلند	۱
۱۱	Aydogmus (Aydogmus et al, 2018)	۲۰۱۶	سازمان‌های فناوری اطلاعات	ترکیه	۱
۱۲	Bormann (Bormann et al, 2018)	۲۰۱۸	واحد‌های صنعتی	آلمان	۱





۱۳	Bui (Bui, 2017)	۲۰۱۷	شرکت‌های خدماتی بهداشتی، صنایع ملی و ...	انگلستان	۱
۱۴	Duffy (Duffy et al, 2012)	۲۰۱۲	دانشجویان شاغل	ایالات متحده	۱
۱۵	Elfstrand (Elfstrand Corlin & Kazemi, 2017)	۲۰۱۷	کارکنان بخش مراقبت از سالمندان	جنوب سوئد	۱
۱۶	Hahn (Hahn et al, 2016)	۲۰۱۵	انتخاب تصادفی افراد شاغل	آلمان	۱
۱۷	Harari (Harari et al, 2018)	۲۰۱۸	دانشجویان شاغل	ایالات متحده	۱
۱۸	Huang (Huang et al, 2016)	۲۰۱۵	مدیران شرکت‌ها	ایالات متحده	۱
۱۹	Hurt (Hurt et al, 2013)	۲۰۱۳	پزشکان درمانگر اُتیسیم	ایالات متحده	۱
۲۰	Jones (Jones et al, 2015)	۲۰۱۵	کارکنان شرکت‌های خدمات مالی، حقوقی و ...	ژوهانسبورگ	۱
۲۱	Judge (Judge et al, 2012)	۲۰۱۲	دوقلوهای زن و مرد شاغل	سوئد	۱
۲۲	Hyondog Kim (H. Kim & Chung, 2014)	۲۰۱۴	کارکنان خدمات شبکه‌های اجتماعی	کره	۱
۲۳	Loveland (Loveland et al, 2015)	۲۰۱۵	فروشنده‌گان	ایالات متحده	۱
۲۴	Maggiori (Maggiori et al, 2016)	۲۰۱۵	مدیران ارشد، کارمندان فروش و ...	سوئد	۱
۲۵	Mathieu (Mathieu, 2013)	۲۰۱۳	سازمان خدمات عمومی	کانادا	۱



۲۶	Paleczek (Paleczek et al, 2018)	۲۰۱۸	سازمان‌های مختلف	آلمان	۱
۲۷	Perera (Perera et al, 2018)	۲۰۱۸	معلمان	استرالیا	۱
۲۸	Rathi (Rathi & Lee, 2016)	۲۰۱۶	کارمندان هتل‌ها و رستوران‌ها	جنوب هند	۱
۲۹	Smith (S. A. Smith et al, 2018)	۲۰۱۵	کارمندان telework	ایالات متحده	۱
۳۰	Soh (Soh et al, 2016)	۲۰۱۶	پرسونل خدمات آمبولانس و اورژانس	انگلستان	۱
۳۱	Son (Son & Ok, 2019)	۲۰۱۸	دانشجویان شاغل	کره جنوبی	۱
۳۲	Sulaiman (Sulaiman et al, 2019)	۲۰۱۸	کارمندان مؤسسات مالی	مالزی	۱
۳۳	Templer (Templer, 2012)	۲۰۱۲	کارکنان ادارات مختلف	سنگاپور	۱
۳۴	Yue yu (Yu et al, 2017)	۲۰۱۷	کارمندان شرکت پتروشیمی	چین	۱
۳۵	Zhai (Zhai et al, 2013)	۲۰۱۳	کارمندان شهرسازی ۶ شهر	چین	۱
۳۶	Zimmerman (Zimmerman et al, 2012)	۲۰۱۲	کارمندان شرکت‌های مختلف	ایالات متحده	۱

۲-۵. اندازه اثر مطالعات

فرا تحلیل، روشی آماری است برای خلاصه‌سازی نتایج گروهی از مطالعات فردی به صورت نظام‌مند و با به کارگیری اندازه اثر استفاده (فیلیپس و همکاران، ۲۰۱۱؛ کریمی، ۱۳۹۱). در این بخش به بررسی وضعیت سوگیری انتشار داده‌های تحقیق، با توجه به سطح معناداری از جدول N ایمن از خطا، جداول اصلاح و برازش دوال و تئیدی به همراه آزمون Q کوکران، همگونی یا ناهمگونی اندازه‌های اثر به دست آمده می‌پردازیم. جدول (۳)، داده‌ها و یافته‌های آماری - مانند تخمین نقطه‌ای، حد بالا، حد پایین، P-Value و Z-Value مطالعات - را نشان می‌دهد.

جدول ۳: آماره‌های مطالعات

ردیف	نام مطالعه	اندازه اثر	حد پایین	حد بالا	z-value	p-value
۱	Khatib	۰/۲۵۰	۰/۰۹۳	۰/۳۹۴	۳/۰۹۷	۰/۰۰۲
۲	Bahrami	۰/۴۹۰	۰/۲۲۵	۰/۶۸۷	۳/۴۳۲	۰/۰۰۱
۳	Abdullahi	۰/۲۱۲	۰/۰۱۶	۰/۳۹۲	۲/۱۲۰	۰/۰۳۴
۴	Raja Nabeel	۰/۷۲۹	۰/۶۶۷	۰/۷۷۴	۱۷/۵۳۲	۰/۰۰۰
۵	Fluei Chu	۰/۴۴۰	۰/۳۹۰	۰/۴۸۸	۱۵/۱۷۰	۰/۰۰۰
۶	Kampkotter	۰/۱۰۰	۰/۰۸۶	۰/۱۱۴	۱۴/۱۷۹	۰/۰۰۰
۷	Celik	۰/۰۰۵	(۰/۰۹۳)	۰/۱۰۳	۰/۱۰۰	۰/۹۲۱
۸	Celik	۰/۲۵۰	۰/۱۵۶	۰/۳۴۰	۵/۰۸۹	۰/۰۰۰
۹	Hyu jung Kim	۰/۲۲۴	۰/۰۹۳	۰/۳۴۷	۳/۳۲۵	۰/۰۰۱
۱۰	Ying Wang	۰/۱۸۰	۰/۱۲۶	۰/۲۳۳	۵/۴۱۹	۰/۰۰۰
۱۱	Akkerman	۰/۰۶۰	(۰/۱۲۳)	۰/۲۳۹	۰/۶۴۱	۰/۵۲۱
۱۲	Aydogmus	۰/۰۵۰	(۰/۰۸۳)	۰/۱۸۱	۰/۷۳۹	۰/۴۶۰
۱۳	Bormann	۰/۱۶۰	(۰/۰۰۸)	۰/۳۱۹	۱/۸۶۸	۰/۰۵۲
۱۴	Bui	۰/۰۵۹	۰/۰۳۷	۰/۰۸۱	۵/۱۶۰	۰/۰۰۰
۱۵	Duffy	۰/۱۰۰	(۰/۰۲۹)	۰/۲۲۶	۱/۵۱۸	۰/۱۲۹
۱۶	Elfstrand	۰/۰۳۰	(۰/۰۸۰)	۰/۱۳۹	۰/۵۳۶	۰/۵۹۲
۱۷	Hahn	۰/۱۳۰	۰/۰۵۲	۰/۲۰۷	۳/۲۵۳	۰/۰۰۱
۱۸	Harari	۰/۱۵۰	(۰/۰۰۹)	۰/۳۰۲	۱/۸۴۵	۰/۰۵۵
۱۹	Huang	۰/۱۹۰	۰/۱۶۵	۰/۲۱۵	۱۴/۷۰۵	۰/۰۰۰
۲۰	Hurt	۰/۴۲۸	۰/۲۶۴	۰/۵۶۸	۴/۷۹۸	۰/۰۰۰
۲۱	Jones	۰/۱۵۰	۰/۰۱۴	۰/۲۸۱	۲/۱۵۹	۰/۰۳۱
۲۲	Judge	۰/۱۱۰	۰/۰۳۰	۰/۱۸۹	۲/۶۸۵	۰/۰۰۷
۲۳	Hyondog Kim	۰/۱۹۰	۰/۱۴۰	۰/۲۳۹	۷/۳۲۱	۰/۰۰۰
۲۴	Loveland	۰/۱۲۳	۰/۰۱۰	۰/۲۳۳	۲/۱۲۷	۰/۰۳۳
۲۵	Maggiori	۰/۲۱۰	۰/۱۶۴	۰/۲۵۵	۸/۸۱۸	۰/۰۰۰
۲۶	Mathieu	۰/۰۰۰	(۰/۱۳۱)	۰/۱۳۱	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰
۲۷	Paleczek	۰/۳۴۰	۰/۲۳۳	۰/۴۳۹	۵/۹۶۷	۰/۰۰۰
۲۸	Perera	۰/۱۱۳	۰/۰۳۱	۰/۱۹۳	۲/۷۱۲	۰/۰۰۷
۲۹	Rathi	۰/۴۲۰	۰/۳۱۲	۰/۵۱۷	۷/۰۳۶	۰/۰۰۰



۰/۰۰۰	۹/۷۰۷	۰/۵۳۵	۰/۳۳۷	۰/۴۶۰	Smith	۳۰
۰/۰۱۵	۲/۴۳۷	۰/۱۹۷	۰/۰۲۲	۰/۱۱۰	Soh	۳۱
۰/۰۰۰	۴/۷۴۷	۰/۱۶۹	۰/۰۷۱	۰/۱۲۰	Son	۳۲
۰/۲۲۷	۱/۲۰۸	۰/۱۸۲	(۰/۰۴۴)	۰/۰۷۰	Sulaiman	۳۳
۰/۰۰۰	۴/۵۸۶	۰/۳۳۶	۰/۱۳۹	۰/۲۴۰	Templer	۳۴
۰/۰۳۵	۲/۱۰۸	۰/۲۴۷	۰/۰۰۹	۰/۱۳۰	Yue yu	۳۵
۰/۰۰۰	۶/۳۸۵	۰/۲۸۴	۰/۱۵۴	۰/۲۲۰	Zhai	۳۶
۰/۰۰۱	۳/۲۵۳	۰/۲۶۸	۰/۰۶۸	۰/۱۷۰	Zimmerman	۳۷

۳-۵. نتایج فراتحلیل

نتایج تحلیل در هر دو حالت مدل اثرات تصادفی و مدل اثرات ثابت در جدول (۴) نشان داده شده‌اند.

جدول ۴: نتایج تحلیل با مدل‌های اثرات تصادفی و ثابت

p-value	z-value	حد بالا	حد پایین	اندازه اثر	
۰/۰۰۰	۳۱/۲۸۵	۰/۱۴۹	۰/۱۳۱	۰/۱۴۰	مدل اندازه اثر ثابت
۰/۰۰۰	۹/۴۶۵	۰/۲۴۴	۰/۱۶۲	۰/۲۰۳	مدل اندازه اثر تصادفی

بخش مهمی از هر فراتحلیل، آزمون همگنی مطالعات است که برای بررسی این مفروضه از آزمون Q کوکران استفاده شده است؛ نتایج حاصل از بررسی در جدول (۵) نمایش داده شده‌اند.

جدول ۵: نتایج آزمون Q کوکران

I-Squared	سطح معنی داری (P-Value)	درجه آزادی (Df)	مقدار آزمون Q
۹۳/۹۱۸	۰/۰۰۰	۳۶	۵۹۱/۹۵۶

باتوجه به نتایج حاصل از آزمون Q کوکران به نظر می‌رسد درباره مطالعات ($P < 0.05$) با اطمینان ۹۵٪، فرض صفر مبنی بر ناهمگن بودن مطالعات پذیرفته و فرض همگونی میان پژوهش‌ها رد باشد؛ یعنی، معنی دار بودن شاخص Q نشان دهنده وجود ناهمگنی در اندازه اثر پژوهش‌ها است. ضریب مجذور I مقداری از صفر تا ۱۰۰ دارد و درواقع ناهمگنی را به صورت درصد نشان می‌دهد؛ هرچه مقدار این ضریب به ۱۰۰٪ نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده ناهمگنی بیشتر اندازه اثر آثار پژوهش‌ها است. در مطالعات مربوط به برون‌گرایی و رضایت شغلی، نتایج حاصل از مجذور I بیانگر این مطلب است که حدود ۹۴٪ از تغییرات کل مطالعات به ناهمگنی آن‌ها مربوط است و باید از الگوی آثار





تصادفی برای نتایج استفاده کرد. در الگوی اثرات ثابت فرض می‌شود اندازه اثر واقعی ای وجود دارد که زیربنای همه تحلیل‌ها است و تفاوت‌های اندازه اثر پژوهش‌های اولیه به دلیل خطای نمونه‌گیری است؛ در مقابل، در الگوی اثرات تصادفی فرض می‌شود اندازه اثر واقعی از پژوهشی به پژوهش دیگر در حال تغییر است که یکی از علت‌های آن ممکن است وجود متغیرهای مداخله‌گر در روابط بین متغیرهای وابسته و مستقل باشد (M. Borenstein, L. V Hedges, J. P. T. Higgins, 2011).

فرا تحلیل نشان داد که ارتباط معناداری بین برون‌گرایی و رضایت شغلی وجود دارد. ضریب هم‌بستگی این ارتباط برابر با 0.203 است ($95\% \text{ CI}=0.162 \text{ to } 0.244; P=0.000$). براساس معیار کوهن، اندازه اثر برابر با 0.1 یعنی کم، 0.3 یعنی متوسط و 0.5 یعنی زیاد است؛ طبق این معیار، به دلیل کوچک‌تر از 0.5 بودن اندازه اثر، نتیجه‌گیری می‌شود که اندازه اثر متوسط روبه‌کم است؛ در عین حال مقدار P-value کوچک‌تر از 0.05 است که نشان دهنده وجود ارتباط معنادار است.

۴-۵. آزمون‌های سوگیری

۱-۴-۵. سوگیری زبان

زمانی که پژوهشگر به دلیل آشنا نبودن با دیگر زبان‌ها فقط از طریق یک زبان به جمع‌آوری اطلاعات پردازد، سوگیری زبان رخ می‌دهد. در این مقاله به منظور جلوگیری از این سوگیری، مقالات به دو زبان فارسی و انگلیسی جمع‌آوری شده‌اند.

۲-۴-۵. سوگیری انتخاب

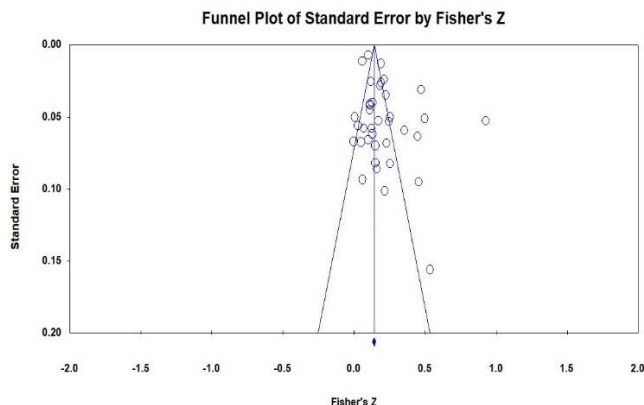
این سوگیری به دنبال انتخاب و حذف مقالات با سلیقه شخصی پژوهشگر اتفاق می‌افتد؛ بنابراین، بهترین روش برای محافظت در برابر این تورش انتخاب مقالات براساس پروتکلی استاندارد است. در این پژوهش سعی شده فرایندی استاندارد با مراحل مشخص برای جستجو و انتخاب مقالات استفاده شود.

۳-۴-۵. سوگیری انتشار

این سوگیری از جایی ناشی می‌شود که برخی پژوهشگران، مطالعات خود را منتشر نمی‌کنند؛ برای مثال مرسوم است که هم‌بستگی دو چیز بررسی و نتایج آن منتشر شود، اما به ندرت تحقیقی درباره عدم ارتباط بین دو چیز انجام می‌شود یا در صورت بررسی، نتایج حاصل منتشر نمی‌شود.

برای تشخیص تورش انتشار در داده‌های این تحقیق، کردار کیفی و روش رگرسیونی ایگر به کار گرفته شد. کردار کیفی برای بررسی شانس بروز سوگیری در انتشار نتایج استفاده می‌شود. آزمون ایگر، اثرات سوگیری‌ها- به‌ویژه سوگیری انتشار- را بررسی می‌کند. اگر مقدار P-value یک دامنه و دو دامنه در این آزمون کمتر از 0.05 باشد، به معنی تأثیر سوگیری انتشار بر نتایج تحقیق است (M. Borenstein, L. V Hedges, J. P. T. Higgins, 2011). طبق نتایج حاصل از کردار کیفی و

آزمون ایگر، سوگیری انتشار در نتایج این تحقیق وجود دارد؛ کردار قیفی در شکل (۴) نشان داده شده است. اگر مقدار P-value یک دامنه و دو دامنه در آزمون ایگر بیشتر از ۰/۰۵ باشد، به معنی عدم تأثیر سوگیری انتشار بر نتایج تحقیق است (= P-value (2-tailed) = 0.00695 & P-value (1-tailed) = 0.01390)؛ بنابراین، مشاهده می‌شود که سوگیری انتشار بر نتایج تحقیق ما تأثیر می‌گذارد.



شکل ۴: کردار قیفی و بررسی تقارن مطالعات

۵-۴-۴. سوگیری استناد

در گذشته، پژوهشگران باید به کتابخانه‌های کشورهای مختلف مراجعه و نتایج تحقیقات مختلف را جمع‌بندی می‌کردند تا مقاله متاآنالیز ارائه کنند؛ در این صورت، اگر فقط مقاله‌های یک کتابخانه را بررسی می‌کردند، دچار سوگیری در تحقیق خود می‌شدند. امروزه، با استفاده از اینترنت می‌توان به مطالعات مختلف را از هرجای جهان دسترسی داشت. مقالات باید حداقل از سه پایگاه داده جمع‌آوری شوند تا سوگیری استناد ایجاد نشود. مطالعه حاضر برای جلوگیری از این سوگیری، سه پایگاه داده را بررسی کرده است و شدت اندازه اثر گزارش شده در مقالات، معیار حذف در پروتکل قرار نگرفته است.

۵-۵. اصلاح برازش دوال و توئیدی^۱

اصلاح برازش دوال و توئیدی روشی است که طی آن برخی نتایج اصلاح می‌شوند و تعیین می‌شود چند تحقیق دیگر باید به این مطالعه اضافه شوند تا مشکل سوگیری آن برطرف شود. طبق نتایج به‌دست‌آمده از آزمون ایگر، به دلیل بیشتر بودن مقدار P-value از ۰/۰۵، سوگیری انتشار بر نتیجه تحقیقات اثر می‌گذارد. نتایج اصلاح برازش دوال و توئیدی در جدول (۶) آورده شده است. لازم به ذکر است، که به دلیل استفاده از مدل اثرات تصادفی، نتایج اعلام شده برای اصلاح برازش دوال و توئیدی نیز فقط برای همین مدل ذکر شده‌اند و از ذکر نتایج مدل اثر ثابت صرف نظر شده است.

¹ - Duval & Tweedie's trim and fill



جدول ۶: نتایج اصلاح برآزش دوال و تونیدی

مقدار Q	اثر تصادفی			در کردار قیفی	سمت چپ خط میانی در سمت راست خط میانی
	حد بالا	حد پایین	تخمین نقطه‌ای		
تعداد مطالعات مورد نیاز: ۰					
۵۹۱/۹۵۶۳۳	۰/۲۴۳۶۳	۰/۱۶۱۸۸	۰/۲۰۳۱۱	ارزش مشاهدات	
۵۹۱/۹۵۶۳۳	۰/۲۴۳۶۳	۰/۱۶۱۸۸	۰/۲۰۳۱۱	ارزش اصلاح شده	
تعداد مطالعات مورد نیاز: ۱۰					
۵۹۱/۹۵۶۳۳	۰/۲۴۳۶۳	۰/۰۷۴۳۸	۰/۱۲۲۲۵	ارزش اصلاح شده	کردار قیفی

۵-۶. آزمون Nهای ایمن از خطا

آزمون N ایمن از خطا، تعداد تحقیقات گم شده با میانگین اثر صفر را محاسبه می کند که در صورت اضافه شدن به تحلیل ها، از لحاظ آماری، اثر کلی غیر معناداری به دست می آید و نتایج تغییر می کنند. نتایج آزمون N ایمن از خطای روزنتال در جدول (۷) نشان داده شده است؛ طبق این نتایج، مقدار N ایمن از خطای روزنتال برابر با ۸۲۸۴ است که به معنای آن است که باید ۸۲۸۴ تحقیق خنثی به مطالعات اضافه شوند تا مقدار P-value دودامنه از ۰/۰۵ بیشتر شود و در نتایج نهایی محاسبات و تحلیل ها خطایی رخ ندهد. طبق نتایج پژوهش رزنبرگ، تحقیقاتی که مقدار N ایمن از خطا در آن ها بیشتر از ۵۰۰ باشد، اعتبار بالایی دارند؛ همچنین، براساس معادله ارائه شده روزنتال، اگر مقدار N ایمن از خطا در تحقیق حاضر از ۸۲۸۴ بیشتر باشد، این پژوهش دارای اعتبار مناسب و قابل قبولی خواهد بود.

جدول ۷: نتایج آزمون N ایمن از خطای روزنتال

۲۹/۳۹۲۰۰	مقدار Z برای مطالعات مشاهده شده
۰	مقدار P برای مطالعات مشاهده شده
۰/۰۵	آلفا
۲	دنباله
۱/۹۵۹۹۶	Z برای آلفا
۳۷	تعداد مطالعات مشاهده شده
۸۲۸۴	تعداد مطالعات گم شده ای که مقدار P را به آلفا می رساند



۵-۷. تحلیل حساسیت^۱

نتایج تحلیل حساسیت نشان داده‌اند که اثر تمام تحقیقات بر نتیجه تحلیل نهایی، نسبتاً یکسان هستند. نتیجه نهایی فراتحلیل، اندازه اثر ۰/۲۰۳ را گزارش می‌دهد و از بین ۳۶ مقاله منتخب، نتیجه تحلیل حساسیت برای تمامی آن‌ها در بازه بین ۰/۱۸۲ تا ۰/۲۰۹ است که نسبتاً اندازه اثرهای نزدیکی به نتیجه فراتحلیل هستند؛ همچنین، مقادیر P-value به دست آمده در تحلیل حساسیت برای این ۳۷ داده، نشان‌دهنده آن هستند که حذف هریک از این مطالعات از فراتحلیل، نتیجه را دچار تغییر نخواهد کرد. نتایج تحلیل حساسیت در جدول (۸) تبیین شده‌اند.

جدول ۸: نتایج تحلیل حساسیت

ردیف	نام نویسنده	تخمین نقطه‌ای	حد پایین	حد بالا	z-value	p-value
۱	Khatib	۰/۲۰۲	۰/۱۶۰	۰/۲۴۳	۹/۲۹۵	۰/۰۰۰
۲	Bahrami	۰/۱۹۹	۰/۱۵۸	۰/۲۴۰	۹/۲۵۲	۰/۰۰۰
۳	Abdullahi	۰/۲۰۳	۰/۱۶۱	۰/۲۴۴	۹/۳۵۰	۰/۰۰۰
۴	Raja Nabeel	۰/۱۸۲	۰/۱۴۷	۰/۲۱۶	۱۰/۱۷۱	۰/۰۰۰
۵	Fluei Chu	۰/۱۹۴	۰/۱۵۵	۰/۲۳۲	۹/۶۴۷	۰/۰۰۰
۶	Kampkotter	۰/۲۰۷	۰/۱۵۹	۰/۲۵۴	۸/۳۲۰	۰/۰۰۰
۷	Celik	۰/۲۰۹	۰/۱۶۷	۰/۲۵۰	۹/۵۹۲	۰/۰۰۰
۸	Celik	۰/۲۰۲	۰/۱۶۰	۰/۲۴۳	۹/۲۴۸	۰/۰۰۰
۹	Hyu jung Kim	۰/۲۰۳	۰/۱۶۱	۰/۲۴۴	۹/۳۰۰	۰/۰۰۰
۱۰	Ying Wang	۰/۲۰۴	۰/۱۶۱	۰/۲۴۶	۹/۲۱۴	۰/۰۰۰
۱۱	Akkerman	۰/۲۰۶	۰/۱۶۴	۰/۲۴۷	۹/۴۹۱	۰/۰۰۰
۱۲	Aydogmus	۰/۲۰۷	۰/۱۶۵	۰/۲۴۸	۹/۵۰۸	۰/۰۰۰
۱۳	Bormann	۰/۲۰۴	۰/۱۶۲	۰/۲۴۵	۹/۳۸۴	۰/۰۰۰
۱۴	Bui	۰/۲۰۸	۰/۱۶۴	۰/۲۵۱	۹/۰۸۲	۰/۰۰۰
۱۵	Duffy	۰/۲۰۶	۰/۱۶۴	۰/۲۴۷	۹/۴۳۸	۰/۰۰۰
۱۶	Elfstrand	۰/۲۰۸	۰/۱۶۶	۰/۲۴۹	۹/۵۴۱	۰/۰۰۰
۱۷	Hahn	۰/۲۰۵	۰/۱۶۳	۰/۲۴۷	۹/۳۴۹	۰/۰۰۰
۱۸	Harari	۰/۲۰۴	۰/۱۶۳	۰/۲۴۵	۹/۳۹۱	۰/۰۰۰
۱۹	Huang	۰/۲۰۴	۰/۱۵۹	۰/۲۴۸	۸/۷۸۲	۰/۰۰۰

¹ - Sensitivity Analysis





۰/۰۰۰	۹/۱۸۷	۰/۲۳۹	۰/۱۵۷	۰/۱۹۸	Hurt	۲۰
۰/۰۰۰	۹/۳۸۰	۰/۲۴۶	۰/۱۶۳	۰/۲۰۴	Jones	۲۱
۰/۰۰۰	۹/۳۸۳	۰/۲۴۷	۰/۱۶۴	۰/۲۰۶	Judge	۲۲
۰/۰۰۰	۹/۱۸۷	۰/۲۴۵	۰/۱۶۱	۰/۲۰۴	Hyondog Kim	۲۳
۰/۰۰۰	۹/۳۹۹	۰/۲۴۷	۰/۱۶۳	۰/۲۰۵	Loveland	۲۴
۰/۰۰۰	۹/۱۶۱	۰/۲۴۵	۰/۱۶۰	۰/۲۰۳	Maggiori	۲۵
۰/۰۰۰	۹/۵۸۴	۰/۲۴۹	۰/۱۶۷	۰/۲۰۸	Mathieu	۲۶
۰/۰۰۰	۹/۲۰۲	۰/۲۴۰	۰/۱۵۸	۰/۱۹۹	Paleczek	۲۷
۰/۰۰۰	۹/۳۸۱	۰/۲۴۷	۰/۱۶۴	۰/۲۰۶	Perera	۲۸
۰/۰۰۰	۹/۱۷۲	۰/۲۳۷	۰/۱۵۶	۰/۱۹۷	Rathi	۲۹
۰/۰۰۰	۹/۲۳۲	۰/۲۳۵	۰/۱۵۴	۰/۱۹۵	Smith	۳۰
۰/۰۰۰	۹/۳۹۵	۰/۲۴۷	۰/۱۶۴	۰/۲۰۶	Soh	۳۱
۰/۰۰۰	۹/۲۵۷	۰/۲۴۸	۰/۱۶۳	۰/۲۰۶	Son	۳۲
۰/۰۰۰	۹/۴۷۵	۰/۲۴۸	۰/۱۶۵	۰/۲۰۷	Sulaiman	۳۳
۰/۰۰۰	۹/۲۶۱	۰/۲۴۳	۰/۱۶۰	۰/۲۰۲	Templer	۳۴
۰/۰۰۰	۹/۳۹۵	۰/۲۴۶	۰/۱۶۳	۰/۲۰۵	Yue yu	۳۵
۰/۰۰۰	۹/۲۳۱	۰/۲۴۴	۰/۱۶۰	۰/۲۰۳	Zhai	۳۶
۰/۰۰۰	۹/۳۳۱	۰/۲۴۵	۰/۱۶۲	۰/۲۰۴	Zimmerman	۳۷

۵-۸. شناسایی متغیر تعدیل گر

متغیر تعدیل گر^۱، متغیر مستقلی است که نقش ثانویه دارد و محقق مایل است تا اثر آن را در فرایند آزمون، در کنار متغیر مستقل مطالعه کند. متغیر تعدیل گر، عاملی است که توسط پژوهشگر انتخاب، اندازه گیری یا دست کاری می شود تا مشخص شود که آیا تغییر آن موجب تغییر رابطه بین متغیر مستقل و پدیده مشاهده شده می شود یا خیر. با مراجعه مجدد به اطلاعات گردآوری شده در چک لیست ها و بررسی مجدد فرضیات و متغیرها، شناسایی متغیر تعدیل گر با رویکرد بررسی کشورهای مختلف، براساس قاره، انجام شد؛ اما متغیری یافت نشد که بتواند موجب تغییر رابطه بین متغیر مستقل و پدیده مشاهده شده شود.

اندازه اثر تصادفی برای کشورهای عضو سایر قاره ها برابر با ۰/۱۶۳ و برای قاره آسیا برابر با ۰/۲۴۴ اندازه گیری شد. طبق این نتایج می توان استنباط کرد که در کشورهای سایر قاره ها رابطه



¹ - Moderator Variable

بسیار کم و معناداری بین برون‌گرایی و رضایت شغلی وجود دارد و در قاره آسیا این رابطه، متوسط روبه‌کم گزارش شده است. نتایج این تحلیل در جدول شماره (۹) آمده است.

جدول ۹: نتایج تحلیل تعدیل‌گر با مدل اثرات تصادفی

مدل	محل انجام تحقیق	تخمین نقطه‌ای	حد پایین	حد بالا	Z-Value	P-Value
اثرات تصادفی	قاره آسیا	۰/۲۴۴	۰/۱۶۷	۰/۳۱۸	۶/۰۶۰	۰/۰۰۰
اثرات تصادفی	سایر قاره‌ها	۰/۱۶۳	۰/۱۱۴	۰/۲۱۱	۰/۵۰۵	۰/۰۰۰

۶. تحلیل

تحقیق حاضر، اثر برون‌گرایی بر رضایت شغلی را به‌روش فراتحلیل بررسی کرده است. مقالات منتخب در این مقاله با استفاده از فرایند استاندارد و مشخصی استخراج شدند که در نهایت، ۳۶ مقاله با ۳۷ داده مستقل انتخاب شدند. تحقیقات منتخب در بازه زمانی سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۹ میلادی منتشر شده‌اند که محل انجام این تحقیقات، کشورهای مختلفی بوده است. برای این پژوهش، مدل‌های اثرات تصادفی مناسب‌تر شناخته شدند. ناهمگونی داده‌ها توسط آزمون Q کوکران تعیین شد و وجود سوگیری انتشار^۱ نیز توسط کردار کیفی^۲ و آزمون ایگر بررسی شد. تمام آزمون‌های آماری توسط نسخه شماره ۲ نرم‌افزار Comprehensive Meta-Analysis (CMA2) انجام شده است.

نتایج فراتحلیل نشان داد که ارتباط معناداری بین برون‌گرایی و رضایت شغلی وجود دارد. ضریب هم‌بستگی این ارتباط برابر با ۰/۲۰۳ است. اندازه اثر براساس معیار کوهن، که عددی کوچک‌تر از ۰/۳ است، متوسط روبه‌کم است؛ در عین حال، مقدار P-value به‌دست‌آمده از ۰/۰۵ کوچک‌تر است که نشان دهنده وجود ارتباط معنادار است. عبداللّهی و همکاران (Abdullahi et al, 1395) نیز رابطه بین این دو متغیر را با اندازه اثر ۰/۲۱۲ نشان دادند. هیوجانگ کیم و همکاران (H. J. Kim, 2016) نیز معناداری این رابطه را با اندازه اثر ۰/۲۲۲ بیان کردند که نتایج این تحقیقات نشان‌دهنده هم‌سویی مطالعات با نتایج فراتحلیل این پژوهش است.

یکی از چالش‌های فراتحلیل، وجود سوگیری‌های مختلف است. مطالعه حاضر سوگیری‌های زبان، انتخاب، انتشار و استناد را بررسی کرده است. برای تشخیص تورش انتشار در داده‌های این تحقیق، کردار کیفی و روش رگرسیونی ایگر به کار گرفته شد. طبق نتایج حاصل از کردار کیفی و آزمون ایگر، سوگیری انتشار در نتایج این تحقیق وجود دارد که طبق آزمون دوال و توییدی باید ۱۰

^۱ - Publication Bias
^۲ - Funnel Plot





تحقیق دیگر به این مقاله افزوده شود تا سوگیری آن برطرف شود. نتایج آزمون N ایمن از خطای روزنتال برابر با ۸۲۸۴ است؛ این مقدار به معنای آن است که تعداد ۸۲۸۴ تحقیق خنثی باید به مطالعات اضافه شوند تا مقدار P-value دو دامنه از ۰/۰۵ بیشتر شود و در نتایج نهایی محاسبات و تحلیل‌ها خطایی رخ ندهد.

این پژوهش، متغیر تعدیل‌گر را با رویکرد کشورهای مختلف محل انجام تحقیقات بررسی کرده است که اندازه اثر برای کشورهای سایر قاره‌ها برابر با ۰/۱۶۳ و برای کشورهای عضو قاره آسیا برابر با ۰/۲۴۴ بیان شد که نشان می‌دهد متغیر تعدیل‌گری در این پژوهش وجود ندارد.

بررسی ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی با رضایت شغلی جایگاه ویژه‌ای را در مطالعات مدیریت منابع انسانی و رفتار سازمانی دارد. ویژگی‌های شخصیتی، عامل مهم و جدانشدنی از شخصیت انسان هستند که در محیط سازمانی تأثیر می‌گذارند. بررسی رضایت شغلی افراد از مهم‌ترین عوامل در بهره‌وری سازمان‌ها به‌شمار می‌رود. عدم رضایت شغلی پیامدهای رفتاری و سازمانی زیادی دارد که می‌توان به ترک شغل، غیبت، کم‌کاری، فرسودگی شغلی و رفتار پرخاشگرانه اشاره کرد. تلاش مدیران بر استخدام کارمندانی است که بیشترین هماهنگی شخصیتی را با شغل خود داشته باشند؛ در نتیجه، موجب رضایت شغلی آنان شود و بتوانند سازمان را در تحقق اهدافش یاری رسانند. اگر افراد در مشاغلی فعالیت کنند که با شخصیت آنان سازگار باشد، نیز اهداف سازمان برآورده می‌شود و نیز خشنودی شغلی افراد افزایش می‌یابد.

اغلب پژوهش‌ها با محدودیت تعمیم نتایج به جامعه مورد نظر، به‌ویژه جوامع دیگر، مواجه هستند که این پژوهش نیز از این امر مستثنی نیست؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود که تعمیم نتایج این تحقیق با احتیاط انجام شود. محدودیت دیگر، زمان مورد نظر برای انتخاب مقالات بوده است که بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۹ میلادی در نظر گرفته شده است که باعث در نظر نگرفتن مقالات خارج از این بازه زمانی می‌شود؛ همچنین، تعداد مقالات منتخب برای این پژوهش، ۳۶ مقاله است که می‌تواند نوعی محدودیت پژوهش تلقی شود؛ بنابراین، در آینده محققان می‌توانند مقالات بیشتری را برای نتایج جامع‌تر فراتحلیل در نظر بگیرند. از آنجایی که هم‌خوانی ویژگی‌های کار با صفات شخصیتی از عوامل تأثیرگذار در رضایت شغلی افراد است، پیشنهاد می‌شود تا محققان برای به دست آوردن نتایج دقیق از رابطه بین این دو متغیر به ابعاد مختلف برون‌گرایی (جرت‌ورزی، شور و شوق به جامعه‌پذیری) و رضایت شغلی (ماهیت کار، حقوق و پرداخت، فرصت‌های ارتقا، نظارت و سرپرستی، همکاری شغلی ...) توجه ویژه داشته باشند. مدیران نیز باید در واگذاری بخش‌های مختلف به صفات شخصیتی افراد توجه کنند که این امر موجب ارائه خدمات باکیفیت به مشتریان و در نتیجه سود بیشتر و رشد سازمان خواهد شد. مسئله تفاوت‌های شخصیتی افراد و هماهنگ کردن

آن‌ها نیز مهم‌ترین چالش هر مدیر اجرایی یا مدیر پروژه خواهد بود که می‌توانند، با شناخت ویژگی‌های شخصیتی افراد، چیدمان اعضا در سازمان و گروه‌ها را به‌نحوی انجام دهند که تعارض و اصطکاک میان آن‌ها به حداقل برسد و نقاط ضعف یکی از اعضا با نقطه قوت فرد دیگری پوشش داده شود.

۷. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، رابطه بین برون‌گرایی و رضایت شغلی را با سطح اطمینان ۹۵٪ بررسی کرد و در نهایت، این رابطه را مثبت، معنادار و با اندازه اثر $0/203$ گزارش کرد؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که برون‌گرایی رابطه معنادار و مستقیمی با رضایت شغلی دارد. هیچ‌گونه رابطه غیرمستقیم و اثر منفی در بررسی و تجزیه و تحلیل مطالعات مشاهده نشد و تمامی اندازه اثرها از اندازه کم و متوسط برخوردار بودند. بُعد شخصیتی برون‌گرایی، پیش‌بینی‌کننده معتبری برای رضایت شغلی است و دیگر ابعاد شخصیتی، تنها در برخی مشاغل و برخی معیارهای شغلی برای پیش‌بینی رضایت شغلی روایی دارند.



- A.-S. Jannot, T. Agoritsas, A. Gayet-Ageron, and T. V. P (2013). Citation bias favoring statistically significant studies was present in medical research. *J. Clin. Epidemiol*, 66(3), 296–301.
- Abdullahi, H, Kamali, M, & Mobaraki, H (1395). Investigating the relationship between extraversion and introversion with job satisfaction of employed disabled people. *Organizational Culture Management*, 14(4), 1025–1042.
- Afshin Mousavi Chelak, H. kaviani (2018). Meta-analysis of the effectiveness of distance education in higher education learning-teaching activities.pdf (p. 16).
- Akkerman, A, Kef, S, & Meininger, H. P (2018). Job satisfaction of people with intellectual disability: Associations with job characteristics and personality. *American Journal on Intellectual and Developmental Disabilities*, 123(1), 17–32. <https://doi.org/10.1352/1944-7558-123.1.17>
- Aydogmus, C, Camgoz, S. M, Ergeneli, A, & Ekmekci, O. T (2018). Perceptions of transformational leadership and job satisfaction: The roles of personality traits and psychological empowerment. *Journal of Management and Organization*, 24(1), 81–107. <https://doi.org/10.1017/jmo.2016.59>
- Baghban, I, Bahrami, F, & Fadaei nasab, M (1386). Relationship between job satisfaction and personality traits of government and non-government employees of Kish Island. *Journal of Applied Psychology*, 1(3), 318–329.
- Bormann, K. C, Poethke, U, Cohrs, C, & Rowold, J (2018). Doing bad through being selective in doing good: the role of within-unit variability in ethical leadership. *European Journal of Work and Organizational Psychology*, 27(6), 683–699. <https://doi.org/10.1080/1359432X.2018.1491550>
- Brown, R. A. P. and S. P (2005). On the use of beta coefficients in meta-analysis. *J. Appl. Psychol*, 90(1), 175.
- Bui, H. T. M (2017). Big five personality traits and job satisfaction: Evidence from a national sample. *Journal of General Management*, 42(3), 21–30. <https://doi.org/10.1177/0306307016687990>
- Çelik, G (Tantekin), & Oral, E (Laptalı) (2019). Mediating effect of job satisfaction on the organizational commitment of civil engineers and architects. *International Journal of Construction Management*, 0(0), 1–17. <https://doi.org/10.1080/15623599.2019.1602578>
- Chu, F, Fu, Y, & Liu, S (2019). Organization is also a “life form”: Organizational-level personality, job satisfaction, and safety performance of high-speed rail operators. *Accident Analysis and Prevention*, 125(34), 217–223.



<https://doi.org/10.1016/j.aap.2019.01.027>

- Duffy, R. D, Diemer, M. A, Perry, J. C, Laurenzi, C, & Torrey, C. L (2012). The construction and initial validation of the Work Volition Scale. *Journal of Vocational Behavior*, 80(2), 400–411. <https://doi.org/10.1016/j.jvb.2011.04.002>
- Elfstrand Corlin, T, & Kazemi, A (2017). Accounting for job satisfaction: Examining the interplay of person and situation. *Scandinavian Journal of Psychology*, 58(5), 436–442. <https://doi.org/10.1111/sjop.12384>
- Forati, H, & Dosti, L (2017). Investigating the Relationship between characteristic specification and professional satisfaction of forensic medicine employees in Lorestan province , 2014. *Ir Journal of Forensic Medicine*, 23(2), 95–103.
- Hahn, E, Gottschling, J, König, C. J, & Spinath, F. M (2016). The Heritability of Job Satisfaction Reconsidered: Only Unique Environmental Influences Beyond Personality. *Journal of Business and Psychology*, 31(2), 217–231. <https://doi.org/10.1007/s10869-015-9413-x>
- Harari, M. B, Thompson, A. H, & Viswesvaran, C (2018). Extraversion and job satisfaction: The role of trait bandwidth and the moderating effect of status goal attainment. *Personality and Individual Differences*, 123(September 2017), 14–16. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2017.10.041>
- Hatamian, P, Farsani, M. A, Karami, J, & Hatamian, P (2019). Predicting job satisfaction based on personality traits and psychological empowerment in employed middle-aged and elderly people. *Iranian Journal of Ageing*, 13(4), 418–427. <https://doi.org/10.32598/SIJA.13.4.418>
- Huang, J. L, Bramble, R. J, Liu, M, Aqwa, J. J, Ott-Holland, C. J, Ryan, A. M, Lounsbury, J. W, Elizondo, F, & Wadlington, P. L (2016). Rethinking the association between extraversion and job satisfaction: The role of interpersonal job context. *Journal of Occupational and Organizational Psychology*, 89(3), 683–691. <https://doi.org/10.1111/joop.12138>
- Hurt, A. A, Grist, C. L, Malesky, L. A, & Mccord, D. M (2013). Personality Traits Associated with Occupational “Burnout” in ABA Therapists. *Journal of Applied Research in Intellectual Disabilities*, 26(4), 299–308. <https://doi.org/10.1111/jar.12043>
- Jalal, R. N. U. D, Zeb, N, & Fayyaz, U. E. R (2019). The effect of personality traits on employee job satisfaction with moderating role of islamic work ethics. *Journal of Asian Finance, Economics and Business*, 6(2), 161–171. <https://doi.org/10.13106/jafeb.2019.vol6.no2.161>
- Jones, N, Hill, C, & Henn, C (2015). Personality and job satisfaction: Their role in work-related psychological well-being. *Journal of Psychology in*



- Africa, 25(4), 297–304.
<https://doi.org/10.1080/14330237.2015.1078086>
- Judge, T. A, Ilies, R, & Zhang, Z (2012). Genetic influences on core self-evaluations, job satisfaction, and work stress: A behavioral genetics mediated model. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 117(1), 208–220.
<https://doi.org/10.1016/j.obhdp.2011.08.005>
- Kampkötter, P (2017). Performance appraisals and job satisfaction. *International Journal of Human Resource Management*, 28(5), 750–774.
<https://doi.org/10.1080/09585192.2015.1109538>
- Karada, N. C. and E (2015). *Introduction-to-Meta-Anaysis.pdf* (p. 11).
- KHatib, H, Nazer, M, Neamat zade Mahani, K, & Sadr Mohammadi, R (1395). The Relationship between Personality Traits with Happiness and Job Satisfaction among the Staff of Vali Asr University of Rafsanjan. *Organizational Culture Management*, 14(4), 1161–1180.
- Kim, H, & Chung, Y. W. oo (2014). The use of social networking services and their relationship with the big five personality model and job satisfaction in Korea. *Cyberpsychology, Behavior and Social Networking*, 17(10), 658–663. <https://doi.org/10.1089/cyber.2014.0109>
- Kim, H. J (2016). Influence of the Big Five Personality Traits of IT Workers on Job Satisfaction. 142(Sit), 126–131.
<https://doi.org/10.14257/astl.2016.142.23>
- Loveland, J. M, Lounsbury, J. W, Park, S. H, & Jackson, D. W (2015). Are salespeople born or made? Biology, personality, and the career satisfaction of salespeople. *Journal of Business and Industrial Marketing*, 30(2), 233–240. <https://doi.org/10.1108/JBIM-12-2012-0257>
- M. Borenstein, L. V Hedges, J. P. T. Higgins, and H. R. R (2011). *Introduction to meta-analysis*. John Wiley & Sons.
- M. Egger, G. D. Smith, M. Schneider, and C. M (1997). Bias in meta-analysis detected by a simple, graphical test. *Bmj*, 315(7109), 629–634.
- Maggiori, C, Johnston, C. S, & Rossier, J (2016). Contribution of Personality, Job Strain, and Occupational Self-Efficacy to Job Satisfaction in Different Occupational Contexts. *Journal of Career Development*, 43(3), 244–259. <https://doi.org/10.1177/0894845315597474>
- Mathieu, C (2013). Personality and job satisfaction: The role of narcissism. *Personality and Individual Differences*, 55(6), 650–654.
<https://doi.org/10.1016/j.paid.2013.05.012>
- Mostafaei, F, & Roshan, R (1389). Investigating the Relationship between Personality Traits and Job Satisfaction in Greater Tehran Road Police Officers. *Quarterly Journal of Law Enforcement Knowledge*, 11(4),



- Naseem, M. A, Wang, Y, Zhang, H, & Malik, F (2016). Mediating role of socialization towards relationship between personality and job satisfaction. *Journal of Applied Business Research*, 32(5), 1405–1448. <https://doi.org/10.19030/jabr.v32i5.9768>
- Nasrollahi, S. N, Mokhtari, H, & Seyyedini, M. S (1392). Meta-analysis: An approach to integrating and evaluating information science and epistemology research. *Iranian Journal of Information Science and Technology Research Quarterly*, 2(29), 293–316.
- Paleczek, D, Bergner, S, & Rybnicek, R (2018). Predicting career success: is the dark side of personality worth considering? *Journal of Managerial Psychology*, 33(6), 437–456. <https://doi.org/10.1108/JMP-11-2017-0402>
- Pearson, K (1895). VII. Note on regression and inheritance in the case of two parents. *Proc. R. Soc. London*, 58(347–352), 240–242.
- Perera, H. N, Granziera, H, & McIlveen, P (2018). Profiles of teacher personality and relations with teacher self-efficacy, work engagement, and job satisfaction. *Personality and Individual Differences*, 120(April 2017), 171–178. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2017.08.034>
- Rathi, N, & Lee, K (2016). Emotional exhaustion and work attitudes: Moderating effect of personality among frontline hospitality employees. *Journal of Human Resources in Hospitality and Tourism*, 15(3), 231–251. <https://doi.org/10.1080/15332845.2016.1147935>
- Saadi, M. R, Mohammadi Moghadam, Y, Abbas poor, J, & Abbas poor, H (1397). Investigation of electronic banking in Iran with meta-analysis. *Journal of Intelligent Business Management Studies*, 26(7), 138–160.
- Systematic review Funnel Plot, (1386).
- Smith, M. E. and G. D (1998). Meta-analysis bias in location and selection of studies. *Bmj*, 61–66.
- Smith, S. A, Patmos, A, & Pitts, M. J (2018). Communication and teleworking: A study of communication channel satisfaction, personality, and job satisfaction for teleworking employees. *International Journal of Business Communication*, 55(1), 44–68. <https://doi.org/10.1177/2329488415589101>
- Soh, M, Zarola, A, Palauiou, K, & Furnham, A (2016). Work-related well-being. *Health Psychology Open*, 3(1). <https://doi.org/10.1177/2055102916628380>
- Son, J, & Ok, C (2019). Hangover follows extroverts: Extraversion as a moderator in the curvilinear relationship between newcomers' organizational tenure and job satisfaction. *Journal of Vocational Behavior*, 110, 72–88. <https://doi.org/10.1016/j.jvb.2018.11.002>



- Sulaiman, A, Shin, K. Y, & Rofaie, N (2019). Personality traits and internet addiction among selected financial institution employees. *International Journal of Ethics and Systems*, 35(2), 260–271. <https://doi.org/10.1108/IJOES-12-2017-0220>
- Templer, K. J (2012). Five-Factor Model of Personality and Job Satisfaction: The Importance of Agreeableness in a Tight and Collectivistic Asian Society. *Applied Psychology*, 61(1), 114–129. <https://doi.org/10.1111/j.1464-0597.2011.00459.x>
- Yu, Y, Wang, Y, & Zhang, J (2017). Relationship between work–family balance and job satisfaction among employees in China: A moderated mediation model. *PsyCh Journal*, 6(3), 194–204. <https://doi.org/10.1002/pchj.174>
- Zeigler-Hill, V, Besser, A, Vrabel, J, & Noser, A. E (2015). Would you like fries with that? The roles of servers’ personality traits and job performance in the tipping behavior of customers. In *Journal of Research in Personality* (Vol. 57, pp. 110–118). <https://doi.org/10.1016/j.jrp.2015.05.001>
- Zhai, Q, Willis, M, O’Shea, B, Zhai, Y, & Yang, Y (2013). Big Five personality traits, job satisfaction and subjective wellbeing in China. *International Journal of Psychology*, 48(6), 1099–1108. <https://doi.org/10.1080/00207594.2012.732700>
- Zimmerman, R. D, Boswell, W. R, Shipp, A. J, Dunford, B. B, & Boudreau, J. W (2012). Explaining the Pathways Between Approach-Avoidance Personality Traits and Employees’ Job Search Behavior. *Journal of Management*, 38(5), 1450–1475. <https://doi.org/10.1177/0149206310396376>



مبانی و ابزارهای بانکداری اسلامی در افغانستان

دکتر سید برات علی نقوی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱/۱۲

تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۲/۴

چکیده

در حال حاضر، بانکداری متعارف - از ارکان اصلی نظام مالی جهانی - منابع مالی و پولی مورد نیاز شرکت‌های تولیدی، بنگاه‌های اقتصادی و تقاضاهای مختلف بخش‌های گوناگون اقتصادی را تأمین می‌کند. این تأمین منابع معمولاً از طریق اعطای تسهیلات و وام‌های مبتنی بر بهره (Interest) صورت می‌گیرد و سودآوری بانک‌ها عمدتاً از این طریق حاصل می‌شود؛ اما در نظام اقتصادی اسلامی، دریافت و پرداخت بهره (ربا) حرام شناخته می‌شود و بر همین اساس، بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی برای تأمین منابع مالی و ارائه خدمات بانکی باید از شیوه‌ها و ابزارهای خاصی استفاده کنند که با اصول شریعت اسلامی سازگار باشند. به جای بهره در بانکداری اسلامی، از عقود و قراردادهای اسلامی برای تخصیص منابع مالی استفاده می‌شود؛ این عقود می‌توانند شامل عقود مشارکتی، مبادله و قرض الحسنه باشند که خطر و بازده در آن‌ها عادلانه تقسیم شده است و هیچ‌گونه بهره‌ای به طرفین پرداخت نمی‌شود. از مهم‌ترین عقود در بانکداری اسلامی می‌توان به عقودی چون مضاربه، مشارکت، بیع اقساطی، سلم و جعاله اشاره کرد؛ در این شیوه‌ها، بانک‌ها به جای دریافت بهره ثابت، از مشارکت در سود و زیان طرف مقابل خود بهره‌برداری می‌کنند. هدف این تحقیق، بررسی شیوه‌های تأمین و تخصیص منابع بانکی در افغانستان است و به طور خاص به بررسی نحوه استفاده از عقود اسلامی در سیستم بانکی افغانستان پرداخته می‌شود. نتایج این تحقیق نشان می‌دهند که بانک‌های اسلامی در افغانستان از مجموعه‌ای از شیوه‌ها و ابزارهای مالی اسلامی برای تأمین و تخصیص منابع مالی استفاده می‌کنند. این مطالعه می‌تواند مبنایی علمی و کاربردی برای بهبود و ارتقای کارکردهای سیستم بانکی اسلامی در افغانستان و دیگر کشورهای باشد.

واژگان کلیدی: بانکداری اسلامی، قانون مدنی، عقود مبادله‌ای، عقود مشارکتی، ربا.

^۱ - عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه خاتم النبیین (ص) alinaqavi2010@yahoo.com

بانک‌ها «موتور محرکه رشد اقتصادی» شناخته می‌شوند. تمام فعالیت‌های اقتصادی، ایجاد ظرفیت‌های نوین و شکل‌گیری بسترهای لازم برای سرمایه‌گذاری و شکوفایی اقتصادی وابستگی زیادی به سیستم بانکی دارند. بانک‌ها وجوه مازاد و راکد جامعه را در قالب حساب‌های مختلف جمع‌آوری می‌کنند و سپس آن‌ها را در اختیار متقاضیان و سرمایه‌گذاران قرار می‌دهند؛ بنابراین، بانک، نهادی حقوقی است که مسئولیت انجام عملیات‌های پولی، مالی و اعتباری را در کشورها بر عهده دارد. بانک متعارف (ربوی) بانکی است که با شیوه‌های متداول بانکداری فعالیت می‌کند (قانون بانکداری افغانستان، ماده ۲). بانک‌ها به دنبال کسب سود هستند و به همین دلیل، مؤسسه‌ای انتفاعی هستند که با استفاده از سرمایه خود و سپرده‌های مشتریان، به منظور کسب سود، اقدام به جمع‌آوری سپرده‌ها، اعطای وام‌ها و اعتبارات و ارائه خدمات بانکی می‌کنند (محمد ضیف البطانیه، ۲۰۰۸)؛ به عبارت دیگر، بانکداری عبارت است از ارائه خدمات و عملیات بانکی؛ مانند جمع‌آوری سپرده‌های مردم و تخصیص آن‌ها به سرمایه‌گذاران، امانت‌داری، نقل و انتقال پول، سرمایه و اوراق بهادار اشخاص حقیقی و حقوقی، وصول مطالبات اسنادی، صدور بروات و حواله‌های تجاری، اعطای اعتبارات و قرضه به اشخاص حقیقی و حقوقی، تأمین اعتبار برای توسعه بازرگانی، کشاورزی و صنعت، خرید و فروش فلزات قیمتی و ارز، انتشار اسکناس و اوراق بهادار، تنظیم حجم پول در گردش، اجرای سیاست‌های پولی و کنترل حجم اعتبارات. بانک اسلامی، بانکی است که مطابق با احکام شریعت اسلامی فعالیت می‌کند (قانون بانکداری افغانستان، ماده ۲). تمام عملیات بانکی فوق در بانکداری اسلامی در چهارچوب قوانین و آموزه‌های اسلامی (با حفظ و رعایت اصول اخلاقی و عدالت اجتماعی) انجام می‌شوند و هدف اصلی آن ارضای نیازهای واقعی و فطری انسان است. آنچه بانکداری اسلامی را از بانکداری غیراسلامی متمایز می‌سازد، ممنوعیت ربا و بهره‌اِزپیش‌تعیین‌شده است. پدیده ربا در سیستم بانکی و معاملات تجاری به شدت در آیات قرآن و منابع اسلامی نکوهش شده است که به جای آن از عقود شرعی - مانند قرض الحسنه، مضاربه، مشارکت، مزارعه، مساقات، معاملات سلف، اجاره به شرط تملیک و فروش اقساطی - استفاده می‌شود. مدتی است که سیستم بانکداری اسلامی در بازارهای مالی جهانی فعالیت می‌کند و بخشی از فعالیت‌های بانکی در بسیاری از کشورهای اسلامی توسط بانک‌های اسلامی انجام می‌شوند. تمایل به راه‌اندازی سیستم بانکداری اسلامی در سطح جهانی نیز روز به روز افزایش می‌یابد. شواهد موجود نشان می‌دهند که قانون بانکداری اسلامی در افغانستان در سال ۱۳۹۶ تصویب شده است و برخی از بانک‌هایی که در این کشور فعالیت می‌کنند، خدمات و تسهیلات مالی و اعتباری خود را در چهارچوب بانکداری اسلامی به مشتریان ارائه می‌دهند. سیستم بانکداری اسلامی در افغانستان هنوز در مراحل اولیه است و تنها بخش محدودی از بازار مالی افغانستان را پوشش می‌دهد؛ زیرا بانکداری اسلامی به طور کامل در جامعه افغانستان معرفی نشده و ماهیت و عملکرد آن به طور دقیق تبیین و تحلیل نشده است. مقاله حاضر به تحلیل و تبیین شیوه‌های تخصیص منابع در بانک‌هایی پرداخته است که فعالیت‌های آن‌ها در



چهارچوب عقود اسلامی انجام می‌شود. در این مقاله، تلاش شده است تا با رویکردی فقهی و حقوقی از ظرفیت‌های فقهی و قانونی بانکداری اسلامی در افغانستان بهره‌برداری شود.

۲. چهارچوب مفهومی تحقیق

در این بخش به چستی مهم‌ترین واژه‌های کلیدی پرداخته می‌شود.

۱-۱. مفهوم بانک اسلامی

بسیاری از متخصصان، تعریف دقیق و مشخص از بانک اسلامی را امری دشوار می‌دانند که در این زمینه حق با این گروه است. تعاریف مختلفی از بانکداری اسلامی ارائه شده است که در این تحقیق به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

بانک اسلامی «یک مؤسسه مالی بانکی برای جمع‌آوری وجوه و به‌کارگیری آن‌ها در چهارچوب قوانین اسلامی، به منظور ارائه خدمات مالی به جامعه، یکپارچگی آن، دستیابی به توزیع عادلانه، قرار دادن وجوه در مسیر رضایت الهی و جلوگیری از هرگونه اقدام مخالف مقررات اسلامی» تعریف شده است (عبدالله احمد الطیار، [بی‌تا]: ۸۸). برخی معتقدند که فعالیت‌ها، خدمات و محصولات بانکی اسلامی - در حالت ایده‌آل - ارائه می‌دهند باید در راستای رشد و توسعه اقتصادی و کاملاً مطابق با موازین شرعی باشند (سید فاروق و لینس، ۱۳۹۰: ۲۸۷). محمد سحنون (۲۰۰۳) می‌نویسد: «بانک‌های اسلامی علاوه بر اینکه باید فعالیت‌هایشان با شریعت مطابقت داشته باشد، باید در جهت ارتقای ارزش‌های اخلاقی در زمینه معاملات مالی و توسعه اجتماعی و اقتصادی نیز تلاش کنند. بانک اسلامی مؤسسه‌ای مالی است که در چهارچوب قوانین اسلامی فعالیت می‌کند و خدمات مالی و سرمایه‌گذاری را در زمینه‌های مختلف با رعایت قوانین اسلامی ارائه می‌دهد، با هدف ارتقای ارزش‌های اخلاقی اسلامی در زمینه معاملات مالی و کمک به دستیابی به توسعه اجتماعی و اقتصادی و زندگی مناسب برای جامعه» (محمود سحنون، ۲۰۰۳ م: ۹۶). از تعاریف فوق چند نکته قابل استنباط است: الف. فعالیت و عملکرد بانک‌های اسلامی باید مطابق با شریعت باشد؛ ب. بانک‌های اسلامی صرفاً واسطه‌های مالی هستند؛ ج. بانک‌های اسلامی باید به توسعه اقتصادی در پرتوی عدالت توزیعی و دسترسی عادلانه تمامی مسلمانان به منابع مالی بانکداری اسلامی، تلاش برای ایجاد عدالت توزیعی و دسترسی عادلانه تمامی مسلمانان به منابع مالی است. براساس اصول اسلامی، فعالیت‌های تجاری هیچ‌گاه نباید از مسائل اخلاقی جامعه جدا باشند» (سید فاروق و لینس، به نقل از عثمان: ۲۸۶-۲۸۷).

۲-۲. بانکداری اسلامی در افغانستان

بانکداری اسلامی در افغانستان، از نظر تاریخی، قدمت زیادی ندارد؛ همان‌طور که بانکداری متعارف نیز ریشه دیرینه‌ای در این کشور ندارد. مجوز تأسیس بانکداری اسلامی در افغانستان در





سال ۱۳۹۴ تصویب شد (ماده ۸۸ قانون بانکداری افغانستان)؛ براساس فرمان رئیس‌جمهور وقت، بانک مرکزی افغانستان موظف شد تا قانون بانکداری اسلامی را تهیه و تنظیم کند و آن را به بانک‌های تجاری ابلاغ کند.

اولین بانک اسلامی با نام «بانک اسلامی» تأسیس شد و فعالیت‌های خود را در مرکز و سایر ولایات افغانستان آغاز کرد. این بانک از ابزارهایی مانند مضاربه، مشارکت و مرابحه برای انجام فعالیت‌های مالی خود استفاده می‌کند. در قانون بانکداری افغانستان، برای تطبیق فعالیت‌های بانکداری اسلامی، مورد شرعی پیش‌بینی شده است (ماده ۹۰)؛ این مورد وظیفه دارد تطابق فعالیت‌ها و تسهیلات اعطایی بانک اسلامی به مشتریان و سرمایه‌گذاران با شریعت را بررسی کند. طبق قانون بانکداری اسلامی، بانک‌های اسلامی مجاز به انجام فعالیت‌های زیر هستند: الف. دریافت سپرده‌ها و سایر وجوه قابل پرداخت شامل حساب‌های سرمایه‌گذاری و سایر انواع سپرده‌ها؛ ب. تأمین مالی و سرمایه‌گذاری که شامل عقود اسلامی - مانند مضاربه، مرابحه، مشارکت، صکوک، قرض‌الحسنه، اجاره، استصناع، بیع سلم، بیع موجد و سایر فعالیت‌های مالی و بانکی - می‌شود که به تصویب بانک مرکزی رسیده باشند؛ ج. تأمین مالی، خرید و فروش، نگهداری و اجاره اموال منقول و غیرمنقول؛ د. صدور اسناد بهادار شامل صکوک؛ ه. انجام معاملات ارزی و تبادل خدمات مربوط به ارزهای خارجی؛ ز. ارائه خدمات متنوع بانکی و مالی برای مشتریان و عموم مردم، مطابق مقررات مربوط. در این ماده، آن دسته از ابزارهای مختلف بانکداری اسلامی که می‌توانند در چهارچوب قوانین شریعت اسلامی استفاده شوند، معرفی شده‌اند.

۳. مبانی نظری تحقیق

در این قسمت، پایه‌ها و اصول بانکداری اسلامی در قالب چهارچوب ذیل معرفی می‌شوند که از سه بخش تشکیل شده است؛ پایه‌های اساسی، قواعد حاکم بر بانکداری اسلامی و ابزارهایی که مسیر تحقق بانکداری را هموار می‌کنند.

جدول ۱: مدل مفهومی تحقیق

نتایج و آثار بانکداری اسلامی	ابزارهای بانکداری اسلامی	اصول و قواعد حاکم بر بانکداری اسلامی	مبانی بانکداری اسلامی
توسعه اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد	قرض‌الحسنه، عقود مشارکتی و عقود مبادله‌ای	اصل نفی ربا، اصل اکل مال به باطل و اصل نفی غرر	توحید / عدالت / مسئولیت اجتماعی

۳-۱. پایه‌های اساسی بانکداری اسلامی

ادامه مسیر، بدون مبنا دشوار و ناهموار است؛ بنابراین، ابتدا باید مبنای تحقیق به درستی معرفی شود. بانکداری اسلامی در فضایی فعالیت می‌کند که برنامه‌ها و هنجارهای اسلامی حاکم هستند و هدف نیز همین است که فعالیت‌ها و محصولات بانک اسلامی در چنین فضایی در چهارچوب شریعت ارائه شوند. مهم‌ترین مبانی مورد توجه در این تحقیق عبارت‌اند از توحید، عدالت و مسئولیت اجتماعی.

۳-۱-۱. باور به توحید و بانکداری اسلامی

محققان مراتب چهارگانه‌ای برای توحید شمرده‌اند که شامل توحید ذاتی، صفاتی، افعالی و عبادی می‌شود. در هر بحث از توحید، تمام مراتب آن به میان می‌آیند؛ اما به دلیل فشرده‌نگاری، تنها به پاره فروع توحید- که ارتباط مستقیمی با نظریه مالکیت حقیقی خداوند دارد- نگاه کوتاهی می‌شود. نظریه مالکیت حقیقی تلاش دارد که تمام حقوق و تکالیف، از جمله مسئولیت اجتماعی را در پرتو پناه مراتب توحید دریابد و تحلیل کند.

۳-۱-۱-۱. توحید در خالقیت و بانک اسلامی

خداوند، آفریدگار هستی است؛ چنان‌که ذات و حقیقت تمام موجودات را خلق کرده است و تمام افعال و آثار آن‌ها نیز- به نحو غیرمستقیم- مخلوق او هستند. براهین عقلی و دلایل نقلی بر صحت و استواری این سخن آگاهی و گواهی می‌دهند.^۱ توحید در خالقیت، بدین جهت از مبانی بانک‌های اسلامی است که انسان به هر حال، در برابر خالق یگانه خود مسئول است. همان‌گونه که انسان در برابر خالق خود مسئولیت دارد، در برابر مخلوقات خالق خود نیز مسئول خواهد بود. این مسئولیت در خود انسان خلاصه نمی‌شود؛ بلکه نهادهایی که توسط بشر ساخته می‌شوند در برابر مخلوقات خداوند نیز مسئول هستند.

۱ - عقل: همه آفرینش را ممکن ذاتی می‌داند. ممکن ذاتی در وجود و افعال خود نیازمند واجب ذاتی است؛ از موجود فقیر و فاقد هرچیز، آفریدن محال است. تنها خداوند واجب‌الوجود و غنی است؛ پس خالق همه هستی- ذوات و افعال و آثار- نیز تنها او است (ر.ک: جعفر سبحانی؛ الالهیات علی هدی الکتاب و السنة و العقل، مقرر: حسن محمد عاملی (قم)، المركز العالمی لدراسات الإسلامیة، ط ۳، ۱۴۱۲ ه.ق). ج ۲. ص ۴۳.

نقل: آیات فراوانی دلالت بر توحید در آفرینندگی دارند. قرآن کریم، خالقیت خداوند را با وحدانیت و قهاریت خداوند آمیخته است؛ «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ» (رعد/۱۶).



۳-۱-۱-۲. توحید در ربوبیت و بانک اسلامی

توحید در ربوبیت^۱ یعنی «آفریدگار عالم، پروردگار جهان است»؛ تدبیرکننده اصیل، مستقل و ذاتی اوست که سرنوشت تکوینی و تشریعی انسان و جهان را تعیین می‌کند. اسباب طبیعی، فاعل‌های بشری و مدبران عالم امکان همگی از کارگزاران و گماشتگان او هستند. «ربوبیت تشریعی خداوند اقتضا می‌کند که همه شئون تدبیر و اداره جامعه به او انتساب یابد؛ همو باید بی‌واسطه یا باواسطه قانون وضع کند تا شرک در تشریع پدید نیابد. قاضی و مجری قانون نیز باید از طرف او منصوب باشند؛ در غیراین صورت، مردمی که مخلوق و مربوب تکوینی خدای متعال هستند، چه الزامی دارند از کسانی که خدا آنان را شایسته حکومت و حاکمیت نمی‌داند، اطاعت و پیروی کنند» (یزدی، ۱۳۹۰، ۱۲۱ - ۱۲۲)

نهادهایی که انسان ساخته است، مانند بانک‌ها، مسئولیت دارند که در مسیر ربوبیت الهی حرکت کنند. یکی از آثار ربوبیت الهی، تداوم و تکامل جامعه است؛ پس انسان و نهادهای اجتماعی در باره بقا و ارتقای جامعه مسئول هستند. توحید در ربوبیت، خاستگاه مسئولیت و نهادهای انسانی درباره جامعه است و این گردانندگی با مسئولیت انسانی همراه شده است.

۳-۱-۱-۳. توحید در حاکمیت و بانکداری اسلامی

توحید در حاکمیت، تسلط و تصرف بر نفوس و اموال است؛ هنگامی این تصرفات روا هستند که تصرف‌کننده، ولایت داشته باشد. ولایت بر دیگران به مالکیت و مدیریت زندگی آنان بستگی دارد. به دلیل اینکه تنها خداوند، خالق و مدبر و مالک حقیقی همه هستی است، پس تنها او ولایت و حاکمیت دارد و غیراز خداوند، هیچ‌کسی از مدیریت و مالکیت ذاتی و استقلالی بهره‌مند نیست تا ولایت و حاکمیت داشته باشد.^۲ توحید در حاکمیت، این معنا را می‌رساند که حاکمیت استقلالی و ذاتی مخصوص خداوند است و حکومت دیگران در صورتی پذیرفتنی است که مأمور، مأذون و منصوب (به اسم یا وصف) از سوی آفریدگار برای عهده‌داری حکومت شود.

۲ - واژه «رب» در «تربیت یا پرورش‌دهنده و عهده‌دار مصالح» کاربرد دارد؛ «الرَّبُّ فِي الْأَصْلِ: التَّربِيَةُ، هُوَ إِشْأَاءُ الشَّيْءِ حَالًا فَحَالًا إِلَى حَذِّ التَّمَامِ، ... فَالرَّبُّ مَصْدَرٌ مُسْتَعَارٌ لِلْفَاعِلِ، لَا يُقَالُ الرَّبُّ مُطْلَقًا إِلَّا لِلَّهِ تَعَالَى الْمُتَكَفِّلُ بِمَصْلَحَةِ الْمَوْجُودَاتِ...» (راغب الاصفهانی؛ پیشین/۱: ۳۳۶).

۲ - «أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَالَ لَهُ هُوَ الْوَلِيُّ» (کهف/۴۴)

«هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ عُقْبًا» (انعام/۵۷)

«إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ يَفْضُ الْحَقَّ وَ هُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ» (شورا/۹)

توحید در حاکمیت، مبنای بانکداری اسلامی است؛ زیرا قواعد حاکم بر بانکداری اسلامی، هنگامی پذیرفتنی هستند و کارایی خواهند داشت که ازسوی مقامی مقتدر و پیراسته صادر شوند؛ اگر از مقامی برتر صدور نشوند و از قدرت گسترده‌ای پشتوانه نگیرند، کسی در شکستن و فروافکندن آن درنگ نخواهد ورزید. در صورتی که انسان، توحید در حاکمیت را پذیرفته باشد، نمی‌تواند حاکمیت الهی را بر سایر انسان‌ها و موجودات انکار کند؛ زیرا پذیرش حاکمیت الهی بر دیگران، همراه با مسئولیت انسان نسبت به دیگران است تا، به‌عنوان موجود عقل‌دار اراده‌مند و اختیاردار، با اعمال غیرمجاز خود بر دیگران نتازد، چراکه نگه نداشتن حقوق دیگران مساوی با نادیده گرفتن حاکمیت الهی است. این سخن درباره‌ی نهادهای انسانی - که همسان انسان در جامعه عمل می‌کنند و روابط اجتماعی با دیگران و طبیعت برگزار می‌کنند - نیز جاری است؛ آنان نیز مسئولیت دارند که به حقوق انسان‌ها و سایر مخلوقات الهی را تجاوز نکنند تا بر دامنه‌ی حاکمیت مطلق الهی تاخته باشند.

- اراده‌ی تشریعی خداوند و بانک‌های اسلامی

«حق این است که تنها منبع حقوق در اسلام اراده‌ی تشریعی الهی است و بس؛ یعنی یک قاعده و حکم فقط هنگامی از دیدگاه اسلام معتبر است که به اراده‌ی تشریعی خدای متعال استناد داشته باشد، استناد به هیچ منبع دیگری قاعده و حکم حقوقی را اعتبار و ارزش نمی‌دهد، اهمیت بی‌مانند کتاب، در درجه‌ی اول و سنت، در درجه‌ی دوم از آنجا ناشی می‌شود که این دو نشانگر اراده‌ی تشریعی الهی هستند» (یزدی همان: ۶۰).

اراده‌ی تشریعی الهی مبنای بانکداری اسلامی است؛ زیرا هنگامی که توحید در خالقیت، ربوبیت و حاکمیت پذیرفته شد، پذیرش این مطلب که تنها منشأ اصلی تمام قوانین، اراده‌ی تشریعی الهی است، آسان‌تر می‌شود. تنها ذات خداوند، قانون‌گذار اصلی در پهنای حقوق و تکالیف است و قانون‌گذاری دیگران گاهی و در پاره‌ای از موارد باید به اذن و اجازه‌ای باشد. اراده‌ی خداوند چنان است که عملکرد بانک‌های اسلامی بایست به اذن و اراده‌ی او انجام گیرد و حقوق جامعه را تأمین کند؛ در این حالت است که باعث تقوا و ترقی جامعه و عدالت اجتماعی می‌شود.

۳-۱-۱-۴. توحید در مالکیت و بانکداری اسلامی

خداوند خالق و مالک هستی است. قرآن کریم در آیات فراوانی، ضمن یادآوری غنای الهی و فقر موجود امکانی،^۱ به مملوک بودن آنچه در آسمان‌ها و زمین قرار دارد، اشاره کرده است. در دیدگاه برخی فقیهان،

^۱ - واژه «غنی» ۷۳ بار در ۴۴ سوره و ۷۲ آیه قرآن آمده است. جز در پاره‌ای از موارد، همه‌جا سخن از غنای الهی است؛ «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (محمد/۳۸؛ انعام/۱۳۳؛ فاطر/۱۵) «هُوَ الْغَنِيُّ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» (یونس/۶۸).



مالکیت مراتب چهارگانه دارد که عبارت‌اند از: ۱. مالکیت حقیقی که سلطنت تام و کاملی است، به‌گونه‌ای که تمام زمام امور مملوک در پیدایش و پیمایش در دست مالک است که این ملکیت، بالاترین مرتبه و ویژه‌آفریدگار هستی است؛ ۲. مالکیت ذاتی که سلطهٔ تکوینی است و همسان سلطهٔ میان انسان و نفس و اعمال و ذمهٔ او؛ البته مراد از ذاتی، امری است که تحقق آن نیاز به امر خارجی ندارد. در حالت نخست بی‌گمان، اضافهٔ اشراقی و احاطهٔ قیومی وجود دارد. شاهد این مسئله سیره‌ی عقلایی و وجدان آدمی و ضرورت عقلی است؛ ۳. مالکیت مقولی خارجی که هیئت است که از احاطهٔ جسم به جسم دیگر پدید می‌آید؛ ۴. مالکیت اعتباری که رابطه‌ای است میان شخص و شیئی که توسط شارع یا خردمندان - به دلیل وجود مصالحی - اعتبار می‌شود، بلکه قوام آن وابسته به اعتبارکننده است^۱ (سید محمدصادق حسینی روحانی: ۲۰۷-۲۰۸). «در نظام اقتصادی از مالکیت اعتباری سخن می‌رود، همین مالکیت مورد تأیید قرآن کریم قرار گرفته است.^۲ بی‌گمان، مالکیت، یکی از شیوه‌های تنظیم روابط اقتصادی است؛ زیرا در صورت پذیرش مالکیت، منافع مادی و مالی اشخاص پاسبانی می‌شوند.» تکیه‌گاه هر نظام اقتصادی را می‌توان در ساختار مالکیت مشاهده کرد؛ زیرا ساختار مالکیت، پیامدهای اقتصادی در زمینه‌های دارایی و درآمد نشان می‌دهد.

۳-۱-۲. عدالت اجتماعی

ملاک و معیار اسلام در نظام اقتصادی، مانند سایر بخش‌های زندگی اجتماعی، حق و عدالت بوده و هست. منظور از عدالت، عدالت در اصول و مبانی احکام و نه تنها در فروع و روبناها؛ به این معنی که حکم اسلامی صادر شده زیرا پایه‌ی آن عدل بوده، نه اینکه چون حکم دینی است، عدل باشد. اساس این نگرش به اصلی کلامی و اصولی بازمی‌گردد که عبارت است از تبعیت احکام شرعی از مصالح و مفاسد که در کتاب‌های اصول فقه بحث شده است. حق در بُعد تشریعی نیز به معنی سزاوار بودن، شایسته بودن و انطباق حکم و قانون با واقع است و از آنجاکه خداوند یکتا حق مطلق است و خلقت جهان و موجودات براساس حق بوده، همانا قوانین حق و خالی از خطا و انحراف، قوانین الهی هستند.

قرآن کریم در مواضع مختلفی به این حقیقت تصریح کرده است که، براساس قاموس خلقت، تمامی نعمات الهی در این جهان برای انسان آفریده شده‌اند (خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا؛ بقره/ ۲۹) و در این مقام نه تنها هیچ کوتاهی و قصوری صورت نگرفته است، بلکه به تصریح قرآن، انسان از احصا و شمارش نعمات الهی ناتوان است (إِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ

^۱ - (سید محمدصادق حسینی روحانی؛ فقه الصادق/ ۱۶: ۲۰۷-۲۰۸) و «وَأَمَّا الْمَلَائِكَةُ فَلَهَا أَرْبَعَةٌ مَرَاتِبٌ...» (همو. فقه المسائل المستحدثة. ایران: دارالکتاب. ط ۴. ۱۴۱۴ ه.ق، ص ۱۳۸).

^۲ - مانند آیاتی که دلالت بر صحت معاملات و دیون دارند (مانده/۱).

ابراهیم / ۳۴). در مقام تشریع و قانون‌گذاری نیز خداوند حقوق همه انسان‌ها را در نظر گرفته و از این جهت نیز هیچ کم و کاستی صورت نگرفته است؛ اما اجرای عدل و عدالت ضامن دستیابی انسان‌ها به حقوقشان است. در روایات و احادیث بسیاری به این حقیقت تصریح و تأکید شده است که در صورت حاکمیت و برقراری عدالت در جامعه، توسعه و رفاه اجتماعی فراگیر گسترش خواهد یافت؛ در برخی از این روایات چنین آمده است: «لو عدل بین الناس لاستغنوا» (عاملی، ۱۴۰۲: ۱۱۶). بانکداری اسلامی موظف است، با استفاده از ابزارهایی که در اختیار دارد، عدالت را در تمام ابعاد رعایت و برای رفع تبعیض و فقر در جامعه تلاش کند.

۳-۱-۳. مسئولیت اجتماعی بانک‌های اسلامی

مسئولیت اجتماعی در اسلام همان ویژگی‌های سایر احکام اسلامی و نظام اقتصادی اسلام را دارد. این اوصاف در نظام اقتصادی بشری نیست؛ در نتیجه، در مسئولیت اجتماعی سایر نظام‌ها دیده نمی‌شود. بانک‌های اسلامی، زمانی اسلامی خواهند بود که به تبع نظام اقتصادی اسلام چنین خصوصیتی داشته باشند؛ مسئولیت اجتماعی در صورتی اثربخشی و کارآمدی خواهد داشت که هماهنگی درون‌سیستمی (سازگاری اجزای گوناگون نظام با یکدیگر و دوری از تناقض و تعارض) و هماهنگی بیرون‌سیستمی (سازگاری نظام با سایر نظام‌های فردی و اجتماعی) داشته باشد. هماهنگی درون‌سیستمی مسئولیت اجتماعی در اسلام یعنی قواعد آن، از آن‌رو که منشأ واحدی دارد و از «اراده تشریعی الهی» صادر می‌شود، مجموعه به هم پیوسته دارای رابطه منطقی و مبتنی بر واقع‌نگری هستند که نه تنها نمی‌توان تناقضی میان بخش‌های آن یافت، بلکه هر بخشی، بخش دیگر را تقویت می‌کند. هماهنگی بیرون‌سیستمی به این معنا است که مسئولیت اجتماعی بر مبنای اهداف مشترکی با سایر مسئولیت‌ها، مانند مسئولیت فردی و خانوادگی و مسئولیت‌های مطرح در حقوق و اخلاق، استوار است و همگی از یک منشأ برخاسته‌اند و رو به یک منشأ دارند. در آیات آسمانی می‌خوانیم: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خدا و پیامبر خیانت نکنید و (نیز) در امانات خود خیانت روا مدارید، در حالی که می‌دانید (که این کار، گناه بزرگی است)» (انفال/۲۷). خیانت به خدا، پیامبر و امانت به ترتیب همان مسئولیت دینی، اخلاقی و اجتماعی را نشان می‌دهند. دلیل سازگاری قواعد مسئولیت اجتماعی این است که چنان این مسئولیت‌ها می‌توانند سازگار باشند که هر سه در یک آیه بیان شده‌اند. خیانت و انجام ندادن مسئولیت نیز عمومیت دارد؛ یعنی مسئولیت گفتاری و رفتاری را شامل می‌شود (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۵/۳ و ۴۷۵). مؤمنان مانند اندام‌های یک تن هستند؛ فرد و اجتماع بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند و بسا تباهی جامعه که مانع تکامل فرد می‌شود و گمراهی فردی، زمینه‌ساز تکامل جامعه می‌شود. اسلام در پاسداری از این پیوند تأکید ورزیده است. آن زمان که انسان به تعاون و همکاری





در جامعه برمی‌خیزد و کاری برای اجتماع انجام می‌دهد، در حقیقت برای خودش کار می‌کند و به سمت بهبودی و تکامل خود حرکت می‌کند (محمدرضا حکیمی و برادران، ۱۳۸۰: ۴۵۴ - ۴۵۵). در روایتی منسوب به رسول اسلام (ص) می‌خوانیم: «مؤمنان در احسان و نیکی، مهربانی و دلسوزی، هم‌دردی و علاقه همانند یک جسم هستند که چنانچه بر عضوی از آن درد و ناراحتی پیش آید، همه بیدار و در سوخت و گداز قرار می‌گیرند» (محمدباقر مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق: ۱۵۰).^۱ برداشت اصلی این است که در اسلام، مسئولیت فردی و اجتماعی همراه با مسئولیت نهادهای حاکم هستند و انسان‌ها باید در انجام مسئولیت به یکدیگر یاری برسانند. این سخن در مسئولیت اجتماعی بانک‌ها و شرکت‌ها نیز جاری است؛ زیرا آن‌ها اعمال بشر یا نتیجه آن‌ها هستند.

۴. اصول حاکم بر بانکداری اسلامی

در این بخش به برخی از اصول حاکم بر بانکداری اسلامی اشاره می‌کنیم.

۴-۱. اصل ممنوعیت ربا

ربا، در بیان کوتاه، «معامله دو کالای هم‌جنس با زیادی در طرفی یا قرض دادن به شرط زیادی عینی یا حکمی» معنا می‌دهد (محمدجواد حسینی عاملی، [بی‌تا]: ۵۰۳).^۲ فقیهان در حرام بودن ربا به کتاب، سنت و اجماع مؤمنان استناد کرده‌اند و بعید ندانسته‌اند که حرمت آن از ضروریات دین باشد و شخصی که آن را روا داند، در سلک کافران منزل‌گزیند (محمدحسن نجفی، ۱۳۶۷: ۳۳۳). برخی نویسندگان، ممنوعیت ربا را از گسترده‌ترین و بحث‌انگیزترین وجه تمایز اقتصاد اسلامی و اقتصاد غربی دانسته‌اند. پرداخت و دریافت ربا در بانک و بانکداری غربی رواج دارد؛ اما در بانکداری اسلامی ممنوع است. سرمایه‌گذاری باید از راه دیگری انجام شود و روش‌های دیگری برای تجهیز منابع به کار گرفته شوند (احمد شعبانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۲).

۴-۲. اصل ممنوعیت غرر

غرر به معنای غفلت و فریب است و در روایت از «بیع غرر» نهی شده است؛ مانند بیع ماهی در دریا و بیع پرند در هوا؛ اما فقیهان با الغای خصوصیت، آن را در سایر معاملات نیز جریان داده‌اند.

۱ - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «مَثَلُ الْمُؤْمِنِ فِي تَوَادُّهِمْ وَ تَرَاحُمِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى بَعْضُهُ تَدَاعَى سَائِرُهُ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَى». چنین روایتی از امام صادق (ع) نیز نقل شده است: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «الْمُؤْمِنُونَ فِي تَبَاؤِهِمْ وَ تَرَاحُمِهِمْ وَ تَعَاطُفِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى تَدَاعَى لَهُ سَائِرُهُ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَى» (حسین نوری؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ایران: مؤسسه آل‌البیت - علیهم‌السلام، -، ط ۱، ۱۳۲۰ ه.ق، ج ۱۲، ص ۴۲۴).

۲ - از مسالک نقل کرده است: «بیع أحد المتماثلين المقدرين بالكيل أو الوزن في عهد صاحب الشرع أو في العادة بالآخر مع زیادة فی أحدهما حقیقة أو حکما أو اقتراض أحدهما مع زیادة وإن لم یكونا مقدرين بهما» و «الربا المحرم کتاباً و سنة و إجماعاً من المؤمنین بل المسلمین، بل لا یبعد کونه من ضروریات الدین، فیدخل مستحله فی سلك الکافرین».

معامله غرر، معامله‌ای است که ظاهرش سبب تمایل خریدار می‌شود؛ اما باطن آن هویدا نیست؛ به هر صورت، مراد از آن، معامله مجهولانه است (عبدالفتاح حسینی مراغی، ۳۱۱). نوع دیگر غرر، «فریب و تدلیس» است؛ هرچند، غرر عام‌تر از تدلیس استعمال می‌شود. تدلیس، تاریک گردانیدن، پنهان کردن و پوشاندن فریب‌کارانه واقعیت معنا شده است (۳/۱۵۰).^۱ تدلیس را در اصطلاح این‌گونه گویند که «نیرنگی است نامتعارف که از سوی یکی از دو طرف معامله، با آگاهی و دستکاری او، به منظور گمراه ساختن طرف دیگر به کار می‌رود و او را به معامله‌ای برمی‌انگیزد که در صورت آگاه بودن از واقع به آن رضا نمی‌داد» (ناصر کاتوزیان، ۲۰۸ و ۳۵۴). چنانچه بانک، عیب مال خود را پنهان کند یا آن را با ویژگی براننده موهومی نمایش دهد، تدلیس در معامله کرده است. هر سه نوع تدلیس - گفتاری (اظهار زبانی وصف براننده ناموجود در مال به قصد فریب خریدار)، رفتاری (آراستن کالا به نحوی که خلاف واقعیت باشد) و سلبی (کتمان حقیقت با سکوت) - بر بانک‌ها ممنوع است؛ هرچند تأثیر تدلیس هنگامی است که با «غرر فاحش» همراه شود؛ اما هرگاه بانک معامله تدلیسی انجام دهد، علاوه بر ایجاد حق فسخ برای فریفته‌شده، مسئولیت مدنی و ماجرایی مسئولیت اجتماعی نیز خواهد داشت.

۴-۴. اصل ممنوعیت ضرر

انجام هر معامله که زیان نامتعارف و نامشروع برای طرف داشته باشد، از سوی بانک اسلامی ممنوع است؛ البته گاهی این ممنوعیت در «اصل ممنوعیت غبن فاحش» بیان شده است. غبن فاحش، «زیانی است که هنگام دادوستد، در نتیجه نابرابری فاحش بین ارزش آنچه باید پرداخته یا انجام شود و ارزشی که در برابر آن دریافت می‌شود، به طرف ناآگاه می‌رسد». گوهر غبن، «نامتوازن بودن دو عوض در هنگام معامله» است به‌طور خلاصه، فروریزی تعادل ارزش دو عوض در زمان عقد، غبن است. آگاهی و فریب‌کاری غبن‌زننده در مفهوم آن دخالت ندارد و به صرف عدم تعادل نسبی، غبن محقق می‌شود؛ حتی اگر هر دو طرف از قیمت واقعی ناآگاه باشند. همین جهت، میان غبن و تدلیس جدایی می‌افکند؛ همچنین، جبران زیان توسط غبن‌زننده - قبل از اعمال خیار - موجب سقوط حق مغبون نخواهد شد. فقیهان، مطلق «غبن فاحش» را معیار بطلان یا خیار گرفته‌اند؛ البته، میان فقیهان در میزان تفاوتی که معیار فاحش در غبن شود، اختلاف است (جواد تبریزی، ۱۳۸۹/۶: ۱۲۰). هرگاه بانک‌ها گرفتار غبن فاحش شوند، اصل شرعی را شکسته‌اند.

^۳ - به معنای خیانت، خدعه و پوشاندن عیب متاع بوده و خاص‌تر از غرر، «التَّدْلِيسُ لُغَةً وَاصْطِلَاحًا: كَتَمَ عَيْبَ السَّلْعَةِ... وَالْعَرَزُ أَعْمُ مِنَ التَّدْلِيسِ».

۴-۴. اصل ممنوعیت اکل مال به باطل

اکل مال به باطل آن است که اشخاص حقیقی یا حقوقی، بدون مجوز شرعی، مال دیگری را تصرف و تصاحب کنند. اکل مال غیر، «تسلط بر مال دیگری بدون مجوز شرعی» است. قرآن مجید هشدار می‌دهد: «اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خود نخورید.»^۱ در آیه دیگر می‌خوانیم: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید.»

برخی مفسران به درستی بیان داشته‌اند که اینجا نص آشکاری در جهت سلبی از اقتصاد اسلامی است و «لا تَأْكُلُوا» تعبیری از «لا تتصرفوا» است؛ زیرا محور اصلی احتیاجات انسان خوردن است و سایر احتیاجات پس از آن هستند؛ بنابراین، «لا تَأْكُلُوا» تصرفات نابجای مکلفان را بر مبنای هر نوع احتیاجی شامل است. «اموالکم» عموم حقوق است که مال از (میل) است؛ اما کل اموال خوردنی نیست، بلکه نص «لا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ» که دربرگیرنده تمامی جهات مادی و معنوی است، تصرف باطل را از سه جهت در کل منع می‌کند: ۱. تصرف باطل در اموال خودتان ۲.. تصرف در اموال دیگران و ۳. اموال مشترک بین شما. دو نمونه از این ممنوعیت ارائه می‌شود:

۴-۴-۱. تبلیغات ناروا

دوران امروزی را «عصر اطلاعات و ارتباطات» نامیده‌اند؛ زیرا کارگردانان و بازیگران زندگی انسان امروز هستند. در این میان، تبلیغات بازرگانی، از گونه‌های بسیار تأثیرگذار بر روابط مقدماتی و معاملاتی میان تولیدکننده، عرضه‌کننده و مصرف‌کننده شمرده می‌شود. تبلیغات بازرگانی جنبه آگاهی‌دهندگی، تمایل‌دهندگی و وادارکنندگی دارد. اگر بانک‌ها- برای انجام کارهای بانکی و گردش پولی- تبلیغات غیرواقعی و فریب‌کارانه انجام دهند، گویا اکل مال به باطل صورت گرفته است.

۴-۴-۲. نجش

بانک‌ها نمی‌توانند «نجش» کنند. نجش معامله‌ای است که خریدار و فروشنده تبانی کنند در اینکه خریدار کالا را به ارزش بیشتری خریداری کند تا زمینه شود که فروشنده کالای خود را به قیمت بالاتری از قیمت بازار به دیگران بفروشد (عباس‌علی عمید زنجانی، ۱۳۹۱: ۲۵۱). هرگاه بانکی با بانک دیگر توافق کنند که ارزش ارز یا پول را از این راه بالاتر از قیمت واقعی بازار کنند، گرفتار نجش شده‌اند و قاعده ممنوعیت را شکسته‌اند.

۱ - «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» (قرآن مجید؛ نسا/۲۹). «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» (بقره/۱۸۸).



۵. شیوه‌های تخصیص و تجهیز منابع در بانکداری اسلامی

بانکداری اسلامی - علاوه بر مبانی، قواعد و اصول - نیازمند ابزارها و زمینه‌های خاصی برای تحقق اهداف خود است. این ابزارها از مبانی و قواعد نشئت می‌گیرند و بانک‌ها در چهارچوب این قواعد می‌توانند نقش‌آفرینی کنند. مهم‌ترین ابزارهای بانکداری اسلامی شامل مضاربه، مشارکت، مرابحه و سلم هستند. منابع بانک اسلامی به طرق مختلفی تخصیص داده می‌شوند و به‌طور کلی می‌توان آن‌ها را در سه دسته کلی تقسیم‌بندی کرد که عبارت‌اند از قرض الحسنه، عقود مشارکتی و عقود مبادله‌ای.

۵-۱. قرض الحسنه

قرض، در زبان عربی، به معنای بریدن و قطع کردن است (عمید، ۱۳۷۶: ۹۳۷) و در اصطلاح فقهی، به عقدی اطلاق می‌شود که به موجب آن، یکی از طرفین مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر تمویل می‌کند؛ به این شرط که طرف مقابل، همان مال را - از نظر مقدار، جنس و وصف - در مدت معین پس دهد و در صورت عدم امکان بازگرداندن مثل آن، معادل آن را - از نظر قیمت - پرداخت کند (نجفی، ۱۳۶۷/۲۵: ۱۸؛ زحیلی، ۲۰۰۲ م: ۷۹). تسهیلات و اعتباراتی که در بانک‌های اسلامی - به عنوان قرض الحسنه - به مشتریان اختصاص می‌یابد، بدون بهره هستند و ماهیت خیرخواهانه دارند. موضوع قرض باید عین مال باشد (الموسوعة الفقهية ۱۴۱۴ و ۱۲۰) و از نظر شرعی و عرفی باید ارزش مالی داشته باشد (جزیری، ۱۴۱۹ ه. ق: ۲ و ۳۳۸)؛ همچنین، مورد قرض باید - از نظر جنس، نوع و مقدار - مشخص و معلوم باشد (الموسوعة الفقهية ۱۴۱۴ ه. ق: ۲ و ۳۳۸؛ نجفی، ۱۳۶۷: ۱۴ و ۲۵). از نظر فقهی، جواز قرض در کالاهای مثلی مورد اتفاق فقهای شیعه و اهل سنت است؛ اما درباره قرض در کالاهای قیمی، اختلاف نظر وجود دارد (زحیلی، ۱۴۰۹ ه. ق: ۴ و ۷۲۳؛ الموسوعة الفقهية ۱۴۱۴: ۳۳، ۶۸)

۵-۱-۱. کاربردهای قرض الحسنه در سیستم بانکداری اسلامی

توجه به ماهیت غیرانتفاعی و خیرخواهانه قرارداد قرض الحسنه بانک‌های اسلامی می‌تواند، جهت هدف‌های اجتماعی و خدایندانه خود، منابع حاصل از پس‌اندازهای قرض الحسنه افراد خیر و بخشی از سرمایه داخلی، وجوه اداره‌شده دولت یا مؤسسه‌های خیریه را با ضوابط ذیل به خانوارهای نیازمند و مؤسسه‌های خیریه‌ای که فعالیت اجتماعی دارند، قرض الحسنه بپردازند: الف. تسهیلات قرض الحسنه فقط برای خانوارهای نیازمند جهت تأمین مایحتاج ضرور زندگی - مانند ازدواج، درمان، تحصیل، کمک هزینه خرید، ساخت، تعمیر یا اجاره مسکن، خرید لوازم ضرور منزل و تأمین سرمایه جهت فعالیت‌های اقتصادی کوچک - داده می‌شود؛ ب. بانک اسلامی در برابر پول قرض داده‌شده سودی نمی‌گیرد؛ اما می‌تواند در حد تأمین هزینه‌های مربوط به اعطای قرض الحسنه از متقاضیان قرض، کارمزد دریافت کند؛ ج. بانک اسلامی می‌تواند - جهت امنیت سپرده‌ها - در برابر پول قرض داده‌شده،



وثیقه یا ضامن معتبر از متقاضی قرض الحسنه دریافت کند؛ د. اگرچه بانک‌های اسلامی می‌توانند از دیگر قراردادهای، مانند بیع نسبه اقساطی یا جعاله، نیز برای تأمین مالی خانوارهای نیازمند استفاده کنند؛ اما اولویت نخست برای تأمین مالی این خانوارها قرض الحسنه است؛ بنابراین، با فرض وجود منابع مرتبط، شیوه قرض الحسنه مقدم است (موسویان، ۱۳۸۸: ۶۸)

۵-۲. تخصیص منابع بانکی براساس عقود مشارکتی

تمویل منابع مالی براساس عقود مشارکتی به شیوه‌های مختلف در سیستم بانکی وجود دارد و بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی، تجاری و بازرگانی را شامل می‌شود. بانک‌ها، مؤسسات و واسطه‌های مالی نقشی اساسی در اجرای عقود مشارکتی، تمویل پروژه‌های اقتصادی و فعالیت‌های مولد اقتصادی دارند.

۵-۲-۱. نیازسنجی تخصیص مشارکتی منابع بانک اسلامی

ماهیت فعالیت مورد تأمین، در تمویل مالی براساس قراردادهای مشارکتی، به گونه‌ای است که بانک می‌تواند به صورت مشارکتی در فعالیت‌های اقتصادی و تجاری وارد شود. تمویل مالی مشارکتی می‌تواند در تأمین مالی خرد (MICRO) یا کلان (MACRO) استفاده شود. این نوع تمویل مالی از طرفی نیازمند اعتماد به گیرنده تسهیلات و از طرفی نیازمند حسابداری و نظارت دقیق است.

نیازهای مالی		نوع قرارداد
۱	تهیه کالاهای سرمایه‌ای (ساخت مسکن، محل و ابزار کار)	مشارکت مدنی و حقوقی
۲	سرمایه در گردش و زراعت و باغداری	مشارکت حقوقی، مزارعه، مساقات
۳	خدمات و بازرگانی	مضاربه

۵-۲-۲. انواع سازوکارهای تخصیص مشارکتی در سیستم بانکی

۵-۲-۲-۱. عقد مشارکت

عقود مشارکتی یکی از عقود هستند که بانک‌های اسلامی در تأمین منابع مالی شرکت‌ها و مؤسسات از آن استفاده می‌کنند. عقود مشارکتی به دو صورت در سیستم بانکی اجرا می‌شود: مشارکت مدنی و مشارکت حقوقی. ابتدا به ماهیت شرکت و بررسی ابعاد فقهی و سازوکار اجرای آن در سیستم بانکی اشاره می‌کنیم. شرکت در لغت به معنای مخلوط و مزوج شدن اموال است (نجفی، ۱۳۶۷: ۲۶)؛ در اصطلاح نیز قراردادی است که به سبب آن دو یا چند نفر سرمایه مورد نیاز فعالیت اقتصادی را به صورت مشاع فراهم می‌کنند تا، به نسبت سهم‌شان، در سود و زیان آن شریک باشند که به آن شرکت عقدی و اکتسابی نیز می‌گویند (موسوی خمینی، ۱۳۷۶: ۲۸۴؛ نجفی، ۱۳۶۷: ۴؛ ۷۹۳؛ زحیلی، ۱/۱۳۷۲: ۵۷۲؛ موسویان، ۱۳۸۸: ۸۶). «شرکت عبارت از

عقدی است که به موجب آن دو یا بیشتر از اشخاص، تعهد می‌کنند، تا در به کار انداختن یک فعالیت به پرداخت مقدار مال یا انجام عمل یا اعتبار، طوری سهیم شوند که مفاد و خساره به اساس موافقه که بین آن‌ها صورت گرفته، توزیع شود» (قانون مدنی افغانستان). امروزه، بانک‌های اسلامی در مواردی که متقاضی تسهیلات، سابقه خوب و کارکرد موفق در بخش‌های اقتصادی داشته باشد، از این روش برای تأمین مالی پروژه‌های خاص یا تأمین مالی در صورت کمبود سرمایه در گردش استفاده می‌کنند. بعضی از این موارد در ادامه بیان می‌شوند.

۵-۲-۱-۱. تأمین مالی پروژه خاص

در صورتی که برای تأمین مالی پروژه‌ای خاص به سرمایه نیاز باشد که بخشی از این سرمایه از طرف سرمایه‌دار فراهم شود و بخش دیگر آن از طرف بانک، از عقد مشارکت استفاده می‌شود. در این عقود از ابتدا بر نحوه تقسیم سود بین طرفین توافق حاصل می‌شود. در صورتی که بعداً بانک بخواهد از پروژه بیرون برود، طرف دیگر می‌تواند سهم بانک را به قیمت توافقی بخرد. بدین طریق، بانک سرمایه خود را همراه با سود آن پس می‌گیرد.

۵-۲-۱-۲. تأمین مالی سرمایه در گردش

به منظور تأمین مالی سرمایه در گردش، ابتدا کل سرمایه شرکت (اعم از دارایی‌های نقدی و غیرنقدی) محاسبه و سهم سرمایه‌دار معین می‌شود؛ همچنین، سهم مشارکتی بانک نیز معین می‌شود. قرارداد مشارکت بین سرمایه‌گذار و بانک برای مدت خاصی - مثل شش ماه، یک سال یا کم و زیاد- با سهم سود توافقی طرفین با قید اینکه سهم بانک از سود، بیش از نسبت سرمایه او به کل سرمایه نباشد (زیرا بانک شریک غیرفعال است) منعقد می‌شود. وقت سررسید قرارداد، سرمایه‌دار سهم بانک را، با همان روشی که ذیل تأمین مالی پروژه خاص بیان شد، خریداری می‌کند و بانک از شرکت در بنگاه بیرون می‌آید.

بررسی فقهی و حقوقی

در این بخش به برخی مسائل فقهی و حقوقی راجع به شرکت براساس دیدگاه فقهای اهل سنت و تشیع اشاره می‌شود.

۵-۲-۱-۲-۲. تقسیم سود و زیان

از نظر فقهای اهل سنت، نسبت سودی که سود کلی براساس آن میان شرکا تقسیم می‌شود، باید هنگام عقد تعیین شود؛ وگرنه عقد شرکت نافذ نخواهد بود. درباره تقسیم سود بین شرکا چند صورت وجود دارد که عبارت‌اند از: الف. تقسیم سود به نسبت سهم شرکا؛ این صورت، جایز است؛ حتی اگر سهم شرکا مساوی نباشد و برای برخی از آن‌ها شرط عمل شده باشد یا نشده باشد (علاءالدین ابوبکر ابن





مسعود کاسانی، [بی تا: ۹۴]؛ ب. شرط عمل برای یک شریک: اگر برای یکی از شرکا شرط عمل شده باشد و نسبت سهم او از سود، بیشتر از سهم سرمایه‌اش باشد، این امر جایز است و هیچ اشکالی ندارد (علامه حسن ابن یوسف ابن مطهر حلی، [بی تا: ۲۲۵]؛ ج. عدم شرط عمل برای یکی از شرکا: در صورتی که برای یکی از شرکا شرط عمل نشده باشد، اختصاص سود بیشتر از سهم سرمایه او جایز نیست؛ د. اختلاف در تقسیم سود با وجود شرط عمل برای هر دو شریک: اگر برای هر دو شریک شرط عمل شده باشد، اما نسبت سهم آن‌ها از سود به تناسب سهم سرمایه‌شان نباشد، فقهای اهل سنت اختلاف نظر دارند که نزد مالکیه و شافعیه این نوع تقسیم سود جایز نیست (جزیری، سید محمد غروی، ۱۴۱۹ ه.ق: ۱۰۸ و ۱۱۰)؛ اما نزد حنابل و حنفیه این نوع تقسیم سود جایز است (علاءالدین ابوبکر ابن مسعود کاسانی، [بی تا: ۹۵]؛ ابن قدامه مقدسی، [بی تا: ۵/۱۴۰]). بین مذاهب اهل سنت درباره تقسیم ضرر بین شرکا اتفاق نظر وجود دارد که باید به نسبت سرمایه هر یک از شرکا به کل سرمایه شرکت تقسیم شود؛ نه بیشتر و نه کمتر (علاءالدین ابوبکر ابن مسعود کاسانی، [بی تا: ۹۴]).

۵-۲-۲-۱-۲-۲. دیدگاه فقهای شیعه درباره تقسیم سود و زیان

فقهای اهل تشیع درباره تقسیم سود و زیان در عقد شرکت معتقدند که اگر شرکا- از نظر سرمایه- برابر باشند، باید ربح و زیان را به صورت مساوی تقسیم کنند؛ اما اگر تفاوت در سرمایه باشد، تقسیم سود و زیان به نسبت تفاوت در سرمایه خواهد بود؛ مگر اینکه در عقد شرکت، شرط دیگری شده باشد. در صورتی که در عقد، شرط شود که یکی از شرکا- به دلیل انجام بیشتر کار- ربح بیشتری دریافت کند، شرط، شرعی و صحیح است؛ البته در صورتی که ربح بیشتر برای کسی در نظر گرفته شود که عمل کمتری کرده یا هیچ عمل خاصی نکرده، شرط، باطل خواهد بود. در این حالت، این سؤال مطرح می‌شود که آیا عقد صحیح است و شرط باطل است یا هر دو باطل خواهند بود که در این باره نظرات مختلفی وجود دارند. نظر قوی‌تر در این موارد بر صحیح بودن عقد و باطل بودن شرط است؛ همچنین، در صورتی که تمام ربح به یک شریک اختصاص یابد، عقد باطل است؛ مگر اینکه تمام زیان به یک طرف تحمیل شود که در این صورت، از نظر بسیاری از فقهای شیعه، این شرط صحیح است (یزدی طباطبایی، ۱۴۱۹ ه.ق: ۲۸۲) که آیت الله بروجردی و آیت الله خوانساری این نظر را نمی‌پذیرند و آن را مخالف با اصول فقهی می‌دانند (یزدی طباطبایی، ۱۴۱۹ ه.ق: ۲۸۲). در مجموع، تقسیم سود و زیان در عقد شرکت، از دیدگاه اهل سنت و تشیع، از اصول پیچیده و متنوعی برخوردار است. فقهای اهل سنت نظرات متفاوتی در خصوص نسبت سود و شرط عمل دارند و این اختلافات به شیوه‌های مختلف تقسیم سود منجر می‌شوند. در طرف مقابل، فقهای شیعه تقسیم سود را به نسبت سرمایه و کار انجام شده توسط هر شریک تجویز می‌کنند؛ با این حال، شرط اختصاص

سود بیشتر به غیرعامل را باطل می‌دانند. این تفاوت‌ها در روش‌های تقسیم سود و زیان، بازتابی از اصول فقهی و شرایط مختلف عقد شرکت در هر دو مکتب است.

۵-۲-۲-۱-۲-۳. انحلال شرکت

فقه‌های اهل سنت عقد شرکت را از عقود جایز می‌دانند؛ هر شریک حق دارد، پس از اطلاع به شریک دیگر، عقد شرکت را فسخ کند (علاءالدین ابوبکر ابن مسعود کاسانی، [بی‌تا]: ۱۱۶). نزد فقه‌های شیعه، عقد شرکت از عقود جایزی است که وقتی هرکدام از شرکا توانایی فسخ دارند و اگر یکی از آن‌ها مطالبه فسخ کند، دیگران باید قبول کنند. اگر در عقد شرکت، مدتی معین شده باشد، عقد لازم نمی‌شود و هریک می‌توانند پیش از انقضای مدت آن، شرکت را از بین ببرند؛ مگر در صورتی که در ضمن عقد لازم بر او شرط شده باشد که قبل از گذشتن مدت، فسخ نکند (یزدی طباطبائی، ۱۴۱۹ ه.ق: ۲۸۳-۲۸۴). انحلال شرکت در قانونی مدنی افغانستان در مواردی مانند انقضای میعاد معینه، مرگ یکی از شرکا، وقوع حجر بر او، ثبت افلاس یا موافقه شرکا به انحلال و حکم محکمه نام برده شده است (قانون مدنی افغانستان، ماده ۱۲۵۰).

۵-۲-۲-۲. عقد مضاربه

مضاربه در لغت یعنی تجارت با سرمایه فرد دیگر (عمید، ۱۳۷۶) و در اصطلاح فقهی عقدی است که به سبب آن، فردی (مالک) مالی را در اختیار فرد دیگری (عامل) می‌گذارد تا با آن مال تجارت کند و سود حاصل میان آن دو به نسبت معینی تقسیم شود (زحیلی ۱۴۱۹ ه.ق/۳: ۳۲؛ جزیری: ۲/۱۳۸۷: ۴۵۹). فقیهان شیعه و اهل سنت، همه بر این باور هستند که مضاربه پیش از شروع عامل به کار، جایز است؛ بنابراین هرکدام از عامل و مالک می‌توانند عقد را فسخ کنند؛ اما در فسخ پس از شروع به کار اختلاف نظر وجود دارد که برخی همواره آن را جایز می‌شمارند و عده‌ای نیز باور دارند که در این صورت، مضاربه لازم می‌شود (نجفی، ۱۳۶۷/۲۶: ۳۴۰)؛ مضاربه، که یکی از طرفین وجوه (رب المال) براساس آن، وجه را تهیه و طرف دیگر، اداره تجارت (مضاربت) را به عهده می‌گیرد» (قانون بانکی افغانستان، ماده ۲)؛ بنابراین مضاربه، عقدی است که بین بانک و شخص (حقیقی و حقوقی) دیگر، برای اقدام به امر تجاری (خرید و فروش کالا)، منعقد می‌شود. در این قرارداد، بانک، مضارب و تأمین‌کننده وجه مورد نیاز (سرمایه مضاربه) و طرف دیگر قرارداد، عامل و عهده‌دار انجام کلیه امور مربوط به موضوع قرارداد مضاربه است. سود حاصل از انجام معامله مورد نظر، در پایان کار بین بانک و عامل تقسیم خواهد شد و نسبت تقسیم سود براساس توافق اولیه خواهد بود؛ اگر سودی حاصل نشود به هیچ‌یک از آن دو سود نمی‌رسد.



۵-۲-۲-۱. برخی مسائل فقهی درباره ماهیت مضاربه

فقه‌های اهل سنت درخصوص اینکه آیا عقد مضاربه از عقود معاوضه‌ای است یا شرکت، اختلاف دارند؛ درحالی‌که فقه‌های شیعه، مسئله طبیعت عقد مضاربه را به‌گونه‌ای متفاوت مطرح کرده‌اند؛ مثلاً شهید ثانی در این باره می‌گوید: «عقد قراض (مضاربه) ترکیبی از چند عقد مختلف است؛ زیرا در صورتی‌که عقد مضاربه صحیح باشد و سودی حاصل نشود، عامل به‌عنوان امانت‌دار شناخته می‌شود و در صورتی‌که سودی حاصل شود، عامل، شریکی در سود خواهد بود. اگر عامل در تصرفات خود از حدودی که مالک مشخص کرده تجاوز کند، غاصب است. در صورتی‌که عقد صحیح باشد عامل در خود به‌عنوان وکیل عمل می‌کند. در صورتی‌که عقد مضاربه، فاسد باشد، عامل، اجیر محسوب می‌شود» (زین الدین ابن علی ابن احمد عاملی، ۱۴۱۳ ه.ق: ۳۳۲ و ۳۴۳).

مضاربه به دو نوع «مطلق» و «مقید» تقسیم می‌شود: الف. مضاربه مطلق هیچ قیدی از قبیل زمان، مکان یا نوع معامله ندارد؛ به عبارتی، بایع و مشتری مشخص نمی‌شوند؛ ب. مضاربه مقید به یکی از قیود فوق (زمان، مکان یا نوع معامله) محدود شده است (قانون مدنی افغانستان، ماده ۱۲۶۶). طبق قانون، خسارت تنها بر عهده صاحب سرمایه است؛ مگر اینکه مضارب (عامل) در سود یا ضرر شریک شود و سود را ضمانت کرده باشد (قانون مدنی افغانستان، ماده ۱۹۱).

۵-۲-۳. تحلیل و جمع‌بندی

کاربرد عقود مشارکتی در سیستم بانکداری اسلامی را می‌توان به‌صورت جدول ذیل نشان داد:

نیازهای مالی	نوع قرارداد	درآمد	تقسیم سود و زیان
تأمین بخشی از سرمایه مورد نیاز شرکت‌های تجاری داخلی و بین‌المللی	مشارکت/مضاربه	درآمد ثابت ندارد	براساس توافق
تأمین مالی طرح‌های صنعتی و زراعتی	مشارکت/مضاربه	درآمد ثابت ندارد	براساس توافق
مشارکت در هزینه‌های استخراج معدن	مشارکت	درآمد ثابت ندارد	براساس توافق
تأمین نیازهای شرکت‌های خدماتی	مشارکت/مضاربه	درآمد ثابت ندارد	براساس توافق

باتوجه به جدول بالا، بانک‌های اسلامی به تناسب سرمایه خود نسبت به کل سرمایه، در مالکیت بنگاه و طرح اقتصادی شریک خواهند بود و به تبع آن، به همان تناسب در سود و زیان احتمالی شرکت‌ها سهیم خواهند شد؛ علاوه بر این، بانک اسلامی در سود و زیان بنگاه‌های طرف قرارداد نیز

شریک می‌شود و باید از جهت فنی و اقتصادی به سودآور بودن طرح و بنگاه اطمینان داشته باشد. بانک اسلامی باید فقط در بنگاه‌هایی مشارکت کند که امکان نظارت و کنترل مستمر بر فعالیت اقتصادی آن‌ها را داشته باشد.

۳-۵. تأمین و تخصیص منابع بانکی بر مبنای عقود مبادله‌ای

در تأمین مالی براساس قراردادهای مبادله‌ای، ماهیت فعالیت مورد تأمین به گونه‌ای نیست که بانک بتواند آن را در قالب‌های عقود غیرانتفاعی و مشارکتی تأمین کند؛ زیرا متقاضیان در حدی هستند که می‌توانند، علاوه بر اصل وجوه دریافتی، بخشی از عایدی حاصل از معامله را به تأمین‌کننده وجوه بپردازند. عقود مشارکتی در این معاملات قابل استفاده نیستند؛ زیرا فعالیت یا هدف مورد تأمین مالی، خرد است و از طرفی مشارکت با مشکلات حسابداری مواجه است.

نیازهای مالی		نوع قرارداد مبادله‌ای
۱	تهیه کالاهای مصرفی	فروش اقساطی
۲	تهیه کالاهای سرمایه‌ای (مسکن، محل و ابزار کار)	فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، استصناع و جعاله
۳	بازپرداخت بدهی	خرید دین

۳-۵-۱. سازوکارهای تمویل منابع بانکی براساس عقود مبادله‌ای

در این بحث به برخی از موارد عقود مبادله‌ای، که کاربرد گسترده‌ای در سیستم بانکی دارند، اشاره می‌شود و تلاش می‌کنیم سازوکار اجرای آن را تحلیل کنیم.

۳-۵-۱-۱. فروش اقساطی (مرابحه)

بانک، کالای مورد نیاز مشتری را در امور تولیدی و خدماتی تهیه و از طریق فروش اقساطی (بیع نسبه اقساطی) در اختیار آنان قرار می‌دهد و مشتری، بهای کالا را به صورت اقساط پرداخت می‌کند. زمینه‌های فروش اقساطی عبارت‌اند از: فروش اقساطی مسکن، وسایل تولید، ماشین‌آلات و تجهیزات، مواد اولیه، لوازم یدکی و ابزار کار. از لحاظ فقهی و حقوقی باید شرایطی رعایت شوند که شامل لزوم مشخص بودن مبیع، ثمن و مدت بازپرداخت ثمن، لزوم تحویل مبیع و ثمن به مجرد وقوع عقد بیع، پرهیز از بیع کالی به کالی (مثنی و ثمن نمی‌توانند هر دو موجد باشند) و جلوگیری از صوری شدن معامله می‌شود.

۳-۵-۱-۲. عقد اجاره

عقد اجاره عبارت است از تملیک منفعت مورد نظر از عین، که به اجاره داده می‌شود، توسط اجاره‌دهنده برای گیرنده به عوض اینکه قابلیت بدل داشته باشد (قانون مدنی افغانستان، ماده ۱۳۲۲):





بنابراین، مالک دارایی ای - غیر از دارایی های مصرف شدنی - حق انتفاع دارایی خود را با عقد اجاره برای مدت و عوض مقرر به دیگری منتقل می کند (State Bank of Pakistan, Islamic Banking Department, op.cit. p:8). اجاره ای که در بانک های اسلامی به کار گرفته می شوند، سه صورت دارند:

اجاره عملیاتی: اجاره عملیاتی همان اجاره رایج در عرف اسلامی است. وقتی مشتری بانک نمی تواند کالای مورد نیاز خود را خریداری کند، به بانک مراجعه می کند؛ بانک برای رفع نیاز مشتری، کالا را خریداری می کند و برای مدت و مبلغ معینی به مشتری اجاره می دهد؛ البته مبلغ اجاره در اجاره های بلندمدت می تواند در آغاز هر دوره تعیین شود. مقصود در این اجاره، استفاده از شیء مورد نیاز است؛ و نه تأمین مالی برای فراهم کردن سرمایه (Ayub Choudry, Islamic Modes of Business and Finance, p: 47).

اجاره مالی: زمانی که بنگاهی نیاز به دارایی های ثابت، مثل ماشین آلات، داشته و سرمایه کافی برای خرید آن را نداشته باشد، از اجاره مالی کمک می گیرد. موضوع این نوع اجاره، در پایان مدت آن به طرف مستاجر منتقل می شود. این انتقال با بیع یا هدیه صورت می گیرد. در اجاره مالی، مبلغ اجاره طوری محاسبه می شود که بانک بتواند قیمت موضوع اجاره را همراه با سود پس بگیرد؛ بدین طریق همان فایده ای که بانک های متعارف با دادن قرض و گرفتن بهره از آن به دست می آورند، بانک های اسلامی از طریق اجاره مالی به دست می آورند.

اجاره مجدد: در این نوع از اجاره در صورتی که بنگاهی با کمبود سرمایه مواجه شود، مشکل نقدینگی خود را با فروختن بخشی از دارایی خود به بانک برطرف می کند؛ سپس همان دارایی را از بانک اجاره می کند و از این طریق نیاز به آن دارایی را نیز برطرف می کند. در تمام صور اجاره، کالایی که اجاره داده می شود، نباید از اشیای مصرف شدنی باشد. کالای اجاره داده شده، در مدت اجاره در ملکیت بانک باقی می ماند و بانک تمام خسارت های وارد شده بر کالا را متحمل می شود؛ البته در صورتی که خسارت وارد شده به کالا ناشی از کوتاهی مستاجر نباشد (زین الدین ابن علی ابن احمد عاملی، ۱۴۱۳ ه.ق: ۱۷۶). بانک برای دفع خسارت های احتمالی، کالا را بیمه می کند که هزینه آن نیز بر عهده خود بانک است (State Bank of Pakistan, Islamic Banking Department, op.cit. p:8).

۵-۳-۱-۲-۱. بررسی فقهی و حقوقی

در صورت رعایت تمام شرایط اجاره عملیاتی - که بعد از اتمام مدت اجاره، موضوع آن نیز در ملکیت موجر باقی می ماند - این اجاره از جهت فقهی اشکالی ندارد؛ البته یکی از شرایط صحت اجاره، معلوم بودن مبلغ هر قسط مال الاجاره است (عبدالرحمان جزیری، سید محمد غروی، یاسر مازح، ۱۴۱۹ ه.ق: ۱۳۲؛ یزدی طباطبایی، ۱۴۱۹ ه.ق: ۱۰)؛ بنابراین، ممکن است مشخص نبودن مبلغ

اقساط اجاره تا قسط آخر آن و تعیین مبلغ آن در آغاز دوره‌های زمانی معین (شش ماه یا یک سال) باعث غرر در معامله شود که اجاره را باطل می‌کند و مربوط کردن آن با نرخ تورم یا شاخص‌های دیگر نیز مسئله را حل نمی‌کند. برای حل این مشکل باید مبلغ اقساط را تا زمان معینی تعیین کرد و پس از آن برای دوره‌های بعدی با درصد معینی، مثل سالانه یا شش ماهه ۱۰٪، اضافه کرد یا از ابتدا، قرارداد اجاره برای دوره معینی منعقد شود و برای دوره‌های بعدی، قراردادهایی با نرخ جدید امضا شوند؛ البته راه دوم چندان عملی به نظر نمی‌رسد.

در باره اجاره مالی یا اجاره به شرط تملیک، بین فقهای فقه جعفری اختلاف است؛ بعضی آن را صحیح دانستند و بعضی قائل به تفصیل شده‌اند؛ یعنی اگر مقصود آن است که تملیک به نحو شرط نتیجه باشد (پس از پایان یافتن مدت اجاره، خودبه‌خود به ملکیت مشتری و مستأجر درآید) صحت آن مشکل دارد، اما اگر مقصود این باشد که مالک، ملک را اجاره دهد به شرط اینکه در پایان اجاره، آن را هبه کند، با مستأجر صلح کند یا به مبلغ بسیار ناچیزی به تملک مستأجر درآورد، اجاره، صحیح است و شرط اشکالی ندارد (سید عباس موسویان، ۱۳۸۳، ۷۴). از این تفصیل، نظر فقهای که قائل به صحت یا بطلان این عقد شده‌اند معلوم می‌شود در نتیجه، عمل به آن دور از اشکال به نظر می‌رسد؛ بنابراین، براساس فقه و حقوق موضوعه، قرارداد اجاره به شرط تملیک، از این جهت که مشروط است، اشکالی پیش نمی‌آید. نزد فقهای اهل سنت نیز اگر عقد، طوری منعقد شود که در عقد دیگر داخل و به آن مشروط شود، باعث بطلان آن عقد خواهد شد (عبدالرحمان ابن محمد شمس‌الدین ابن قدامة المقدسی، [بی‌تا: ۵۳]) اما اگر عقد به دیگری مشروط نشود، بلکه فقط تعهد انعقاد عقد دیگر داده شود- مثلاً اول اجاره انجام می‌گیرد و در زمان معین، عقد بیع و غیره را انجام می‌دهند- هیچ اشکالی وجود ندارد (محمدتقی عثمانی ۱۹۸۰، ۲۵۲)؛

در اجاره مجدد نیز اگر پس از اینکه کسی دارایی خود را به دیگری بفروشد، از او به اجاره بگیرد و شرط تملیک موقت پس از اتمام مدت اجاره در معامله ذکر نشود، مشکلی ایجاد نمی‌شود؛ زیرا دو عقد واقع شده است که از یکدیگر جدا هستند. اگر شرط شود که آن دارایی پس از پایان مدت اجاره دوباره به مالک اول تملیک شود، ممکن است این شبهه را ایجاد کند که این همان بیع‌العینه است (در بیع‌العینه نیز شرط می‌شود که مشتری، مبیع را دوباره به بایع می‌فروشد؛ در مسئله مورد بحث نیز اگرچه عقد اجاره صورت گرفته است اما مبیع دوباره به بایع تملیک می‌شود) که در صحت آن اشکال کرده‌اند. دقت در این امر روشن می‌کند که این مورد تفاوت بسیاری با بیع‌العینه دارد؛ زیرا در صورت اجاره مجدد، عین در ملکیت موقت باقی می‌ماند و خطر آن نیز بر عهده او است، اما در صورت بیع‌العینه، مشتری همان چیزی را که مبیع خریداری کرد به بایع اول می‌فروشد و بدون اینکه هیچ‌گونه خطری متحمل شود، سود به دست می‌آورد. در بسیاری از موارد شاید قبض و اقباض نیز صورت



نمی‌گیرد؛ بنابراین، قیاس اجاره مجدد با بیع العینه، قیاس مع الفارق است و به نظر می‌رسد که اجاره مجدد اشکالی نداشته باشد.

۵-۳-۱-۳. عقد استصناع

«استصناع، بیعی است که براساس آن مشتری سفارش ساخت، مونتاژ یا تعمیر چیزی که در تاریخ بعدی تحویل داده شود، می‌دهد» (State Bank of Pakistan, Islamic Banking Department, op.cit. p:13). به بیان دیگر، استصناع قراردادی است که مشتری براساس آن، تولید یا تهیه جنس مشخصی را در بدل مبلغ مشخصی و انتقال آن در وقت توافق شده‌ای از تولیدکننده تقاضا می‌کند. کالایی که براساس این روش ساخته می‌شود (شیء مصنوع) باید تا حدی معلوم و معین باشد که هرگونه ابهامی را درباره مشخصات آن - که شامل نوع، صنف، کیفیت و کمیت و غیره می‌شود - برطرف کند. قیمت کالاهایی که قرار است ساخته شوند باید قطعی و بدون هیچ‌گونه ابهامی معین شوند. امکان پرداخت قیمت توافقی به صورت یک جا یا اقساط، آن گونه که توافق شده، وجود دارد. اگر کالاهای ساخته شده، طبق مشخصات توافق بین اطراف قرارداد بود، سفارش‌دهنده (مشتری) نمی‌تواند از قبول کردن آن‌ها خودداری کند؛ مگر اینکه عیب آشکاری دیده شود. می‌توان این قید را در قرارداد اضافه کرد که در صورتی که کالاها در زمان مقرر تحویل داده نشوند، مشتری می‌تواند از قبول کردن کالاها خودداری کند. امروزه، استصناع در تأمین مالی سرمایه در گردش و کسانی که کمبود مالی برای تهیه کالای مورد نظر دارند، استفاده می‌شود. این روش برای صادرکنندگان و کسانی که در ساخت و ساز هستند و سفارش برای ساخت یا ساخت و صدور کالا دارند، بسیار مفید است.

۵-۳-۱-۳-۱. تحلیل فقهی و حقوقی

استصناع در بانک‌های اسلامی در زمره بیع قرار دارد؛ اما درباره آن بین فقها اختلاف است. فقها در زمینه استصناع به دو گروه تقسیم شده‌اند (سید عباس موسویان ۱۳۸۳، ۳۹۰ - ۴۰۲): گروهی قائل به بطلان قرارداد استصناع هستند و گروهی اصل قرارداد استصناع را به عنوان قرارداد صحیح قبول دارند اما در تبیین ماهیت آن اختلاف دارند.

الف. حامیان بطلان قرارداد استصناع: شیخ طوسی، در کتاب خلاف در باب سلم، می‌فرماید: «استصناع الخفاف و النعال و الأوانی من الخشب و الصفر و الرصاص و الحديد لا یجوز» (طوسی، ۱۴۰۸: ۲۱۵). دلیل اول شیخ طوسی بر بطلان، اجماع است و دلیل دوم وی ادعای مجهول بودن عین و صفات کالایی است که سفارش ساخت آن داده می‌شود.

ب. حامیان صحت اصل قرارداد استصناع: بسیاری از فقها استصناع را از مصادیق بیع می‌دانند اما در اینکه از کدام نوع بیع است، اختلاف دارند. برخی آن را بیع سلم و برخی، نوعی دیگر از بیع



در قبال بیع نقد و نسیه و سلم می‌دانند. دلیل کسانی که قائل هستند به قرار داشتن استصناع در زمره بیع سلم این است که اینکه سفارش‌دهنده، کالای کلی‌ای را با اوصاف معینی از سازنده خریداری می‌کند و سازنده متعهد می‌شود تا سررسید معینی کالا را آماده کند و تحویل دهد، دلیل افرادی که قائل هستند که قرارداد استصناع، نوع دیگری از بیع در قبال بیع نقد، نسیه و سلم است، این است که مبیع در قرارداد استصناع کلی در ذمه سازنده نیست، بلکه مشخص است، یعنی کالایی را که سازنده می‌سازد که واقعی است و به صورت مواد اولیه یا کلی در عین، وجود خارجی متعین دارد، مشتری خریداری می‌کند. با این بیان، قرارداد استصناع از سلم خارج می‌شود؛ زیرا سلم مختص به جایی است که مبیع کلی در ذمه باشد. برخی از فقها استصناع را مصداقی از قرارداد اجاره یا جعاله می‌دانند؛ براساس این دیدگاه، مستصنع، سازنده را برای ساختن کالایی که بر آن توافق کرده‌اند، اجیر می‌کند و به مقتضای قرارداد اجاره یا جعاله، مالک عمل سازنده شده و به تبع آن مالک حاصل عمل (کالای ساخته‌شده) نیز خواهد بود. برخی نویسندگان جدید گرایش به این دارند که استصناع، قرارداد مستقلی در مقابل بیع و اجاره است و مفاد آن با بیع و اجاره یا ترکیبی از آن دو یا عقود دیگر متفاوت است؛ آن‌ها چنین استدلال کرده‌اند که از آنجاکه در این معامله، سفارش‌پذیر متعهد می‌شود با طرح را مواد اولیه‌ای که خود تهیه می‌کند تکمیل کند و تحویل دهد، «عمل» و «عین» با هم بر ذمه او می‌آیند و اصرار بر داخل کردن این عقد با این ویژگی‌ها تحت عقدی از عقود دیگر، وجهی ندارد؛ همچنین، از آنجاکه این عمل مخالفتی با کتاب و سنت ندارد و صدق عقد- همان‌طور که اشاره شد- بر این قرارداد بلامانع است، مشمول اطلاق دلیل «اوفاو بالعقود» خواهد شد (محمدتقی نظرپور، ۱۳۸۴، ۲۰). برخی دیگر، استصناع را از باب صلح تفسیر کرده‌اند. صلح قراردادی لازم است و جز با توافق طرفین قابل فسخ نیست؛ همچنین موضوع قرارداد صلح آن اندازه وسعت دارد که سفارش ساخت و طراحی انواع کالاها، پروژه‌ها، طرح‌های عمرانی و خدماتی و ... را در بر می‌گیرد. در قرارداد صلح، طرفین می‌توانند به هر نحو که بخواهند روی اوصاف موضوع قرارداد و کیفیت پرداخت بهای آن از جهت زمان، مکان و نحوه پرداخت به توافق برسند. طرفین قرارداد صلح می‌توانند، برای پرهیز از ضرر و زیان خود، انواع پیشامدها را پیش‌بینی کنند و متناسب با آن، شرط مناسبی مانند شرط خیار فسخ بگنجانند (سید عباس موسویان، ۱۳۸۴: ۴۰۱ - ۴۰۲). اگرچه بین فقها درباره ماهیت استصناع اختلاف است، اما از بیانات فوق به نظر می‌رسد که استصناع از عقود صحیح است و علمای اهل سنت، معامله استصناع را در زمره بیع می‌دانند؛ چه به عنوان بیع سلم و چه به عنوان بیع مستقل و بانک‌های اسلامی می‌توانند از عقد استصناع در کالاهای صنعتی استفاده کنند.



۵-۳-۱-۴. عقد سلم (سلف)

سلم (پرداخت پیشاپیش ثمن در مقابل تحویل معوق کالاها) بیعی است که به موجب آن بایع متعهد می‌شود کالاهای معین را به مشتری در تاریخ بعدی به‌ازای ثمنی که به‌طور کامل موقع انعقاد قرارداد بیع پرداخت می‌شود، تحویل خواهد داد (State Bank of Pakistan, Islamic Banking Department, op.cit, p:9). معامله سلم برای کسانی که در جریان تولید کالا دچار کمبود سرمایه در گردش می‌شوند، مفید است؛ آن‌ها می‌توانند، از طریق پیش‌فروش قسمتی از تولید خود، نیاز مالی بنگاه را تأمین کنند (سید عباس موسویان، ۱۳۸۳، ۷۵). این روش تأمین مالی را بانک‌های اسلامی پاکستان در برنامه خود قرار داده‌اند. بانک‌ها با استفاده از این معامله به کشاورزها و تجاری که نیاز به سرمایه دارند، کمک می‌کنند و با فروش محصول خریداری‌شده با قیمت افزوده‌ای برای خودشان کسب سود می‌کنند. تعیین خصوصیتی که قیمت جنس به‌واسطه آن‌ها فرق می‌کند؛

۱. تحویل تمام قیمت از سوی خریدار به فروشنده پیش از جدا آن دو از یکدیگر؛
۲. تعیین کامل مدت؛
۳. تعیین وقتی برای تحویل جنس؛
۴. تعیین مکان تحویل جنس؛
۵. تعیین وزن یا پیمانه.

۵-۳-۱-۴-۱. تحلیل فقهی معامله سلم

الف) انسان نمی‌تواند جنسی را که سلم خریده، پیش از تمام شدن مدت، بفروشد؛ اما اگر آن را پس از تمام شدن مدت تحویل نگرفته باشد، فروختن آن اشکالی ندارد (باید به غیرفروشنده بفروشد).
ب) اگر فروشنده- در معامله سلم- جنسی را که قرارداد کرده تحویل مشتری دهد، مشتری باید قبول کند.

ج) اگر جنسی که فروشنده می‌دهد، پست‌تر از جنسی باشد که قرارداد شده، مشتری می‌تواند قبول نکند.
د) اگر جنسی که سلم فروخته شده، موقع تحویل، نایاب شود و فروشنده نتواند آن را تهیه کند، مشتری می‌تواند صبر کند یا معامله را از بین ببرد و چیزی را که به فروشنده داده بود، پس بگیرد. می‌توان گفت درباره ماهیت، شرایط و احکام سلم بین با فقهای شیعه و سنی اختلافی جز در موارد بسیار جزئی، وجود ندارد (عبدالرحمان جزیری، سید محمد غروی، یاسر مازح، پیشین/۲: ۳۵۶-۳۷۱)؛ البته این مقدار اختلاف بین فقهای شیعه نیز وجود دارد. سلم به معنی پیش‌فروش است؛ یعنی پرداخت نقد هزینه جنس و گرفتن آن پس از مدت معینی (شعرانی، ۱۴۱۹ه، ۲۹۴).



کاربرد عقود مبادله‌ای در بانکداری اسلامی

شماره	عقود	کاربرد
۱	فروش اقساطی	تولیدی (صنعتی، معدنی، زراعت)، خدمات و مسکن
۲	اجاره (به شرط تملیک)	تولیدی (صنعتی، معدنی، زراعت)، خدمات و مسکن
۳	استصناع	تولیدی (صنعتی، معدنی، زراعت)، بازرگانی و خدمات
۴	سلف	تولیدی (صنعتی، معدنی، زراعت)، بازرگانی، خدمات و مسکن

۶. نتیجه‌گیری

بانکداری اسلامی مبانی و اصولی دارد. در این تحقیق پایه‌ها و اصول حاکم بر بانکداری اسلامی بررسی شدند. باور به توحید، برخورداری از زندگی موحدانه و اعتقاد به مالکیت حقیقی الهی در تصمیم‌گیری‌ها و قراردادهای مالی و فرود خاصانه در برابر حاکمیت اراده خداوند در بخش تشریع و تقنین، مسیر بانکداری اسلامی را از بانکداری متعارف جدا می‌کند؛ علاوه بر این رعایت عدالت اجتماعی در سیستم بانکداری اسلامی، توزیع درآمدها و سود حاصل از قراردادهای مالی را به صورت عادلانه در جامعه هموار و از تبعیض سیستماتیک و انحصارگرایی جلوگیری می‌کند. براساس مسئولیت اجتماعی، بانک‌های اسلامی موظف هستند زمینه همکاری و تعاون را گسترش دهند و بخشی از منابع خود را براساس قرض الحسنه در اختیار نیازمندان قرار دهند. بانک‌های اسلامی ملزم هستند به ایفای مسئولیت اجتماعی خود در قبال نفع اقتصادی‌ای که از جامعه به دست می‌آورند. بانک‌های اسلامی، که شخصیتی حقوقی هستند، برای اجرای درست سیستم بانکی ملزم به رعایت اصول و قواعد شرعی هستند و باید از معاملات ربوی پرهیز کنند؛ آن‌ها باید به جای ربا از عقود اسلامی در معاملات تجاری خود استفاده و از معاملات ضرری و غرری اجتناب کنند، هرگونه زمینه اکل مال به باطل را از بین ببرند و شرایط را برای زندگی طیبه در جامعه براساس عقود فراهم کنند. بانکداری اسلامی، علی‌رغم تاریخچه‌ای کوتاه در بازارهای مالی اسلامی و جهانی، رشد مناسبی داشته است. امروزه، بانکداری اسلامی در کشورهای اسلامی رایج است و در مبادلات تجاری و قراردادهای مالی از عقود اسلامی استفاده می‌شود. در افغانستان نیز مدت کوتاهی است که بانک‌ها تلاش می‌کنند معاملات مالی، تسهیلات و اعتبارات بانکی را براساس عقود اسلامی برای سرمایه‌گذاران و متقاضیان فراهم کنند. تحولات اخیر کشور ما شرایط ثبات مالی، امنیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری را متزلزل و دچار بحران کرد؛ در نتیجه، اعتماد به سیستم بانکی کاهش یافت و روند

اسلامی شدن بانک‌های اسلامی در افغانستان با مشکل مواجه شد؛ اما می‌توان با سازوکارهای مناسب سیاسی، ایجاد اعتماد برای سرمایه‌گذاران، تأمین امنیت آن‌ها و اجرای قوانین درست و عاری از هرگونه بروکراسی زمینه را برای اجرای عقود اسلامی در بانک‌های افغانستان فراهم کرد. افغانستان کشوری اسلامی و در عین حال توسعه‌نیافته است؛ این کشور نیازمند برنامه‌ها و طرح‌های مالی مناسب در راستای سازندگی و آبادانی براساس عقود اسلامی در بازارهای مالی است که می‌تواند از ظرفیت بانکداری اسلامی در بُعد توسعه‌یافتگی اقتصادی استفاده کند، مسیر توسعه اقتصادی را برای کشور هموار سازد، زمینه رفاه و آسایش را برای جامعه فراهم کند و مردم را از فقر و بیکاری نجات دهند. نتیجه مقاله حاکی از ظرفیت بانکداری اسلامی در بخش‌های مختلف اقتصادی است که در جدول ذیل انعکاس یافته‌اند.

شماره	عقود مورد استفاده	کاربرد	دوره زمانی
۱	فروش اقساطی	تولیدی (صنعتی، معدنی، زراعت)، خدمات و مسکن	میان‌مدت
۲	اجاره به شرط تملیک	تولیدی (صنعتی، معدنی، زراعت)، خدمات و مسکن	بلندمدت
۳	خرید دین	تولیدی (صنعتی، معدنی، زراعت)، بازرگانی و خدمات	کوتاه‌مدت
۴	سلف	تولیدی (صنعتی، معدنی، زراعت)، بازرگانی، خدمات و مسکن	کوتاه‌مدت
۵	قرض الحسنه	ازدواج، تسهیلات و پروژه‌های کوچک	کوتاه‌مدت/بلندمدت
۶	مضاربه و مشارکت	پروژه‌های بزرگ، مانند: تابی، خط آهن، ساختن شاهراه‌ها و...، بازرگانی و مسکن	بلندمدت/کوتاه‌مدت



ابن قدامه، عبدالرحمان ابن محمد شمس الدين. (بی تا). الشرح الكبير على المغنی. لبنان: دارالكتاب العربی. الجزیری، عبدالرحمان؛ الغروی، سید محمد و یاسر مازح. (۱۴۱۹ ه.ق). کتاب الفقه على المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت عليهم السلام. لبنان: دارالثقلین.

جمشیدی، سعید. (۱۳۸۰). بانکداری اسلامی. ج ۳. ایران: شکوه اندیشه.

حلی، علامه حسن ابن یوسف ابن مطهر اسدی. (بی تا). تذکرة الفقهاء (ط-القديمة). [بی جا]: [بی نا].

السرخسی، شمس الدين. (۱۴۰۶ ه.ق). المبسوط. ج ۱۲. لبنان: دارالمعرفة.

الحسینی السیستانی، سید علی. (۱۴۲۲ ه.ق). المسائل المنتخبة. ج ۹. ایران: مکتب آية الله السيستاني.

الشعرانی، شیخ ابوالحسن. (۱۴۱۹ ه.ق). ترجمة و شرح تبصرة المتعلمين فی أحكام الدين. ج ۵. ایران: منشورات الإسلامية.

شهید اول، محمد ابن مکی عاملی. (۱۴۱۰ ه.ق). اللمعة الدمشقية فی فقه الإمامية. لبنان: دارالتراث - دارالإسلامية.

شهید ثانی، زین الدین ابن علی ابن احمد عاملی. (۱۴۱۳ ه.ق). مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام. ایران: مؤسسة المعارف الإسلامية.

الشيخ سيد سابق. (۱۴۱۹ ه.ق). فقه السنة. لبنان: دارالفکر.

الصدر، السيد محمد باقر. (۱۴۰۱ ه.ق). البنك اللاروي فی الاسلام. ج ۷. لبنان: دارالتعارف للمطبوعات.

اليزدی الطباطبائي، السيد محمد كاظم. (۱۴۱۹ ه.ق). العروة الوثقى (المحشى). ایران: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مؤدسين حوزه علميه.

طباطبائي، سيد علي ابن محمد ابن ابي معاذ. (۱۴۱۸ ه.ق). رياض المسائل في تحقيق الأحكام بالدلائل (ط - الحديث). ایران: مؤسسة آل البيت عليهم السلام.

طوسي، ابو جعفر محمد ابن حسن. (۱۴۰۸ ه.ق). كتاب الخلاف. ایران: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مؤدسين حوزه علميه.

_____ . (۱۳۸۷ ه.ق). المبسوط فی فقه الإمامية. ج ۳. ایران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.

فراهانی فرد، سعید. (۱۳۷۸). سیاست های پولی در بانکداری بدون ربا (بررسی فقهی - اقتصادی). ایران: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

الکاسانی، علاء الدين ابوبکر ابن مسعود. (بی تا). کتاب بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع. لبنان: دارالفکر.

الکاشانی، محمد محسن فیض. (۱۴۱۰ ه.ق). مفاتیح الشرائع. ایران: مجمع الذخائر الإسلامية.

عاملی کرکی (محقق ثانی)، علی ابن حسین. (۱۴۱۴ ه.ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد. ج ۲. ایران: مؤسسة آل البيت عليهم السلام.

عبدالرحمان، محمود. (بی تا). معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهية. [بی جا]: [بی نا].

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۱۳ ه.ق). انوار الفقاهه، کتاب البیع. ایران: مدرسه امام امیرالمؤمنین (ع).

موسویان، سید عباس. (۱۳۸۳). بانکداری اسلامی. ج ۴. ایران: پژوهشکده پولی و بانکی.

_____ (۱۳۸۶). ابزارهای مالی اسلامی (صکوک). ایران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

النجفی، محمدحسن ابن باقر. (۱۳۶۷). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. ج ۷. لبنان: دار إحياء التراث العربی.
نراقی، مولی احمد ابن محمد مهد. (۱۴۱۵ ه.ق). مستند الشیعة فی أحكام الشریعة. ایران: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
نظریور، محمدتقی. «اوراق بهادر استصناع (سفارش ساخت)، ابزاری برای سیاست پولی». مجله اقتصاد اسلامی. ۲۰.

A.L.M. Abdul Ghafoor, Islamic Banking (chapter 4 of Interest-free Commercial Banking, by the author, 1995).

Ahmad, Dr. Ausaf, Contemporary Practices of Islamic Financing, techniques, Research Paper no. 20, I.R.T.I, Islamic Development Bank, Jeddah, 1993.

Banking system in Pakistan (Part 1-3), By SHIJAT ALI BAIG , Pakistan Economist, (Vol: Dec 06 - 12, 1999, Dec 13 - 19, 1999, Dec 27, 1999 - Jan 02, 2000).

Central Bank of the Islamic Republic of Iran: Gozaresh-e Owza-e Ostanha; Edareh-e-Amar-e-Eghtesadi (narrated from Iraj Toutounchian, An Analytical Review of Islamic Banking as Practiced in Iran, I.R.T.I, Islamic Development Bank, Jeddah, June 1998).



بررسی و تحلیل مطلوبیت‌گرایی اقتصادی از نظرگاه امیرمؤمنان علی (ع)

وجرمی بنتام

دکتر سید عبد الحمید ثابت**

غلام‌رضا رسولی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱/۶

تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۲/۲۵

چکیده

مطلوبیت، فایده و لذت از مفاهیمی است که اندیشمندان فلسفه اخلاق از آغازین تاریخ تفکر بشری به آن توجه ویژه داشته‌اند. فیلسوفان اخلاق بر این باورند که رفتار انسان‌ها به‌خصوص در بعد اقتصادی تنها در پرتو منفعت و مطلوبیت اقتصادی و دوری از رنج شکل می‌گیرد. تفاوت دیدگاه اسلامی با فلسفه‌ی غرب در این نهفته است که در فلسفه‌ی اسلامی مطلوبیت و لذت تنها در لذات و مطلوبیت‌های مادی و اقتصادی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه فایده‌های اخروی، معنوی و الهی را نیز شامل می‌شود بلکه این دسته مطلوبیت‌ها بسا ارزشمندتر از لذت و مطلوبیت‌های زودگذر اقتصادی مادی است. در میان نظریه نظریه پردازان غربی جرمی بنتام مشهورترین فیلسوفی است که در این زمینه پژوهش گسترده‌ای نموده است و در جهان اسلامی اثرگذارترین فرد بعد از پیامبر مکرم اسلام (ص)، حضرت علی ابن ابیطالب (ع) است. که در این رشته تحریر مطالعه تطبیقی میان اندیشه مطلوبیت اقتصادی از دیدگاه امام علی (ع) و جرمی بنتام، به روش تحلیلی و بر اساس گردآوری معلومات کتابخانه‌ای، صورت گرفته است که هدف از آن کشف نقاط مشترک و تفاوت نظرهای این دو اندیشمند بوده است. نتایج حاصل آن است که مطلوبیت پذیرفته شده اقتصادی در اندیشه امام علی (ع) دارای قیود و شاخص‌هایی از قبیل: خدا محوری، عدالت، حفظ دین، حق‌مداری و آخرت‌گرایی است که مطلوبیت‌گرایی اقتصادی بنتام از چنین شاخصه‌هایی تهی است و تفاوت اساسی میان این دو نظریه در همین اصول و معیارها نهفته است.

واژگان کلیدی: مطلوبیت، فایده‌گرایی، لذت‌گرایی، فلسفه‌ی اخلاق، امام علی (ع) و جرمی بنتام.

مطلوبیت‌گرایی یا فایده‌گرایی که گاهی در فلسفه‌ی اخلاق از آن به لذت‌گرایی نیز نام برده می‌شود، یکی از بنیادی‌ترین مباحث فلسفه‌ی اخلاق است که خصوصاً در فلسفه‌های مضاف جایگاهی ویژه‌ای دارد. مطلوبیت‌گرایی در فلسفه‌ی اقتصاد نیز یکی از مباحث شگرف و بنیادین است. در میان اندیشمندان غربی مهمترین کسی به صورت کامل این تئوری را مطرح کرده است، جرمی بنتام است؛ تا جایی که فایده‌گرایی به نام ایشان شناخته می‌شود. اما در دنیای اسلام این به صورت تئوریک مستقل سابقه‌ی چندانی ندارد. اگر هم گاهی مطرح شده است، در لابلای مباحث اخلاقی به گونه‌ای حاشیه‌ای و جزئی بررسی شده است. در این میان شناخت دیدگاه امیر المؤمنین علی (ع) به عنوان اولین تنورسین اسلامی بعد از پیامبر اسلام (ص)، گزینه‌ی با اهمیتی است؛ خصوصاً اگر مبانی این تئوری استخراج و با مبانی غربی آن مقایسه گردد. از این‌رو سؤال اصلی مقاله "چیستی بنیادین مطلوبیت‌گرایی در اندیشه علوی و مقایسه آن با دیدگاه بنتام" است. روش تحقیق کتاب‌خانه‌ای مبتنی بر استفاده از منابعی مانند نهج البلاغه و کتاب "مقدمه‌ای بر اصول اخلاق و قانون‌گذاری" بنتام و دیگر شروح این دو کتاب است. فرضیه اساسی تحقیق آن است که نظریه فایده‌گرایی امام علی (ع) با نظریه بنتام از جهاتی مشابهت دارد؛ از جهات زیادی متفاوت است خصوصاً از جهت مبانی مطلوبیت و فایده.

در زمینه‌ی شناخت مطلوبیت‌گرایی (Utilitarianism) در اندیشه غرب مقالات و کتب بسیاری به رشته تحریر درآمده است؛ اما در پژوهشهای اسلامی این مبحث سابقه‌ی چندانی طولانی ندارد فقط در قرن اخیر تعدادی از محققان اسلامی به تبع اندیشمندان اخلاق غربی به گوشه‌های از آن پرداخته‌اند. در شناسایی اندیشه مطلوبیت از دیدگاه امام علی (ع) با رویکرد اقتصادی تا هنوز نویسنده به نوشته‌ای دست نیافته است. از این جهت تحقیق حاضر در نوع خودش نو و ابتکاری است. در عین حال می‌توان گفت نزدیک‌ترین تحقیقات با پژوهش حاضر مقالات و کتابهای زیر است.

۱- مصباح یزدی (۱۳۸۴)، در کتاب اخلاق در قرآن ۲، مکتب مطلوبیت‌گرایی و لذت‌گرایی غربی را مطرح کرده، نقد نموده و نظر اسلام را بیان کرده است؛ اما به دیدگاه حضرت علی (ع) اشاره‌ای نکرده است.

۲- جرمی بنتام (۱۷۸۹) در کتاب مقدمه‌ای بر اصول اخلاق و قانون‌گذاری بنیاد فلسفه‌ی اخلاق فایده‌گرایی گذاشت است. بنتام در این کتاب تلاش می‌کند یک چارچوب نظام‌مند برای بررسی اخلاقیات و قانون‌گذاری ارائه دهد. او استدلال می‌کند که اساس تمام اصول اخلاقی و قوانین باید بر مفهوم بیشینه‌سازی لذت و کاهش رنج (Greatest Happiness Principle) استوار باشد. به بیان دیگر، بهترین اقدام یا قانون آن است که بیشترین خوشبختی را برای بیشترین تعداد افراد به ارمغان آورد.



۳- یوهان خرافالانت ترجمه وحید موسوی (۱۴۰۲) در کتاب اخلاق و اقتصاد، رابطه میان اقتصاد و اخلاق را بررسی کرده است. نویسنده ضمن بررسی مکاتب و نظریه‌های مختلف اقتصادی و فلسفی، تأثیر نهاد بازار را بر سه اصل شادکامی، برابری و فضیلت‌مندی بررسی کرده است.

۴- مصباح یزدی (۱۳۸۲) در مقاله‌ای با عنوان «لذت و سعادت از دیدگاه قرآن کریم». آیت‌الله مصباح یزدی در این مقاله نشان می‌دهد که از منظر قرآن، لذت و سعادت، هرچند ممکن است در ظاهر به هم مرتبط باشند، اما تنها لذت‌های معنوی و ارتباط با خداوند می‌توانند سعادت حقیقی انسان را تأمین کنند.

۵- سبحانی‌نیا، محمد (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی آموزه‌های اخلاقی نهج البلاغه با نظام‌های اخلاقی غرب، آموزه‌های اخلاقی نهج البلاغه را در زمینه مکتب فایده‌گرایی بررسی و با نظریه بتنام مقایسه نموده است. این مقاله رویکردی کاملاً اخلاقی و تنها به نوع مکتب اخلاقی امام علی از جهت غایت‌انگاری یا فضیلت‌انگاری بسنده کرده است.

۶- درخشه، جلال، شفیع قهفرخی، امید (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «سعادت از دیدگاه امام علی (ع)»، واژه سعادت را در نهج البلاغه بررسی نموده و بیشتر جنبه ادبی دارد نه فلسفی و اخلاقی.

نتیجه آن‌که در هیچ‌یک از آثار ذکر شده مطلوبیت و فایده‌گرایی به عنوان مبنای اقتصادی مطرح نگردیده بلکه بیشتر جنبه اخلاقی و فلسفی موضوع مطرح بوده است.

الف) چستی مطلوبیت‌گرایی در نگاه امیرمؤمنان علی (ع)

دانشمندان اخلاق، مکاتب اخلاقی را به سه دسته کلی تقسیم کرده‌اند؛ مکتب فضیلت‌گرایی؛ مکتب غایت‌انگاری؛ مکتب وظیفه‌گرایی (سبحانی‌نیا، ۱۴۰۲). پژوهشگران اسلامی در زمینه‌ی مکتب اخلاقی امیرمؤمنان علی (ع) آموزه‌هایی را دال بر هریک از مکاتب فوق در سخنان حضرت دریافت نموده‌اند. تحقیق حاضر با ترجیح رویکرد غایت‌گرایی اخلاقی مکتب فایده‌گرایی اقتصادی را از دیدگاه امیرالمؤمنین (ع) بررسی کرده است.

اخلاق غایت‌نگر که براساس فایده‌گرایی تحلیل می‌گردد، مکتب فلسفی است که با توجه به کاربردهای آن در زمینه‌های متفاوت، در فلسفه‌های مضاف عناوین کاربردی متفاوت پیدا می‌کند؛ اما بنیاد تمامی آن‌ها به یک مفهوم عام و فراگیر بر می‌گردد. فایده‌گرایی در فلسفه‌ی اقتصاد بیشتر مطلوبیت‌گرایی (Utilitarianism) گفته می‌شود، در فلسفه‌ی حقوق، عنوان "مصلحت" و در فلسفه‌ی اخلاق بیشتر با لذت‌گرایی (Hedonism) شناخته می‌شود؛ با این همه، نهاد تمامی این مفاهیم یکی بیش نیست. فیلسوفان معتقدند مفهوم فایده و مطلوبیت در نهایت به مفهوم "لذت و خوشبختی" منتهی می‌شود. فیلسوفان غربی در باره‌ی مفهوم و مصداق لذت نیز دیدگاه‌های متفاوتی



را ارائه کرده‌اند در این مقاله مفهوم فوق در اندیشه امیر المؤمنین علی (ع) مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است.

در فلسفه‌ی اخلاق غایت‌گرا، سؤال اساسی که مطرح می‌شود این است که غایت مطلوب فعل اخلاقی چیست؟

عده‌ای غایت فعل اخلاقی را لذت، عده‌ای فایده، عده‌ای سود، عده‌ای رفاه اقتصادی و... می‌دانند.

۱. فایده مطلوب از دیدگاه امیر المؤمنین (ع)

میل به لذت، خوشبختی، سعادت و راحتی یکی از گرایش‌های فطری انسان است. به این معنا که سرشت انسان به گونه‌ای ساخته شده است که نمی‌تواند از لذت و سرخوشی صرف‌نظر کند؛ یا اینکه در جستجوی رنج و مشقت برود (مصباح یزدی، ۱۳۸۴).

قرآن به انسان وعده می‌دهد که اگر در زندگی راه الهی را بپیماید، به لذت و سعادت جاودان می‌رسد، و او را تهدید می‌کند که اگر از این راه، منحرف شود و از دستورات الهی سرپیچی کند، آینده‌ای تلخ، شقاوت بار و ناگوار در انتظارش خواهد بود، مبتلا به عذابها، رنجها و بدبختی‌ها می‌شود، و سراسر قرآن پُر است از بشارت و مژده به سعادت و لذت و یا انذار و تهدید از عذاب و شقاوت (سوره طه، ۱۲۳-۱۲۴)

در سخنان امیرالمؤمنین ع در همه‌ی مواردی که تعبیرهای سعادت، فلاح، فوز و امثال آنها به کار رفته؛ معنایش این است که چون انسان فطرتاً طالب سعادت، خوشبختی و کامیابی است، باید به دستورات دینی عمل کند، تا بتواند مطلوب و گمشده خود را باز یابد و به ایده و هدفی که دنبال می‌کند برسد و این بدان معناست که از دید ایشان، وجود این گرایش فطری در انسان مفروض و مورد تأیید است و قرآن کریم نیز آن را نفی نمی‌کند، محکوم نمی‌کند، بلکه آن را در مسیر تربیتی صحیح انسان جهت می‌دهد.

حضرت علی ع به انسان‌ها وعده می‌دهد که اگر در زندگی راه الهی را بپیماید، به لذت و سعادت جاودان می‌رسد، و او را تهدید می‌کند که اگر از این راه، منحرف شود و از دستورات الهی سرپیچی کند، آینده‌ای تلخ، شقاوت بار و ناگوار در انتظارش خواهد بود، مبتلا به عذابها، رنجها و بدبختی‌ها می‌شود، و سراسر نهج البلاغه پُر است از بشارت و مژده به سعادت و لذت و یا انذار و تهدید از عذاب و شقاوت.

امیر المؤمنین (ع) بر اساس فطرت خدا نهاد بشر، لذت را جزء از برنامه روزانه‌ی مؤمن شمرده می‌فرماید: مؤمن باید برنامه روزانه‌ی خود را به سه قسمت تقسیم نماید: قسمتی از روز را برای عبادت و نیایش با خداوند؛ زمانی را برای تأمنی هزینه‌های زندگی و قسمتی را نیز برای واداشتن نفس به

لذت‌هایی که حلال و زیبا است (نهج البلاغه، حکمت ۳۹۰). با بررسی سخنان آن حضرت به نظر می‌رسد که کمال نهایی و مقصود بالذات از مطلوبیت اقتصادی، رسیدن به قرب و رضایت خداوند متعال است (نهج البلاغه، نامه ۳۱). به این معنا که آن مطلوبیتی ارزشمند است که بتواند انسان را به خداوند نزدیکتر بسازد و لذت‌ها و مطلوبیت‌هایی اقتصادی که انسان را از ساحت مقدس الهی دور بسازد، به عنوان مطلوبیت مقبول نمی‌باشد. می‌توان گفت با نگاه به نهج البلاغه دیده می‌شود که سراسر این کتاب سرشار از توجه محض به ذات الهی و رضایت ایشان است. این در حالی است که مکاتب اخلاقی لذت‌گرایی غربی و از جمله جرمی بنتام، چنین غایتی را برای فلسفه اخلاق خود نمی‌بینند.

۲. شاخص‌های فایده‌ی مطلوب از دیدگاه امام علی (ع)

فایده‌گرایی علوی با عنایت به اینکه خدامحور و آخرت محور است، با فایده‌گرایی در مکاتب غربی ذاتا متفاوت است. از این‌رو برای فایده‌گرایی و فایده مطلوب از دیدگاه علوی شاخص‌هایی را می‌توان در نظر گرفت.

۱-۲. خدا محوری

مهمترین شاخص برای ارزیابی فایده‌ی مطلوب از دیدگاه حضرت ع معیار بودن تقرب به خداوند متعال است. به این معنا که هر لذت و منفعتی که بتواند انسان را به سمت تقرب الهی سوق دهد، مطلوب و لذتی که انسان را از تقرب الهی بازداشته یا از خداوند دور سازد، غیر مفید و نا مقبول است. این شاخص در اکثر کلمات حضرت به چشم می‌خورد.

وَأَلْجِئُ نَفْسَكَ فِي أُمُورِكَ كُلِّهَا إِلَى إِلَهِكَ فَإِنَّكَ تَلْجِيئُهَا إِلَى كَهْفٍ: در تمام کارها خود را به خداوند بسپار که پناه‌گاهی نیرومند است (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

إِنَّا بَقِيتُ لَكَ أَوْ فَنِيتُ فَإِنِّي أُوصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ أَيُّ بَنِي وَ لُزُومِ أَمْرِهِ وَ عِمَارَةِ قَلْبِكَ بِذِكْرِهِ وَ الْإِعْتَصَامِ بِحَبْلِهِ وَ أَيُّ سَبَبٍ أَوْتَقَى مِنْ سَبَبٍ يَبْتَئِكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ: پسرمانا تو را به ترس از خدا سفارش می‌کنم که پیوسته در فرمان او باشی، و دلت را با یاد خدا زنده کنی، و به ریسمان او چنگ زنی، چه وسیله‌ای مطمئن‌تر از رابطه تو با خداست اگر سر رشته آن را در دست گیری. (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

۲-۲. عدالت

عدالت از مبنایی‌ترین شاخص‌های اندیشه امیرمؤمنان علی (ع) است. عدالت در نگاه ایشان از چنان جایگاهی برخوردار بود که به قول جرج جرداق، تمام وصایا و نامه‌های حضرت به والیان، بر یک محور استوار بود و آن عدالت بود. ایشان میزان سنجش نیک و بد اعمال را بر مبنای عدالت می‌بیند و هر آنچه که موافق عدالت باشد پذیرش و آنچه را خلاف عدالت باشد رد نماید. در مورد مطلوبیت،



منفعت و فایده نیز بر مبنای علوی، هر منفعت و مطلوبیت شخصی و اجتماعی که عدالت محور باشد، مورد پذیرش و منفعتی که ناعادلانه باشد، مردود است.

وَاللّٰهُ لَوِ وَّجَدْتُهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهٖ النِّسَاءَ، وَمُلِكَ بِهٖ الْاِمَاءَ؛ لَرَدَّدْتُهُ؛ فَاِنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً. وَمَنْ ضَاقَ عَلَيْهِ الْعَدْلُ، فَالْجَوْرُ عَلَيْهِ اَضْيَقُ: به خدا سوگند، بیت المال تاراج شده را هر کجا که بیابم به صاحبان اصلی آن باز می گردانم، گرچه با آن ازدواج کرده، یا کنیزانی خریده باشند، زیرا در عدالت گشایش برای عموم است، و آن کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم برای او سخت تر است. (نهج البلاغه، خطبه ۱۵).

عنه عليه السلام: إِنَّ الْعَدْلَ مِيزَانُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ الَّذِي وَضَعَهُ فِي الْخَلْقِ، وَ نَصَبَهُ لِإِقَامَةِ الْحَقِّ، فَلَا تُخَالِفُهُ فِي مِيزَانِهِ، وَلَا تُعَارِضُهُ فِي سُلْطَانِهِ: امام علی علیه السلام: عدالت، ترازوی خدای سبحان است که آن را در میان خلق خود نهاده و برای بر پا داشتن حق، نصب کرده است. پس، برخلاف ترازوی او عمل ممکن و با قدرتش مخالفت مورز. (غرر الحکم: ۳۴۶۴)

۳-۲. حفظ دین

در نگرش امیر المؤمنین ع حفظ دین از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. منافع شخصی و اجتماعی تا زمانی می تواند ملاک عمل باشد که برای حفظ اسلام لازم باشد. هرگاه منفعت شخصی یا اجتماعی به دین اسلام ضرر برساند، برای حفظ کیان دین اسلام باید از آن منعت گذر نمود.

امام علی (ع): «همانا می دانید که سزاوارتر از دیگران به خلافت من هستم. سوگند به خدا! به آنچه که انجام داده اید گردن می نهم تا هنگامی که اوضاع مسلمین رو به راه شود و از هم نباشد، و جز من به دیگری ستم نشود، و پاداش این گذشت و سکوت و فضیلت را از خدا انتظار دارم، و از آن همه زر و زیوری که به دنبال آن حرکت می کنید پرهیز می کنم.» (نهج البلاغه، خطبه ۷۴).

۴-۲. مصلحت و منافع جمعی

از نظر امیر مؤمنان علی (ع) منفعت و مطلوبیت برای شخص تا زمانی معیار است که نفع اجتماعی را نیز به همراه داشته باشد؛ هر انسانی موظف است در کتاب منافع شخصی منافع اجتماعی را نیز در نظر بگیرد. منفعت شخصی که ضرر به جامعه داشته باشد، در معیارهای علوی جایگاهی ندارد.

«يَا بَنِيَّ اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ غَيْرِكَ، فَاحْبَبْ لْغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ، وَ اكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا: پسرم! خود را معیار میان خود و دیگران قرار ده، پس آنچه برای خود می پسندی برای دیگران نیز پسند و آنچه برای خود نمی پسندی، برای دیگران هم پسند (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

از پیامبر گرامی اسلام نیز نقل شده است که فرمودند: خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ: بهترین مردم کسی است که بیشترین منفعت را برای جامعه برساند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۱۲۰).

أَوْصِيَكُمْ بِأَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ وَ صَلَاحِ ذَاتِ بَيْنِكُمْ فَإِنِّي سَمِعْتُ جَدَّكُمْ (صلی الله علیه وآله) يَقُولُ صَلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَّةِ الصَّلَاةِ وَ الصِّيَامِ اللَّهُ: شما را، و تمام فرزندان و خاندانم را، و کسانی را که این وصیت به آنها می رسد، به ترس از خدا، و نظم در امور زندگی، و ایجاد صلح و آشتی در میانتان سفارش می کنم، زیرا من از جد شما پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که می فرمود: «اصلاح دادن بین مردم از نماز و روزه يك سال برتر است». (نهج البلاغه، نامه ۴۷).

امام علي عليه السلام: أَحَبُّ لِعَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ و اكره له ما تكره لها: برای دیگران، آن پسند که برای خود می پسندی و آنچه را برای خود دوست نداری برای دیگران نیز روا مدار. (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

إِنَّ هَؤُلَاءِ قَدْ تَمَالَوْا عَلَى سَخَطَةِ إِمَارَتِي وَ سَأَصْبِرُ مَا لَمْ أَخَفْ عَلَى جَمَاعَتِكُمْ فَإِنَّهُمْ إِنْ تَمَمُوا عَلَى فَيَالَةِ هَذَا الرَّأْيِ يَقْطَعُ نِظَامُ الْمُسْلِمِينَ: همانا ناگشتن عهد شکن به جهت نارضایتی از حکومت من به یکدیگر پیوستند، و من تا آنجا که برای وحدت اجتماعی شما احساس خطر نکنم صبر خواهم کرد، زیرا آنان اگر برای اجرای مقاصدشان فرصت پیدا کنند، نظام جامعه اسلامی متزلزل می شود (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۹).

۲-۵. توسعه و پیشرفت جامعه اسلامی

پیشرفت جامعه اسلامی یکی از معیارهایی است که منافع و مطلوبیت افعال، افکار و اموال را چارچوب بندی می کند. در دیدگاه امیر المؤمنین ع فعالیت های اقتصادی بخش خصوصی آن گاه مطلوب و لذت آفرین است که در راستای توسعه و پیشرفت جامعه اسلامی قرار داشته باشد. هرگاه از این مسیر فاصله بگیرد، دیگر مطلوبیت و لذت آفرینی آن ممدوح و مقبول نخواهد بود.

و تَقَعْدُ أُمُورَ الْخَرَاجِ بِمَا يُصْلِحُ أَهْلَهُ، فَإِنَّ فِي صَلَاحِهِ وَ صَلَاحِهِمْ صَلَاحًا لِمَنْ سِوَاهُمْ، وَ لَا يَكُونَنَّ إِعْمَارُ الْأَرْضِ أَثْقَلُ عَلَيْهِمْ مِمَّا يُصْلِحُهُمْ: امور خراج را به گونه ای بررسی کن که حال خراج دهندگان سامان یابد؛ زیرا سامان یافتن خراج و خراج دهندگان، سبب اصلاح حال دیگر اقشار جامعه می شود. و نباید آباد کردن زمین بر آنان سنگین تر باشد از آنچه حالشان را نیکو می سازد. (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

با توجه به این قسمت از نهج البلاغه، سیاست انبساطی مالی که از طرف دولت با ابزار مالیاتی اجرا می شود، باعث توسعه اقتصادی جامعه اسلامی می گردد. بنا بر این باید تلاش گردد با کاهش مالیات، انبساطی در درآمد و قدرت خرید جامعه ایجاد گردد و بتواند با تحریک طرف تقاضای اقتصاد، از رکود و بیکاری جلوگیری نمود.





وَاعْلَمَ مَعَ ذَلِكَ أَنَّ فِي كَثِيرٍ مِنْهُمْ ضَيْقاً فَاحِشاً وَشُحاً قَبِيحاً وَاجْتِكَاراً لِلْمَنَافِعِ وَتَحَكُّماً فِي الْبَيَاعَاتِ وَذَلِكَ بَابُ مَضَرِّهِ لِلْعَامَّةِ وَعَيْبٌ عَلَى الْوَلَاءِ فَامْتَنِعْ مِنَ الْاجْتِكَارِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنَعَ مِنْهُ وَلِيَكُنِ الْبَيْعُ بَيْعاً سَمِحاً بِمَوَازِينِ عَدْلٍ: ولی روشن باش که با همه آنچه تذکر دادم در میان ایشان گروهی تنگ نظر و بخیل به شکلی قبیح و زشت، و مردمی محتکر، و نرخ گذارانی به دلخواه در امر خرید و فروش وجود دارد، که در این وضع زیان جامعه و عیب و ننگ زمامداران است. پس از احتکار جلوگیری کن که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را منع فرمود. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

طبق این فراز از عهدنامه مالک اشتر، منافع بخش خصوصی تا جایی مورد قبول است که برای جامعه اسلامی ضرر نرساند و اگر با اعمالی مانند احتکار برای منفعت شخصی خود پیشرفت اقتصادی جامعه را به خطر بیندازد، چنین منافعی مشروع نخواهد بود.

۶-۲. حق مداری

در اندیشه امیر مؤمنان ع منافع شخصی و عمومی تا جایی قابلیت پیروی دارد که با حق در تضاد قرار نگیرد. هرگاه منفعت شخصی یا اجتماعی با حق در تقابل قرار بگیرد، چنین منافعی ارزش اخلاقی و اسلامی محسوب نمی‌گردد.

«وَاللَّهُ لَوْ أُعْطِيَ الْأَقَالِيمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتَ أَفْلَاقِهَا عَلَى أَنْ أُعْصِيَ اللَّهَ فِي تَمَلَّةٍ أَسْلَبَهَا جُلْبَ شَعِيرَةٍ مَا فَعَلْتُهُ.»

ترجمه: «به خدا سوگند، اگر هفت اقلیم با هر آنچه در زیر آسمان هاست به من داده شود، تا خدا را نافرمانی کنم و پوست جوی از دهان مورچه‌ای بگیرم، هرگز چنین نخواهم کرد (نهج البلاغه، خطبه ۵).»
«فَإِنَّ فِي الْحَقِّ سَعَةً وَمَنْ ضَاقَ عَلَيْهِ الْحَقُّ فَإِنَّ الْبَاطِلَ عَلَيْهِ أَضْيَقُ: حق دارای گشایش است، و کسی که حق بر او سنگین باشد، تحمل باطل برای او دشوارتر خواهد بود.» (نهج البلاغه خطبه ۲۱۶)

از این فراز سخن حضرت دانسته می‌شود که مدار توسعه اجتماعی و اقتصادی حقد مداری است. و منفعت نیز بر اساس حق قابل انتفاع است. منفعتی که حقی را ضایع بسازد، در اندیشه امیر مؤمنان علی (ع) پابل پذیرش نیست.

۷-۲. اصالت مطلوبیت معنوی

مراد از مطلوبیت و سعادت از نظر امام علی (ع) اصالتاً فایده معنوی و اخروی است و فواید و لذایذ دنیایی به عنوان مقدمه برای مطلوبیت‌ها و لذایذ معنوی مطرح می‌گردد. درحالی که در مکتب فایده‌گرایی بنّام، تنها جنبه‌ی مالدی و دنیایی فایده، مطلوبیت و سعادت مطرح است. این در حالی است که این نوع مطلوبیت و لذت از چند جهت اصالت ندارد:

اول آنکه فایده و لذت مادی لذت واقعی نبوده وهمی و خیالی است؛ زیرا لذت واقعی خالص است و همراه یا بعد از آن درد و رنجی دیده نمی‌شود؛ اما فایده‌ها و لذایذ مادی دنیوی در بیشتر موارد، با سختی‌ها و انواع مشقت‌های روحی و جسمی همراه است. همانگونه رسول گرامی (ص) خطاب به علی (ع) فرمودند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَلِيٍّ يَا عَلِيُّ "مَا مِنْ دَارٍ فِيهَا فَرَحَةٌ إِلَّا تَبِعَهَا تَرْحَةٌ": هیچ خانه‌ای نیست که در آن شادی باشد؛ مگر اینکه در پی آن غمی برسد (مجلسی، ج ۶۶ ص ۳۵۷)

دوم اینکه فایده‌ها و لذت‌های دنیایی گذرا و بی ثبات است و پایان‌پذیری مطلوبیت‌های دنیایی بزرگترین دغدغه برخورداران این دنیا است؛ اما نعمت‌ها و مطلوبیت‌های اخروی دائمی و پایدار است و هیچ نگرانی از فناپذیری آن وجود ندارد: "و ما هم منها بمخرجین" هیچ‌گاه از بهشت رانده نمی‌شوید (حجر/ ۴۸).

در مکتب فایده‌گرایی بن‌تامی هدف نهایی انسان چیزی جز رسیدن به منافع مادی و دنیایی نیست اما در مکتب اخلاق علوی لذت‌های فایده‌های دنیایی ارزش اصیل و ذاتی ندارند و چنانچه مقدمه‌ای برای معنویت و اخرت نباشد هیچ ارزشی ندارند:

مال‌علی و لنعم یفنی و لذة لا تبقی: علی را با نعمت‌های فنا پذیر و لذت‌های ناپایدار چه‌کار (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴).

شَتَّانَ مَا بَيْنَ عَمَلَيْنِ عَمَلٍ تَذْهَبُ لَذَّتُهُ وَ تَبْقَى تَبِعَتُهُ وَ عَمَلٍ تَذْهَبُ مَوْتَتُهُ وَ يَبْقَى أَجْرُهُ؛ چقدر این دو عمل با هم متفاوت اند: عملی که لذتش می‌رود و عواقب سوء آن باقی می‌ماند و عملی که زحمتش می‌رود و اجر و پاداشش باقی است (نهج البلاغه، حکمت ۱۲۱).

مَا خَيْرٌ بِخَيْرٍ بَعْدَهُ النَّارُ، وَ مَا شَرٌّ بِشَرٍّ بَعْدَهُ الْجَنَّةُ؛ وَ كُلُّ نَعِيمٍ دُونَ الْجَنَّةِ فَهُوَ مَحْقُورٌ، وَ كُلُّ بَلَاءٍ دُونَ النَّارِ عَافِيَةٌ.؛ امام علی علیه السلام: خیری که در پی آن آتش بود، خیر نیست و شری که در پس آن بهشت باشد، شر نیست. هر نعمتی جز بهشت، ناچیز است و هر بلایی جز آتش، عافیت (نهج البلاغه، حکمت ۳۸۷).

در نگاه امام علی فایده و مطلوبیتی ارزشمند است که بتواند لذت معنوی و اخروی را به دنبال بیاورد؛ اما فایده‌ای دنیایی که غذاب آخرت را در پی داشته باشد، هیچ ارزشی ندارد.

۸-۲. وسیله بودن منافع دنیایی و اقتصادی برای منافع معنوی و اخروی

از دیدگاه امام علی (ع) گرایش فطری انسان به لذت و فرار از رنج به رسمیت شناخته می‌شود؛ اما فایده و لذت مادی و اقتصادی، هدف اساسی و نهایی نیست بلکه وسیله رسیدن به اهداف متعالی‌تر است؛ بنا بر این انسان را به سمت لذت‌های برتر و پایدارتر راهنمایی می‌کند. از این رو



انسان نمی‌تواند هدف غایی خود را بیشینه کردن مطلوبیت مادی و کمینه کردن رنج‌های این دنیا بداند؛ بلکه هدف غایی انسان بیشینه سازی سرجمع لذت‌های دنیا و آخرت و کمینه سازی سرجمع رنج‌های دنیا و آخرت است و در این میان چنانچه میان مطلوبیت‌های مادی و دنیایی با مطلوبیت‌های معنوی و اخروی تضادی ایجاد شود، لذت‌های دنیایی که فانی است به خاطر رسیدن به مطلوبیت‌های پایدار اخروی، ترک می‌شود

امام علی (ع) در نهج البلاغه در موارد مختلف به این نکته اشاره دارد.

الدُّنْيَا خُلِقَتْ لِعَٰلَمٍ أُخَرَ، وَ لَمْ تُخَلَقْ لِنَفْسِكَ؛ دنیا برای رسیدن به آخرت آفریده شده است نه برای رسیدن به خود دنیا (نهج البلاغه، حکمت ۴۶۳).

وَمَنْ أَبْصَرَ بِهَا بَصَرَهُ وَ مَنْ أَبْصَرَ إِلَيْهَا أَعْمَتَهُ؛ کسی که دنیا را وسیله بصیرت قرار دهد او را بینا می‌سازد و کسی که به آن به عنوان هدف نگاه کند نابینایش می‌کند» (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۸۲).
فَقِيَهَا اخْتَبَرْتُمْ وَ لِعَٰلَمٍ أُخَرَ خُلِقْتُمْ؛ شما در دنیا آزمایش می‌شوید و برای غیر آن، آفریده شده اید (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۳).

ب) فایده‌گرایی در نظریه جرمی بنتام

فایده‌گرایی یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین نظریات اخلاقی در فلسفه غرب است که توسط جرمی بنتام، فیلسوف و حقوقدان انگلیسی قرن هجدهم، بنیان‌گذاری شد. این نظریه بر اصل ساده و در عین حال عمیق "بیشترین خوشبختی برای بیشترین تعداد" استوار است و بر این باور است که بهترین عمل اخلاقی، آن است که بیشترین منفعت و کمترین رنج را برای بیشترین تعداد افراد به همراه داشته باشد (Bentham, 1789). بنتام با تأکید بر پیامدگرایی، معتقد بود که ارزش اخلاقی هر عمل باید صرفاً بر اساس نتایج و پیامدهای آن ارزیابی شود نه بر اساس نیت یا اصول غیرعقلانی. در این رویکرد، یک عمل تنها به‌خاطر دستاوردهای مثبت یا منفی که به دنبال دارد، از منظر اخلاقی سنجیده می‌شود (Millgram, 2005).

یکی از نوآوری‌های مهم بنتام، مفهوم "حساب لذت و درد" بود که تلاش می‌کرد اخلاقیات را به یک فرایند عقلانی و قابل اندازه‌گیری تبدیل کند. طبق این نظریه، هر عمل اخلاقی باید به‌گونه‌ای ارزیابی شود که تأثیر آن بر لذت یا درد افراد را در نظر بگیرد. این دیدگاه به‌ویژه در سیاست‌گذاری‌های عمومی و تصمیم‌گیری‌های اجتماعی بسیار کاربردی است، زیرا از این طریق می‌توان تصمیمات را بر مبنای تأثیرات مثبت و منفی آن‌ها بر رفاه عمومی سنجید. فایده‌گرایی به‌طور خاص در طراحی سیاست‌ها، تخصیص منابع و تدوین قوانین اجتماعی، به‌عنوان یک ابزار تحلیلی برای ارتقای رفاه عمومی به کار می‌رود (Sen, 1999; Rawls, 1971).

در مجموع، فایده‌گرایی بنتام نه تنها یک نظریه فلسفی است، بلکه به‌عنوان چارچوبی عملی در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و حقوقی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این نظریه همچنان در تحلیل‌های اخلاقی و سیاست‌گذاری‌های معاصر تأثیرگذار است و به‌عنوان ابزاری برای ارزیابی پیامدهای اجتماعی و اقتصادی تصمیمات همچنان جایگاه ویژه‌ای دارد.

۱. بنیادهای عام نظریه فایده‌گرایی بنتام

بنتام در کتاب خویش اصول عمومی فایده‌گرایی خویش را بر سه اصل بنیانگذاری کرده است:

۱-۱- اصل فایده

این اصل به‌عنوان هسته مرکزی فایده‌گرایی عمل‌گرایانه است که بر این باور استوار است که بهترین عمل اخلاقی، آن است که بیشترین منفعت را برای بیشترین تعداد افراد ایجاد کند و کمترین رنج را برای آن‌ها به همراه آورد. این اصل به معنای حداکثرسازی خوشبختی جمعی و کاهش رنج فردی است. (Bentham, 1789)

۱-۲. ماهیت لذت و رنج

در فایده‌گرایی بنتام، لذت و رنج به‌عنوان دو معیار اصلی برای ارزیابی اخلاقی اعمال در نظر گرفته می‌شوند. بنتام معتقد بود که اعمال باید از نظر میزان لذت و رنجی که برای افراد ایجاد می‌کنند، ارزیابی شوند. این ارزیابی باید بر مبنای عوامل مختلفی همچون شدت، دوام، قطعیت و نزدیکی به وقوع آن‌ها صورت گیرد. (Millgram, 2005)

۱-۳. لذت همگانی

در نظریه بنتام، لذت باید به‌صورت همگانی و برای جامعه به‌طور کلی ارزیابی شود. این بدین معناست که هر تصمیم یا عملی باید به‌گونه‌ای انجام گیرد که بیشترین لذت را برای جمعیت به ارمغان آورد. برای مثال، تصمیمات اجتماعی یا سیاسی باید بر اساس اینکه چه میزان لذت به کل جامعه می‌بخشد، اتخاذ شوند. (Sen, 1999) از این رو، فایده‌گرایی عمل‌گرا تأکید دارد که هدف نهایی هر عمل، ارتقای رفاه و خوشبختی عمومی است.

این اصول به‌طور کلی نمایانگر رویکردی است که هدف اصلی آن افزایش رفاه و کاهش رنج به‌طور همزمان برای فرد و جامعه است.

۲. انواع فایده‌گرایی در نظر بنتام

فایده‌گرایی به‌طور کلی به سه نوع اصلی تقسیم می‌شود: فایده‌گرایی عام، فایده‌گرایی قاعده‌نگر و فایده‌گرایی عمل‌نگر. هر یک از این انواع به نحوی متفاوت به ارزیابی اخلاقی اعمال و تصمیمات پرداخته و بر نحوه اعمال فایده‌گرایی تأکید دارند.





۲-۱. فایده‌گرایی عام

این نوع فایده‌گرایی بر اصل کلی "بیشترین خوشبختی برای بیشترین تعداد" تأکید دارد و به‌طور کلی معتقد است که هر تصمیم یا عمل باید بر اساس پیامدهای کلی آن، در سطح جامعه و بر اساس حداکثرسازی خوشبختی جمعی، ارزیابی شود. در این رویکرد، به‌جای تمرکز بر جزئیات خاص هر عمل، هدف نهایی افزایش رفاه عمومی است. (Bentham, 1789).

۲-۲. فایده‌گرایی قاعده‌نگر

در فایده‌گرایی قاعده‌نگر، به‌جای ارزیابی هر عمل به‌طور جداگانه، بر اساس مجموعه‌ای از قواعد یا اصول اخلاقی عمل می‌شود که رعایت آن‌ها به‌طور کلی منجر به حداکثرسازی رفاه خواهد شد. این رویکرد بیشتر بر پیروی از قوانین و اصول ثابت تأکید دارد که در طول زمان ثابت و پذیرفته شده‌اند. در این نوع فایده‌گرایی، تأکید بر الگوهای کلی و پیش‌بینی شده است که موجب افزایش خوشبختی عمومی می‌شود. (Smart & Williams, 1973).

۲-۳. فایده‌گرایی غایت‌نگر (عمل‌گرا)

در این نوع فایده‌گرایی، تأکید بر ارزیابی هر عمل به‌طور جداگانه است. یعنی برای تصمیم‌گیری اخلاقی، هر عمل باید بر اساس پیامدهای خاص آن و اثرات آن بر رفاه افراد ارزیابی شود. فایده‌گرایی عمل‌نگر معتقد است که باید در هر موقعیت خاص، بهترین اقدام برای حداکثرسازی رفاه عمومی اتخاذ شود، بدون اینکه الزاماً قواعد یا اصول کلی حاکم باشند. (Mill, 1863).

هر یک از این رویکردها به‌طور متفاوت به چالش‌های اخلاقی و اجتماعی پاسخ می‌دهند و بسته به زمینه‌های مختلف کاربردهای متفاوتی دارند.

۳-کاربردهای فایده‌گرایی بنّام در اقتصاد

بر اساس اصولی عامه‌ای که در ابتدا برای فایده‌گرایی بنّامی ذکر شد، پژوهندگان اقتصادی بنیادهای تئوریک فایده‌گرایی بنّام را به دو اصل اساسی خلاصه کرده‌اند.

۳-۱. اصل سودمندی و ارزش اقتصادی

در نظریه بنّام، اصل سودمندی (یا فایده) به‌عنوان معیار اصلی برای ارزیابی درستی و نادرستی اعمال انسانی معرفی شده است. این اصل بر این اساس استوار است که هر عمل باید به گونه‌ای باشد که بیشترین سود را برای بیشترین تعداد افراد به ارمغان آورد. در واقع، هدف اصلی این نظریه افزایش لذت و کاهش درد است، و ارزیابی اعمال بر اساس پیامدهای آن‌ها در رابطه با این دو عنصر کلیدی انجام می‌شود. (Rosen, 2003).

بنتام برای تبیین این اصل، مفهومی به نام "حساب لذت‌ها و رنج‌ها" را مطرح می‌کند که بر اساس آن، انسان‌ها باید تصمیمات خود را بر اساس میزان سود (لذت) و ضرر (رنج) که به همراه دارند، بگیرند. در این سیستم، لذت و رنج از لحاظ شدت، مدت زمان، و پیامدهای آن‌ها برای افراد مختلف سنجیده می‌شوند. به عبارتی دیگر، هر عمل باید بر اساس محاسبه‌ای از لذت‌ها و رنج‌های حاصل از آن، ارزیابی شود.

در زمینه ارزش اقتصادی، بنتام معتقد است که رفتارهای انسانی باید به گونه‌ای سازمان‌دهی شوند که بیشترین منفعت اقتصادی را برای جامعه ایجاد کنند. از دیدگاه اقتصادی، این اصل به معنای تخصیص منابع به‌طور بهینه است تا بیشترین فایده را برای بیشترین تعداد افراد به ارمغان آورد. به عبارت دیگر، در این نظریه، سودمندی و ارزش اقتصادی به‌طور مستقیم به میزان لذت یا بهره‌ای که از یک عمل برای جامعه حاصل می‌شود، مرتبط است.

در کل، اصل سودمندی در نظریه بنتام به‌عنوان راهنمایی برای تصمیم‌گیری اخلاقی و اقتصادی مطرح است و تأکید دارد بر اینکه انسان‌ها باید در راستای افزایش خوشبختی جمعی و کاهش رنج، رفتار کنند. این ایده به ظهور مفهوم مطلوبیت (utility) در اقتصاد کمک کرد که پایه و اساس بسیاری از نظریه‌های اقتصادی مدرن است (Lyons, 1965).

۳-۲. تحلیل هزینه - فایده

تحلیل هزینه-فایده یکی از روش‌های اصلی و پرکاربرد در حوزه تصمیم‌گیری اقتصادی است که مبنای آن به شدت تحت تأثیر نظریه فایده‌گرایی بنتام قرار دارد. این تحلیل ابزار قدرتمندی است که به سیاست‌گذاران، مدیران و تصمیم‌گیرندگان کمک می‌کند تا تصمیمات اقتصادی و اجتماعی را به‌گونه‌ای اتخاذ کنند که منجر به بیشترین سود یا فایده خالص برای جامعه شود. در این فرآیند، تمام هزینه‌ها و منافع ممکن ناشی از یک تصمیم یا پروژه به‌طور دقیق سنجیده می‌شوند تا ارزیابی دقیقی از تأثیرات آن ارائه گردد. نظریه فایده‌گرایی که توسط جرمی بنتام مطرح شد، بر اساس اصولی همچون بیشترین لذت و کمترین درد یا رنج برای بیشترین تعداد افراد، بنیان‌گذاری شده است. در تحلیل هزینه-فایده، هدف این است که تصمیمات و پروژه‌ها بر اساس این اصل مورد سنجش قرار گیرند؛ به عبارت دیگر، تصمیم‌گیرندگان به دنبال آنند که فایده اجتماعی حاصل از یک پروژه یا سیاست، از هزینه‌ها و آسیب‌های احتمالی آن بیشتر باشد. در این مدل، هزینه‌ها و منافع به‌طور کیفی و کمی محاسبه می‌شوند و به‌طور معمول، این محاسبات شامل تأثیرات اقتصادی، اجتماعی و حتی محیط‌زیستی یک تصمیم می‌شود (Guthrie, 2001). یکی از ویژگی‌های بارز تحلیل هزینه-فایده این است که تصمیمات باید به‌طور عینی و واقع‌گرایانه ارزیابی شوند. این تحلیل می‌تواند به‌ویژه در سیاست‌گذاری‌های عمومی مانند پروژه‌های زیرساختی، تغییرات محیط‌زیستی یا برنامه‌های اجتماعی بسیار مفید باشد. به‌عنوان مثال، هنگامی که یک دولت تصمیم به ساخت یک سد یا پروژه بزرگ می‌گیرد،



تحلیل هزینه-فایده به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا بر اساس محاسبات دقیق، تصمیم بگیرند که آیا منافع این پروژه بیشتر از هزینه‌ها و اثرات منفی آن بر روی جامعه و محیط زیست است یا خیر؟ (Boardman et al., 2018). تحلیل هزینه-فایده همچنین به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا گزینه‌های مختلف را مقایسه کنند و بهترین تصمیم را بر اساس مبنای فایده‌گرایانه اتخاذ نمایند. این روش همچنین باعث می‌شود تا از منابع محدود به‌طور بهینه استفاده شود و تصمیماتی اتخاذ گردد که به نفع عموم مردم باشد. از این رو، تحلیل هزینه-فایده به‌عنوان ابزاری مؤثر در فرآیند تصمیم‌گیری، به‌شدت از اصول نظریه فایده‌گرایی بنیاد پیروی می‌کند و پایه‌گذار بسیاری از روش‌های مدرن در سیاست‌گذاری و اقتصاد محسوب می‌شود.

۳-۴. رفاه اجتماعی

جرمی بنتام، بنیان‌گذار نظریه فایده‌گرایی، تأکید بسیاری بر بهبود رفاه اجتماعی به‌عنوان هدف اصلی سیاست‌گذاری‌ها داشت. وی بر این باور بود که تمامی تصمیمات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی باید بر اساس میزان توانایی آن‌ها در افزایش لذت و کاهش درد برای بیشترین تعداد افراد جامعه ارزیابی شوند. این رویکرد به مرور در نظریه‌های اقتصادی و شاخص‌های سنجش رفاه اجتماعی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد. (Crisp, 1997)

۳-۴-۱. تابع رفاه اجتماعی

تابع رفاه اجتماعی یکی از مهم‌ترین ابزارهای مفهومی است که از نظریه‌های بنتام الهام گرفته است. این تابع به سیاست‌گذاران اجازه می‌دهد تا وضعیت‌های مختلف توزیع منابع و خدمات را بر اساس میزان تأثیر آن‌ها بر رفاه کلی جامعه ارزیابی کنند. این ایده نه تنها برای تحلیل اقتصادی، بلکه برای ارزیابی سیاست‌های عمومی، از جمله سیاست‌های توزیع درآمد و خدمات اجتماعی، مورد استفاده قرار می‌گیرد. (Arrow, 1951)

۳-۴-۲. شاخص‌های مدرن رفاه اجتماعی

در دهه‌های اخیر، نظریات بنتام زمینه‌ساز توسعه شاخص‌های کمی و کیفی متعددی برای اندازه‌گیری رفاه اجتماعی شده است. شاخص توسعه انسانی (HDI)، که توسط برنامه توسعه سازمان ملل متحد ارائه شد، یکی از این ابزارها است که از معیارهایی چون امید به زندگی، آموزش، و درآمد سرانه برای ارزیابی رفاه اجتماعی استفاده می‌کند. (Sen, 1985)

علاوه بر این، شاخص‌های دیگری مانند "شاخص رفاه اقتصادی پایدار (ISEW)" و "شاخص خوشبختی ملی (GNH)" نیز بر اساس اصول فایده‌گرایانه طراحی شده‌اند. این شاخص‌ها سعی می‌کنند جنبه‌های مختلف رفاه، از جمله شادی و پایداری محیط زیست، را در ارزیابی سیاست‌ها و برنامه‌ها بگنجانند. (Layard, 2005)

۵-۳. نابرابری و سیاست‌گذاری رفاهی

فایده‌گرایی بنّام در سیاست‌گذاری‌هایی که هدف آن‌ها کاهش نابرابری و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر است، کاربرد گسترده‌ای یافته است. برای مثال، سیاست‌های مالیاتی تصاعدی و برنامه‌های رفاهی اجتماعی می‌توانند به عنوان ابزارهایی برای بهبود توزیع منابع و افزایش رفاه عمومی تلقی شوند. بنّام معتقد بود که چنین سیاست‌هایی می‌توانند نابرابری‌های اجتماعی را کاهش دهند و خوشبختی کلی جامعه را افزایش دهند. (Sen, 1985)

۳-۶. تحلیل مطلوبیت نهایی

اندیشه‌های جرمی بنّام درباره فایده‌گرایی نقش مهمی در توسعه مفهوم مطلوبیت نهایی در اقتصاد نئوکلاسیک ایفا کرده است. بنّام بر این باور بود که لذت و درد دو نیروی اصلی محرک در رفتار انسانی هستند و تمامی تصمیمات فردی بر مبنای این دو اصل قابل تحلیل اند. این دیدگاه به عنوان پیش‌زمینه‌ای برای ظهور مفهوم مطلوبیت نهایی (Marginal Utility) به کار گرفته شد، مفهومی که به تحلیل رفتار مصرف‌کنندگان و تخصیص منابع اقتصادی کمک می‌کند. (Griffin, 1986)

مطلوبیت نهایی به میزان رضایتی اشاره دارد که فرد از مصرف یک واحد اضافی از کالا یا خدمت به دست می‌آورد. این مفهوم نقش اساسی در تدوین نظریه تقاضا و قوانین اقتصاد نئوکلاسیک داشت. طبق این نظریه، با افزایش مصرف، مطلوبیت نهایی هر واحد اضافی کاهش می‌یابد، مفهومی که به عنوان قانون کاهش مطلوبیت نهایی شناخته می‌شود. این اصل به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا در تخصیص منابع بهینه، سیاست‌های مالیاتی و رفاهی تصمیمات کارآمدتری اتخاذ کنند (Jevons, 1871).

افکار بنّام در زمینه فایده‌گرایی، به‌ویژه تأکید وی بر اندازه‌گیری کمی لذت و درد، پایه‌های فلسفی لازم را برای اقتصاددانانی نظیر ویلیام استلی جونز، لئون والراس و کارل منگر فراهم آورد تا مفهوم مطلوبیت نهایی را گسترش دهند. این اقتصاددانان به این نتیجه رسیدند که رفتار اقتصادی مصرف‌کنندگان می‌تواند از طریق تحلیل تغییرات در مطلوبیت نهایی توضیح داده شود (Edgeworth, 1881).

علاوه بر این، مفهوم مطلوبیت نهایی در نظریه تعادل اقتصادی نیز نقش کلیدی ایفا می‌کند. اقتصاددانان نئوکلاسیک از این مفهوم برای توضیح چگونگی تعادل در بازارها استفاده کردند. به‌طور خاص، ارتباط میان مطلوبیت نهایی و قیمت کالاها پایه‌گذار نظریات مدرن در حوزه عرضه و تقاضا شد. (Marshall, 1890)

۳-۷. سیاست‌های عمومی اقتصادی

نظریه فایده‌گرایی بنّام، تأثیرات زیادی بر سیاست‌های عمومی اقتصادی به‌ویژه در حوزه تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و تخصیص منابع عمومی گذاشته است. یکی از ابعاد اصلی این نظریه، اهمیت بالای «بیشترین خوشبختی برای بیشترین تعداد» است که به معنای تلاش برای به حداکثر



رساندن رفاه اجتماعی از طریق تصمیم‌گیری‌های اقتصادی است. این دیدگاه به طور خاص در تحلیل هزینه-فایده مورد استفاده قرار می‌گیرد، که به تصمیم‌گیرندگان اجازه می‌دهد تا اثرات اقتصادی تصمیمات خود را از جنبه‌های مختلف بررسی کنند.

۳-۷-۱. تحلیل هزینه-فایده و سیاست‌های عمومی اقتصادی

یکی از کاربردهای عمده نظریه فایده‌گرایی در سیاست‌های عمومی اقتصادی، استفاده از تحلیل هزینه-فایده برای ارزیابی پروژه‌های عمومی است. تحلیل هزینه-فایده به تصمیم‌گیرندگان این امکان را می‌دهد که با مقایسه هزینه‌ها و منافع ناشی از یک پروژه، به تصمیمی منطقی در مورد تخصیص منابع برسند. (Hooker, 2000) این رویکرد به ویژه در پروژه‌های زیرساختی و عمومی، نظیر ساخت جاده‌ها، مدارس، بیمارستان‌ها، و سایر پروژه‌های دولتی، اهمیت ویژه‌ای دارد. هدف از این تحلیل‌ها این است که ارزیابی دقیقی از منافع اجتماعی و اقتصادی انجام شود و تنها پروژه‌هایی که منافع آن‌ها از هزینه‌ها بیشتر باشد، انتخاب شوند.

۳-۳. فایده‌گرایی غایت‌نگر (عمل‌نگر) در اقتصاد

پیامدگرایی، به‌ویژه در چارچوب نظریه فایده‌گرایی بنیادین، به یکی از اصول اساسی در تحلیل‌های اقتصادی تبدیل شده است. این رویکرد، به‌طور خاص، بر ارزیابی تصمیمات و سیاست‌های اقتصادی بر اساس نتایج و پیامدهای آن‌ها تأکید دارد. در این نگاه، میزان سود و رفاه حاصل از یک تصمیم یا سیاست معیار اصلی ارزیابی آن است (Smart & Williams, 1973). در بستر اقتصادی، پیامدگرایی به‌طور عمده بر این اصل تأکید دارد که سیاست‌ها و تصمیمات باید بر اساس تأثیرات بلندمدت و کوتاه‌مدت آن‌ها بر رفاه اجتماعی و اقتصادی افراد و گروه‌ها سنجیده شوند. این دیدگاه منجر به توسعه مفاهیمی مانند کارایی پارتو و اقتصاد رفاه شده است، که هر دو در تلاشند تا اثرات تصمیمات اقتصادی را بر جامعه اندازه‌گیری و ارزیابی کنند. (Parfit, 1984).

کارایی پارتو، به‌عنوان یکی از مفاهیم کلیدی در این زمینه، به‌ویژه بر ارزیابی این موضوع متمرکز است که آیا یک تغییر در وضعیت اقتصادی می‌تواند به نفع همه افراد باشد یا نه. به عبارت دیگر، یک تغییر پارتو به معنای آن است که یک تغییر اقتصادی به‌گونه‌ای انجام شود که حداقل یک نفر را بهتر کرده و هیچ‌کس را بدتر نکند. (Kaldor, 1939) این مفهوم در پیامدگرایی اقتصادی به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم ارزیابی سیاست‌ها شناخته می‌شود، زیرا می‌توان آن را معیاری برای سنجش میزان تأثیرات مثبت یا منفی یک سیاست در سطح اجتماعی و اقتصادی دانست.

اقتصاد رفاه نیز به‌عنوان بخش دیگری از پیامدگرایی اقتصادی، به ارزیابی و تجزیه و تحلیل رفاه افراد و جامعه می‌پردازد. این نظریه به‌ویژه در ارزیابی سیاست‌های اقتصادی کاربرد دارد و به

سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا تأثیرات رفاهی تصمیمات خود را بر اقشار مختلف جامعه بررسی کنند. در این زمینه، تأکید بر توزیع منافع و هزینه‌ها در سطح جامعه و تخصیص بهینه منابع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (Atkinson, 2015).

از دیدگاه فایده‌گرایی، پیامدگرایی اقتصادی نه تنها به دنبال بیشینه‌سازی رفاه اجتماعی است، بلکه هدف اصلی آن این است که منافع جمعی را از طریق در نظر گرفتن نتایج و پیامدهای مختلف اقتصادی به حداکثر برساند. این دیدگاه همچنین به‌طور مستقیم با تحلیل هزینه-فایده مرتبط است، چرا که در هر تصمیم اقتصادی، باید هزینه‌ها و منافع آن به‌دقت محاسبه شده و مورد ارزیابی قرار گیرد تا به سیاستی منتهی شود که بیشترین فایده را برای جامعه به همراه داشته باشد.

۳-۸. برابری مطلوبیت گرای بنیاد بر اقتصاد کلاسیک

اندیشه‌ی فایده‌گرایی تأثیر عمیقی بر توسعه اقتصاد کلاسیک و رویکردهای فکری اقتصاددانان برجسته‌ای مانند آدام اسمیت و جان استوارت میل داشته است. در نظریه فایده‌گرایی، مفاهیم بنیادی مانند لذت و درد به عنوان عوامل محرک رفتار انسانی معرفی می‌گردد که به‌طور گسترده در تحلیل‌های اقتصادی و سیاست‌گذاری‌های کلاسیک، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۳-۸-۱. تأثیر بر آدام اسمیت

گرچه بنیاد و آدام اسمیت هم‌عصر نبودند، اصول اندیشه‌های فایده‌گرایانه بنیاد با نظریات اسمیت، به‌ویژه در ثروت ملل (1776)، هماهنگی خاصی دارد. اسمیت با تبیین مفهوم "دست نامرئی"، نشان داد که رفتار اقتصادی انسان‌ها می‌تواند به صورت ناخودآگاه به رفاه عمومی منجر شود. این رویکرد با اصل فایده‌گرایی بنیاد که بر حداکثرسازی لذت و رفاه اجتماعی تأکید داشت، سازگاری داشت. اسمیت، مانند بنیاد، به پیامدهای اقتصادی اعمال انسانی اهمیت می‌داد و این دیدگاه را اساس تحلیل‌های اقتصادی خود قرار داد. (Smith, 1776)

۳-۸-۲. تأثیر بر جان استوارت میل

جان استوارت میل، یکی از شاگردان برجسته مکتب فایده‌گرایی، اندیشه‌های بنیاد را گسترش داد و ابعاد جدیدی به آن افزود. میل با تأکید بر اهمیت کیفیت مطلوبیت، این دیدگاه را مطرح کرد که لذت‌های معنوی و ذهنی دارای ارزش بیشتری نسبت به لذت‌های جسمانی هستند. وی در کتاب فایده‌گرایی (1863)، بر این نکته پافشاری کرد که در ارزیابی رفاه، باید به جنبه‌های کیفی و کمی لذت توجه داشت. این نگرش میل باعث شد نظریه فایده‌گرایی جایگاه برجسته‌تری در تحلیل‌های اقتصادی و اخلاقی پیدا کند و چارچوب نظری برای اقتصاد رفاه شکل گیرد. (Mill, 1863)





۳-۹- آثار فایده‌گرایی بنّام بر نظریه‌های اقتصاد رفاه

اندیشه‌های بنّام مستقیماً در اقتصاد رفاه مدرن تأثیرگذار بوده‌اند. تأکید او بر حداکثرسازی لذت و کاهش درد به‌عنوان هدف سیاست‌گذاری، زیربنای نظریه‌های اقتصادی مانند کارایی پارتو و تحلیل هزینه-فایده شد. اقتصاددانانی مانند آرتور سیسیل پیگو و ویلفردو پارتو، اصول فایده‌گرایی بنّام را در توسعه نظریه‌های خود به‌کار بردند. پیگو در کتاب اقتصاد رفاه (1920) بر نقش دولت در توزیع عادلانه منابع برای افزایش رفاه اجتماعی تأکید کرد، که این مفهوم برگرفته از اندیشه‌های بنّام است (Pigou, 1920).

۱-۳-۹. اصل بیشترین خوشبختی و اقتصاد رفاه

بنّام معتقد بود که لذت و رنج دو نیروی بنیادین هستند که رفتار انسان را هدایت می‌کنند و باید معیار اصلی برای ارزیابی سیاست‌ها باشند. این دیدگاه به‌طور مستقیم در نظریه‌های مدرن اقتصاد رفاه مانند معیار کارایی پارتو بازتاب یافته است. معیار پارتو بیان می‌کند که توزیع منابع تنها زمانی بهبود می‌یابد که وضعیّت حداقل یک فرد بهتر شود بدون اینکه وضعیّت فرد دیگری بدتر شود (Pareto, 1906). این معیار به‌طور ضمنی بر ایده‌ای استوار است که خوشبختی افراد در جامعه باید محور تصمیمات اقتصادی باشد.

۲-۳-۹. تابع رفاه اجتماعی

اقتصاددانان بعد از بنّام، از جمله آرتور پیگو و آمارتیا سن، تلاش کردند تا مفهوم "تابع رفاه اجتماعی" را توسعه دهند. این تابع، روشی برای تجمیع مطلوبیّت افراد در جامعه است که بر اساس اصول فایده‌گرایی طراحی شده است. تابع رفاه اجتماعی، سیاست‌ها را بر اساس تأثیر آن‌ها بر توزیع درآمد و سطح رفاه افراد ارزیابی می‌کند. بنّام معتقد بود که تمامی افراد باید به‌طور مساوی در محاسبات رفاهی در نظر گرفته شوند، رویکردی که به برابری خواهی در اقتصاد رفاه منجر شد. (Pigou, 1920)

۴. نقد اصول فایده‌گرایی بنّام

با وجود تأثیر عمیق اندیشه‌های بنّام، برخی اقتصاددانان از جمله جان استوارت میل، انتقاداتی را نسبت به جنبه‌های کم‌محور فایده‌گرایی مطرح کردند. میل استدلال کرد که کیفیت مطلوبیّت نیز باید در نظر گرفته شود و نمی‌توان تمامی انواع لذت را با یک معیار کمی ارزیابی کرد (Mill, 1863). این نقدها منجر به گسترش مفاهیمی چون "برابری لذت‌ها" و "توزیع عادلانه منابع" در اقتصاد رفاه شدند.

۴-۱. تقلیل‌گرایی و ساده‌انگاری

یکی از مهم‌ترین نقدهای وارد بر فایده‌گرایی بنّام، ساده‌انگاری بیش از حد در سنجش فایده است. بنّام فایده را به صورت کمی و قابل اندازه‌گیری تعریف کرد، اما بسیاری از منتقدان معتقدند که

مفاهیمی مانند شادی، خوشبختی و رفاه انسانی پیچیده‌تر از آن هستند که بتوان آن‌ها را به سادگی اندازه‌گیری کرد (Smith, 2020). همچنین، این نظریه توجه کمی به کیفیت زندگی و نیازهای غیرمادی انسان دارد.

۲-۴. نادیده گرفتن عدالت و حقوق فردی در سیاست‌گذاری

فایده‌گرایی بنّام بر بیشینه‌سازی مجموع فایده‌ها تمرکز دارد و ممکن است در برخی موارد حقوق و عدالت فردی را قربانی کند. به عنوان مثال، اگر یک سیاست اقتصادی باعث افزایش رفاه جمعی شود اما به حقوق یک اقلیت لطمه بزند، فایده‌گرایی ممکن است چنین سیاستی را تایید کند (Miller, 2018). این مسئله باعث شده تا بسیاری از اندیشمندان این نظریه را از نظر اخلاقی ناقص بدانند.

۳-۴. فرضیه‌های غیرواقع‌گرایانه در اقتصاد

فایده‌گرایی بنّام اغلب بر فرضیه‌های اقتصادی ساده‌سازی‌شده مانند رفتار عقلانی انسان‌ها و ترجیحات ثابت تکیه می‌کند؛ اما در دنیای واقعی، انسان‌ها همیشه رفتار عقلانی ندارند و ترجیحات آن‌ها به مرور زمان تغییر می‌کند (Kahneman, 2011). این مسئله باعث کاهش کاربردپذیری این نظریه در اقتصاد مدرن می‌شود.

ج) شباهت‌ها و تفاوت‌های نظریه فایده‌گرایی در اندیشه امام علی (ع) و جرمی بنتام
میان اندیشه‌های امیر المؤمنین ع و جرمی بنتان و پروان او، نقاط مشترک و تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد که در ادامه بررسی شده است.

۱. اشتراکات فایده‌گرایی در اندیشه امام علی (ع) و جرمی بنتام
میان دو دیدگاه امام علی (ع) و جرمی بنتام می‌توان اشتراکاتی را کاوش نمود.

۱-۱. اصل حداکثرسازی نفع شخصی

در این که انسان ذاتاً و فطرتاً به دنبال نفع شخصی خود است، میان هردو مکتب اختلافی نیست. زیرا لذت‌گرایی و فرار از رنج را خداوند درسرشت انسان نهاده است. خداوند انسان را برای رسیدن به حداکثر لذت‌ها به بهشت جاودان نوید می‌دهد و برای فرار از رنج دائمی از عذاب جهنم و دوزخ می‌هراساند؛ زیرا خالق انسان بهتر می‌داند که نهاد و سرشت انسان را لذت‌طلب و رنج‌گریز خلق کرده است (مصباح یزدی، ۱۳۸۴). و برای رسیدن به کمال انسانیت باید او را از طریق رنج‌گریزی و لذت‌طلبی تشویق و تحویف نماید. همان‌گونه که گذشت این مبنا در فلسفه اخلاق اسلام و در بیانات امام علی (ع) نیز مورد تأیید قرار گرفته است. در فلسفه بنّام نیز همان‌گونه که گذشت لذت‌گرایی و رنج‌گریزی اساس رفتار انسان را تشکیل می‌دهد. بنا بر این مبنا هردو مکتب از اصل مشترکی برخوردار است (Bentham, 1789).



۱-۲. حد اکثر سازی منفعت جمعی

همانگونه که در واکاوی دیدگاههای امام علی و بنتام مشاهده گردید، در این مبنا نیز هردو دیدگاه مشترک است. حضرت علی (ع) هم منفعت اجتماعی را بر منفعت شخصی ترجیح میدهد (نهج البلاغه، نامه ۳۱)، در اسلام، هنگام تضاد میان منافع فرد و منافع جمع، منافع جمع مقدم است؛ زیرا اصول اخلاقی و فقهی اسلامی بر مبنای عدالت اجتماعی، رفع ظلم، و حمایت از خیر عمومی استوار هستند. این موضوع در منابع متعدد اسلامی، از جمله قرآن، سنت و قواعد فقهی، مورد تأکید قرار گرفته است. بنتام نیز در فلسفه خود بیشترین سود را برای بیشترین افراد در نظر می‌گیرد (Bentham, 1789).

۱-۳. تأکید بر غایت گرایی اعمال

یکی از نقاط مشترک دیدگاه امام علی (ع) و بنتام، تأکید بر غایت گرایی اعمال است. همانگونه که گذشت بنتام معتقد است که باید در هر موقعیت خاص، بهترین اقدام برای حداکثر سازی رفاه عمومی اتخاذ شود، بدون اینکه الزاماً قواعد یا اصول کلی حاکم باشند (Mill, 1863). حضرت امیر المؤمنین (ع) نیز غایت و عاقبت امور را توجیه کننده عمل می‌داند و تمام اعمال و منافع دنیایی را با معیار غایت اعمال و نتایج اخروی سنجش می‌نماید. بنا براین می‌توان گفت بنتام در غایت نگر بودن مصالح و منافع با حضرت امیر (ع) نظر مشترک دارند.

۲. تفاوت های فایده گرایی در اندیشه امام علی (ع) و جرمی بنتام

به رغم اشتراکاتی که دو نظریه با هم دارند؛ تفاوت ها و اختلافات بنیادینی میان آن دو مشاهده می‌شود. ریشه‌ی بنیادین این اخلاف ها دینی محور بودن نظریه حضرت امیر (ع) و عدم دین محوری نظریه بنتام بازگشت می‌کند. مهم ترین تفاوت دیدگاهها در ادامه آورده شده است.

۲-۱. خدا محوری

نظریه منفعت در اندیشه حضرت امیر (ع) بر اساس دین اسلام می‌چرخد. ایشان معتقد است هر آن منفعتی که در راستای بهبود شعایر اسلامی و رضایت الهی باشد، مطلوب و هر آن فایده‌ای که مخالف تعظیم شعایر اسلامی و فضایل الهی باشد، مردود است. در نقطه مقابل جرمی بنتام معیار منفعت را لذت و معیار لذت را لذت مادی و معیار تشخیص منافع خوب و منافع بد را نیز حد اکثر بودن آن می‌داند که آن را نیز در تشخیص عقلانی می‌پندارد. به عبارت دیگر در نظریه فایده گرایی کلاسیک که توسط جرمی بنتام و جان استوارت میل مطرح شد، توجه به خدا به طور خاص و به عنوان یک نیروی محوری اخلاقی و دینی در نظر گرفته نشده است. این نظریه اساساً غیردینی است و بیشتر بر روی مفاهیمی چون لذت، درد و خوشبختی انسانی تمرکز دارد. در واقع، در این رویکرد، اخلاق از یک دیدگاه انسان مدارانه تعریف می‌شود و مبنای آن توجه به پیامدهای عملی اعمال در زندگی دنیوی است.

۲-۲. حق محوری

منفعت و مطلوبیت اقتصادی در بینش علوی بر مدار حق دوران دارد. هرگاه منفعت بر خلاف حق چرخش نماید، از منظر امام (ع) غیر قابل قبول است. امام علی (ع) در تمام جوانب زندگی فردی، اجتماعی، سیاسی و اخلاقی، مفهوم حق را به عنوان معیار اصلی قضاوت، تصمیم‌گیری و عمل در نظر می‌گیرد؛ از این رو جلب منافع و دفع مضار بر اساس حق محوری صورت می‌گیرد. اما در نظریه فایده‌گرایی بنّام، مفهوم حق به طور مستقیم و در معنای کلاسیک آن (حق‌های فردی یا حقوق قانونی و اخلاقی) مطرح نمی‌شود. فایده‌گرایی بنّام اساساً به معیارهایی برای ارزیابی درست و غلط بودن اعمال بر اساس نتایج آن‌ها و میزان لذت و درد ناشی از آن‌ها توجه دارد. این نظریه بیشتر بر اساس اصل ملاحظه پیامدها استوار است و به جای توجه به حقوق فردی یا حق محوری، منافع کلی جامعه و حداکثر کردن خوشبختی و کاهش درد برای بیشترین تعداد افراد را هدف قرار می‌دهد (Mill, 1863). در فایده‌گرایی بنّام، اقدامات اخلاقی و قانونی باید بر اساس پیامدهایی که برای جامعه دارند ارزیابی شوند، نه بر اساس این که آیا آن اقدامات حقوق فردی یا قانونی افراد را رعایت می‌کنند یا خیر. به عبارت دیگر، در این نظریه، اگر یک عمل باعث بیشترین لذت برای بیشترین تعداد افراد شود، حتی اگر منجر به نقض حقوق فردی در یک یا چند نفر شود، هنوز هم آن عمل از نظر فایده‌گرایانه اخلاقی است. این نقطه نظر می‌تواند در تضاد با دیدگاه‌های حقوقی و اخلاقی باشد که بر حقوق بنیادین انسان‌ها و حق محوری تأکید دارند (Bentham, 1789).

۲-۳. آخرت محوری

در اندیشه علوی (ع) معیار منافع دنیای، منافع اخروی است. در این مکتب انسان باید تلاش نماید سرجمع منافع دینا و آخرت را حداکثر نماید. تابع مطلوبیت در اندیشه امام علی (ع) به معنای حداکثر سازی منافع دنیا، با قید حد اکثر شدن منافع آخرت همراه است؛ اما در نظر در تابع مطلوبیت قیدی به نام آخرت وجود ندارد؛ بلکه تابع مطلوبیت بنّامی با قیود دنیایی مانند قید بودجه مقید می‌شود نه قیود اخروی. در نتیجه می‌توان گفت: در منفعت‌گرایی علوی، آخرت جایگاهی بنیادین دارد و به عنوان یکی از مهم‌ترین معیارها برای ارزیابی منافع و ضررها در نظر گرفته می‌شود. برخلاف منفعت‌گرایی بنّامی که تمرکز آن صرفاً بر پیامدهای دنیوی است، منفعت‌گرایی علوی هر دو بُعد دنیا و آخرت را شامل می‌شود، اما آخرت به عنوان هدف غایی و اولویت اصلی مطرح است. اما در منفعت‌گرایی بنّامی آخرت هیچ جایگاهی ندارد. و آنچه از منافع و حد اکثر کردن منافع مطرح می‌شود، تنها بر منافع مادی و دنیایی متمرکز است.



۲-۴. عدالت محوری

در نظام مبتنی بر اخلاق علوی، عدالت بر منفعت‌گرایی مقدم است. در مورد مطلوبیت، منفعت و فایده نیز بر مبنای علوی، هر منفعت و مطلوبیت شخصی و اجتماعی که عدالت محور باشد، مورد پذیرش و منفعتی که ناعادلانه باشد، مردود است. حتی اگر یک سیاست اقتصادی منفعت عمومی موقتی ایجاد کند، اما عادلانه نباشد، از منظر اسلام مردود است. اما در نظریه بنتام، هر عمل با توجه به میزان لذتی که ایجاد می‌کند و رنجی که کاهش می‌دهد، ارزیابی می‌شود. اگر یک عمل باعث افزایش بیشترین لذت برای بیشترین تعداد افراد شود، آن عمل عادلانه تلقی می‌شود. در نظریه بنتام، عدالت به صورت مستقیم به عنوان یک اصل مستقل در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه در چارچوب حداکثرسازی لذت و حداقل‌سازی رنج تعریف می‌شود. به عبارت دیگر، مفهوم عدالت در نظریه بنتام از طریق پیامدهای اعمال و تأثیر آنها بر خوشبختی و رفاه جمعی تحلیل می‌شود؛ بنا بر این می‌توان گفت عدالت به معنای احقاق حق و یا قرار هرچیز در جای خودش یا به معنای مساوات در برخورداری از منافع جایگاهی ندارد.

۲-۵. مطلوبیت معنوی

در نظریه علوی، لذت و منفعت معنوی از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و به عنوان بخش‌های اساسی از سعادت حقیقی انسان در نظر گرفته می‌شوند. این لذت و منفعت نه تنها به دنیای مادی بلکه به ارتباط عمیق با خداوند و تحقق آخرت نیز مربوط می‌شود. از نظر امام علی (ع) لذت‌های معنوی بر خلاف لذت‌های مادی، موجب رشد روحی و کمال معنوی می‌گردند و در نهایت به سعادت جاودانه در جهان آخرت می‌انجامند. در این دیدگاه لذت معنوی به معنای آرامش درونی، رشد اخلاقی و دستیابی به تقرب به خداوند است. این نوع لذت برخلاف لذت‌های مادی که محدود به زمان و مکان است، لذت‌هایی پایدار و فرازمانی هستند. همچنین، منفعت معنوی به بهره‌مندی از ارزش‌های اخلاقی چون تقوا، صداقت، بخشش، محبت و نزدیکی به خداوند اطلاق می‌شود که نتیجه آن، دستیابی به سعادت اخروی و آرامش روحی است. این منفعت در درجه اول به جنبه‌های معنوی و آخرت‌گرایانه زندگی توجه دارد و از منافع مادی و دنیوی جدا است. اما در فایده‌گرایی بنتام یکی از چالش‌های اصلی این است که او بیشتر به لذت‌های مادی و حسی توجه می‌کند و لذت‌های روحی یا معنوی را به طور خاص در نظر نمی‌گیرد. این در حالی است که در فایده‌گرایی، هر نوع لذت و هرگونه کمبود درد به طور اصولی می‌تواند در ارزیابی «بهترین عمل» گنجانده شود. اما در تئوری بنتام، لذت بیشتر به لذت‌هایی مانند لذت از خوردن، نوشیدن یا تفریح مادی محدود می‌شود. از این رو یکی از نقدهایی که به فایده‌گرایی بنتام وارد است، کم‌توجهی به ابعاد عمیق‌تر انسانی است. لذت‌های معنوی که به طور معمول شامل آرامش درونی، رشد روحی، ارتباط با خداوند، کمک به



دیگران و تحقق عدالت اجتماعی می شود، در این نظریه ممکن است تحت تاثیر لذت های مادی قرار گیرند یا به طور دقیق تری ارزیابی نشوند. بسیاری از منتقدان فایده گرایی معتقدند که این نظریه برای درک عمق تجربه های معنوی انسان و ارزش های اخلاقی پیچیده تر که از لذت های مادی فراتر می روند، ناکافی است (مطهری، 1376). منتقدان فایده گرایی، به ویژه فلاسفه اخلاقی چون جان استوارت میل (Mill, 1863) اشاره کرده اند که این نظریه در نهایت به یک دیدگاه «مکانیکی» از اخلاق می انجامد که در آن تمامی ابعاد زندگی انسان از جمله ارزش های معنوی، اخلاقی و روحی به لذت و درد تقلیل می یابند. در این نظریه، ویژگی های پیچیده انسانی مثل خودشناسی، مسئولیت اخلاقی، کمال روحی و مفاهیمی مانند پیشرفت در مسیر الهی نادیده گرفته می شوند. در نتیجه، کسانی که به دنبال کمال معنوی هستند یا به آرامش روحی از طریق ارتباط با خداوند دست می یابند، ممکن است در مقایسه با کسانی که به لذت های مادی بیشتر توجه دارند، در ارزیابی فایده گراییانه کم اهمیت تر به نظر برسند. (Mill, 1863).

۲-۶. وسایل و اهداف

در فایده گرایی بنّام، دستیابی به اهداف مطلوب می تواند توجیهی برای استفاده از وسایل غیر اخلاقی باشد. (Bentham, 1789) این نگرش در مطلوبیت گرایی علوی مردود است. قرآن تصریح می کند: "در کار خیر و تقوا همکاری کنید و در گناه و تجاوز همدست نشوید" (بقره، ۲). در بینش علوی به مطلوبیت، وسایل و اهداف هر دو باید در چارچوب اهداف والای شریعت باشند و نمی توان از راه های نادرست به اهداف درست رسید.

جمع بندی و نتیجه گیری

جمع بندی مقاله که بیشتر بر تفاوتها و نقاط مشترک مفهوم مطلوبیت گرایی در دیدگاه امام علی (ع) و جرمی بنتام متمرکز است، به صورت جدولی در زیر آمده است. این جدول به صورت خلاصه میان دو نوع فایده گرایی و مطلوبیت گرایی مقایسه کرده است. در محور عمودی ویژگی های فایده گرایی به صورت مفاهیم کلی مورد نظر و در محور افقی مطلوبیت گرایی بر اساس دیدگاه علوی و بنّامی ترسیم شده است.

مقایسه تطبیقی میان فایده گرایی علوی و بنّامی

مطلوبیت گرایی علوی	مطلوبیت گرایی بنّامی	ویژگی ها
خدا محور است	مطرح نیست	خدا
تنها لذات های حق مدار پذیرفته است	حق بیشترین مطلوبیت و لذت است	حق

مطلوبیت با محور آخرت سنجش می‌شود	لحاظ نمی‌شود	آخرت
عدالت معیار مطلوبیت است	عدالت مساوی است با بیشترین منفعت مادی برای بیشترین افراد	عدالت
لذت و مطلوبیت نهایی، تقرب و رضایت الهی است	معنویت همان بیشترین منفعت مادی است	معنویت
لذت مادی، معنوی، روحانی، تقرب و رضایت الهی	بیشترین لذت برای بیشترین افراد	معنای فایده
وحی و کلام الهی	عقل و بینش بشری	منبع تشخیص



فهرست منابع

الف) منابع فارسی و عربی

قرآن

نهج البلاغه

۱. درخشه، جلال، شفیعی قهفرخی، امید (۱۳۹۲)، سعادت از دیدگاه امام علی (ع)، فصلنامه سیاست، دوره ۴۳، شماره ۲.
۲. جوادی، محسن (۱۳۸۰)، سعادت از دیدگاه امام علی علیه السلام، فصلنامه قبسات شماره ۱۹.
۳. حر عاملی، شیخ محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۴. حسینی، سید رضا (۱۳۸۲)، مفروضات نظریه رفتار مصرف کننده در اقتصاد اسلامی، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، سال سوم، شماره ۹.
۵. سبحانی‌نیا، محمد (۱۴۰۲) بررسی تطبیقی آموزه های اخلاقی نهج البلاغه با نظام های اخلاقی غرب، فصلنامه مشکوة، ۴۲ (۱۵۹).
۶. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴) اخلاق در قرآن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۷. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۲)، لذت و سعادت از دیدگاه قرآن کریم، مجله کوثر، شماره ۱۰.
۸. یوهان خرافلانت ترجمه وحید موسوی داور (۱۴۰۲)، اخلاق و اقتصاد، تهران: نشر دُکسا.

ب) منابع انگلیسی

1. Arrow, K. J. (1951). Social Choice and Individual Values. Wiley.
2. Atkinson, A. B. (2015). Inequality: What Can Be Done? Harvard University Press.
3. Bentham, J. (1789). *An Introduction to the Principles of Morals and Legislation*. Oxford: Clarendon Press.
4. Bentham, Jeremy. Of Laws in General. (1782).
5. Boardman, A. E., Greenberg, D. H., Vining, A. R., & Weimer, D. L. (۲۰۱۸). Cost-Benefit Analysis: Concepts and Practice. Pearson.
6. Crisp, R. (1997). Routledge Philosophy Guidebook to Mill on Utilitarianism. Routledge.
7. Driver, J. (۲۰۰۱). The history of Utilitarianism. In: The Cambridge Companion to Utilitarianism. Cambridge University Press.
8. Edgeworth, F. Y. (1881). Mathematical Psychics: An Essay on the Application of Mathematics to the Moral Sciences. C. Kegan Paul & Co.
9. Griffin, J. (1986). Well-being: Its Meaning, Measurement, and Moral Importance. Clarendon Press.

10. Guthrie, S. (2001). *Cost-Benefit Analysis: Theory and Practice*. Harvard University Press.
11. Hare, R.M. *Moral Thinking: Its Levels, Method, and Point*. (1981).
12. Hooker, B. (2000). The Utility of Bentham's Utilitarianism. *Journal of Applied Philosophy*, 17(1), 33-50.
13. Hooker, Brad. *Ideal Code, Real World*. (2000).
14. Jevons, W. S. (1871). *The Theory of Political Economy*. Macmillan.
15. Kahneman, D. (2011). *Thinking, Fast and Slow*. Farrar, Straus and Giroux.
16. Kaldor, N. (1939). Welfare Propositions of Economics and Interpersonal Comparisons of Utility. *Economic Journal*, 49(195), 549–552.
17. Layard, R. (2005). *Happiness: Lessons from a New Science*. Penguin Press.
18. Lyons, David. *Forms and Limits of Utilitarianism*. (1965).
19. Marshall, A. (1890). *Principles of Economics*. Macmillan and Co.
20. Mill, J. S. (1863). *Utilitarianism*. London: Parker, Son, and Bourn.
21. Miller, D. (2018). *Principles of Social Justice*. Harvard University Press.
22. Millgram, M. (2005). The History of Utilitarianism. *Stanford Encyclopedia of Philosophy*.
23. Moore, G.E. *Principia Ethica*. (1903).
24. Pareto, V. (1906). *Manual of Political Economy*. Oxford University Press.
25. Parfit, D. (1984). *Reasons and Persons*. Oxford University Press.
26. Pigou, A. C. (1920). *The Economics of Welfare*. Macmillan.
27. Rawls, J. (1971). *A Theory of Justice*. Harvard University Press.
28. Rosen, Frederick. (2003). *Classical Utilitarianism from Hume to Mill*.
29. Schneewind, J.B. (1977). *Sidgwick's Ethics and Victorian Moral Philosophy*.
30. Schofield, Philip. (2006). *Utility and Democracy: The Political Thought of Jeremy Bentham*.
31. Sen, A. (1985). *Commodities and Capabilities*. Oxford University Press.
32. Sen, A. (1999). *Development as Freedom*. Oxford University Press.
33. Smart, J. J. C., & Williams, B. (1973). *Utilitarianism: For and Against*. Cambridge University Press.
34. Smart, J.J.C., (1973). Williams, Bernard. *Utilitarianism: For and Against*.
35. Smith, A. (2020). *Ethics and Economics: Beyond Utilitarianism*. Cambridge University Press.
36. Thaler, R. H., & Sunstein, C. R. (2008). *Nudge: Improving Decisions About Health, Wealth, and Happiness*. Penguin Books.



جایگاه دولت اسلامی در اقتصاد

دکتر محمد آصف تقوی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱/۲۵

تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۲/۲۵

چکیده

در این پژوهش، تلاش شده است ماهیت دولت اسلامی به عنوان دولتی «هدایت‌گر» بررسی شود و وظایف اجتماعی و اقتصادی جامعه در قالب پنج حوزه تفکیک شوند تا حدود و دامنه دخالت دولت و مردم واضح شود. این پنج حوزه عبارت‌اند از: وظایفی که به عهده دولت است و مردم از ورود به آن‌ها منع شده‌اند؛ وظایفی که به عهده مردم است و ورود دولت به آن‌ها ممنوع است؛ وظایفی که مردم توانایی انجام آن‌ها را ندارند و دولت باید وارد عمل شود؛ وظایفی که دولت توان انجام آن‌ها را ندارد و مردم باید عهده‌دار آن شوند و وظایف مشترک میان دولت و مردم. در بخش وظایف مشترک تلاش شده است، با استناد به روایات و سیره معصومین (علیهم السلام)، قلمرو و حدود عمل هر یک از طرفین به دقت تعیین شوند. در این تحقیق تلاش شده است تا قلمروی دخالت دولت اسلامی مشخص شود و روش تحقیق در این تحقیق تحلیلی است.

واژگان کلیدی: دولت اسلامی، اقتصاد اسلامی، مالیات اسلامی، سیاست‌گذاری.

^۱ - دکتری علوم اقتصادی و استاد جامعة المصطفی العالمیه، ایران.

مقدار دخالت دولت در اقتصاد از مسائل بنیادینی است که نظام‌های اقتصادی را از یکدیگر تفکیک می‌کند؛ به‌عنوان مثال نظام سوسیالیستی، دخالت حداکثری و نظام سرمایه‌داری، دخالت حداقلی را توصیه می‌کنند. پژوهش‌های مختصری درباره دولت اسلامی و قلمروی دخالت آن در اقتصاد صورت گرفته است که به آن‌ها اشاره می‌شود.

جهانیان در مقاله «معیارهای دخالت دولت اسلامی در اقتصاد» بیان می‌کند که مبنای دخالت دولت در اقتصاد، مصلحت است و مراد از مصلحت نیز تأمین هدف شارع برای رسیدن مردم به منافع دنیوی و اخروی است؛ از این رو توسعه معنویت، ایجاد و بسط امنیت، پیشرفت و رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی، مصالحی هستند که دولت اسلامی برای تحقق آن‌ها در اقتصاد دخالت می‌کند (جهانیان، ۱۳۸۹: ۷۹). این پژوهش، همان‌گونه که از عنوان آن پیدا است، قلمروی دخالت دولت اسلامی را تعیین نمی‌کند؛ بلکه به تبیین معیارهای دخالت دولت اسلامی در اقتصاد می‌پردازد. رجایی در مقاله «آزادی اقتصادی یا دخالت دولت» نتیجه گرفته است که در اسلام به هر دو توجه شده است و آزادی اقتصادی و دخالت دولت مکمل یکدیگر هستند. در این پژوهش حق دخالت برای دولت اسلامی مسلم دانسته شده و میزان دخالت، تابع مصالح جامعه و وابسته به شرایط زمانی و مکانی متغیر در نظر گرفته شده است (رجایی، ۱۳۷۴: ۶۲ - ۶۴). موسویان در مقاله «جایگاه دولت در اقتصاد از دیدگاه اسلام»، ابتدا مبانی نظری دخالت دولت را بررسی کرده و نتیجه می‌گیرد که بدون حضور دولت هدف‌گرا و ارزش‌گرا اجرای آموزه‌های اسلام ممکن نیست؛ سپس به بررسی اهداف دولت در اقتصاد اسلامی پرداخته و هدف‌های توسعه رفاه، توسعه معنویات، برپایی عدالت و قدرت اقتصادی جامعه اسلامی را غایات دولت می‌شمارد. پس از آن، وظایف دولت در تحقق این اهداف را تبیین می‌کند که برنامه‌ریزی برای اشتغال، تأمین اجتماعی، توازن اقتصادی، تثبیت ارزش واقعی پول و تصدی فعالیت‌های خاص اقتصادی از مهم‌ترین آن‌ها هستند. ایشان منابع مالی و اختیارات دولت در عرصه اقتصادی را در بخش پایانی پژوهش مذکور توضیح می‌دهند (موسویان، ۱۳۸۲: ۵۳).

مالک در مقاله «وظایف و مسئولیت‌های دولت اسلامی در اقتصاد»، مهم‌ترین مسئولیت‌های اقتصادی دولت را با رویکرد تاریخی بررسی کرده و شش وظیفه را برای دولت اسلامی بر می‌شمارد که عبارت‌اند از: تجهیز و تخصیص منابع مالی، اجرای عدالت اقتصادی، برقراری ثبات در بازار، برقراری عمران و آبادی، حفظ استقلال و امنیت و امر به معروف و نهی از منکر. او در پایان بیان می‌کند در برخی از موارد فوق، نیاز به دخالت مستقیم دولت در اقتصاد وجود دارد و گاهی فقط نیازمند سیاست‌گذاری یا نظارت است (مالک، ۱۳۸۲: ۳۷).



تقوی و جابری در مقاله «بررسی قلمروی دخالت حکومت اسلامی در اقتصاد» با استناد به چهار مسئله اولویت عدالت نسبت به رشد در نظام اقتصاد اسلامی، وظایف گسترده‌ای که در منابع اسلامی بر دوش دولت نهاده شده، منابع مالی بسیار زیادی که در اختیار دولت اسلامی قرار دارد و بررسی اقتصاد صدر اسلام، حکومت پیامبر گرامی اسلام و امام علی (علیه السلام) نتیجه گرفته‌اند که دولت اسلامی در ابعاد نظارت و سیاست‌گذاری، نسبتاً حداکثری و در بُعد تصدی‌گری، نسبتاً حداقلی است (تقوی و جابری، ۱۳۹۹: ۱۲۷). هیچ‌یک از مطالعات فوق به تفکیک قلمروی فعالیت دولت و بخش خصوصی (مردم) نپرداخته‌اند. این پژوهش، با روش توصیفی-تحلیلی، ابتدا به تعریف دولت اسلامی پرداخته و سپس با مراجعه به منابع اسلامی تلاش کرده قلمروی دخالت دولت و مردم را به روشنی از یکدیگر تفکیک کند.

۲. تعریف دولت اسلامی

در این پژوهش، بحث درباره دولت اسلامی است و ضروری است تا تعریف روشنی از دولت اسلامی، پیش از ورود به بحث قلمروی دخالت دولت اسلامی در اقتصاد، داشته باشیم.

گاهی مراد از دولت اسلامی، دولت در جوامع اسلامی است که این تعریف، بدون متعرض شدن نسبت دین و دولت در اندیشه اسلامی، دولتی را اسلامی معرفی می‌کند که در جغرافیای زندگی مسلمانان تشکیل شده است، اقتدار سیاسی در آن به دست مسلمانان است و بیشتر نهادهای عمومی به دست آنان اداره می‌شود. این تعریف پایه بسیاری از تشکلهای و نهادهای بین‌المللی - از جمله سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه بین‌المجالس کشورهای اسلامی و بانک بین‌المللی اسلامی - است. در تعریف دیگری، دولت اسلامی را دولتی تعریف کرده‌اند که حافظ و مجری شریعت و آموزه‌های اسلامی در جامعه است. این تعریف نیز داوری خاصی درباره ماهیت قدرت و ساختار درونی دولت اسلامی ندارد و بر لزوم اجرای احکام شریعت به عنوان شرطی برای مشروعیت دولت تأکید می‌کند. تعریف دیگری، دولت اسلامی را دولتی می‌نامد که فرمانروایان و رهبران آن واجد شرایط و اختیاراتی هستند که در نصوص اسلامی بیان شده‌اند. در این دیدگاه، علاوه بر آنکه دین اسلام مبنای نظم سیاسی است، شرایط و اختیارات ویژه‌ای نیز برای رهبران و حاکمان لحاظ شده است.

برخی نیز دولت اسلامی را دولتی تعریف می‌کنند که در آن نه تنها ارزش‌های حاکم بر زندگی سیاسی و شرایط رهبران و فرمانروایان از جانب دین اسلام تعیین می‌شود، بلکه حتی شیوه استقرار حاکم نیز (نصب یا انتخاب حاکم) با دین اسلام تعیین می‌شود. مطابق اندیشه شیعه، همه انسان‌ها آزاد آفریده شده‌اند؛ هیچ‌کس، جز خداوند، حق حکومت ندارد (انعام/۵۷) و انسان نباید در هیچ امری مطیع غیرخدا باشد؛ اما به دلیل اینکه خود خداوند دستور به پیروی از پیامبر و اولی الامر داده (نسا/۵۹)، اطاعت از پیامبر و ائمه معصومین (علیهم السلام) نیز اطاعت خدا است. ائمه معصومین (علیهم السلام) مردم را به اطاعت از فقهای عادل دعوت کرده‌اند و فرموده‌اند: «فقیهانی که پاکی



روح خود را حفظ کنند، دین خود را نگه دارند، مخالف هوا و هوس و مطیع فرمان مولای خویش باشند، مردم باید از آن‌ها پیروی کنند؛ البته این ویژگی‌ها را تنها برخی فقهای شیعه دارند و نه همه آن‌ها»^۱ (عسکری، ۱۴۰۹ ه.ق: ۲۹۹-۳۰۰). ائمه معصومین (علیهم السلام) این فقیهان را حجت خود بر مردم معرفی کرده و فرموده‌اند: «اما در رویدادهای زمانه، به روایان حدیث ما رجوع کنید؛ آنان حجت من بر شمایند و من، حجت خدا بر آنانم»^۲ (حر عاملی، ۱۳۷۴/۲۰: ۱۴۰). بدین ترتیب، مطابق اندیشه شیعه نیز ویژگی‌های حاکمان و نیز شیوه استقرار حاکم در منابع اسلامی بیان شده‌اند.

خداوند در قرآن کریم به صراحت هدایت به سمت نیکی‌ها در دنیا و آخرت را بر خود واجب کرده است^۳ (لیل/۱۲ و ۱۳) و آن را وظیفه پیامبر (ص) نیز می‌داند: «و همانا تو خلق را به راه راست هدایت می‌کنی»^۴ (شوری/۵۲). مطابق بیان فوق، ائمه معصومین (علیهم السلام) و رهبران حکومت اسلامی نیز، که جانشین پیامبر (ص) هستند، وظیفه هدایت مردم به سوی حیات طیبه در دنیا و آخرت را به عهده دارند. در نتیجه، دولت اسلامی، دولتی است که مسئول است و مهم‌ترین مسئولیتش هدایت مردم و اقامه دین است. دولت اسلامی، برخلاف دولت‌های دیگر^۵، در هدایت خود نیز به دنیا توجه دارد و نیز به آخرت. حکومت در نگرش اسلامی، فرصت و ابزار سعادت مردم است و هدایت مردم در تمام شئون فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی را به عهده دارد و کسانی که قدرت را در جامعه اسلامی به دست می‌گیرند، موظف هستند ارزش‌های اسلامی را برپا دارند و زمینه سعادت اخروی را نیز در کنار سعادت دنیوی فراهم سازند.^۶ با این بیان، دولت اسلامی را می‌توان چنین تعریف کرد: «دولت اسلامی، دولتی است مبتنی بر مبانی، اصول و ارزش‌های اسلامی و هادی به حیات طیبه و قرب ربوبی».

۳. نقش مردم در دولت اسلامی و رابطه متقابل دولت و مردم

نقش مردم در دولت اسلامی را می‌توان در دو بُعد مطالعه کرد: یکی در بُعد نظری و دیگری در بُعد عملی. بُعد نظری بحث این است که مردم تنها در به فعلیت رساندن دولت اسلامی نقش دارند یا مشروعیت آن در گروی آرای مردم است. در بُعد عملی، سخن در این است که نقش مردم در امور اجتماعی چیست؛ به عبارت دیگر، پاسخ به این سؤال که وظایف دولت چیست و وظایف مردم کدام‌اند.

۱ - فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَانِعًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالِفًا عَلَى هَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يَقْلُدُوهُ، وَذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا بَعْضُ فُقَهَاءِ الشَّيْعَةِ لَا جَمِيعَهُمْ.

۲ - أَمَّا الْحَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا، فَإِنَّهُمْ حَبَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ.

۳ - إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى؛ وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَى.

۴ - وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.

۵ - «إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا» (انسان/۲۷).

۶ - «الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج/۴۱).

۳-۱. نقش مردم در بُعد نظری

نقش مردم در بُعد نظری را می‌توان از دو جنبه بررسی کرد: یکی در تحقق مشروعیت دولت اسلامی و دیگری در به فعلیت رساندن و تحقق دولت اسلامی. به اتفاق نظر مسلمانان، مشروعیت حکومت پیامبر اسلام (ص) از جانب خداوند متعال بوده و مردم هیچ نقشی در این مشروعیت نداشته‌اند؛ اما در تحقق حکومت، مردم نقش اساسی ایفا کردند؛ یعنی حضرت با نیروی قهری حکومت خود را بر مردم تحمیل نکرد و مردم با میل و رغبت خود پذیرای این حکومت شدند. درباره مشروعیت حکومت امامان معصوم (علیهم‌السلام)، میان شیعیان و اهل تسنن اختلاف وجود دارد. شیعیان معتقدند مشروعیت حکومت امامان معصوم (علیهم‌السلام) نیز با نصب الهی هستند و برای تحقق حکومت ایشان بیعت و همراهی مردم لازم است؛ اما اهل سنت بر این عقیده‌اند که حکومت هرکس، غیر از پیامبر اسلام (ص)، با رأی و بیعت مردم مشروعیت پیدا می‌کند. سنی‌ها معتقدند با رأی مستقیم مسلمانان، تعیین خلیفه قبلی یا با نظر شورای حل و عقد حکومت یک شخص مشروعیت می‌یابد (مصباح یزدی، ۱/۱۳۸۸: ۲۹-۳۰).

نظر فقهای شیعه (به جز معدودی از فقهای معاصر) این است که در زمان غیبت، «فقیه»، حق حاکمیت دارد و حکومت از سوی خدا با امامان معصوم (علیهم‌السلام) به فقها واگذار شده است. پس در زمان غیبت نیز مشروعیت حکومت از سوی خدا است؛ نه از سوی آرای مردم. نقش مردم در زمان غیبت نیز فقط عینیت بخشیدن به حکومت است و نه مشروعیت بخشیدن به آن (مصباح یزدی، ۱/۱۳۸۸: ۳۰-۲۹).

برخی خواسته‌اند نقش مردم در حکومت اسلامی در زمان غیبت را پررنگ‌تر کنند؛ از این رو، گفته‌اند آنچه از سوی خدا توسط امامان معصوم (علیهم‌السلام) به فقها واگذار شده، ولایت عامه است؛ یعنی نصب فقها- همانند نصب معصومان- برای حکومت و ولایت نیست، زیرا نصب امامان به گونه‌ای خاص و معین بوده است، در حالی که فقها به عنوان کلی به ولایت منصوب شده‌اند و برای معین شدن فقیه و واگذاری حکومت و ولایت به او باید از آرای مردم کمک گرفت. طبق آنچه بیان شد، اصل مشروعیت از خداست؛ اما تعیین فقیه برای حاکمیت به دست مردم است. این نقش، افزون بر نقشی است که مردم در عینیت بخشیدن به حکومت فقیه دارند. در پاسخ باید گفت یا مقصود گوینده این است که حکومت فقیه در زمان غیبت، مشروعیت تلفیقی دارد؛ بدین معنا که مشروعیت ولایت فقیه به نصب الهی و نیز رأی مردم است؛ به تعبیر دیگر، رأی مردم همراه با نصب الهی جزء تعیین‌کننده مشروعیت حکومت فقیه است و مقصود این است که عامل اصلی مشروعیت حکومت فقیه در زمان غیبت، نصب الهی است اما خداوند شرط کرده است تا آرای مردم نباشد، فقیه حق حاکمیت ندارد، یعنی رأی مردم شرط مشروعیت حکومت فقیه است و نه جزء دخیل در آن. در هر صورت، اگر بخواهیم نظر مردم را در مشروعیت دخالت بدهیم، با این مشکل مواجه



می‌شویم که حاکمیت فقط حق خدا است، مردم در آن هیچ حقی ندارند، دیگران تنها با نصب او می‌توانند حاکمیت را در دست گیرند و بدون اجازه او هرگونه تصدی امور دیگران و سلطه و حاکمیت، غاصبانه است (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۲۲). اگر نظر مردم در مشروعیت حکومت دخالت داشته باشد، باید هر زمان که مردم نخواستند که فقیه حاکم باشد، حکومت او نامشروع باشد؛ اما گفتیم که فقیه در زمان غیبت، حق ولایت دارد و این حق با موافقت مردم تحقق عینی می‌یابد. افزون بر این لازم می‌آید در صورت موافقت نکردن مردم، جامعه اسلامی بدون حکومت مشروع باشد (مصباح یزدی، ۱/۱۳۸۸: ۲۹-۳۰).

۲-۳. نقش مردم در بُعد عملی

در بُعد عملی، بحث در این است که وظایف دولت در جامعه، به‌ویژه در اقتصاد، چیست و وظایف مردم کدام است. پاسخ به این سؤال است که می‌تواند به موضوع پژوهش حاضر کمک کند و قلمروی دخالت دولت اسلامی (دولت هدایت‌گر) در اقتصاد را روشن کند. برای پاسخ به سؤال فوق، امور اجتماعی و اقتصادی را به پنج دسته تقسیم کرده‌ایم و درصدد احصای موارد هر کدام برآمده‌ایم؛ ۱. وظایفی که دولت باید وارد شود و مردم نباید وارد شوند؛ ۲. وظایفی که مردم باید وارد شوند و دولت نباید وارد شود؛ ۳. وظایفی که مردم نمی‌توانند و دولت باید وارد شود؛ ۴. وظایفی که دولت نمی‌تواند و مردم باید وارد شوند؛ ۵. وظایف مشترک دولت و مردم.

۱-۲-۳. معیارهای تفکیک وظایف

با تفکیک بالا، بخش عمده‌ای از قلمروی دخالت دولت در اقتصاد و جامعه تعیین می‌شود. در دسته پنجم که وظایف مشترک دولت و مردم است نیز با استفاده از روایات و سیره عملی پیامبر گرامی اسلام (ص) و حضرت امیرالمؤمنین (ع)، به‌ویژه نامه‌های آن حضرت، به تعیین و تبیین اولویت‌ها پرداخته شده است.

۲-۲-۳. وظایفی که دولت باید وارد شود و مردم نباید وارد شوند

دسته اول، امور و وظایفی هستند که از کارویژه‌های دولت شناخته می‌شوند و مردم حق ورود در این حوزه را ندارند؛ مواردی نظیر برنامه‌ریزی، قانون‌گذاری، ایجاد ساختارهای مالی و عرضه پول، صدور فرمان جهاد و مدیریت جمع‌آوری خمس، زکات و مالیات و تخصیص کارایی آن به کالاهای عمومی (بودجه‌ریزی) در این دسته جای می‌گیرند.

۱-۲-۲-۳. سیاست‌گذاری و تدبیر (برنامه‌ریزی)

از مهم‌ترین وظایف دولت، هدایت و سیاست‌گذاری فعالیتهای اقتصادی و سوق دادن آن‌ها به سمت اهداف مطلوب اسلامی است؛ زیرا اگر دولت، هدایت و سیاست‌گذاری نکند، اقتصاد به بیراهه می‌رود.

هدایت و سیاست‌گذاری، نواقص بازار را پوشش می‌دهد و منابع اقتصادی را به سمت جایگاه‌های مناسب‌تر تخصیصی سوق می‌دهد تا نیازهای بیشتر و مهم‌تری از جامعه اسلامی تأمین شود. در اقتصاد متعارف نیز دولت وظیفه برنامه‌ریزی و هماهنگ کردن برنامه‌های فردی بنگاه‌های خصوصی را نیز به عهده دارد تا برنامه‌های ناهماهنگ موجب هرج و مرج نشوند (یوهانسن، ۱۳۶۷: ۶۹-۷۰).

۳-۲-۲. قانون‌گذاری

مسائل حقوقی مربوط به زمین، آب، هوا، کشتی‌رانی و امثال این‌ها، احکام حقوقی مربوط به معاملات، بانکداری، حقوق تجارت و مسائل پولی و مالی از مواردی هستند که باید دولت درباره آن‌ها تصمیم بگیرد. قانون‌گذاری از عهده یک فرد یا یک گروه خارج است و اگر گروهی از بهترین متخصصان، بهترین قانون را وضع کنند، برای مردم اعتباری ندارد. قانون‌گذاری نیازمند نهادی رسمی و پذیرفته‌شده است که بتواند قانونی وضع کند که پشتوانه و ضمانت اجرا داشته باشد (مصباح یزدی، ۱۳۹۵: ۸۴).

بدین ترتیب یکی از مهم‌ترین وظایف دولت در حوزه اقتصاد، تأسیس بنیادهای قانونی و تولید قوانین مناسب است. اگر حق و مبنای حقوقی در جامعه اسلامی روشن و نهادینه شده باشد، نهادهای اقتصادی، نظیر بازار، نیز می‌توانند مبتنی بر حق عمل کنند؛ از همین رو احترام به قراردادها در نظام اقتصاد اسلامی از اهمیت بسیار والایی برخوردار است. فعالیت دولت در این زمینه امکان شکوفایی بدون نگرانی خلاقیت‌ها و نوآوری‌های را برای عوامل تولید فراهم می‌سازد تا در آرامش کامل زمینه را برای توسعه و آبادانی کشور فراهم آورند (جهانیان، ۱۳۸۸: ۴۲۱).

همین بنیادهای قانونی - که نشان‌دهنده اراده دولت برای شکل‌دهی به مناسبات اجتماعی و اقتصادی است - در کنار بازارها - که نشان‌دهنده حق انتخاب فردی و مبادلات آزاد در عرصه اقتصاد هستند - و هنجارهای غیررسمی و نانوشته (سنت و اخلاق) وظیفه تنظیم روابط اجتماعی را به عهده دارند. این سؤال بنیادین همیشه مطرح است که این سه موضوع چه رابطه‌ای با یکدیگر دارند؛ مکمل یا جایگزین یکدیگر هستند و چگونه جای خود را با یکدیگر عوض می‌کنند (هداوند، ۱۳۸۴: ۵۹). این سه در نظام لیبرالیسم، جانشین یکدیگر هستند و تأکید می‌شود تا جایی که بازارها و هنجارهای اجتماعی می‌توانند روابط اجتماعی را ساماندهی کنند، بهتر است از ابزار قانون - که مهم‌ترین ابزار مداخله دولت در زندگی اقتصادی و اجتماعی است - استفاده نشود. این سه از منظر نهادگرایان، مکمل همدیگر هستند و دولت - به عنوان نهادی فراگیر - می‌تواند با استفاده از ابزار حقوق و از راه وضع قوانین، نهادهای دیگری را تعریف و تأسیس کند؛ دولت همچنین با تصویب قوانین، نقش بنیادینی در بسترسازی لازم برای کارکرد درست سایر نهادها و همچنین کارکرد بازار در اقتصاد دارد (رنانی، ۱۳۸۲). در جامعه‌ای توسعه‌یافته، قانون در حد بهینه تولید می‌شود؛ نه آن مقدار کم است که رفتارهای بی‌قاعده و پرهزینه، امور جامعه را مختل کنند و نه آن مقدار زیاد است که راه را بر





انتخاب‌های بهینه افراد ببندد (رنانی، ۱۳۸۱)؛ البته به اندازه کافی در این زمینه، احکام اسلامی وجود دارند و وظیفه دولت نهادینه کردن این احکام است. اسلام حتی میزان دخالت دولت در ملک خصوصی افراد را نیز بیان کرده است؛ مثلاً نظام اسلامی، اجازه مصرف مسرفانه - حتی در اموال شخصی - را نمی‌دهد و افراد مجاز نیستند اموال خویش را آتش بزنند؛ این در حالی است که گاهی برای حفظ قیمت، هزاران تن گندم و سایر محصولات کشاورزی را در کشورهای دیگر به دریا می‌ریزند یا می‌سوزانند. اسلام شدیداً با تصرف‌های مسرفانه و احمقانه مخالف است و دولت اسلامی موظف به جلوگیری از اسراف‌ها است؛ هرچند افراد در ملک شخصی خویش تصرف کنند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۲۳۷).

وقتی این گونه با تصرف در اموال شخصی افراد برخورد می‌شود، تکلیف سوءاستفاده از اموال عمومی و تضییع بیت‌المال روشن است. از بزرگ‌ترین وظایف دولت اسلامی جلوگیری از رانت‌خواری‌ها، مفاسد اقتصادی و تخلفات مالی است. گفتنی است که وظیفه دولت اسلامی درباره این گونه تخلفات «بالاصاله» است؛ زیرا در حیطه اموال دولتی یا اموال عمومی تخلف شده است (همان: ۲۳۸).

۳-۲-۲-۳. ایجاد ساختار مالی بهینه و کنترل عرضه پول

مراد از ساختار مالی بهینه، ترکیب درآمدها و هزینه‌های دولت است؛ به گونه‌ای که با کمترین هزینه، دولت را به اهداف مورد نظرش برساند. ایجاد ساختار مالی مناسب و بهینه و کنترل عرضه پول باید در انحصار دولت باشند؛ زیرا مصالح جامعه در گرو آن‌ها است. فقیهان و برخی اقتصاددانان (اقتصاددانان فرانسوی) معتقدند که عرضه پول نیز باید در کنترل و انحصار کامل دولت باشد و مردم یا بانک‌ها نباید هیچ نقشی در تعیین آن داشته باشند (یونس المصری، ۱۴۲۱ ه.ق: ۱۹۸). المصری، در کتاب «الإسلام والنقد»، نظر فقیهان اهل تسنن را درباره این وظیفه دولت به تفصیل نقل کرده و در پایان می‌گوید: «عالمان تأکید کرده‌اند که پول - چه خالص باشد و چه مغشوش، چه طلا و نقره باشد و چه غیر طلا و نقره - ضرب آن از وظایف حکومت است و بر غیرامام جامعه جایز نیست؛ زیرا افزایش یا کاهش عرضه پول، دارای آثار مهمی بر کل اقتصاد است؛ از این رو با مصالح عمومی ارتباط دارد و در اسلام، دولت حافظ و پاسدار مصالح عمومی است» (همان: ۱۸۷).

یکی از اموری که امروزه - پس از شکل‌گیری پول اعتباری - از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است، خلق پول توسط بانک‌های تجاری است که به اعتقاد برخی صاحب‌نظران مسلمان موجب تحمیل مشکلات تورمی ناشی از خلق پول به برخی از اجزای جامعه، سرایت مشکلات وام‌گیرندگان به بانک‌ها و در برخی موارد به سپرده‌گذاران، بروز بحران‌های پولی و بانکی و ایجاد شوک‌های شدید پولی، تحمیل هزینه‌های زیاد مالی و غیرشفاف شدن می‌شود (صمصامی و دیگران، ۱۳۹۳). این وظیفه دولت است که با ایجاد ساختار مالی مناسب و بهینه در راستای کنترل عرضه پول و به آرامش رساندن فضای اقتصادی کشور حرکت کند.

۳-۲-۲-۴. ایجاد نهادهای حاکمیتی و اقتصادی

نهادهای هنجارهای تثبیت‌شده‌ای هستند که برای شکل دادن به روابط متقابل انسان‌ها با یکدیگر وضع شده‌اند. علی‌رغم کاربرد روزافزون کلمه «نهاد» در متون اقتصادی و سیاسی، این کلمه مفهوم گسترده‌ای دارد و تعریف روشن و قابل اجماعی از آن وجود ندارد (Hodgeson, 1931: 648; Commons, 2006: 1). ویلن، مبدع اهمیت نهاد در اقتصاد، معتقد است که نهادها «آن دسته از عادات فکری تثبیت‌شده هستند که بین عموم مردم مشترک هستند» (Veblen, 1909: 626). هاجسون نهادها را نظامی از قواعد تثبیت‌شده و رایج در جامعه، که به تعاملات اجتماعی ساختار می‌دهند، تعریف می‌کند؛ براساس این تعریف، زبان، پول، قانون، سیستم‌های مربوط به وزن و اندازه‌گیری، آداب غذا خوردن و بنگاه‌ها (و دیگر سازمان‌ها) همگی نهاد هستند (Hodgeson, 2006: 7). به زبان ساده، می‌توان گفت نهادها قوانین بازی یا قیدهایی هستند که از جانب نوع بشر به‌منظور تنظیم روابط متقابل انسان‌ها وضع شده‌اند؛ در نتیجه، نهادها سبب ساختارمند شدن انگیزه‌های نهفته در مبادلات سیاسی و اقتصادی می‌شوند. نهادها باعث می‌شوند عدم اطمینان در جامعه کاهش یابد، رفتارهای فردی پایدار شوند، فرهنگ و دانش شکل گیرد و نظم در جامعه حاکم شود (مشهدی احمد، ۱۳۹۲: ۶۲-۶۴).

گاهی نهادهایی، مانند آداب و رسوم و قواعد و اصول رفتاری، به‌آرامی و به‌مرور زمان شکل می‌گیرند و گاهی توسط دولت ایجاد می‌شوند (نورث، ۱۳۷۷: ۱۹-۲۲)؛ اما بازیگران فعال در جامعه، فعالان اقتصادی و بازیگران بازارهای بین‌المللی نیز در ایجاد نهادها نقش دارند. ایجاد و مدیریت نهادهای حاکمیتی و اقتصادی - که حقوق مالکیت و قراردادهای تعریف می‌کنند و تعیین می‌کنند که چه کسی باید چه چیزی را در چه زمانی کسب کند - نظیر نظام قانون‌گذاری، دستگاه‌های اجرایی و اداری و دستگاه قضایی و کارکرد قوانین و مقررات و نحوه اعمال آن قوانین از مواردی هستند که تنها دولت باید به آن اهتمام ورزد.

۳-۲-۲-۵. عزل و نصب امرا و حکام ولایات

دولت برای گسترش حاکمیت خود، نیاز به تعیین امیران و فرماندارانی دارد. بدیهی است که این امر برای جلوگیری از هرج و مرج، به‌صورت انحصاری، در اختیار دولت است.

۳-۲-۲-۶. قضا، تعیین و اجرای حدود

امر قضا، تعیین و اجرای حدود از اموری است که همیشه به عهده دولت‌ها بوده و از شئون آن‌ها شمرده شده است؛ به‌گونه‌ای که مردم نباید در آن دخالتی داشته باشند. قرآن کریم نیز بر این امر تأکید می‌کند^۱ و فقهای شیعه نیز تصدی این امر را در انحصار سلطان حق و عدل، یعنی امام (ع) می‌دانند و جز امام

۱ - یا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ.



یا افرادی که از جانب ایشان اجازه قضاوت و دادرسی دارند، کسی مجاز به اقدام در این موارد نخواهد بود (طوسی، ۱۴۰۰ ه.ق: ۳۰۱). فقها اجرای حدود و تعزیرات را نیز منحصرأً وظیفه حکومت اسلامی می‌دانند و حتی درباره قصاص، که از دایره حدود الهی فراتر رفته و در حوزه حقوق شخصی قرار می‌گیرند، فرموده‌اند که سزاوار نیست کسی خودسرانه اقدام به قصاصی کند که حق اوست، بلکه این از موارد اختیارات حکومتی محسوب می‌شود و تنها در اختیار امام یا مأمور ایشان است و اختلافی در این خصوص بین فقها نیست (طوسی، ۱۴۰۷ ه.ق: ۵/۲۰۵؛ طوسی، ۱۳۸۷ ه.ق: ۷/۱۰۰).

۷-۲-۲-۳. تنظیم سیاست خارجی دولت اسلامی

سیاست خارجی دولت اسلامی و روابط آن با کشورهای دیگر از مواردی است که در انحصار دولت است و بخش خصوصی حق دخالت در آن را ندارد. این سیاست بر چهار اصل استوار است.

۱-۷-۲-۲-۳. اصل دعوت یا جهاد

بین صاحب‌نظران اسلامی اختلاف است که اصل در روابط اسلام با جوامع غیراسلامی، بر جنگ است یا صلح. اگر اصل جهاد را از اصول سیاست خارجی اسلام بدانیم، به‌زعم برخی اندیشمندان مسلمان و عموم خاورشناسان، اصل در روابط خارجی اسلام، جنگ‌محور است و صلح، ناظر به حالات خاص و استثنا از قاعده است؛ اما اگر اصل را بر دعوت بگذاریم، قضیه فرق خواهد کرد (مصطفی، ۱۹۹۶ م: ۱۵-۸۹).

علمای شیعه معتقدند که محوریت با آیات دعوت است و جهاد، حالت استثنا است. علامه طباطبایی هر نوع جهاد را دارای ماهیت تدافعی می‌داند و می‌نویسد: «قتال در راه خدا، چه دفاعی و چه ابتدایی، در حقیقت دفاع از حق انسانیت است» (طباطبایی، ۱۳۶۸: ۶۶). لزوم دعوت قبل از جهاد و مشروع نبودن جهادی که به دعوت نپرداخته، از امور مورد اتفاق میان فقها و مفسران است؛ از جمله شیخ بهایی می‌فرماید: «قبل از جهاد، واجب است دعوت کردن؛ زیرا جایز نیست ابتدا به قتال کردن با کفار مگر بعد از دعوت» (شیخ‌بهایی، [بی‌تا]: ۱۵۵). علامه حلی نیز دعوت را مرحله‌ای پیش از جهاد می‌داند و جهاد را یکی از مراحل دعوت می‌شمارد (حلی، [بی‌تا]: ۸۰). در مجموع، از دیدگاه این اندیشمندان، جهاد همواره دارای ماهیت دفاعی است و بیانگر اصل جنگ‌محوری اسلام نیست. متفکران اهل سنت نیز ضمن بررسی آیات دعوت و جهاد، اصل صلح را در روابط خارجی اسلام مورد توجه قرار داده‌اند. از اندیشمندان معاصر اهل سنت در این موضوع می‌توان به دیدگاه‌های محمد رشید رضا، محمود شلتوت، محمد ابوزهره، عبدالوهاب خلاف، عبدالله ابن زید آل محمود و دیگران اشاره کرد (طریقی، ۱۴۱۴ ه.ق: ۱۰۷).

شکی نیست که یکی از کارویژه‌های دولت اسلامی، صدور فرمان جهاد ابتدایی است که بسیاری از فقها آن را از اختیارات انحصاری امام معصوم (ع) می‌دانند یا کسانی که از طرف امام، به‌صورت ویژه،

برای جهاد منصوب شده باشند (طوسی، ۱۳۶۳: ۲۴۱)؛ البته در صورتی که دشمن متجاوز بی به سرزمین اسلامی هجوم آورد، وظیفه عموم مردم است که به دفاع برخیزند (طوسی، ۱۳۸۷: ۵۰/ق: ۸).

۳-۲-۲-۲-۲. اصل ظلم ستیزی و نفی سبیل

مطابق نص صریح قرآن (نساء/۱۴۱)، روابط خارجی اسلام با غیرمسلمانان باید به گونه ای تنظیم شود که زمینه سلطه و برتری کفار بر مسلمانان را فراهم نیاورد (بجنوردی، ۱۳۷۷: ۱۸۷). در منابع دینی به پذیرفتن تحت الحمایگی، نفی ظلم و استبداد و استعمار، جایز نبودن مداخله بیگانگان در امور داخلی کشور اسلامی و تصمیم گیری های سیاسی تأکید شده است؛ همچنین، عدم وابستگی اقتصادی، جلوگیری از نفوذ فرهنگی و منع استشاره و مشورت در حوزه های فرهنگی و نظامی در روابط خارجی نیز مورد توجه هستند (امام خمینی، ۱۳۹۰: ۴۸۵-۴۸۶).

۳-۲-۲-۲-۳. اصل عزت اسلامی

اصل عزت در روابط خارجی دولت اسلامی که برگرفته از آیات قرآن (نساء/۱۳۸-۱۳۹) و روایات (بجنوردی، [بی تا]: ۱/۱۹۰؛ محمدی ری شهری، ۱۳۷۹: ۳۳۷) است، بیانگر علو و برتری تعالیم اسلامی و در نتیجه، برتری جوامع اسلامی است. اصل عزت اسلامی، همانند اصل نفی سبیل، بر معاهدات و رفتار خارجی دولت اسلامی حاکمیت دارد؛ به گونه ای رفتاری در سیاست خارجی دولت اسلامی که موجب عزت کفار و ذلت جامعه اسلامی شود، غیرمجاز و ممنوع است.

۳-۲-۲-۲-۴. اصل پابندی به پیمان های سیاسی

اصل وفای به عهد از دستورات مؤکد اسلام است که آیات بسیاری به آن توصیه کرده اند (اسرا/۳۴؛ بقره/۱۷۷؛ مؤمنون/۸؛ معارج/۳۲)؛ بنابراین از نظر اسلام، التزام به پیمان و وفای به عهد از سیاست های استراتژیک و بلندمدتی است که تحت هیچ شرایطی مجوزی برای نقض آن وجود ندارد. هنگامی که مسلمانان یا حکومت اسلامی با دولت یا مردمانی که مسلمان نیستند، با رعایت سایر اصول، معاهده ای امضا کردند یا با مؤسسات تجاری و خدماتی آنان قراردادی بستند، جز در صورت تخلف طرف مقابل، نقض آن به هیچ وجه جایز نیست و وفای آن به حکم عقل و شرع لازم است (منتظری، ۱۳۷۴: ۲۵۸).

۳-۲-۲-۸. ولایت بر افراد بدون ولی و وراثت از افراد بدون وارث

در منابع فقهی آمده است که اگر مقتول اولیای دمی نداشته باشد، وظیفه امام است که به احقاق حق او پرداخته و قاتل را مجازات کند یا از او دیه بگیرد و آن را در بیت المال قرار دهد؛ اما حق عفو قاتل را ندارد، زیرا دیه مقتول متعلق به بیت المال است (طوسی، ۱۴۰۰: ۱۴۰؛ ق: ۷۳۹). امام، وارث افراد بدون وارث و نیز وارث مرتدی است که وارث مسلمان نداشته باشد (همان: ۶۶۶؛ طوسی، ۱۳۸۷: ۵۰/ق: ۱۱۲).



۳-۲-۲-۹. مدیریت جمع آوری خمس، زکات و مالیات و تخصیص کارایی آن به کالاهای عمومی (بودجه ریزی)

هر دولتی برای اداره تشکیلات و انجام وظایف خود نیازمند تأمین مالی است که در اسلام زکات، خمس و برخی مالیات‌های دیگر برای این منظور در نظر گرفته شده‌اند. مدیریت و جمع‌آوری این موارد و تخصیص کارایی آن‌ها به کالاهای عمومی از وظایف انحصاری دولت اسلامی است که امروزه به آن «بودجه ریزی» گفته می‌شود. بدیهی است که دولت باید، با استفاده از نظام اولویت‌بندی و توجه به منابع درآمدی خود، وظایف محوله را به بهترین شکل اجرا کند.

۳-۲-۳. وظایفی که مردم باید وارد شوند و دولت نباید وارد شود

برخی از وظایف در جامعه هستند که تنها مردم باید به انجام آن اهتمام ورزند و دولت از دخالت در این موارد منع شده است. مواردی نظیر انتخابات و پرداخت خمس، زکات و تأمین مالی دولت در این دسته جای می‌گیرند.

۳-۲-۳-۱. انتخابات (تثبیت حاکمیت نظام)

حق حکومت و حق حاکمیت در اسلام با یکدیگر تفاوت دارند؛ حق حکومت برای خدا، رسول و اولی الامر و حق حاکمیت برای مردم است. حق حکومت به معنای سزاواری اداره امور، حکومت و قرارگرفتن در جایگاه زمامداری است و حق حاکمیت نیز به معنای رخصت، اجازه و اختیار بر سر کار آوردن و حاکم کردن است. حضرت علی (ع) تعیین حاکم را بر مردم واجب و مقدم بر هر کاری می‌داند^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق/۳۳: ۱۴۴)؛ ایشان همچنین در جای دیگری می‌فرماید: «پیامبر به من سفارش کرد ولایت امت من از آن توست [یعنی تو شایسته ولایت هستی که حق حکومت را می‌رساند] پس اگر در آسایش و آرامش تو را به ولایت برگزیدند [و این نیز حق حاکمیت مردم است] و با خرسندی بر تو توافق کردند، امر ایشان را به پا دار و اگر بر تو اختلاف ورزیدند، آنان را رها کن»^۲ (ابن طائوس، ۱۳۷۰ ه.ق: ۱۸۰).

بدین ترتیب، دولت اسلامی نباید در حق حاکمیت، که متعلق به مردم است، وارد شود؛ در غیراین صورت ممکن است حکومت، وضعیت تحمیلی به خود بگیرد که مطابق روایت فوق، مطلوب

۱- «الْوَجِبُ فِي حُكْمِ اللَّهِ وَ حُكْمِ الْإِسْلَامِ عَلَى الْمُسْلِمِينَ بَعْدَ مَا يَمُوتُ إِمَامُهُمْ أَوْ يُقْتَلُ صَالِحًا كَانَ أَوْ مُهْتَدِيًا مَظْلُومًا كَانَ أَوْ ظَالِمًا حَلَالِ الدِّمِّ أَوْ حَرَامِ الدِّمِّ أَنْ لَا يَحْمِلُوا عَمَلًا وَلَا يُحْدِثُوا حَدَثًا وَلَا يَقْدُمُوا يَدًا وَلَا رَجُلًا وَلَا يَبْدُؤُوا بِشَيْءٍ قَبْلَ أَنْ يَخْتَارُوا لِأَنْفُسِهِمْ إِمَامًا عَظِيمًا عَالِمًا وَرِعًا عَارِفًا بِالْقَضَاءِ وَ السُّنَّةِ يَجْمَعُ أَمْرَهُمْ وَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ وَ يَأْخُذُ لِلْمَظْلُومِ مِنَ الظَّالِمِ حَقَّهُ وَ يَحْفَظُ أَطْرَافَهُمْ وَ يَجِبُ عَلَيْهِمْ وَ يَتَّقِيهِمْ جِبَّتَهُمْ وَ جُمُعَتَهُمْ وَ يَتَجَبَّي صِدْقَاتِهِمْ.

۲- «وَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - عَهْدَ إِلَى عَهْدًا فَقَالَ يَابْنَ أَبِي طَالِبٍ لَكَ وِلَاءُ أُمَّتِي، فَإِنْ وَلَوْتُكَ فِي عَاقِبَةِ وَاجْتَمَعُوا عَلَيْكَ بِالرِّضَا قُتِمَ بِأَمْرِهِمْ وَإِنْ اِخْتَلَفُوا عَلَيْكَ قَدْ عُهُمُ.

نیست. امروزه که شیوه حکومت اسلامی مبتنی بر مردم سالاری دینی است، دولت باید تنها بر فرایند انتخابات نظارت کند و حق دخالت و تعیین سرنوشت برای انتخابات را ندارد.

۲-۳-۲-۳. پرداخت خمس، زکات و مالیات (تأمین مالی دولت)

در دین اسلام، علاوه بر واجبات عبادی صرف، واجبات مالی نیز بخشی از تکلیف مردم هستند که برای سامان دادن امور جامعه اسلامی و گسترش عدالت در نظر گرفته شده‌اند. دولت اسلامی می‌تواند برای تأمین نیازهای مالی خود اقدام به گرفتن مالیات نیز بکند. وظیفه مردم این است که با پرداخت واجبات مالی و مالیات‌های موضوع به تأمین مالی دولت اسلامی بپردازند. امروزه، در بیشتر نظام‌های حقوقی و مالیاتی جهان، اجتناب از پرداخت مالیات و فرار مالیاتی، جرم تلقی می‌شود و درخصوص آن پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است (Richardson, 2006).

۴-۲-۳. وظایفی اجتماعی که مردم نمی‌توانند و دولت باید وارد شود

برخی از وظایف اجتماعی به گونه‌ای هستند که مردم و بخش خصوصی توانایی انجام آن را ندارند یا در صورت داشتن توانایی، ممکن است انگیزه آن را نداشته باشند؛ در این موارد دولت باید اقدام به انجام این وظایف کند یا شرایط را به گونه‌ای تغییر دهد که بخش خصوصی توان و انگیزه انجام این وظایف را داشته باشد.

۱-۴-۲-۳. ایجاد، گسترش و نگهداری زیرساخت‌ها

ایجاد، گسترش و نگهداری زیرساخت‌ها- نظیر آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، کشاورزی، صنعت و معدن و تجارت و حمل و نقل- از موارد بسیار ضروری برای اقتصاد هستند که معمولاً بخش خصوصی، به علت نیاز به سرمایه هنگفت و بازگشت سرمایه طولانی مدت، توان انجام آن را ندارد.

برخی زیرساخت‌های مورد نیاز جامعه، نظیر آموزش و پرورش و بهداشت و درمان، هستند که امکان دارد با داوطلب شدن بخشی از مردم ایجاد و گسترش یابند؛ اما معمولاً چنین انگیزه‌ای در افراد جامعه به اندازه‌ای که تمامی نیازهای جامعه مرتفع شود، وجود ندارد. از طرف دیگر گاهی در دست داشتن زیرساخت‌ها برای دولت اهمیت پیدا می‌کند؛ مثلاً اگر دولت اسلامی بخواهد جامعه را جهت‌دهی و هدایت کند تا بتواند به دیگر وظایف خود عمل کند، باید سکان آموزش و پرورش جامعه را در دست بگیرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۵: ۸۰-۸۱). دولت وظیفه دارد در این موارد به تنهایی یا با مشارکت بخش خصوصی به انجام این وظیفه مبادرت ورزد.

۲-۴-۲-۳. تولید کالای عمومی

کالای عمومی، کالایی است که همه از مصرف آن منتفع می‌شوند؛ به این معنی که مصرف هر فرد، سبب کاهش مصرف سایرین از آن نمی‌شود (کالیز و جونز، ۱۳۸۸: ۱۰۳). پارک، اتوبوس، امنیت و ... نمونه‌هایی از کالاهای عمومی هستند. اگرچه کالای عمومی برای بسیاری از شهروندان ضروری



هستند، اما بخش خصوصی انگیزه کافی برای تولید آن ندارد؛ چراکه ماهیت این نوع کالاها به گونه‌ای است که پس از ساخته شدن، افراد حاضر نیستند قیمت آن را بپردازند (دادگر و محمدی، ۱۳۸۴: ۲۱۵)؛ به همین لحاظ، تأمین آن از وظایف دولت تلقی می‌شود.

۳-۲-۵. وظایفی که دولت نمی‌تواند و مردم باید وارد شوند

اموری نیز در جامعه وجود دارند که دولت توانایی اجرای آن‌ها را ندارد؛ به همین جهت، وظیفه مردم است تا به انجام این وظایف همت گمارند؛ به عنوان مثال تأمین قوای نظامی، به علت نیاز به نیروی انسانی فراوان، از توان دولت خارج و نیازمند همکاری مردم است.

۳-۲-۵-۱. تأمین نیروی نظامی

هر حکومتی برای حفظ استقلال، امنیت و تمامیت ارضی خود نیاز به نیروی نظامی قوی، مقتدر و سازمان‌یافته دارد. بخش عمده‌ای از توان نظامی هر کشوری را نیروی انسانی تشکیل می‌دهد و تأمین این نیروی انسانی به عهده مردم است. براساس آموزه‌های اسلام، امور نظامی منحصر به ارگان یا افراد خاصی نیست؛ بلکه عموم مردم وظیفه دارند برای حفظ اسلام و حراست از مرزهای حکومت اسلامی بکوشند. قرآن کریم نیز مؤمنان را به گردآوری همه امکانات نبرد فرا خوانده است (انفال/۶۰) و در آیات بسیاری به آمادگی نظامی، جهاد، مرزبانی و دفاع از کیان جامعه اسلامی تشویق کرده است (نسا/۷۱ و ۹۵ و ۱۰۲؛ آل عمران/۲۰۰).

۳-۲-۶. وظایف مشترک دولت و مردم و تعیین حدود آن

دسته‌ای از وظایف اجتماعی نیز به گونه‌ای هستند که اختصاص به دولت یا مردم ندارند و هر دو می‌توانند در این حوزه اقدام کنند. مواردی نظیر ترویج ارزش‌های اسلامی، دستگیری از فقرا، دفاع و امنیت، نظارت و تصدی‌گری فعالیت‌های خرد اقتصادی در این گروه جای می‌گیرند.

۳-۲-۶-۱. ترویج ارزش‌های اسلامی و اقامه دین

در ابتدای این مقاله، دولت اسلامی با عنوان دولت هدایت‌گر تعریف شد. بی‌تردید، ترویج ارزش‌های اسلامی مهم‌ترین وظیفه دولت هدایت‌گر است. معمولاً نام‌گذاری دولت‌ها متناسب با مهم‌ترین وظایفی است که برای آن دولت طراحی می‌شوند؛ مثلاً دولت رفاه^۱ دولتی است که مهم‌ترین وظیفه آن تأمین و بهبود رفاه عمومی است و به همه کسانی که به هر دلیلی نتوانند هزینه‌های خود را تأمین کنند، یاری می‌رساند که از طریق پرداخت مستمری (حداقل درآمد) یا کمک‌های نقدی دیگر انجام می‌شود (رحیق اغصان و گلی، ۱۳۸۴: ۴۰۳)؛ دولت ژاندارم^۲ یا پلیسی به دولتی گفته می‌شود که تأمین امنیت در نظام‌های اجتماعی را در

^۱ - Welfare state

^۲ - Police state

صدر وظایف خود تعریف می‌کند. با این رویکرد، می‌توان دولت اسلامی را «دولت هدایت‌گر» یا به عبارت دیگر، «دولت اقامه‌دین» نامید؛ زیرا، همان‌گونه که به تعریف آن پرداختیم، دولت اسلامی را دولتی گویند که مبتنی بر مبانی، اصول و ارزش‌های اسلامی عمل می‌کند و هادی به حیات طیبه و قرب ربوبی است. اقامه دین و شریعت اسلامی در بسیاری از آیات قرآن کریم، از جمله آیات ۸۲ تا ۹۲ سوره انعام، تأکید شده است؛ این آیات بیان می‌کنند که هدایت، تنها از راه دین خدا امکان دارد، تمامی پیامبران الهی به همین وسیله هدایت شدند و دوری از دین خدا سبب زوال هر جامعه‌ای خواهد شد؛ پس هدایت در اقامه و حفظ دین نهفته است. البته هدایت جامعه و اقامه دین، وظیفه انحصاری دولت نیست و مردم نیز در این وظیفه سهم دارند. دین اسلام، با واجب شمردن امر به معروف و نهی از منکر، همه افراد جامعه را در برابر این وظیفه مسئول می‌داند. امر به معروف و نهی از منکر نه تنها به اتفاق فقهای اسلام واجب است، بلکه اصل وجوب آن از ضروریات دین اسلام به شمار می‌آید (حر عاملی، ۱۱/۱۳۷۴: ۳۹۵؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۳۲۷).

دولت اسلامی، با اقامه دین الهی و ترویج تربیت دینی، بسیاری از مشکلات اقتصادی را نیز حل می‌کند. دولت اقامه دین دارای مدیریت مسئولانه و جهادی است. دولتی است که مسئولش شب‌ها نمی‌خوابد و مشغول تدبیر امور و محافظت از مردم است و روزها مشغول پیگیری برنامه‌ها و اجرای سیاست‌ها است. معلى ابن خنيس می‌گوید: «روزی به امام صادق (ع) عرض کردم: آل فلان (بنی عباس) و نعمت‌هایی را که دارند بیاد آوردم و با خود گفتم: اگر این نعمت برای شما می‌بود، ما نیز با شما در عیش و خوشی بودیم.» فرمود: هیئات، ای معلى! اگر چنین می‌بود (و ما حکم فرما بودیم) برای ما جز نگهبانی شبانه و تلاش روزانه و پوشاک زبر و درشت و خوراک سخت و بی‌خورش چیزی نبود؛ از این رو، آن امر از ما برکنار شد. آیا تو دیده‌ای که هرگز خدای تعالی بردن حقی را جز این نعمت قرار دهد؟^۱ [یعنی تعجب اینجاست که بنی عباس حق ما را غصب کرده، بر مسند ما نشسته‌اند، ولی در حقیقت ظلم آن‌ها نسبت به ما نعمتی است برای ما، زیرا که نگهبانی شبانه و تلاش روزانه را از گردن ما ساقط کرده است.]» (کلینی، ۱۳۶۵ ه. ق/۱: ۴۱۰). نظام دموکراسی غربی، با حاکمیت منافع فردی و جدایی انگیزه‌های مادی از رشد معنوی، به دیکتاتوری اقلیت تبدیل می‌شود؛ اما در نظام دینی، منافع مادی انگیزه اصلی سیاستمداران نیست. مسئولان دولت اسلامی، خدمتگزار واقعی مردم هستند و رأی عمومی به صورت امانت مد نظر قرار می‌گیرد. خدمت به مردم، بزرگ‌ترین عبادت شمرده می‌شود و کارمندان و مدیران مؤمن برای کسب آخرت و معنویت از خدمت به مردم فروگذار نمی‌کنند. حفظ امانت، مسئولیت اجتماعی و رفع مشکلات عمومی از وظایف مؤمن هستند.

۱- عَنْ الْمُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ يَوْمًا جُعِلْتُ فِدَاكَ ذَكَرْتُ آلَ فُلَانٍ وَ مَا هُمْ فِيهِ مِنَ النَّعِيمِ فَقُلْتُ لَوْ كَانَ هَذَا إِلَيْكُمْ لَعِشْنَا مَعَكُمْ فَقَالَ هِيَئَاتِ يَا مُعَلَّى أَمَا وَاللَّهِ أَنْ لَوْ كَانَ ذَلِكَ مَا كَانَ إِلَّا سِبَاسَةَ اللَّيْلِ وَ سِبَاحَةَ النَّهَارِ وَ لُبْسَ الْخَشِينِ وَ أَكْلَ الْجُشْبِ قُرْوِي ذَلِكَ عَنَّا فَهَلْ رَأَيْتَ ظُلَامَةً قَطُّ صَبَرَهَا اللَّهُ تَعَالَى نِعْمَةً إِلَّا هَذِهِ.



رأی‌دهنده هنگام رأی دادن، امانت الهی را به سیاست‌مدار تحویل می‌دهد و انتخاب‌شونده نیز از این امانت محافظت می‌کند؛ بنابراین، دولت اسلامی ترجیحات مردم را بهتر تشخیص می‌دهد و مدیران دولتی، منافع عمومی را به منافع شخصی ترجیح می‌دهند (رضایی، ۱۳۸۳: ۶۱).

دولتی که چنین کارگزارانی داشته باشد، نه‌تنها با مشکل کارایی پایین بخش دولتی مواجه نخواهد شد، بلکه کارایی بالاتری نسبت به بخش خصوصی خواهد داشت؛ زیرا خود را در برابر خداوند و مردم مسئول می‌داند و با تمام تلاش فعالیت می‌کند. در چنین دولتی هرگز اتلاف منابع رخ نمی‌دهد؛ زیرا منابع جامعه را به دیده امانت می‌نگرد. دولتی که در آن، شخص اول مملکت هنگامی که مهمان می‌خواهد درباره مسائل شخصی صحبت کند، چراغ بیت‌المال را خاموش و چراغ شخصی را روشن می‌کند، در بالاترین درجه بهره‌وری و استفاده از منابع عمومی است.

از دیگر آثار اقتصادی ترویج ارزش‌های اسلامی در جامعه، تربیت نیروهایی است که تعهد و تخصص دارند. سخت‌گیری‌هایی که نسبت به پذیرش مقام و منصب در اسلام شده، نشان می‌دهند که انسان متعهد در نظر اسلام کسی است که از قبول مسئولیت در حوزه‌ای که تخصص ندارد، سر باز می‌زند و با پذیرش امر اداره دنیا دیگران و به بهای آباد کردن دنیای خودش، آخرت خود و دنیای دیگران را خراب نمی‌کند. تنها کسانی عهده‌دار مسئولیت می‌شوند که تعهد، تخصص و توانایی لازم را دارند؛ کسانی که بالاترین کارایی را دارند و به بهترین شکل به انجام مسئولیت خود می‌پردازند. تنها کسانی در رأس این دولت قرار می‌گیرند که پاک‌دست باشند و تقوای الهی را در مدیریت خود مراعات کنند. با این تربیت توحیدی، رشد اقتصادی خودبه‌خود شکل خواهد گرفت. قرآن کریم تصریح می‌کند که ایمان و تقوا نه‌تنها سرچشمه برکات معنوی هستند بلکه موجب فزونی ارزاق مادی، وفور نعمت، آبادی، عمران و برکت مادی نیز می‌شوند؛ به‌طور مثال، خداوند در این زمینه می‌فرماید: «اگر آن‌ها در راه ایمان استقامت ورزند، با آب فراوان سیراب‌شان می‌کنیم» (جن/۱۶). خداوند می‌فرماید باران رحمت خود را بر آن‌ها فرو می‌باریم و منابع و چشمه‌های آب حیات‌بخش را در اختیارشان می‌گذاریم؛ آنجا که آب فراوان است، همه‌چیز فراوان است و به این ترتیب، آن‌ها را مشمول انواع نعمت‌ها قرار می‌دهیم. آیات دیگری نظیر آیه ۹۶ سوره اعراف،^۲ آیه ۶۶ سوره مائده^۳ و آیات ۱۰ تا ۱۲ سوره نوح^۴ نیز گویای همین موضوع هستند.

۱- وَأَنْ لَّيْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِيَنَّهُمْ مَاءً غَدَقًا.

۲- وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ.

۳- وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِّن رَّبِّهِمْ لَأَكْلُوا مِن فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ.

۴- فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا؛ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا؛ وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيِّنٍ وَيجعل لكم جناتٍ و يجعل لكم أنهارًا.

۳-۲-۶-۱-۱. تعیین قلمرو

در رابطه با وظیفه ترویج ارزش‌های اسلامی و اقامه دین، سهم عمده به عهده دولت اسلامی است؛ دولت باید زمینه‌ها را فراهم کند و نقش مردم کمک به دولت و اجرای سیاست‌های اقامه دین است. قرآن کریم نیز در مرحله نخست، وظیفه اقامه دین را متوجه حکومت می‌داند که قدرت اجرایی دارد و می‌فرماید: «همان کسانی که هرگاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند، زکات می‌دهند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، پایان همه کارها از آن خداست»^۱ (حج/۴۱).

عمده نقش مردم در این وظیفه، امر به معروف و نهی از منکر است که در بعضی موارد با وظایف و اختیارات حکومت اصطکاک پیدا می‌کند. این واجب شرعی چهار شرط دارد: ۱. امر و نهی‌کننده باید معروف و منکر را بشناسد (کلینی، ۱۴۰۱ ه.ق/۵: ۵۹)؛ ۲. احتمال تأثیرگذاری وجود داشته باشد (علم‌الهدی، ۱۴۱۱ ه.ق/۱: ۵۵۵)؛ ۳. استمرار و اصرار مخاطب بر ترک معروف یا ارتکاب منکر نباشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۳۲۹) و ۴. مفسده، فتنه و خوف بر جان و مال به دنبال نداشته باشد (همان). امر به معروف و نهی از منکر سه مرحله قلبی، زبانی و عملی نیز دارد که رعایت این مراحل واجب است و تا به مرحله پایین‌تر مقصود حاصل می‌شود، نباید وارد مرحله بالاتر شد (همان، ۳۳۳). باتوجه به اینکه در زمان حاکمیت حکومت اسلامی می‌توان مراتب بعد از مرحله امر و نهی زبانی را به نیروهای امنیتی داخلی (پلیس) و قوه قضاییه واگذار کرد- به‌خصوص در مواردی که برای جلوگیری از ارتکاب معصیت چاره‌ای جز اعمال قدرت از طریق تصرف در اموال کسی که فعل حرام انجام می‌دهد یا تعزیر و حبس او و مانند آن نیست- در چنین زمانی با حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی، واجب است مکلفان در امر به معروف و نهی از منکر به امر و نهی (قلبی و زبانی) اکتفا کنند و در صورت نیاز به توسل به زور، موضوع را به مسئولان مربوط در نیروی انتظامی و قوه قضاییه ارجاع دهند. در زمان و مکانی که حاکمیت و اقتدار با حکومت اسلامی نیست، بر مکلفان واجب است که در صورت وجود شرایط، جمیع مراتب امر به معروف و نهی از منکر را با رعایت ترتیب آن‌ها تا تحقق غرض انجام دهند (خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۳۳۴-۳۳۵).

باتوجه به بیان فوق، حتی مرتبه سوم امر به معروف و نهی از منکر نیز از دایره وظایف مردم خارج شده و به دولت اسلامی سپرده می‌شود. وظیفه دولت در موارد دیگر اقامه دین- نظیر تفقه و آموزش دین، تبلیغ دین، تعظیم شعائر دینی، حراست از این و مبارزه با بدعت‌ها، جلوگیری از اضلال و گمراهی مردم و اجرای احکام دین- سیاست‌گذاری و فراهم کردن زمینه‌ها است و وظیفه مردم کمک به اجرای سیاست‌های تعیین شده توسط دولت اسلامی.

۱ - الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ.

۳-۲-۶-۲. تأمین اجتماعی، برقراری عدالت و مسئولیت در برابر فقرا

کسانی در جامعه هستند که به صورت مادرزادی یا در اثر حوادثی دچار نقص عضو و معلولیت هستند؛ عده‌ای دیگر فقیر هستند و نمی‌توانند زندگی خود را در حد عرف جامعه اداره کنند. همه مردم جامعه نسبت به فقرا مسئولیت دارند و بخشی از نیازهای فقرا با کمک‌های مردم تأمین می‌شوند؛ اما کمک‌های مردمی، ضمانت ندارند و دولت اسلامی وظیفه دارد به این فقرا رسیدگی کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۵: ۷۹).

تأمین امورات زندگی مردم در نظام اسلامی از وظایف مهم حکومت به شمار می‌رود. حضرت علی (ع) در زمان حکومت خود تأمین همگانی را از حقوق مردم بر حکومت می‌شمارد^۱ (نهج البلاغه، خطبه ۳۴)؛ در تحلیل این خطبه آمده است: «فیء به معنای بهره‌برداری از وسایل حیاتی و توفیر به معنای فزونی و گسترش منابع است. حضرت امیر، دومین وظیفه دولت را در برابر ملت، تأمین رفاه زندگی همه مردم می‌شمارد» (پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، ۱۳۸۰: ۱۸۹). آن حضرت در خطبه ۱۰۵ نهج البلاغه نیز یکی از وظایف حکومت اسلامی را رساندن سهم‌های بیت‌المال به مستحقان ذکر می‌کند. رساندن سهم‌های بیت‌المال به مردم در جامعه بسیط آن روزگار، به شکل ساده امروزی، حقوقی است که مردم در منابع عمومی دولت دارند و یکی از مهم‌ترین این حقوق، حمایت در مواقع ناتوانی یا نوسانات شدید درآمدی توسط دولت است (میرزایی و میرزایی، ۱۳۹۴: ۱۰۴). آن حضرت در نامه ۵۳ نهج البلاغه خطاب به مالک اشتر بیان می‌کند که خدمات تأمین اجتماعی دولت اسلامی برای بیماران، یتیمان، کهن سالان و ... با اعلام نیاز آنان شروع نمی‌شود و دولت مکلف به تفحص و یافتن افرادی است که مستحق دریافت کمک‌های تأمین اجتماعی هستند؛ همین نکته نشان می‌دهد که تأمین اجتماعی در اسلام، نظام‌مند است، با روش‌های ساده دستگیری از فقرا تفاوت دارد و مسئولیت دولت در شناسایی و رسیدگی به این افراد، اصیل و خطیر است (همان: ۱۰۵).

می‌توان گفت حمایت از نیازمندان مسلمان بخشی از مبانی دینی محسوب می‌شود و رفع فقر عمومی و تأمین نیازهای مردم، در حد کفاف، از مهم‌ترین مسئولیت‌های دولت اسلامی هستند. دولت می‌تواند بخشی از این مسئولیت را از طریق نظام تأمین اجتماعی به انجام رساند؛ اما بخش عمده مسئولیت دولت در قبال فقرا، توزیع درآمد و ثروت و بازتوزیع آن‌ها به منظور جلوگیری از انباشت ثروت نزد عده‌ای خاص است. در هر حال، بخشی از وظایف اقتصادی دولت اسلامی به تأمین نیازهای فقرا و مستمندان جامعه باز می‌گردد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۲۳۹).

۱- ایها الناس إن لی علیکم حقاً، لکم علی حق: فأما حقکم علی فالنَّصِیْحَةُ لکم و تَوْفِیْرُ فِیْکُمْ عَلَیْکُمْ وَ تَعْلِیْمُکُمْ کَیْلَا تَجْهَلُوا وَ تَأْذِیْبُکُمْ کَیْمَا تَعْلَمُوا. و أما حَقِّی عَلَیْکُمْ فَالْوَفَاءُ بِالْبِیْعَةِ وَ النَّصِیْحَةُ فِی الْمَشْهَدِ وَ الْمَغِیْبِ وَ الْإِجَابَةُ حِیْنَ أَدْعُوکُمْ وَ الطَّاعَةُ حِیْنَ أَمْرُکُمْ.



وظیفه مردم در کمک به فقرا و گسترش عدالت در جامعه، کفالت همگانی یا مواسات است. مسئولیت نفقه عیال بر دوش سرپرست خانواده است؛ نفقه پدر، مادر، پدربزرگ و مادربزرگ، اگر فقیر باشند، بر دوش فرزندان است (طبرسی، ۱۳۷۲/۲: ۳۱۰). مردم نیز، افزون بر سرپرست خانواده، در قبال یکدیگر مسئولیت دارند و این مسئولیت فراتر و همگانی تر از واجبات مالی است. مسئولیت در واجبات مالی، متوجه ثروتمندان و کسانی است که دارایی در حد نصاب دارند؛ حال آنکه در کفالت همگانی یا مواسات، همه به نحوی در برابر یکدیگر مسئول هستند (رجایی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۳۲). آیات بسیاری از اهمیت اتفاق سخن گفته و آن را در کنار نماز ذکر کرده‌اند (بقره/۴۳؛ نور/۵۶)؛ همچنین از اوصاف پرهیزکاران (بقره/۱۷۷)، مؤمنان (مؤمنون/۴) و نیکوکاران (لقمان/۳-۴) شمرده و به آن سفارش کرده‌اند. در قرآن درباره لزوم رعایت فقرا و کسانی که توانایی پرداخت بدهی خود را ندارند (بقره/۸۰) سفارش شده است (رجایی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۷۰ - ۲۷۱). شهید صدر از این وظیفه مردم با عنوان «تکافل اجتماعی» یاد می‌کند که وجوب کفایی دارد؛ یعنی تازمانی که در جامعه به تحقق نرسیده باشد، برای تمام افراد واجب است. شهید صدر، این وجوب را از دو روایت استنباط می‌کند^۱ که در آن‌ها به ترک‌کننده این عمل وعده عقوبت اخروی داده شده است و در پایان، نتیجه می‌گیرد که موضوع کفالت همگانی، حاجات ضروری و نیازهای شدید افراد است و نه مطلق نیازها؛ بدیهی است که ملاک ضرورت و شدت حاجت‌ها، جنبه عملی زندگی است که معلوم می‌کند کدام حاجت‌ها در درجه اول اهمیت دارند و بدون برآورده کردن آن‌ها، زندگی با سختی می‌گذرد (صدر، ۱۴۱۱ ه.ق: ۶۶۴).

در نتیجه، دولت در این زمینه دو وظیفه دارد: یکی ضمانت اجرای وظیفه مردم در قبال فقرا است (صدر، ۱۴۱۱ ه.ق: ۶۶۲)؛ زیرا در عمل، برخی به این وظیفه عمل نمی‌کنند و در نظام منتهی به توازن اقتصادی اختلال ایجاد می‌کنند که مقابله با عوامل اختلال، زمینه‌سازی، هماهنگی، محافظت و مدیریت آن به عهده دولت است (رجایی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۳۷ - ۲۴۰) و دیگری تأمین نیازهای فقرا. در تأمین نیازهای فقرا نیز وظیفه دولت تفاوت اساسی با وظیفه مردم دارد؛ زیرا وظیفه دولت به تأمین ضروریات ختم نمی‌شود، بلکه موظف است سطح زندگی‌ای متناسب با وضعیت و مقتضیات

۱- سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قُلْتُ قَوْمٌ عِنْدَهُمْ فَضُولٌ وَ إِخْوَانُهُمْ حَاجَةٌ شَدِيدَةٌ وَ لَيْسَ تَسْعُهُمُ الرِّكَاعَةُ أَسْمَعُهُمْ أَنْ يَشْتَبِعُوا وَ يَجُوعُوا إِخْوَانُهُمْ فَإِنَّ الزَّوْمَانَ شَدِيدٌ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَخْذُلُهُ وَلَا يَحْرِمُهُ فَيَجِئُ عَلَى الْمُسْلِمِينَ الْإِجْتِهَادُ فِيهِ وَ التَّوَاصُلُ وَ التَّعَاوُنُ عَلَيْهِ وَ الْمُوَاسَاةُ لِأَهْلِ الْحَاجَةِ (حر عاملی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ۳۸۵) أَيْمَا مُؤْمِنٍ مَنَعَ مُؤْمِنًا شَيْئًا مِمَّا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ مِنْ عِنْدِ غَيْرِهِ أَقَامَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَسْودًّا وَ جُوهً مُزْرَقَةً عَيْنَاهُ مَغْلُولَةٌ يَدَاهُ إِلَى عُنُقِهِ فَيَقَالُ هَذَا الْخَائِنُ الَّذِي خَانَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ- ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ (همان: ۳۸۷ - ۳۸۸).



روز را برای افراد فراهم آورد؛ زیرا ضمان دولت از نوع ضمان اعاله است و اعاله فرد به معنای تهیه وسایل زندگی او به طور مکفی است (همان: ۷۰۱).

۳-۲-۶-۳. دفاع و امنیت

شاید یکی از مهم ترین وظایف هر دولتی، استقرار امنیت داخلی و خارجی کشور باشد؛ تا جایی که بسیاری، فلسفه تشکیل دولت را برقراری امنیت دانسته اند. ابن خلدون، پس از تشریح علت شکل گیری جامعه، می گوید: «هرگاه این اجتماع برای بشر حاصل آید و آبادانی جهان با آن انجام پذیرد، ناگزیر باید حاکمی در میان آنان باشد تا از تجاوز دسته ای به دسته دیگر جلوگیری کند؛ زیرا تجاوز در طبایع حیوانی بشر، مخمر است» (ابن خلدون، ۱/۱۳۵۹: ۷۷ - ۷۹). امنیت دارای دو بُعد داخلی و خارجی است. منظور از امنیت داخلی، استقرار نظم و تأمین آسایش عمومی و امنیت در داخل مرزهای کشور است و مراد از امنیت خارجی، حفظ استقلال، تمامیت ارضی و حفظ منافع کشور اسلامی در سرتاسر جهان است.

امام علی (ع) امنیت را عاملی می داند که مؤمنان و کافران هر دو از آن بهره مند می شوند و در سایه آن به کار خود مشغول می شوند (نهج البلاغه، خطبه ۴۰) پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز می فرماید: «امنیت و سلامت، دو نعمتی هستند که بسیاری از مردم در آن مغبون هستند» (نهج الفصاحه، ۵۹).

تأمین امنیت از وظایف انحصاری دولت نیست و مردم نیز باید در این وظیفه با دولت همکاری کنند. همان گونه که قبلاً بیان شد، تأمین نیروی انسانی برای برقراری امنیت از وظایف مردم است و بدون همکاری مردم، تأمین امنیت همه جانبه برای دولت بسیار دشوار یا ناممکن خواهد شد.

امنیت اقتصادی ذیل مفهوم جامع تری تحت عنوان «امنیت انسانی» جای می گیرد. سازمان ملل در گزارش توسعه انسانی خود، در سال ۱۹۹۴ میلادی، ایده امنیت انسانی را مطرح کرده و به افراد به عنوان مرجع امنیت، تأکید می کند. امنیت انسانی از ترکیب هفت بخش امنیت اقتصادی، غذایی، بهداشتی، زیست محیطی، شخصی، جمعی و سیاسی شکل می گیرد. به بیان دقیق تر، امنیت انسانی به حمایت در برابر مشکلات ناگهانی و زیان آوری که در الگوهای زندگی روزمره در منازل، مشاغل یا اجتماع رخ می دهد و نیز تهدیدهای مزمن - مانند گرسنگی، بیماری و رکود - گفته می شود (Nesadurai, 2005: 9 - 10).

در روایات نیز به امنیت به معنای عام و به امنیت اقتصادی به معنای خاص تأکید شده است. حضرت علی (ع) وجود امنیت را مقدمه ای برای رسیدن به رفاه معرفی می کنند و می فرماید: «رفاه و آسایش زندگی در داشتن امنیت است»^۱ (آمدی، ۴/۱۳۶۶: ۱۰۰). ایشان در جای دیگری می فرماید: «بدترین وطن ها آن

^۱ - رفاهیه العیش فی الأمن.

است که ساکنین در آن در امان نباشند»^۱ (همان: ۱۷۱) و بدترین سرزمین‌ها را سرزمینی معرفی می‌کند که در آن امنیت و ارزانی [یا رشد و شکوفایی] نباشد^۲ (همان: ۱۶۵).

۳-۲-۶-۳. تعیین قلمرو

قلمروی عمل دولت و مردم در تأمین امنیت بسیار واضح است. نخست، وظیفه دولت است که زمینه‌های تأمین امنیت را فراهم آورد؛ زیرا برقراری امنیت در جامعه، اعم از امنیت داخلی و خارجی، نیازمند آمادگی و تأمین مالی سنگین است و صرف‌نظر از مسائل انگیزشی، از عهده افراد و بخش خصوصی خارج است؛ این وظیفه دولت است که به آموزش و هماهنگ کردن نیروها، تهیه اسلحه و ابزارهای دفاعی و جنگی و مدیریت و فرماندهی نظامی بپردازد. خداوند متعال فرمان استفاده از تمام توان و نیرو برای مقابله با دشمن را صادر کرده و می‌فرماید: «هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آن‌ها (دشمنان) آماده سازید و (همچنین) اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد)؛ تا با آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید»^۳ (انفال/۶۰). عمل به این فرمان و فراهم کردن نیرو به گونه‌ای که دشمنان خدا به ترس و وحشت بیفتند، نیازمند کار و تلاش جمعی و از مهم‌ترین وظایف دولت است (مصباح یزدی، ۱۳۹۵: ۷۹ - ۸۰). پس از آن، وظیفه مردم است تا نیروی انسانی مورد نیاز برای امنیت را فراهم کنند، در راستای اجرای سیاست‌های امنیتی دولت اسلامی با آن همکاری کنند و از قوانین و فرامین دولت تبعیت کنند. همکاری مردم در تأمین امنیت موجب افزایش اعتماد مردم به دولت نیز خواهد شد.

۳-۲-۶-۴. نظارت

پس از وضع قانون در جامعه، آن قانون باید اجرا شود تا اثرش مشاهده شود. فرقی نمی‌کند که قانون توسط نظام دینی وضع شده باشد، اصل آن را دین تعیین کرده و فروع آن را دستگاه قانون‌گذاری تعیین کرده باشد یا کاملاً توسط مردم وضع شده باشد؛ قانون باید ضمانت اجرا داشته باشد و بر اجرای قانون نظارت شود. اجرای قانون و نظارت بر اجرای آن از وظایف ویژه دولت است؛ زیرا اجرای قانون، نیازمند قدرتی است که تنها دولت حق استفاده از آن را دارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۵: ۸۵).

همچنین، نظارت و ارزیابی عملکرد نهادهای اقتصادی از وظیفه دولت اسلامی است. رشد اقتصادی پایدار، کاهش مداوم نابرابری و حذف فقر تنها در سایه نظارت مستمر دولت امکان‌پذیر خواهد شد. حضرت علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «پس در کارهایشان تفقد کن و کاوش نمای و جاسوسانی از مردم راستگویی و وفادار به خود بر آنان بگمار؛ زیرا مراقبت نهانی تو در کارهایشان،

۱- شَرُّ الْأَوْطَانِ مَا لَمْ يَأْمَنْ فِيهِ الْقُطَّانُ.

۲- شَرُّ الْبِلَادِ بَلَدٌ لَا أَمْنَ فِيهِ وَلَا خَصْبَ.

۳- وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ.



آنان را به رعایت امانت و مدارا در حق رعیت وادار می‌کند و بنگر تا یاران کارگزارانت تو را به خیانت نیالایند. هرگاه یکی از ایشان دست به خیانت گشود و اخبار جاسوسان در نزد تو به خیانت او گرد آمد و همه بدان گواهی دادند، همین خبرها تو را بس بود، باید به سبب خیانتی که کرده، تنش را به تنبیه بیازاری و از کاری که کرده است، بازخواست نمایی؛ سپس، خوار و ذلیلش سازی و مهر خیانت بر او زنی و ننگ تهمت را بر گردنش آویزی» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

نظارت نیز وظیفه انحصاری دولت نیست و مردم نیز به حکم وجوب امر به معروف و نهی از منکر، که شرایط و مراتب آن بیان شد، موظف به نظارت هستند. حضرت علی (ع) در بیان حقوق متقابل حکومت و مردم، نظارت را یکی از وظایف مردم در قبال حکومت دانسته و بیان می‌کند که «مردم باید همواره خیرخواه حکومت باشند و اگر نقص و کاستی در کار می‌بینند، تذکر دهند» (نهج البلاغه، خطبه ۳۴). این نظارت عمومی موجب پیشگیری از هرگونه لغزش و فساد در حکومت است که یکایک مردم در قبال آن مسئولیت دارند. پیامبر اسلام کسی را که به امور مسلمانان اهتمام نورزد مسلمان نمی‌شمارد (کلینی، ۲/۱۳۶۳: ۱۶۴) و در روایت دیگری نصیحت مسئولان حکومت را لازمه وجدان پاک می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۳ ه. ق/۹۷: ۷۵) تا جایی که نصیحت زمامداران، جزئی از فرهنگ اجتماعی مسلمانان شده و در روایات متعددی وارد شده تا جایی که برخی از کتب حدیثی بابتی را به آن اختصاص داده‌اند (کلینی، ۱/۱۳۶۳: ۴۰۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ه. ق/۲۷: ۶۸؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۶ ه. ق: ۱۴۹).

۳-۲-۶-۴-۱. تعیین قلمرو

پیش از پرداختن به تعیین قلمرو در خصوص نظارت، باید به این نکته پرداخت که چهار گونه نظارت را می‌توان در رابطه میان دولت و مردم تصور کرد که عبارت‌اند از نظارت دولت بر مردم، نظارت مردم بر دولت، نظارت مردم بر مردم و نظارت اجزای دولت بر اجزای دولت.

نظارت دولت بر مردم برای ایجاد امنیت و کنترل افراد قانون‌گریز صورت می‌گیرد. نظارت مردم بر دولت نیز با هدف کنترل اشتباه یا فساد در حکومت یا ارتقای کیفیت مدیریت است و در نگاه شیعی از بنیان‌های حکومت اسلامی است که حضرت علی (ع) می‌فرماید: «با من آن‌گونه که با زمامداران ستمگر سخن گفته می‌شود، سخن نگویند... از گفتن سخن حق یا مشورت عادلانه، خودداری نکنید؛ زیرا من (به‌عنوان انسان و نه به‌عنوان امام معصوم) خود را بالاتر از آن نمی‌دانم که اشتباه کنم و از خطا در کارهایم ایمن نیستم؛ مگر اینکه خداوندی که از من قادرتر است مرا از خطا حفظ کند» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶). نظارت مردم بر مردم نیز به حکم امر به معروف و نهی از منکر و با هدف مسئولیت مسلمانان در برابر یکدیگر صورت می‌گیرد. نظارت اجزای دولت بر اجزای دولت نیز موجب شفافیت فعالیت‌های حکومت، جلوگیری از تعدی ارکان دولتی به مردم، اصلاح رفتار کارگزاران، افزایش اعتماد مردم به

مسئولان، جلوگیری از نفوذ ثروتمندان و قدرتمندان بر کارکنان و چنین مواردی خواهد شد که این نظارت در سیره علوی بسیار جدی مطرح شده است (نهج البلاغه، نامه ۵۹ و ۴۰)؛ همچنین، در حکومت آن حضرت نظارت بر چگونگی تقسیم بیت‌المال (نهج البلاغه، نامه ۴۳)، نظارت بر مکاتبات کارگزاران (نهج البلاغه، نامه ۴۴)، نظارت بر گفتار کارگزاران (نهج البلاغه، نامه ۶۳)، نظارت بر مهمانی‌های کارگزاران (نهج البلاغه، نامه ۴۵) نظارت بر رفتار کارگزاران با مخالفان (نهج البلاغه، نامه ۱۸)، نظارت بر انتخاب نیروها (نهج البلاغه، نامه ۵۳) به‌ویژه در خصوص نیروهای مسلح (نهج البلاغه، نامه ۶۱) و ناظران مالیاتی (نهج البلاغه، نامه ۲۵ و ۵۱) به چشم می‌خورد.

با تقسیم فوق، نظارت دولت بر مردم و نظارت اجزای دولت بر اجزای دولت در زمره وظایف دولت است و نظارت مردم بر دولت و نظارت مردم بر یکدیگر از وظایف مردم گمان می‌شود.

برای تعیین بهتر قلمروی نظارت، باید رابطه میان امر به معروف و نهی از منکر با نظارت روشن شود؛ زیرا همه انواع نظارت را نمی‌توان ذیل مصداق امر به معروف و نهی از منکر جمع کرد. تنها نظارت‌های مردمی و عمومی از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر هستند و محدوده این نظارت فقط در جایی است که افراد به‌صورت اتفاقی به معروف ترک‌شده یا منکر انجام‌شده برخورد کنند؛ در این دسته از نظارت، مردم حق تفحص و تحقیق نسبت به کارهای دیگران را ندارند. نظارت‌های رسمی و سازمان‌یافته - مثل شبکه‌های بازرسی و کنترل مأموران دولت - و نظارت‌های پنهانی که حضرت علی (ع) به آن امر کرده است (نهج البلاغه، نامه ۵۳) یا فعالیت‌های عیون را (جاسوسان حکومت برای نظارت بر کارگزاران) - که ازسوی مقام رسمی به‌صورت علنی یا پنهانی و گاه همراه با تجسس است - نمی‌توان ذیل امر به معروف و نهی از منکر گنجانید؛ اگرچه می‌توان امر به معروف و نهی از منکر را مبنای آن به شمار آورد (جوان آراسته، ۱۳۹۲: ۱۳۷).

۳-۲-۶-۵. تصدی‌گری فعالیت‌های خرد اقتصادی

تصدی‌گری فعالیت‌های خرد اقتصادی نیز از وظایف مشترکی است که اختصاصی به دولت یا مردم ندارد. در ادبیات اقتصادی، تصدی‌گری دولت به معنای قبضه کردن مالکیت و مدیریت بنگاه‌های اقتصادی است؛ به‌گونه‌ای که بر توزیع کارکردی نیز سیطره داشته باشد و همه‌کاره فعالیت‌های اقتصادی باشد. جز در موارد ضرورت، بهتر است دولت وارد تصدی‌گری نشود و آن را به مردم واگذارد. علت توصیه به وارد نشدن دولت در فعالیت‌های خرد اقتصادی، بهبود کارایی در مدیریت و عملیات بنگاه‌ها، گسترش مالکیت، تجهیز منابع مالی، حداکثر استفاده از تخصص‌های موجود، تقویت انگیزه‌های کاری، کاهش دیوان‌سالاری، کاهش بار مالی دولت، افزایش رقابت، افزایش مشارکت مردم در امور اقتصادی و تصمیم‌گیری‌ها، تخصیص بهینه‌تر منابع و منطقی کردن ساختار اقتصادی ذکر شده است (Sheshinski and López-Calva, 2003: 430).



بدیهی است در برخی موارد- که ضرورت اقتضا می‌کند- نه تنها ورود دولت به این عرصه نامطلوب نیست، بلکه لازم است؛ برای نمونه می‌توان به تولید کالاهای عمومی، جلوگیری از انحصار، متقارن کردن اطلاعات، رفع بیکاری، توزیع مجدد درآمد، تولید کالاهایی که اثرات خارجی دارند و هر فعالیت دیگری که مصالح جامعه متوقف بر آن است اشاره کرد (حسینی و شفیعی، ۱۳۸۶: ۲۸-۳۲).

۳-۲-۶-۵-۱. تعیین قلمرو

همان‌گونه که بیان شد، بهتر است دولت اسلامی کمترین مداخله را در حوزه تصدی‌گری فعالیت‌های خُرد اقتصادی داشته باشد و به جز در موارد ضرورت، وارد این حوزه نشود. سیره پیامبر گرامی اسلام (ص) نشان می‌دهد که دخالت‌های تصدی‌گری دولت ایشان به‌گونه‌ای بوده است که دولت اسلامی در ابتدای تأسیس نهادها و زیرساخت‌ها وارد عرصه می‌شد و سپس به تدریج میدان را به بخش خصوصی واگذار کرده و صرفاً به نظارت می‌پرداخت؛ برای نمونه می‌توان به احیای زمین‌های موات و اقطاعات کشاورزی اشاره کرد که رسول خدا (ص) زمین‌ها را به اصحاب واگذار می‌کردند تا با مدیریت خصوصی به تولید در آن زمین‌ها بپردازند. اقطاع به معنای بریدن (قیم، ۱۳۸۴: ۸۲۷)، افزاز و قطعه‌قطعه کردن (ابن منظور، ۱۴۱۴ ه.ق/۸: ۲۷۶) است و در اصطلاح به واگذاری قطعه زمینی گویند که امام آن را به صورت تملیک یا غیرتملیک به هرکس که صلاح بداند، واگذار می‌کند (طریحی، ۱۴۱۶ ه.ق/۴: ۳۸۱). از نظر فقه شیعه، اگر حاکمی زمین مواتی یا معدن غیرظاهری را به فردی از رعیت واگذار کند، آن فرد حق اولویت پیدا می‌کند که اگر آن را احیا کند، مالک می‌شود و اگر احیا نکند، مانند تحجیر، بین احیا و رهاکردن زمین مخیر می‌شود (ابن حمزه، ۱۴۰۸ ه.ق: ۱۳۴) پیامبر (ص) همواره بر اقطاعات نظارت می‌کرد و اگر مُقَطَّعه به شرط‌ها و وظایف خود عمل نمی‌کرد، زمین را پس می‌گرفت؛ برای مثال زمین اقطاع‌شده به زبیر در اختیار مردی نصرانی بود (احمدی میانجی، ۱۳۶۱: ۲/۱۷۴) یا پس گرفتن معدن اقطاع‌شده به ابیض ابن حمال ماریبی در اثر همین نظارت بوده است (منتظری، ۱۳۸۶: ۳۹۶). با توجه به سیره فوق، برخی اندیشمندان، اقطاع را ابزاری امروزی برای خصوصی‌سازی توأم با نظارت بیان کرده‌اند (مصباحی مقدم و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۰-۲۳).

همچنین، استفاده گسترده از بخش سوم اقتصاد^۱ و بسط و گسترش آن به عنوان نهاد مهم اقتصادی به جای تصدی‌گری در سیره عملی پیامبر گرامی اسلام (ص) و حضرت امیرالمؤمنین (ع) دولتی دیده

^۱ - بخش سوم اقتصاد در اصطلاح به سازمان‌های غیرانتفاعی، اوقاف و امور خیریه گفته می‌شود که به عنوان بخش کارآمد و مهمی در کنار دو بخش دولتی و خصوصی در اقتصاد به ایفای نقش می‌پردازند. این اصطلاح نخستین بار توسط اتریزی (Etzioni) در سال ۱۹۷۳ میلادی در کتاب وی با عنوان «بخش سوم و رسالت محلی» به کار برده شد. اگر سازمانی به گونه‌ای

می‌شود که حاکی مردم‌سالار بودن اقتصاد اسلامی است که بسیاری از کارکردهای تصدی‌گری دولت را از طریق بخش سوم به عموم مردم (و بخش خصوصی) واگذار می‌کند.

برای نمونه می‌توان به رفع مشکل آب آشامیدنی مدینه نیز اشاره کرد. براساس شواهد تاریخی، پس از هجرت رسول خدا (ص) مهاجرین - به علت اینکه تازه در مدینه سکونت پیدا کرده بودند - از لحاظ آب آشامیدنی در مضیقه قرار داشتند و مجبور به خرید آب آشامیدنی از صاحبان چاه‌ها بودند؛ براساس روایات، در ابتدای هجرت، مهاجرین هر مشک آب را به قیمت یک مد طعام خریداری می‌کردند (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ ه. ق: ۴۴۸). اخباری نیز در تاریخ نقل شده است که براساس آن تهیه آب آشامیدنی در اوایل هجرت برای مهاجرین به سختی انجام می‌شد و از قیمت نسبتاً بالایی برخوردار بود (ابن شبه نمیری، ۱۳۸۰: ۱۵۴). رسول خدا (ص) برای حل این مشکل، نهضت وقف چاه‌ها را به راه انداختند تا انحصار موجود از بین برود و چاه‌ها تبدیل به اموال عمومی برای همه مسلمانان شوند. در سال دوم هجرت اموالی از مخیرق یهودی به پیامبر رسید که آن را وقف فقرای مسلمان کردند و از جمله آن موقوفات چاه اعواف بود که پیامبر آن را برای استفاده مسلمانان وقف کرد (سمهودی، ۱۴۲۷/۳: ۱۵۱). حضرت رسول (ص) توصیه کردند که مسلمانان چاه رومه را نیز، که برای فردی یهودی بود، خریده و برای استفاده عمومی وقف کنند (کتانی، ۱۳۸۴: ۲۷۴)؛ چاه رومه نیز، که چاهی پر آب و دارای آب‌گوارایی بود، توسط عثمان ابن عفان خریداری شد و وقف استفاده عموم مسلمانان شد. از چاه‌های وقفی دیگر نیز می‌توان به چاه حا اشاره کرد؛ این چاه - که آب بهتری داشت و حتی طبق گواهی تاریخ، معطر بود - نیز توسط مالک آن ابوطلحه برای استفاده مسلمانان وقف شد. گفته شده که این چاه دوست‌داشتنی‌ترین دارایی ابوطلحه بود (ابن شبه نمیری، ۱۳۸۰: ۱۵۸). علاوه بر این موارد چاه‌های دیگری نیز برای استفاده عموم مسلمانان در دیگر مناطق شبه‌جزیره وقف شدند و این پدیده، نهضتی بین صحابه و تابعان شد. نمونه دیگری نیز چاه چشم در رانونا است که متعلق به مردی از غسانیان بود؛ آن چاه، در عصر خلافت عمر، به سی هزار درهم خریداری و وقف شد (بکری، ۲/۱۴۰۳: ۳۸۳). در نتیجه این نهضت، انحصار آب آشامیدنی در شهر مدینه از بین رفت و تهیه آب آشامیدنی برای مردم رایگان شد.

باشد که نه تابع منطلق بازار باشد و نه در زنجیره بوروکراتیک فرمان - دولت به مثابه زور قانونی به تعبیر ماکس وبر - قرار گیرد، باید آن را قسمتی از بخش سوم شمرد.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

نهج الفصاحه.

آمدی، عبدالواحد ابن محمد تمیمی. (۱۳۶۶). شرح غررالحکم و دررالکلم. شارح: جلال‌الدین محمد خوانساری. ترجمه جلال‌الدین محدث. ایران: دانشگاه ایران.

ابن حجر عسقلانی، احمد. (۱۴۱۵ ه.ق). الإصابة فی تمییز الصحابة. لبنان: دارالکتب العلمیة.

ابن حمزه، محمد ابن علی ابن حمزه طوسی. (۱۴۰۸ ه.ق). الوسيلة الى نيل الفضيلة. ایران: انتشارات آیت الله مرعشی نجفی.

ابن خلدون. (۱۳۵۹). مقدمه ابن خلدون. با مقدمه و ترجمه محمد پروین گنابادی. ج ۴. ایران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

ابن شبه نمیری، عمر. (۱۳۸۰). تاریخ مدینه منوره. ترجمه حسین صابری. ایران: نشر مشعر.

ابن شعبه حرانی، حسن ابن علی. (۱۴۰۴ ه.ق). تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله. ایران: انتشارات جامعه مدرسین حوزه‌های علمیه.

ابن طاووس، سید رضی‌الدین علی ابن موسی. (۱۳۷۰ ه.ق). کشف المَحَجَّة لِثَمَرَةِ الْمُهِجَّة. عراق: منشورات المطبعة الحیدریة.

ابن منظور، محمد ابن مکرم. (۱۴۱۴ ه.ق). لسان العرب. لبنان: دار صادر.

احمدی میانجی، علی. (۱۳۶۱). مالکیت خصوصی زمین. ایران: دفتر انتشارات اسلامی.

امام خمینی، سید روح الله. (۱۳۹۰). تحریر الوسيلة. ج ۲. ایران: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

بجنوردی، محمدحسن. (۱۳۷۷). القواعد الفقهیة. ج ۲. ایران: الهادی.

بکری، عبدالله ابن عبدالعزیز. (۱۴۰۳). معجم ما استعجم من أسماء البلاد و المواضع. به تحقیق مصطفی سقا. لبنان: عالم‌الکتب.

پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. (۱۳۸۰). دانشنامه امام علی (علیه السلام). ج ۵. زیر نظر علی اکبر رشاد. ایران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

تقوی، محمدآصف و علی جابری. (۱۳۹۹). «بررسی قلمرو دخالت حکومت اسلامی در اقتصاد». فصلنامه حکومت اسلامی، ۹۷، ص ۱۲۷-۱۵۸.

جوادی آملی. (۱۳۹۱). ولایت فقیه. ج ۱۳. ایران: اسرا.



جوان آراسته، حسین. (۱۳۹۲). «نظارت همگانی و متقابل در نظام اسلامی (تحلیل اصل هشتم قانون اساسی)». فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی. ۳۴، ص ۱۲۹-۱۴۴.

جهانیان، ناصر. (۱۳۸۸). اسلام و رشد عدالت‌محور. ایران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

_____. (۱۳۸۹). «معیارهای دخالت دولت اسلامی در اقتصاد». نشریه حکومت اسلامی. ۵۸، ص ۷۹-۱۰۸.

حر عاملی، محمد ابن حسن. (۱۳۷۴). وسائل الشیعة. ایران: مؤسسة آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.

حسینی، شمس‌الدین و افسانه شفیعی. (۱۳۸۶). «تعامل دولت و بازار و رویکرد تنظیم در اقتصاد ایران؛ تأملی در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی». نشریه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی. ۴۳، ص ۶۰-۲۵.

حلی، حسن ابن یوسف. (بی‌تا). تبصرة المتعلمین. نجف: بی‌نا.

خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۹). رساله آموزشی. ج ۱ (احکام عبادات). ج ۱۳. ایران: انتشارات فقه روز.

دادگر، یدالله و تیمور محمدی. (۱۳۸۴). مبانی و اصول علم اقتصاد. ایران: بوستان کتاب.

رجایی، سید محمدکاظم. (۱۳۷۴). «آزادی اقتصادی یا دخالت دولت». نشریه معرفت. ۱۴، ص ۵۸-۶۴.

_____. محمدیان، مهدی و نصرالله انصاری. (۱۳۹۸). الگوی توزیع درآمد و ثروت از دیدگاه قرآن کریم. ایران: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

رحیق اغصان، علی و مارک گلی. (۱۳۸۴). دانشنامه در علم سیاست. ایران: فرهنگ صبا.

رضایی، مجید. (۱۳۸۳). «جایگاه نهاد دولت در عرصه اقتصاد». نشریه اقتصاد اسلامی. ۱۴، ص ۳۷-۶۲.

رنانی، محسن. (۱۳۸۱). «ماهیت و ساختار دولت در ایران». در مجموعه مقالات نقش دولت در اقتصاد به کوشش سعید فراهانی فرد. ایران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

_____. (۱۳۸۲). «نقش دولت در اصلاحات نهادی از طریق قانون‌گذاری». نشریه مجلس و راهبرد. ۳۹، ص ۱۱-۳۰.

سمهودی، نورالدین علی ابن احمد. (۱۴۲۷ ه.ق). وفاء الوفا بأخبار دارالمصطفی. به تحقیق خالد عبدالغنی محفوظ. لبنان: دارالکتب العلمیة.

شیخ بهایی، محمد ابن حسین. (بی‌تا). جامع عباسی: کتاب الجهاد. چاپ سنگی. بی‌جا: بی‌نا.





- شیخ صدوق، محمد ابن علی. (۱۴۱۶ ه.ق). الخصال. ایران: مؤسسة النشر الإسلامی.
- صدر، سید محمدباقر. (۱۴۱۱ ه.ق). اقتصادنا. لبنان: دارالتعارف للمطبوعات.
- صمصامی، حسین؛ داوودی، پرویز جلال جهانی گوروان. (۱۳۹۳). «هزینه‌های خلق پول در نظام بانکداری متعارف و راهکار تأمین مالی اسلامی». نشریه معرفت اقتصاد اسلامی. ۱۳، ص ۱۰۹-۱۳۰.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۶۸). تفسیر المیزان. ج ۲. ایران: انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل ابن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. ج ۳. ایران: ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین. (۱۴۱۶ ه.ق). مجمع البحرين. ج ۳. ایران: کتابفروشی مرتضوی.
- طریق، عبدالله ابن ابراهیم. (۱۴۱۴ ه.ق). الاستغاثة بغير المسلمين فی الفقه الإسلامی. لبنان: مؤسسة الرسالة.
- طوسی، محمد ابن حسن. (۱۳۶۳). الرسائل العشر. ایران: مؤسسة النشر الإسلامی.
- طوسی، محمد ابن حسن. (۱۳۸۷ ه.ق). المبسوط فی فقه الإمامیه. ایران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
- طوسی، محمد ابن حسن. (۱۴۰۰ ه.ق). النهاية. لبنان: دارالکتب العربی.
- _____ (۱۴۰۷ ه.ق). کتاب الخلاف. ایران: مؤسسة النشر الإسلامی.
- عسکری، امام ابو محمد حسن ابن علی. (۱۴۰۹ ه.ق). التفسیر المنسوب الی الامام العسکری علیه السلام. قم: انتشارات مدرسه امام مهدی (عج).
- علم الهدی، سید مرتضی. (۱۴۱۱ ه.ق). الذخيرة فی علم الکلام. به تحقیق سید احمد حسینی. ایران: مؤسسة النشر الإسلامی.
- قیم، عبدالنبی. (۱۳۸۴). فرهنگ معاصر عربی-فارسی. ایران: فرهنگ معاصر.
- کالیز، جان و فیلیپ جونز. (۱۳۸۸). مالیة عمومی و انتخاب عمومی. ترجمه الیاس نادران، آرشد اسلامی و علی چشمی. ج ۱. ایران: سمت.
- کتانی، محمد عبدالحی. (۱۳۸۴). نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام. ترجمه نظام الحکومة النبویة: المسمى التراتیب الاداریة. ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو. ایران: سمت.
- کلینی، محمد ابن یعقوب. (۱۳۶۳). الأصول من الکافی. به تصحیح علی اکبر غفاری. ایران: دارالکتب الإسلامیة.
- _____ (۱۴۰۱ ه.ق). الفروع من الکافی. به تحقیق علی اکبر غفاری. لبنان: دار صعب.

مالک، محمدرضا. (۱۳۸۲). «وظایف و مسئولیت‌های دولت اسلامی در اقتصاد». فصلنامه اقتصاد اسلامی. ۱۲، ص ۳۷-۶۸.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ه.ق). بحارالأنوار. لبنان: دار احیاء التراث العربی.
محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۷۹). موسوعة الإمام علی علیه السلام. ج ۴. ایران: انتشارات دارالحديث.

مشهدی احمد، محمود. (۱۳۹۲). «معنا و مفهوم نهاد در اقتصاد نهادگرا؛ نگاهی به اختلافات موجود بین نهادگرایی قدیم و جدید و نقش نهادها در مناسبات اقتصادی». پژوهشنامه اقتصادی (رویکرد اسلامی-ایرانی)، ۴۸، ص ۴۹-۷۷.

مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۸). مشکات هدایت. ایران: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____ . (۱۳۹۱). نظریه حقوقی اسلام. ج ۲. به تحقیق و نگارش محمدمهدی کریمی‌نیا. ایران: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____ . (۱۳۹۵). جزوه معارف اقتصادی قرآن کریم (چاپ نشده).
مصطفی، نادیه محمود. (۱۹۹۶ م). المدخل المنهاجیه فی العلاقات الدولیه فی الاسلام. امریکا: المعهد العالمی للفکر الإسلامی.

منتظری، حسین علی. (۱۳۷۴). مبانی فقهی حکومت اسلامی. ج ۵. ترجمه کتاب دراسات فی ولایة الفقیه. ایران: تفکر.

_____ . (۱۳۸۶). مبانی فقهی حکومت اسلامی. ج ۷. ترجمه کتاب دراسات فی ولایة الفقیه. ایران: سرائی.

موسویان، سید عباس. (۱۳۸۲). «جایگاه دولت در اقتصاد از دیدگاه اسلام». فصلنامه اقتصاد اسلامی. ۱۰، ص ۵۳-۸۰.

میرزایی، علیرضا و زهرا میرزایی. (۱۳۹۴). «ماهیت حق بر تأمین اجتماعی در اسلام». دوفصلنامه حقوق بشر اسلامی. ۸.

نورث، داگلاس. (۱۳۷۷). نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی. ترجمه محمدرضا معینی. ایران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.

هداوند، مهدی. (۱۳۸۴). «حکمرانی خوب، توسعه و حقوق بشر». نشریه حقوق اساسی. ۴، ص ۵۱-۸۶.

یونس المصری، رفیق. (۱۴۲۱ ه.ق). بحوث فی الاقتصاد الإسلامی. سوریه: دارالمکتبی.

یوهانسن، لیف. (۱۳۶۷). گفتارهایی درباره برنامه‌ریزی اقتصادی در سطح کلان. ترجمه عبدالامیر توکل. ایران: وزارت برنامه و بودجه.

Commons, John R. (1931). "Institutional Economics". The American Economic Review. Vol. 21, No.4.

Hodgson, Geoffrey M. (2006). "What Are Institutions?". Journal of Economic Issues. Vol. XL , No.1.

Nesadurai, Helen E S. (2005) "Conceptualising Economic Security in an Era of Globalisation: What Does the East Asian Experience Reveal?". CSGR Working Paper. No. 157/05 February.

Richardson, Grant. (2006). "Determinants of Tax Evasion: A Cross-country Investigation". Journal of International Accounting, Auditing and Taxation. 15, 150–169.

Sheshinski, E. and F. López-Calva, L. (2003). "Privatization and its benefits: Theory and evidence". CESifo Economic Studies. Vol. 49, pp429-459.

Veblen, Thorstein. (1909). "the Limitation of Marginal Utility". the Journal of Political Economy. Vol. 17, No.9.



تصمیم حریصانه کنفرانس برتن ودز، پیامدها و لغزش‌های آن

دکتر عبدالحمید ثابت و محمدجان رحمانی (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱/۱۵

تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۲/۱۳

چکیده

زندگی، انتخاب تصمیم‌ها است. تصمیم‌های حریصانه از دیدگاه اسلامی، مذمت و نکوهش شده‌اند. تصمیم‌های حریصانه مبتنی بر منافع کوتاه‌مدت و خواسته‌های غیرمطلوب هستند. در این تحقیق سعی شده به صورت توصیفی و تحلیلی، با استفاده از منابع دینی و کتابخانه‌ای، تصمیم‌های حریصانه و پیامدها و لغزش‌های آن را درباره انتخاب دلار آمریکا به عنوان پول بین‌المللی از نظر دینی و تجربی بررسی شود. از نظر منابع دینی، دنیا عالم اسباب و مسببات است و بحران‌های اخلاقی، مانند تصمیم‌های حریصانه، همواره لغزش‌هایی در پی دارد؛ چنان‌که اخراج حضرت آدم و حوا از بهشت از پیامدهای تصمیم‌های حریصانه آنان دانسته شده است و همین‌طور قوم لوط، مدین و ... در طول تاریخ، به دلیل رفتارهای غیراخلاقی، دچار لغزش‌هایی شدند. از مهم‌ترین پیامدها و لغزش‌های تصمیم حریصانه کنفرانس برتن ودز، به استناد منابع دینی و تجربی، اعطای قدرت هیولایی به دلار آمریکا و از دست دادن عزت سایر کشورها در مقابل این کشور و شدت نابرابری در جهان شده است. اعطای قدرت هیولایی به دلار آمریکا سبب یک‌تازی آن شده که تمامی پول‌های ملی کشورهای جهان را تحت فشار قرار می‌دهد؛ این کشور، با این ابزار، ضررهای هنگفتی بر اقتصاد کشورهای جهان وارد می‌کند و ضرر رساندن به دیگران از لحاظ دینی حرام است.

واژگان کلیدی: حرص، تصمیم، حریصانه، لغزش‌ها، کنفرانس برتن ودز و تصمیم‌های حریصانه و لغزش‌ها

۱. مقدمه

حرص و طمع در منابع دینی و اسلامی به شدت نکوهش و مذمت شده و بحرانی اخلاقی است که باعث نابودی آرامش و ایجاد بردگی دائمی در جامعه می شود. حرص و طمع، از لحاظ معنایی، به معنی تصمیمی فراتر از خواسته های مطلوب است. از نظر منابع دینی، تصمیم های حریصانه و آزمندانه ای که مبتنی بر منافع کوتاه مدت و زودگذر هستند، باعث لغزش ها و بردگی دائمی و تباهی می شوند و تاوان های جبران ناپذیر را به وجود خواهند آورد. بشر در طول حیات و زندگی خود تصمیم های حریصانه و آزمندانه ای می گیرد و همواره تاوان و لغزش ها و خسارت های آن ها را می پردازد. شاید میلیون ها سال قبل بوده که حضرت آدم (ع) با تصمیم حریصانه خود لغزش کرد و از بهشت بیرون رانده شد و ما، اولاد آدم، همواره تقلا و آرزوی رفتن به بهشت داریم. بار دیگر در قرن بیستم در کنفرانس «برتن ووز» تصمیم آزمندانه و حریصانه ای، به منظور معماری نظام پولی بین المللی جهان، گرفته شد که کشورهای جهان تاکنون در حال پرداخت تاوان و خسارت های آن هستند و گرفتار لغزش های آن شده اند. در این کنفرانس، نمایندگان پولی و مالی کشورهای جهان با تصمیم حریصانه و منفعت طلبانه (وعده دریافت وام از آمریکا جهت ترمیم خرابی های جنگ)، پول ملی آمریکا را پول معیاری و بین المللی تعیین کردند. این اقدام از یک طرف سبب خلق و اعطای قدرت هیولایی وصف ناپذیری به دلار آمریکا شد و از طرف دیگر زمینه حقارت و بردگی دائمی و نابرابری جهانی را فراهم کرد که کشورهای جهان سخاوت مندانه گلوی اقتصاد و پول ملی خود را تحت فشار زانوی پول ملی و اقتصاد سیاسی آمریکا قرار دادند.

۲. ادبیات تحقیق

در این قسمت، مباحث مختلفی با عناوین دنیای اسباب و مسببات، اثر وضعی و تکوینی بحران های اخلاقی، حرص و طمع و ریشه ها و آثار حرص و طمع از دیدگاه اسلام بررسی می شوند.

۱-۲. دنیا، عالم اسباب و مسببات

براساس آموزه های قرآنی، دنیا عالم اسباب و مسببات است و هر عمل انسان اثر وضعی و تکوینی دارد؛ بنابراین، در قرآن اعمال نیک انسان سبب پاداش های نیک می شود؛ چنان که در قرآن آمده است: «لو ان اهل القرا امنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض» (اعراف/۹۶) (طباطبایی، ۱۹۹۷ م: ۲۰۵)؛ در جای دیگری نیز می فرماید: «من جاء بالحسنة فله عشر امثالها و من جاء بالسيئة فلا يجزي الا مثلها و هم لا يظلمون» (انعام/۱۶۰). خداوند پاداش کار خیر را ده برابر قرار داده است؛ به این معنی که هر کس به اندازه ظرفیت خودش پاداش دریافت می کند؛ مثلاً خداوند به کسی که ۱۰۰ افغانی کمک می کند، به اندازه ظرفیت همان ۱۰۰ افغانی، ۱۰۰۰ افغانی پاداش می دهد و به



کسی که یک میلیون افغانی کمک می‌کند، قطعاً به اندازه ده میلیون افغانی پاداش می‌دهد. مکافات کار بد نیز به اندازه خودش است.

در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «ای علی! هر خراشی که از چوبی بر تن انسان وارد می‌شود و هر لغزش قدم مردم، بر اثر گناهی است که از او سر زده است» (مجلسی، ۱۳۱۵ ه. ق/۷۰: ۳۱۶). در برخی روایات آمده است که اعمالی مانند صلۀ رحم و دستگیری از مستمندان و مانند آن، اعمالی هستند که باعث طولانی شدن عمر می‌شوند. انجام گناهان نیز در کوتاه شدن عمر انسان مؤثر هستند؛ برخی منابع روایی، کوتاه شدن عمر را نیز از کیفرهای دنیوی دانسته‌اند. در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است: «من یموت بالذنوب اکثر ممن یموت بالاجال؛ آن‌هایی که با گناه از دنیا می‌روند، بیش از کسانی هستند که به مرگ طبیعی می‌میرند» (نوری میرزا، ۱۹۸۷ م/۱۱: ۳۲۷؛ مجلسی، ۱۳۱۵ ه. ق/۵: ۱۴۰).

براساس مطالعات تجربی انجام‌شده روی شرکت‌های تجاری که بر مبنای منشور اخلاقی تجارت کرده‌اند و شرکت‌هایی که این‌گونه نبوده‌اند، شرکت‌های دارای منشور اخلاقی سودآوری بیشتری از شرکت‌های دیگر داشته‌اند (رحمانی ۱۳۹۸: ۱۴۸).

۲-۲. آثار وضعی و تکوینی بحران‌های اخلاقی

از دیگر مباحث کلامی مهم این است که سختی‌ها و گرفتاری‌هایی که در دنیا برای گناهکاران پیش می‌آید، از عقوبت‌ها و کیفرهای دنیوی آنان است که گریبان‌گیر آن‌ها می‌شود؛ «و ما أصابکم مِنْ مُصِيبَةٍ فَمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ؛ هر مصیبتی که به شما رسد، به دلیل اعمالی است که انجام داده‌اید و بسیاری را نیز عفو می‌کند» (شوری/۴۲). طبق دیدگاه مفسرین، این آیه شریفه بیانگر این مسئله نیز است که برخی از مصائبی که دامن‌گیر انسان می‌شود، نوعی مجازات الهی و هشدار است تا فرد متنبه و بیدار شود (طباطبایی، ۱۹۹۷ م/۱۸: ۵۹).

دسته‌ای دیگر از آیات اشاره به کیفرهای اجتماعی و بلاهای عمومی دارند که جوامع، بر اثر کفر و طغیان، به آن‌ها دچار می‌شوند؛ در قرآن کریم به این موضوع چنین اشاره شده است: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ؛ فساد در خشکی و دریا به دلیل کارهایی که مردم انجام داده‌اند، آشکار شده است؛ خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آنان بچشانند، شاید بازگردند» (روم/۳۰). مراد از فساد در این آیه، معنای اعم از فساد اخلاق است و شامل هرگونه امری که نظام جاری را مختل می‌کند- مانند سیل، زلزله، نیامدن باران، قحطی، بیماری‌های مسری و...- می‌شود و نیز مراد از برّ و بحر، همه روی زمین را شامل می‌شود؛ یعنی هر جا فساد ظاهر شود، بازتاب اعمال مردم است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۱: ۴۵۱).





۲-۳. نمونه‌های تاریخی از رابطه بحران‌های اخلاقی با لغزش‌های دنیایی

با نگاهی به آموزه‌های قرآنی و دینی، به سادگی می‌توان دریافت که یکی از مهم‌ترین عوامل عذاب‌های الهی، حوادث ناگوار طبیعی و حوادث ناگوار اجتماعی در دنیا، بحران‌های اخلاقی جوامع بشری و امت‌های پیشین بوده است؛ مانند قوم ثمود، لوط و مدین که به دلیل فساد اخلاقی، کم‌فروشی، گران‌فروشی و هم‌جنس‌گرایی دچار لغزش‌ها و عذاب درناک الهی شدند. قوم مدین، که قوم حضرت شعیب (ع)، بودند گرفتار فساد اخلاقی گران‌فروشی و کم‌فروشی شدند؛ بنابراین، عذاب درناک الهی آنان را فرا گرفت؛ «اِخَاهُمْ شَعِيبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ آلِهَ غَيْرِهِ قَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَافُوفُوا بِالْكَيْلِ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَانَهُمْ وَلَا تَتَفْسَدُوا لِي فِي الْأَرْضِ» (اعراف/۸۵)؛ همین‌طور قوم لوط در تاریخ دچار فساد اخلاقی هم‌جنس‌گرایی شد که باعث نابودی آنان گردید و زیر بارانی از سنگ مدفون شدند (نمل/۵۴ - ۵۸).

۲-۴. آثار وضعی حرص و طمع

یکی از خلیقات زشت و فسادهای اخلاقی، حرص و طمع است. طبق تعاریفی که از واژه‌های حرص و طمع صورت گرفته، قدر متیقن و مشترک هردو تعریف که خواهد آمد این است که حرص و طمع به معنی از دست دادن و قربانی کردن خواسته‌های مطلوب، به دلیل فزون‌طلبی شدید در خواسته‌های غیرمطلوب، است.

۲-۴-۱. فزون‌طلبی

یکی از معانی حرص، خواستن بیش از اندازه یا فزون‌طلبی است (راغب اصفهانی، ۱۹۹۲ م: ۲۲۷) و طمع به معنی امید شدید به دستیابی به چیزی است (همان: ۵۲۴).

۲-۴-۲. به دست آوردن اندک و از دست دادن زیاد

حضرت علی (ع)، در جواب فردی که درباره حرص پرسید، فرمود: «هُوَ طَلَبُ الْقَلِيلِ بِإِضَاعَةِ الْكَثِيرِ؛ حرص به معنی به دست آوردن چیزی اندک و از دست دادن چیزهای بیشتر است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸: ۹۶). طبق آموزه‌های قرآنی، اولین بار حضرت آدم و حوا گرفتار بحران اخلاقی حرص، طمع و لغزش شدند. حضرت آدم و حوا با آزمندی بیش از حد مطلوب در امور دنیوی از باغ بهشت هبوط کردند و اخراج شدند؛ «فَوَسَّسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَ مَلِكٍ لَا يَلِي، فَاكَلَا مِنْهَا فَبَدَتَ لَهُمَا سَوَاتِمَهُمَا وَ طَفَقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَ عَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى؛ شیطان آدم را وسوسه کرد به‌سوی ملک جاویدان و درخت زندگی؛ اما وسوسه آنان را تحت تأثیر قرار داد و آدم و حوا با حرص خود از خداوند نافرمانی کردند» (طه/۱۲۰-۱۲۱) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸: ۸۳)؛ «فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَ قُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَ مَتَاعٌ إِلَى حِينٍ» (بقره/۳۶).

۳. علل وریشه‌های حرص و طمع

۳-۱. جهل و نادانی

از مهم‌ترین علل و عوامل حرص بر دنیا جهل و نادانی بشر نسبت به حقیقت هستی و زندگی دنیا است. کسانی که شناخت و دانشی نسبت به هستی ندارند، گرفتار حرص و آز نسبت به دنیا، جمع‌آوری مال و تأمین مفهوم سعادت و خوشبختی در دنیا می‌شوند (طه/۱۲۰ - ۱۲۱).

۳-۲. پندارهای باطل

پندارهای باطل، چون پایداری و جاودانگی در دنیا و توهم سلطنت جاودانه، از علل و عوامل حرص و آزمندی در انسان دانسته شده‌اند (همزه/۲ - ۳).

۳-۳. نویدی از آخرت

امید نداشتن به حیات آخرت، زمینه حرص به زندگی دنیا است (بقره/۹۴ - ۹۶).

۳-۴. بدگمانی به خدا

رسول خدا (ص) به امام علی (ع) فرمود: «اعلم یا علی ان الجبن و البخل و الحرص غریزه واحده یجمعها سوء الظن؛ ای علی! بدان که ترسویی و بخل و آزمندی یک سرشتند و ریشه آن‌ها بدگمانی (به خدا) است» (ری شهری، ۳: ۲۶).

۳-۵. شک و بی‌اعتمادی به خدا

امام علی (ع) درباره این علت و عامل حرص در انسان‌ها فرموده است: «علی الشک و قله الثقة بالله بنی الحرص و الشح؛ بنای آزمندی و بخل شدید بر شک و کم‌اعتمادی به خدا استوار است» (ری شهری، ۱۳۸۷: ۲۶).

۳-۶. ضعف دین

از دیگر علل و عوامل حرص می‌توان به سستی در دین اشاره کرد. امیرمؤمنان علی (ع) می‌فرماید: «شدة الحرص من قوة الشره و ضعف الدین؛ آزمندی زیاد، ناشی از نیروی سیری‌ناپذیر و سستی دین است» (ری شهری، ۱۳۸۷: ۲۶).

۴. آثار و لغزش‌های بحران اخلاقی حرص و طمع

۴-۱. سلب آرامش و آسایش

یکی از لغزش‌های بحران اخلاقی حرص و طمع، سلب آرامش و آسایش است؛ از این‌رو امام صادق (ع) در بیان آثار زشت آزمندی فرموده است: «حرم الحرص خصلتین و لزمته خصلتان حرم القناعة فافتقد الراحة و حرم الرضا فافتقد اليقين؛ آزمند از دو خصلت محروم شده و در نتیجه، دو خصلت

همراه او نشده‌اند: از قناعت محروم است و در نتیجه، آسایش را از دست داده است و از رضایت محروم است و در نتیجه، یقین را از کف داده است» (ری شهری، ۱۳۸۴: ۵۷۸).

۴-۲. نابودی

یکی از لغزش‌های حرص و طمع، نابودی کسانی است که همواره با تصمیم‌های حریصانه و آزمندانه زندگی می‌کنند. حرص و طمع در نهایت سبب نابودی می‌شود. امام باقر (ع) فرمود: «مثل الحریص علی الدنیا مثل دودة القز؛ كلما ازدادت من القز علی نفسها لفاکان ابعدها من الخروج، حتی تموت غمًا؛ حکایت آزمند به دنیا، داستان کرم ابریشم است که هرچه بیشتر ابریشم بر خود می‌تند، با بیرون آمدن از پیله بیشتر فاصله می‌گیرد تا آنکه سرانجام می‌میرد» (ری شهری، ۱۳۸۴: ۲۱).

۴-۳. بردگی دائمی

از دیگر پیامدها و لغزش‌های حرص و طمع در سطح کلان و خرد زندگی، این است که سبب ایجاد بردگی می‌شود. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «الطمع رق موبد» (نهج البلاغه، حکمت ۱۷۱).

۴-۴. کاهش قدرت و عزت

مطابق فرمایش حضرت علی (ع)، حرص باعث کاهش و پایین آمدن قدر و عزت انسان‌ها می‌شود و چیزی نیز بر رزق آنان افزوده نمی‌شود (الحرص ینقص قدر الرجل، فلا یزید فی رزقه؛)

۴-۵. ظلم و ستم و نابرابری

مطابق منابع دینی و قرآنی، رفتارهای حریصانه باعث ظلم و ستم در جامعه و نابرابری می‌شود؛ در قرآن چنین بیان شده که «ان هذا اخی له تسع و تسعون نعجة اما نعجة واحدة فقال اکفنیها و عزنی فی الخطاب. قال لقد ظلمک بسؤال نعجة الی نعاجة و ان کثیرا من الخلطاء لیغی بعضهم علی بعض الا الذین امنوا و عملوا الصالحات» (ص/۹۶). شخصی خدمت حضرت داوود (ع) آمد و عرض کرد: «برادرم ۹۹ گوسفند میش دارد و من یکی دارم؛ اما برادرم اصرار دارد که همان یکی را نیز به او واگذار کنم و در سخن گفتن مرا مغلوب ساخته است.» حضرت داوود (ع) فرمود: «مسلم این ظلمی است که بیشتر شریکان و دوستان به یکدیگر می‌کنند؛ مگر کسانی که ایمان و عمل صالح دارند.»

۵. بررسی بحران اخلاقی کنفرانس برتن و دز و لغزش‌های آن

پس از جنگ‌های جهانی اول و دوم، نوسانات شدیدی در ارزش و برابری قدرت خرید پول در برابر اجناس - مخصوصاً دوفلز گران‌قیمت طلا و نقره که پشتوانه ارزشی پول بودند - به وجود آمد؛ بنابراین، کشورهای جهان مجبور شدند به‌منظور مدیریت و حل بحران پولی جهان گرد هم بیایند. وزرای اقتصاد و خزانه‌داری کشورهای جهان با چهار طرح از سوی کشورهای امریکا، کانادا، فرانسه و انگلستان در سال ۱۹۴۵ میلادی در کنفرانس «برتن و دز» گرد هم آمدند تا دربارهٔ نظام پولی



بین‌المللی واحد یا پول معیاری و کلیدی تصمیم‌گیری کنند. در نتیجه، طرح وزیر خزانه‌داری امریکا، جناب «وایت»، پذیرفته شده که بیانگر این بود که دلار امریکا، به دلیل حفظ ارزش خود، پول کلیدی و جهانی باشد و از آن تاریخ به بعد جهت تجارت و تسویه حساب‌های بین‌الملل از پول ملی این کشور استفاده شود و دلار امریکا در صدر قرار گیرد (Maurice Obstfeld and Alan M. Taylor, 2017: 3 – 28).

جان مینارد کینز، اقتصاددان معروفی که وزیر خزانه‌داری انگلستان بود و در جلسه شرکت داشت، بلافاصله اعلان کرد که کشورهای جهان با پذیرش طرح وایت قدرت و عزت خود را با ثمن بخش فروختند و از آن به بعد ممکن است انگلستان از لحاظ اقتصادی و سیاسی تبدیل به یکی از ایالت‌های امریکا شود.

۵-۱. منافع اقتصادی تصمیم آزمندانه کنفرانس برتن و دز

نمایندگان شرکت‌کننده در کنفرانس، دو منفعت اقتصادی را مبنای پذیرش طرح امریکا مد نظر خود قرار داده بودند:

۵-۱-۱. حفظ ارزش دارایی‌ها

در جریان جنگ‌های جهانی، دلار امریکا نسبت به سایر پول‌های جهان کمتر قدرت خرید و برابری خود در برابر طلا و نقره را از دست داده بود؛ بنابراین، بدان امید داشتند که اگر دلار امریکا پول معیاری تعیین شود، کشورهای جهان- با تبدیل دارایی‌های خود به دلار- بهتر می‌توانند ارزش دارایی‌های خود را حفظ کنند؛ چنان‌که امروزه بانک‌های مرکزی کشورهای جهان تحت عنوان ذخایر خارجی و صندوق ذخایر دلاری، ذخایر خارجی خود را با دلار امریکا حفظ می‌کنند و دارایی‌های خود را تبدیل به دلار می‌کنند و از این منافع اقتصادی استفاده می‌کنند.

۵-۱-۲. دریافت وام از امریکا

کشورهای اروپایی آسیب‌دیده از جنگ‌های جهانی در صدد دریافت وام از امریکا بودند تا بتوانند خرابی‌های ناشی از جنگ‌های جهانی را ترمیم کنند و این مسئله سبب شد تا طرح وایت را قبول کنند و با این تصمیم آزمندانه، پول ملی امریکا را پول کلیدی جهان اعلام کردند.

۵-۲. لغزش‌ها و پیامدهای مدیریت پولی کنفرانس برتن و دز

پذیرش طرح وایت، به عنوان تصمیمی آزمندانه در کنفرانس برتن و دز، لغزش‌ها و پیامدهای ذیل را به دنبال داشته و دارد:



۵-۲-۱. ایجاد قدرت فزاینده برای دلار

استفاده از دلار، به عنوان پول کلیدی، سبب ایجاد قدرت فزاینده‌ای برای آن می‌شود؛ زیرا تقاضا برای دلار در سطح بین‌المللی افزایش می‌یابد. امروزه، حتی رشد اقتصادی کشورهای جهان بیشتر به نفع امریکاست؛ زیرا با افزایش تولید ناخالص داخلی و تجارت خارجی، ذخایر ارزی کشورها و پرداخت‌های بین‌المللی با دلار افزایش می‌یابد و این مسئله باعث بیشتر شدن قدرت فزاینده دلار می‌شود.

۵-۲-۲. افزایش سهم دلار در سبد استاندارد ارزی

سبد استاندارد ارزی یا همان حق برداشت مخصوص (SDR)، پولی بین‌المللی است که کشورها آن را به صورت حق العضویت در صندوق بین‌المللی به عنوان پشتوانه پول ملی خود ایجاد می‌کنند. سبد استاندارد ارزی شامل یورو، ین ژاپن، پوند انگلستان و دلار امریکا است که سهم دلار امریکا حدود ۵۰٪ است؛ یعنی ۵۰٪ از این حق برداشت مخصوص سبد استاندارد ارزی را دلار تأمین می‌کند و ۵۰٪ بقیه را پول‌های ملی ژاپن، کشورهای اروپایی و پوند انگلستان تشکیل می‌دهند. دلار، با قدرت فزاینده‌ای که دارد، هر روز سهم بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا قدرت دلار امریکا به صورت سیستمی فزاینده است و رشد اقتصادی هر کشور به نفع دلار امریکا و قدرت فزاینده آن است.

۵-۲-۳. حفظ ذخایر خارجی کشورها با دلار

به دلیل وجود قدرت فزاینده و سیستمی دلار، بانک‌های مرکزی کشورهای جهان، ذخایر خارجی خود را با دلار نگهداری می‌کنند که البته این مسئله باعث افزایش قدرت فزاینده بیشتری برای دلار می‌شود.

۵-۲-۴. تسویه حساب‌های بین‌المللی با دلار

کشورهای جهان، به دلیل راحت‌تر بودن در پرداخت‌ها و تسویه حساب‌های بین‌المللی با دلار و زیان کمتر، حاضر نیستند پرداخت‌های بین‌المللی خود را با پول ملی خود انجام دهند؛ اگر کشورها با پول ملی خود پرداخت‌های بین‌المللی را انجام دهند، باید چندین مرتبه صرافی پول را انجام دهند که در هر مرحله صراف‌ها و سفته‌بازان سود خود را می‌برند.

۵-۲-۵. چاپ و انتشار دلار

با وجود سیستم پولی بین‌المللی و صدرنشینی دلار، امروزه امریکا- با چاپ و انتشار دلار- قدرت اقتصادی و سیاسی خود را افزایش می‌دهد و بانک‌های مرکزی کشورهای جهان موظف هستند که قدرت خرید دلار را با رشد اقتصادی، افزایش ذخایر خارجی و مبادلات خود حفظ کنند؛ در نتیجه، در فرایند عملکرد سیستمی پولی بین‌المللی دلار، بانک مرکزی امریکا باید دلار چاپ و منتشر کند و بانک‌های مرکزی سایر کشورها باید ارزش آن را حفظ کنند.

۵-۲-۶. فشارهای فزاینده دلار

قدرت فزاینده دلار به صورت روزافزون، فشارهایی بر پول‌های ملی کشورهای جهان به وجود می‌آورد و سبب کاهش ارزش پول‌های ملی کشورهای جهان می‌شود. طبق قاعده وظایف پول، که عبارت است از وسیله مبادله، سنجش ارزش و ذخیره ارزش، پول ملی کشورها با وجود پول برتر و بین‌المللی نمی‌توانند به خوبی وظایف خود را انجام دهند؛ بنابراین، ارزش آن‌ها کاهش می‌یابد. پولی که وظایف سه‌گانه خود را نتواند انجام دهد، استفاده و متقاضی ندارد یا کمتر می‌شود و به جای آن از دلار استفاده می‌شود؛ در نتیجه، دلار بهتر می‌تواند وظایف خود را انجام دهد، فشارهای بیشتری را بر پول‌های ملی کشورهای دیگر وارد می‌کند و آن‌ها را به حاشیه می‌راند (Pierre-Olivier, 2019).

۵-۲-۷. فشارهای فزاینده سیاسی

قدرت اقتصادی ناشی از قدرت فزاینده دلار سبب می‌شود که قدرت سیاسی امریکا نیز فزاینده شود؛ در نتیجه، بر مخالفان و موافقان خود فشارهای فزاینده سیاسی وارد می‌کند.

چنان‌که امروزه گلوی اقتصاد و نظام سیاسی کشورهای موافق خود را با باج‌گیری مالی و سیاسی تحت فشار قرار می‌دهد؛ مانند باج‌گیری‌های مالی از کشورهای ثروتمند عربی، مانند عربستان، و باج‌گیری‌های سیاسی از کشورهای اروپایی که آن‌ها را ودار می‌کند تا در تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی همگام و هم‌سو با خواسته‌های امریکا باشند. سیستم‌های پرداخت‌های بین‌المللی نیز، مانند سوئیفت که مرکز آن در اروپا است، باید تحت حاکمیت قوانین امریکا فعالیت کنند؛ نه قوانین کشورهای اروپایی و تمام تراکنش‌های آن باید زیر نظر بانک مرکزی امریکا باشند تا از این طریق بتوانند بر مخالفان خود اعمال فشار کنند.

امریکا گلوی اقتصاد ملی و نظام‌های سیاسی کشورهای مخالف خود را نیز به طرز وحشتناک‌تری زیر زانوهای تحریم و ایجاد سیستم رهگیری‌های منابع مالی ترور قرار می‌دهد و به آن‌ها فشار می‌دهد؛ مانند اقتصاد ملی و نظام سیاسی کشورهای ایران و کره شمالی، چین و روسیه که تحت فشارهای شدید قرار دارند.

۶. راه‌های نجات از لغزش‌های تصمیم‌کنفرانس برتن و دز

بر مبنای آموزه‌های دینی، مهم‌ترین راه نجات از لغزش‌ها و فشارهای فزاینده ناشی از قدرت افسارگسیخته دلار و نظام سیاسی امریکا تصمیم‌گیری‌های عاقلانه و مبتنی بر خواسته‌های مطلوب غیرحریصانه کشورها است. کشورهای جهان می‌توانند، با نادیده گرفتن منافع کوتاه‌مدت و تحمل مقداری خسارت مالی در کوتاه‌مدت، دارایی‌های خود را با دلار ذخیره نکنند بلکه با پول ملی خود ذخیره کنند و مبادلات بین‌المللی خود را به صورت متقابل یا با پول‌های ملی خود و کشورهای طرف تجاری خود انجام دهند. گرچند این اقدامات و مبادلات، هزینه‌های مالی ناشی از تحمل ریسک و



نرخ مبادلات و تبدیل پول‌ها را به کشورها تحمیل می‌کند، اما در بلندمدت می‌تواند از شر فشارهای قدرت فزاینده دلار آمریکا و نظام سیاسی آن نجات پیدا کنند.

۷. نتیجه‌گیری

براساس آموزه‌های دینی و قرآنی، تصمیم‌های حریصانه و آزمندانه، لغزش‌ها و تاوان‌های سنگینی را در زندگی فردی و جمعی انسان‌ها در پی داشته که طوق بردگی دائمی را به ارمغان خواهد آورد و باعث از دست دادن عزت، تشدید ظلم و نابرابری و سلب آسایش و راحتی می‌شود. حضرت آدم و حوا با تصمیم‌های حریصانه خود از بهشت اخراج شدند و در طول تاریخ، اقوام مختلفی گرفتار ولغزش‌های دنیوی شدند. امروزه نیز جهان گرفتار لغزش‌های تصمیم‌های حریصانه کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس برتن و دز است. کشورهای شرکت‌کننده در این کنفرانس، منافع کوتاه‌مدت خود را بر منافع بلندمدت ترجیح دادند و به دلیل دریافت وام از آمریکا و نوسان کمتر دلار در برابر طلا، ترجیح دادند که دلار آمریکا پول بین‌المللی شود. پس از آن تاریخ، دلار آمریکا سبب تقویت قدرت اقتصادی، نظامی و سیاسی این کشور در جهان شد. در نهایت، نظام سیاسی، اقتصادی و پولی ملی کشورهای جهان تحت فشار آمریکا قرار گرفتند و اکنون نیز با ذخیره کردن دلار آمریکا و استفاده از دلار در مبادلات بین‌المللی بر ادامه تصمیم‌های حریصانه‌شان تأکید می‌ورزند.



قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ابراهیمی نژاد، مهدی (۱۳۹۸) سازمان‌های پولی و مالی بین‌المللی. ایران: سازمان سمت

ابوالفتح آمدی. (بی‌تا). غرر الحکم ودرر الکلم. ایران: انتشارات دارالکتب الاسلامی.

خاندوزی، احسان. «نقش بستر سازی اخلاقی در توسعه اقتصادی». فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی.

۶ (۲۱)، بهار ۱۳۸۵.

راشدی، لطیف. (۱۳۹۳). قصه‌های قرآن. ایران: پیام عدالت.

راغب اصفهانی، حسین ابن محمد. (۱۹۹۲ م). مفردات الفاظ قرآن کریم. لبنان: دار الشامیه.

رحمانی، محمد جان. «اخلاق تجاری فقه‌محور». فصلنامه علمی-پژوهشی دانشکده اقتصاد و مدیریت

خاتم النبیین. (۳)، ۱۳۹۸.

ایرانی، عباس. (۱۳۷۴). سفینه البحار ماده حرص. ایران: انتشارات آستان قدس رضوی.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۷). اخلاق در قرآن. ایران: امام علی ابن ابی طالب.

_____ (۱۳۹۱). پیام امام امیرالمؤمنین (ع). ایران: امام علی ابن ابی طالب.

_____ (۱۳۸۷). تفسیر نمونه. ایران: دارالکتب الاسلامیه.

طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۹۹۷ م). المیزان فی تفسیر القرآن. لبنان: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.

مجلسی، محمدباقر. (۱۳۱۵ ه.ق). بحارالانوار. ج ۱۷. ایران: دارالکتب الاسلامیه.

محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۸۴). میزان الحکمه. ج ۳. ایران: دارالحديث.

موسوی جهرمی، یگانه. (۱۴۰۰). سازمان‌های پولی و مالی بین‌المللی. ایران: دانشگاه پیام نور

نوری، میرزا. (۱۹۸۷ م). مستدرک الوسائل. لبنان: مؤسسه ال البيت لاحیاء التراث

Maurice Obstfeld and Alan M. Taylor. "International Monetary Relations: Taking Finance Seriously". Journal of Economic Perspectives—Volume 31, Number 3—Summer 2017—Pages 3–28.

Pierre-Olivier Gourinchas† UC Berkeley H'el'ene Rey‡ London Business School Maxime Sauzet§ UC Berkeley The International Monetary and Financial System* April 18, 2019.

Claudio Borio. "The international monetary and financial system: its Achilles heel and what to do about it". BIS Working Papers. No 456. Monetary and Economic Department August 2014.



سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳



ترازنامه بانک مرکزی، پول و تورم

ساموئل رینارد

بانک ملی سوئیس (زوریخ، سوئیس)

مترجمان: غلامرضا رسولی (کمالی)

سید مهدی اصغری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰

تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۲/۱۰

چکیده

در واکنش به بحران‌های اقتصادی، انبساطی فزاینده در ترازنامه بانک مرکزی می‌تواند آثار تورمی متفاوتی به دنبال داشته باشد. مقاله حاضر نشان می‌دهد که آیا بخش خصوصی، به عنوان واسطه بانک مرکزی برای تأمین مالی دولت، نقشی در فرایند خلق پول گسترده داشته است یا نه. نظریه مقداری پول می‌تواند یکی از روش‌های تحلیل تورم باشد. با توجه به بررسی، این مقاله توضیح می‌دهد که سیاست انبساطی پولی در بحران مالی جهانی باعث تورم در آمریکا نشده بود؛ اما در بحران همه‌گیری کرونا این سیاست باعث تورم چشمگیری در این کشور شد.

واژگان کلیدی: ترازنامه بانک مرکزی، تورم، پول گسترده، سیاست انبساطی پول.

بیشتر بانک‌های مرکزی بر اقدامات کمی و مقداری برای سیاست‌های پولی تأکید دارند؛ اما در عین حال، افزایش مقداری ترازنامه بانک‌های مرکزی، آثار تورمی متفاوتی را در پی داشته است؛ برای نمونه در جریان بحران مالی جهانی، مقدار تورم در حد پایینی قرار داشت؛ در حالی که مقدار تورم در بحران همه‌گیری کرونا، افزایش پیوسته چشمگیری داشته است. در مقاله حاضر، این نتایج متفاوت براساس تجزیه و تحلیل رابطه مقداری پول، که در مقاله رینارد (۲۰۰۷) ارائه شده است، بررسی و تحلیل شده است که نشان‌دهنده رابطه تجربی سیستماتیک از سال ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۰ میلادی میان حجم پول و تورم در ایالات متحده و اروپا است. این مقاله بر نتایج ترازنامه بانک‌های مرکزی در پاسخ به بحران‌های اقتصادی بزرگ تمرکز دارد.

۲. ترازنامه بانک‌های مرکزی و انتقال پولی

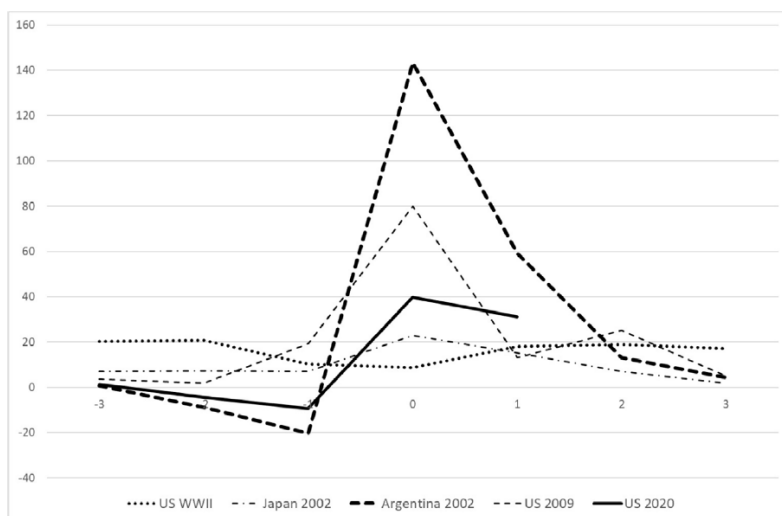
گراف اول، نرخ‌های رشد سالانه پایه پولی (M_0) را پیرامون دوره‌های انبساط ترازنامه بانک‌های مرکزی نشان می‌دهد. دوره صفر به ترتیب مربوط به سال ۱۹۴۲ میلادی در ایالات متحده، ۲۰۰۲ میلادی در جاپان، ۲۰۰۲ میلادی در آرژانتین، ۲۰۰۹ میلادی در ایالات متحده و ۲۰۲۰ میلادی در ایالات متحده است. M_0 ، بیشتر قسمت بدهی ترازنامه بانک مرکزی را نشان می‌دهد؛ این قسمت از بدهی‌ها شامل ذخایر بانک‌های تجاری و وجوه نقد در گردش نزد بانک مرکزی است. نرخ رشد سالانه پایه پولی (M_0) در این نواحی بیش از ۲۰٪ افزایش یافته است؛ این در حالی است که، چنان‌که شکل ۲ نشان می‌دهد، تنها در سه قسمت از موارد، نرخ رشد سالانه M_2 - به‌طور مثال در ایالات متحده در طول جنگ جهانی دوم، در آرژانتین در دهه ۲۰۰۰ میلادی و در ایالات متحده در سال ۲۰۲۰ میلادی - بیش از ۲۰٪ بوده است. برخلاف M_0 مجموعه وسیعی، مانند M_2 ، شامل ذخایری که بانک‌های تجاری در بانک مرکزی نگهداری می‌کنند، نمی‌شود. M_2 شامل وجوه نقد و سپرده‌های نگهداری‌شده توسط مشترکین غیربانکی می‌شود که در بانک‌های تجاری سپرده دارند؛ این مورد شامل دارایی‌هایی است که به اندازه تقاضا در دسترس هستند که بخش غیربانکی می‌تواند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم - مانند حساب‌های سپرده مورد استفاده برای تسویه پرداخت‌های کارت اعتباری - برای خرید کالا و خدمات استفاده کند.^۱

پول گسترده، متغیری است که تابع سیاست‌های پولی، تقاضای پول و اعتبار پول و تراکنش‌های بخش خصوصی است. معمولاً زمانی که بانک‌های تجاری خلق اعتبار می‌کنند یا اوراق بهادار غیربانکی

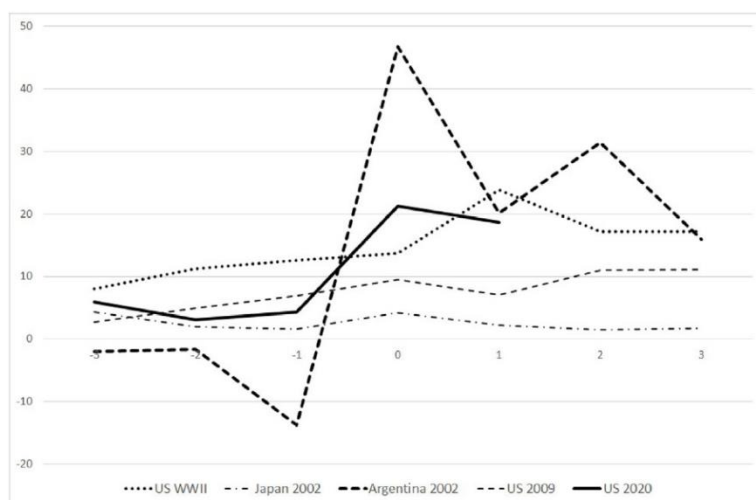
^۱ - این تعریف از پول گسترده متناظر است با M_2 در آرژانتین و ژاپن، M_2 در ایالات متحده (۱۹۱۰-۱۹۶۰ میلادی) و M_2 - در ایالات متحده (۱۹۹۹-۲۰۲۲ میلادی).



را خریداری می‌کنند، پول گسترده ایجاد می‌شود. پول گسترده همچنین زمانی ایجاد می‌شود که بانک مرکزی، اوراق بهادار را از بخش غیربانکی خریداری کند. دوره‌هایی که پول گسترده با پایه پولی افزایش پیدا نکرد، زمانی بود که بانک‌های خصوصی اوراق بهادار خود را به‌ازای سپرده به بانک مرکزی فروخته بودند؛ در مقابل، بخش غیربانکی رقیب قابل توجهی نداشت و بانک‌ها نیز اوراقی را که به بانک مرکزی فروختند، جایگزین نکردند. از این‌رو در آن دوره‌ها، تورم افزایش قابل توجهی نداشت.



شکل ۱: رشد M0 (%)



شکل ۲: رشد M2 (%)



در طول جنگ جهانی دوم و همچنین در سال ۲۰۲۰ میلادی بخش خصوصی در ایالات متحده بخشی از فرایند خلق پول به عنوان واسطه بانک مرکزی برای تأمین مالی دولت بود به گونه ای که اوراق قرضه دولتی را خریده و به بانک مرکزی فروخته است. مؤسسات غیربانکی در خرید اوراق قرضه دولتی رقیب اصلی بانک مرکزی بودند؛ اما این بانک های تجاری بودند که مقادیر قابل توجهی از اوراق قرضه دولتی را خریداری کردند. در نتیجه، پول گسترده افزایش یافت؛ همانند زمانی که بخش بانکی به صورت معمول، بخش خصوصی را- از طریق استقراض- تأمین مالی می کند که باعث افزایش تورم می شود. برای تعیین این مقدار از اثرات انبساط پولی بر تورم، تجزیه و تحلیل تعادل در زیر ارائه شده است که در آن قسمت های مختلف تاریخی بحث می شوند.

۳. تجزیه و تحلیل تعادل

در این تحقیق تجزیه و تحلیل تعادل از طریق نظریه مقداری پول براساس مدل رینارد (۲۰۰۷) صورت گرفته است.^۱ ابتدا رابطه بلندمدت میان پول، قیمت، نرخ بهره و سطح تولید با ضرایب واحد تعیین شده تخمین زده می شوند. این برآورد اثر نرخ بهره را بر سرعت گردش پول تخمین می زند؛ یعنی تابع تقاضای پول بلندمدت.^۲ سطح پولی که برای تغییرات تعادلی تنظیم شده است را می توان به صورت زیر نوشت:

$$m_t^* \equiv c + m_t - y_t^* + \beta i_t^*, \quad (1)$$

در این مدل، c ثابت رگرسیون تقاضای پول، m_t حجم پول مشاهده شده، y_t^* نیز GDP واقعی بالقوه، β نیمه کشش تخمینی نرخ بهره و i_t^* نرخ بهره اسمی- که توسط HP فیلتر شده- هستند. تمامی متغیرها، غیر از نرخ بهره، بر حسب لگاریتم محاسبه شده اند. سطح پول مشاهده شده توسط تولید بالقوه تنظیم می شود تا منعکس کننده این واقعیت باشد که وقتی تولید بالقوه افزایش می یابد، افزایش متناظر در عرضه پول تورمی نخواهد بود؛ همچنین، روند توسط نرخ بهره تعدیل می شود تا این واقعیت را در نظر بگیرد که مثلاً زمانی که نرخ بهره در محیط رکودی کاهش می یابد، تقاضای

^۱ - منبع این داده ها از بانک های FRED - Japan و IFS آرژانتین است. منابع خصوصی آرژانتین توسط فرناندو آلونس ارائه شده اند و داده های سال ۱۹۳۰ میلادی توسط بالک و سال ۱۹۸۶ میلادی توسط گوردون از امریکا هستند.

^۲ - براساس اثر لوکاس (۱۹۸۸ میلادی)، تقاضای پول با حداقل مربعات معمولی در ساده ترین شکل نظری آن با کشش درآمد واحد برآورد می شود.

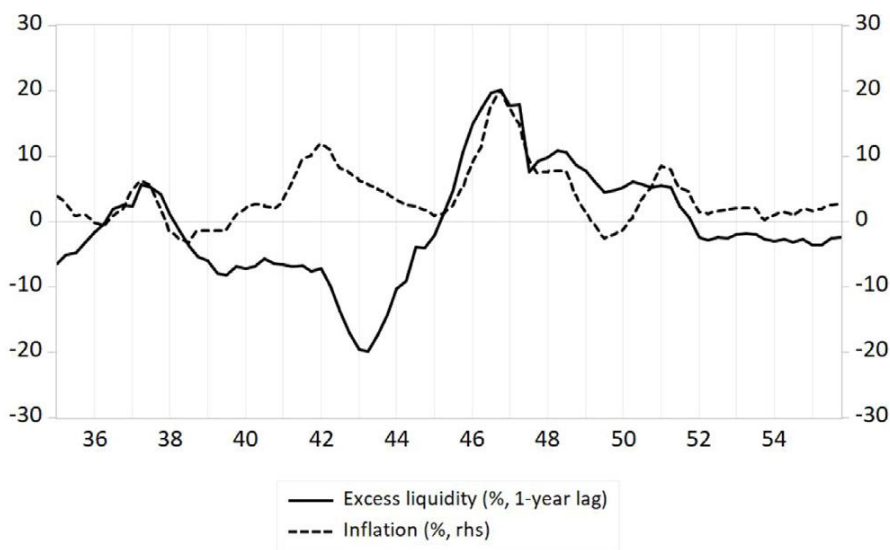
برآوردهای نرخ بهره نیمه کشش تقاضای پول ۰/۰۴ برای نرخ اوراق قرضه دولتی ۱۰ ساله (1972Q1-2011Q3) در ژاپن است و ۰/۰۶ برای نرخ اوراق تجاری بین سال های (1960Q4 - 1910Q1) در ایالات متحده و نرخ ۰/۱۶ برای نرخ اوراق قرضه دولتی ۱۰ ساله در ایالات متحده (1999Q1 - 2022Q1) است.

پول افزایش می‌یابد. از معادله تقاضای پول باثبات استفاده می‌شود تا بتوان تغییرات سطح عمومی قیمت‌ها را مستقیماً با تغییرات حجم پول مقایسه کرد.

مازاد پول گسترده را می‌توان تفاوت درصدی میان m_t^* و p_t تعریف کرد. مازاد پول گسترده مثبت یعنی نسبت پول به سطح قیمت‌ها بالاتر از سطح تعادلی آن است؛ به عبارت دیگر، عرضه پول بالاتر از تقاضای بلندمدت آن است. همان‌طور که در مدل رینارد (۲۰۰۷) نشان داده شده است، مازاد نقدینگی چشمگیر همیشه با تعدیل قیمت به سمت بالا همراه بوده است؛ هرچه مازاد نقدینگی بیشتر باشد، تعدیل قیمت سریع‌تر است؛ یعنی نرخ تورم بالاتر است، هرچند سرعت تعدیل و تأخیر می‌تواند در کشورها و دوره‌ها متفاوت باشد. هنگامی که مازاد نقدینگی منفی است، معمولاً کاهش در سطح قیمت وجود ندارد یا بسیار محدود است؛ اما نرخ تورم کاهش یافته است.

غیرخطی بودن را می‌توان با چسبندگی دستمزد اسمی رو به پایین توضیح داد. این شاخص مازاد نقدینگی می‌تواند نوسانات تورم چشمگیر و مداوم را توضیح دهد؛ البته عوامل دیگری نیز بر سطح قیمت تأثیر می‌گذارند؛ همان‌طور که برای قسمت‌های مختلف زیر توضیح داده شده است.

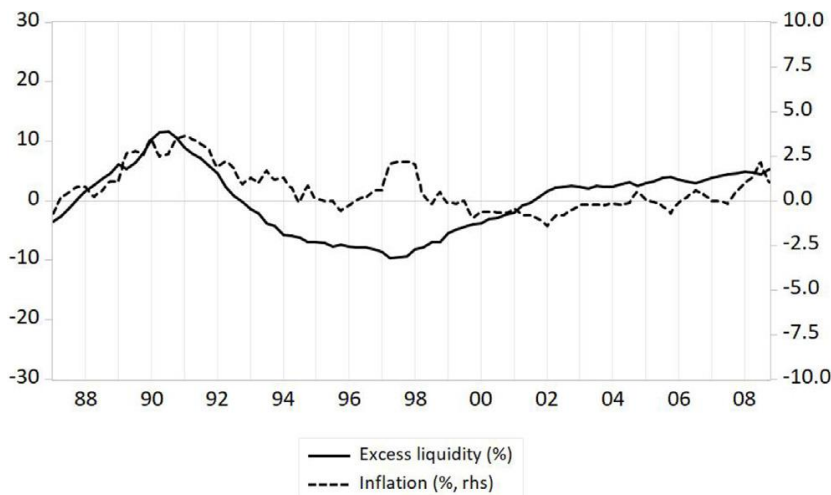
۴. قسمت‌های تاریخی



شکل ۳: مازاد نقدینگی و تورم - ایالات متحده در طول جنگ جهانی دوم



شکل ۳ رابطه بین مازاد نقدینگی و تورم را در ایالات متحده، در طول جنگ جهانی دوم، نشان می‌دهد.^۱ مازاد نقدینگی یک سال به تأخیر افتاده است تا فرایند گذار سیاست پولی را شامل شود. در طول جنگ جهانی دوم و پس از آن، فدرال رزرو بازده اوراق قرضه دولتی را پایین نگه داشت. با خرید انبوه اوراق قرضه دولتی توسط فدرال رزرو و بانک‌های تجاری، درحالی‌که کسری مالی زیاد بود، حجم پول گسترده افزایش یافت. پس از لغو کنترل قیمت‌ها در سال ۱۹۴۶ میلادی،^۲ تورم به دنبال مازاد نقدینگی به ۲۰٪ افزایش یافت.



شکل ۴: مازاد نقدینگی و تورم - جاپان.

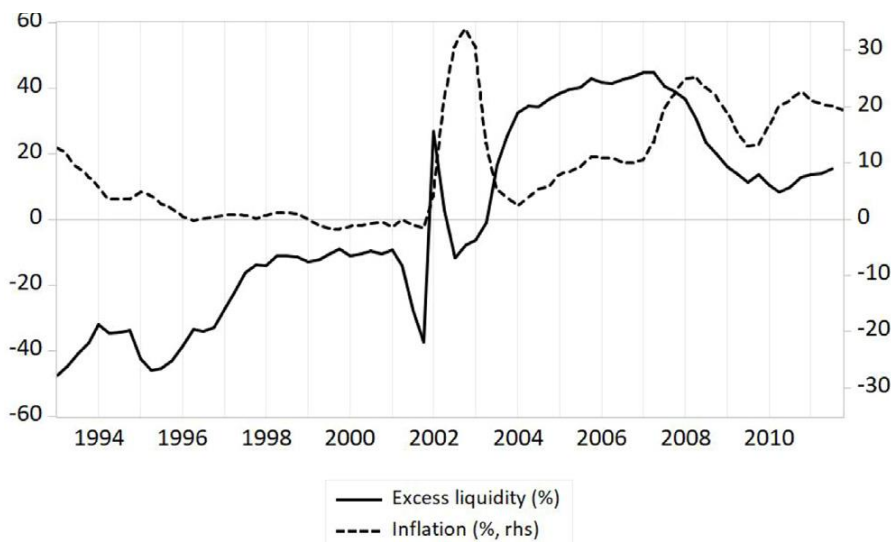
شکل ۴ رابطه بین مازاد نقدینگی و تورم را در جاپان نشان می‌دهد. پس از افزایش حجم پول در اواخر دهه ۱۹۸۰، میلادی که با افزایش مداوم تورم همراه بود، مازاد نقدینگی تا سال ۲۰۰۱ میلادی منفی بود؛ سپس با وجود سیاست QE^۳ در اوایل دهه ۲۰۰۰ میلادی فقط اندکی مثبت شد، زیرا بخش خصوصی در خلق پول مشارکت نداشت؛ در نتیجه، تورم با نوسانات جزئی، مانند آنچه که ناشی از افزایش مالیات بر ارزش افزوده در سال ۹۷ بود، نزدیک به صفر باقی ماند.

^۱ - پیش از این، در سال ۱۹۳۲ میلادی، خرید اوراق بهادار دولتی در بازار آزاد فدرال رزرو حدود ۲٪ تولید ناخالص داخلی بود؛ اما کوتاه‌مدت بود که برای جلوگیری از انقباض عرضه گسترده پول که با کاهش تورم همراه بود، کافی نبود (See Friedman and Schwartz (1963) and Bordo (2014)).

^۲ - کنترل قیمت در سال ۱۹۴۲ میلادی با افزایش هزینه‌های تولید در زمان جنگ تعیین شده است (Friedman and Schwartz (1963)).

^۳ - شکلی از سیاست پولی است که در آن یک بانک مرکزی، مانند فدرال رزرو ایالات متحده، اوراق بهادار را در بازار آزاد خریداری می‌کند تا نرخ بهره را کاهش دهد و عرضه پول را افزایش دهد.





شکل ۵: مازاد نقدینگی و تورم در آرژانتین.

شکل ۵ رابطه بین مازاد نقدینگی و تورم را در آرژانتین، در اوایل بحران مالی دهه ۲۰۰۰ میلادی نشان می‌دهد.^۱ مازاد نقدینگی در جریان تابلوی ارز^۲ در دهه ۹۰ میلادی منفی بود؛ بنابراین تورم کاهش یافته و نزدیک به صفر شده بود. عرضه پول پس از آن در سال ۲۰۰۲ میلادی و با «بدبینی» حساب‌های بانکی به شدت افزایش یافت. زمانی که تابلوی ارز در سال ۲۰۰۲ میلادی کنار گذاشته شد و پزو کاهش یافت، بلافاصله سطح قیمت تعدیل شد؛ سپس عرضه پول از سال ۲۰۰۳ میلادی به سرعت افزایش یافت و تورم به دنبال آن افزایش پیدا کرد. پول گسترده همراه با پایه پولی افزایش یافت؛ زیرا بانک مرکزی، علاوه بر مداخله در بازار ارز، مستقیماً پول را به دولت منتقل کرد که سیاست مالی انبساطی را اجرا می‌کرد.

۵. بحران مالی جهانی در مقابل بحران کووید-۱۹

شکل ۶ مازاد نقدینگی و تورم ایالات متحده را نشان می‌دهد. از نظر تجربی، نرخ تورم تعادلی نسبت حجم پول/قیمت، ۲٪ است که با تورم هدف فدرال رزرو مطابقت دارد.

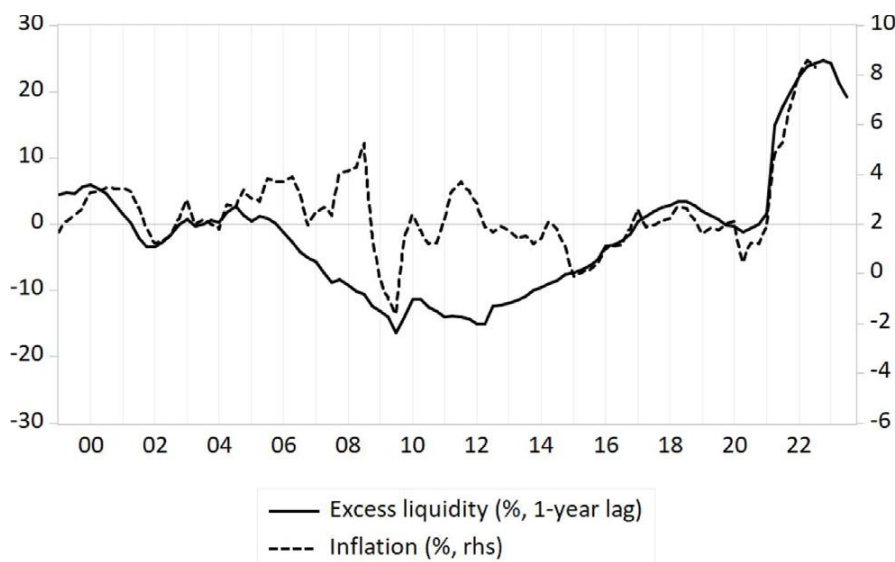
^۱ - این نرخ بهره ۱۰ ساله در دسترس نیست و تقاضای پول با نرخ‌های کوتاه مدت ثابت نیست؛ بنابراین در این باره، سطح پول $m \times t$ تنها با خروجی بالقوه و ثابتی که میانگین سرعت M2 را نشان می‌دهد، تنظیم شده است. نمونه ۱۹۷۳-۲۰۱۱ میلادی در نظر گرفته شده است.

^۲ - تابلوی ارز شکل شدیدی از نرخ ارز ثابت است. اغلب، این مقام پولی، دستورالعمل مستقیمی برای پشتوانه همه واحدهای پول داخلی در گردش با ارز خارجی دارد. هینت‌های ارزی، نرخ‌های ارز ثابتی را ارائه می‌دهند که تجارت و سرمایه‌گذاری را ارتقا می‌دهد.



مازاد نقدینگی قبل از GFC^۱ به سطوح منفی کاهش یافت که از سال ۲۰۰۶ میلادی شروع شد؛ یعنی در اوج چرخه سیاست پولی انقباضی فدرال رزرو بود. استدلال شده است که در بخش عمده‌ای از سال ۲۰۰۸ میلادی، با یکنواخت شدن رشد حجم پول و نرخ‌های بهره واقعی بالا- زمانی که قیمت کالاها در حال افزایش بود-^۲ سیاست پولی ایالات متحده بسیار سختگیرانه بود. پس از آن نقدینگی اضافی با سیاست QE افزایش یافت؛ اما تا سال ۲۰۱۶ میلادی منفی بود، زیرا ترازنامه بانک‌های تجاری پس از GFC کاهش یافت؛ بنابراین تورم نسبتاً پایین باقی ماند.

باین حال، در طول بحران کووید، مازاد نقدینگی به شدت به سطوح بالایی افزایش یافت. در آن مقطع، بخش بانکی با افزایش اعطای وام و خرید اوراق قرضه دولتی، نقش ویژه‌ای در انتقال مقداری سیاست پولی ایفا کرد.^۳



شکل ۶: مازاد نقدینگی و تورم ایالات متحده.

پول گسترده نیز افزایش یافت؛ زیرا مؤسسات مالی غیربانکی رقیب سیاست‌های QE بودند. در واقع، حجم پول ایجادشده توسط فدرال رزرو، به طور غیرمستقیم، سیاست مالی انبساطی را از طریق بخش خصوصی تأمین مالی کرد؛ که اوراق قرضه را از دولت خریداری کرد و به فدرال رزرو فروخت.

^۱ - بحرانی مالی جهانی

^۲ - نک: Hetzel (2012) and Bordo (2014)

^۳ - کسانی که دوره بحران کووید را با سایر دوره‌های تغییرات قیمت نسبی بزرگ مقایسه می‌کنند، به رشد بالای پول و پیامدهای تداوم تورم در دوره اخیر نیز اشاره دارند ((Greenwood and Hanke (2021)).



در نتیجه، افزایش شدید قیمت انرژی و کالا مشخصه هر دو سال ۲۰۰۸ و ۲۰۲۲ میلادی بود؛ بااین حال، تسهیلات پولی در قسمت اولی کم بود که منجر به تورم نسبتاً کم شد و در دومی بالا بود که منجر به افزایش شدید و مداوم تورم شد.

۶. نتیجه‌گیری

رویکرد تعادلی مورد استفاده در این مقاله، که براساس نظریهٔ مقداری پول استوار است، تحلیل خود را دربارهٔ آثار انبساط ترازنامهٔ بانک‌های مرکزی بر تورم در دوره‌های تاریخی، ارائه می‌کند. نتیجهٔ مقاله این شد که انبساط ترازنامهٔ بانک مرکزی، که منجر به رشد قابل توجه تورم شد، زمانی رخ داد که بانک مرکزی به صورت صریح یا ضمنی - از طریق بخش خصوصی - دولت را تأمین مالی کرده بود.



- Balke, N.S, Gordon, R.J, 1986. Appendix b historical data. In: Robert, J.G (Ed.), The American Business Cycle: Continuity and Change. NBER, pp. 781–850, <https://www.nber.org/research/data/tables-american-business-cycle>.
- Bordo, M.D, 2014. The Federal Reserve's role: Actions before, during, and after the 2008 panic in the historical context of the great contraction. In: Baily, M.N, Taylor, J.B (Eds.), Across the Great Divide: New Perspectives on the Financial Crisis. Hoover Institution and Brookings Institution, pp. 103–126.
- Friedman, M, Schwartz, A.J, 1963. A Monetary History of the United States, 1867-1960. Princeton University Press, Princeton, NJ.
- Greenwood, J, Hanke, S.H, 2021. On monetary growth and inflation in leading Economies, 2021-22: Relative prices and the overall price level. J. Appl. Corp. Finance 33, 39–51.
- Hetzel, R, 2012. The Great Recession: Market Failure Or Policy Failure?. Cambridge University Press, New York.
- Lucas, Jr, R.E, 1988. Money Demand in the United States: A Quantitative Review. In: Carnegie-Rochester Conference Series on Public Policy, 29, pp. 137–168.
- Reynard, S, 2007. Maintaining low inflation, money, interest rates, and policy Stance. J. Monetary Econ. 54 (5), 1441–1471.



بررسی تأثیر امنیت بالای رشد اقتصادی افغانستان و کشورهای منتخب در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ میلادی

مصطفی ابراهیمی^۱، محمد احسان عرفانی^۲ و ایمل واحدی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۲/۱

تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۳/۱۴

چکیده

رشد اقتصادی، هدف اولیه و نقطه مطلوب تمامی تلاش‌های اقتصادی تمام کشورها به شمار می‌آید. رسیدن به این هدف والا بدون امنیت امکان‌پذیر نیست؛ زیرا امنیت از بسترهای مهم رشد اقتصادی است و مهم‌ترین اثرات آن در پدیده سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی تبلور می‌یابد. با توجه به نقش امنیت بر رشد اقتصادی، تحقیق حاضر با هدف درک تأثیر امنیت بر رشد اقتصادی افغانستان و کشورهای منتخب، این سؤال را مطرح کرده است که امنیت چه تأثیری بر رشد اقتصادی افغانستان و برخی کشورهای منتخب (بنگلادیش، بوتان، پاکستان، عراق، سودان و نیپال) طی دوره زمانی ۲۰۱۰-۲۰۲۰ میلادی داشته است. برای یافتن پاسخ سؤال فوق، این فرضیه که امنیت تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی افغانستان و کشورهای منتخب داشته، طرح شده است که برای بررسی این فرضیه از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) و آزمون‌های تشخیصی روابط بین متغیرها استفاده شده است. پس از برآورد مدل تحقیق، با استفاده از نرم‌افزار Eviews به روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته، یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که متغیرهایی چون شاخص احساس فساد، تشکیل سرمایه ثابت، نرخ تورم و بیکاری رابطه منفی و معنی‌دار و نیروی کار و هزینه‌های نظامی رابطه مثبت و معنی‌داری با رشد اقتصادی افغانستان و کشورهای منتخب این تحقیق دارند.

واژگان کلیدی: امنیت، رشد اقتصادی، هزینه‌های نظامی، شاخص احساس فساد (CPI)، آزمون‌های فرضیه

^۱ - کدر علمی دانشکده اقتصاد، دانشگاه کاتب، کابل، افغانستان

Mustafa.Ibrahimi@kateb.edu.af

^۲ - کدر علمی دانشکده اقتصاد، دانشگاه کاتب، کابل، افغانستان

ehsanerfani1985@gmail.com

^۳ - محصل ماستری اقتصاد توسعه، دانشکده اقتصاد، دانشگاه کاتب، کابل، افغانستان

emalwahidi440@gmail.com



۱. مقدمه

دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی، همواره یکی از بنیادی‌ترین اهداف سیاست‌های کلان و مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی بوده است؛ به‌طوری که در ادبیات اقتصادی، رشد به مفهوم گسترش در استفاده از ظرفیت‌های تولید در نظر گرفته می‌شود و به‌طور دقیق‌تر براساس درصد افزایش تولید ملی واقعی سرانه در دوره‌ای بلندمدت بیان شده است (زمان‌زاده، ۱۴۰۰).

رشد اقتصادی^۱، به دلایل متعددی، با علاقه اقتصاددانان و دانشمندان جوامع مختلف بشری مواجه بوده و خواهد بود. افزایش ثروت، رفاه، ایجاد اشتغال و موارد دیگر به رشد و توسعه اقتصادی کشور وابسته هستند. هدف همه تئوری‌های اقتصادی نیز ایجاد رشد و توسعه بوده است (صحت و همکاران، ۱۳۹۷). رشد اقتصادی می‌تواند از طریق افزایش عواملی مانند سرمایه، نیروی کار، بهبود فناوری، منابع طبیعی و عوامل نهادی- از قبیل امنیت، زیرساخت‌ها و ... حاصل شود.

یکی از وظایف دولت در اقتصاد، تأمین امنیت به منظور فراهم شدن زمینه سرمایه‌گذاری، اشتغال و رشد اقتصادی است؛ براین اساس، سطح اولیه مخارج نظامی- برای تأمین امنیت- می‌تواند باعث افزایش سرمایه‌گذاری‌های خارجی و در نهایت، افزایش اشتغال، تحریک تقاضا و رشد اقتصادی شود (اصغری و همکاران، ۱۳۹۲). اقتصاددانان از سال‌های پیش همواره درصدد تبیین تفاوت کشورهای مختلف جهان از منظر رشد و توسعه اقتصادی بودند و عوامل مختلفی را برای این تفاوت مطرح کرده‌اند. در ابتدا، عوامل اقتصادی- مانند نرخ پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، رشد عوامل تولید، سرمایه انسانی و ... در تبیین تفاوت سطح توسعه کشورها مطرح بود؛ اما با مطالعات گسترده‌تر، مشخص شد که علاوه بر عوامل اقتصادی، عوامل غیراقتصادی نیز در تفاوت سطح رشد و توسعه کشورها مؤثر است. عواملی چون ثبات سیاسی، حاکمیت نظم و قانون، تضمین قراردادها، میزان فساد دستگاه اداری، حقوق مالکیت، اختلافات قومی، نژادی و فرهنگی، امنیت و ... از عوامل غیراقتصادی هستند که در رشد و توسعه اقتصادی کشورها نقش اساسی دارند.

مطالعات متعددی نشان می‌دهند که امنیت از مهم‌ترین عوامل مؤثر در رشد و توسعه کشورها است؛ به بیان دیگر، امنیت، اصلی‌ترین سنگ بنای اقتصاد است که شالوده تمامی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها در طول تاریخ بر آن استوار شده است (اسماعیل‌نیا و همکاران، ۱۳۹۵).

مهم‌ترین اثرات اقتصادی امنیت در پدیده سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی تبلور می‌یابد. سرمایه‌گذاری نقش مهمی در رشد و توسعه اقتصادی دارد (اسماعیل‌نیا و همکاران، ۱۳۹۵). به دلیل اینکه امنیت، شرط لازم و ضروری رشد و توسعه اقتصادی است- که افغانستان و کشورهای منتخب

¹ - Economic growth

آن را به طور مستمر نداشته‌اند- در این تحقیق، تأثیر امنیت بر رشد اقتصادی افغانستان و کشورهای منتخب از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ میلادی بررسی و رابطه این دو تجزیه و تحلیل شده است.

۲. ادبیات نظری تحقیق

رشد اقتصادی از مهم‌ترین اهداف و شاخص‌های عملکردی اقتصاد کلان است (شفیعی، ۱۳۹۷). رشد اقتصادی به معنی افزایش تولیدات و خدمات کشوری در دوره زمانی خاصی است که به‌حیث معیاری برای مقایسه و ارزیابی وضعیت اقتصادی مردم آن کشور نسبت به گذشته استفاده می‌شود (اثنی‌عشری امیری و همکاران، ۱۳۹۷). بررسی دلایل و عوامل رشد اقتصادی کشورها همیشه مورد توجه خاص اقتصاددانان بوده و مدل‌های رشد مختلفی برای آن طراحی شده‌اند. از نظر تاریخی، شروع تئوری‌های رشد اقتصادی به مارشال^۱ (۱۸۹۰ میلادی) و شومپتر^۲ (۱۹۴۲ میلادی) بازمی‌گردد. از نظر آلفرد مارشال، توسعه بازارها باعث رشد تولیدات و رشد اقتصادی داخلی و خارجی شده و در نهایت، منجر به افزایش درآمد برای کل اقتصاد می‌شود (جلال‌آبادی و بهرامی، ۱۳۸۹). در تئوری‌های رشد اقتصادی نئوکلاسیک، بررسی رابطه بین رشد اقتصادی، پس‌اندازها و انباشت سرمایه براساس تابع تولید کل توصیف شده است. تئوری‌های رشد درون‌زا^۳ نیروهای پیش‌برنده رشد اقتصادی^۴، پویایی‌های نشئت گرفته از آن‌ها و همچنین نیروهایی که بر انباشت آن‌ها تأثیرگذار است، بررسی شده‌اند. بروز تئوری‌های رشد درون‌زای رومر^۵ (۱۹۸۶ میلادی) و لوکاس^۶ (۱۹۸۸ میلادی) با گسترش الگوهای رشد اقتصادی و به پیروی از آن، تغییرات تکنولوژیکی درون‌زا هم‌زمان بوده است. نسل دوم الگوهای رشد درون‌زا نوآوری و خلاقیت را پایه و اساس فرایند رشد اقتصادی می‌دانند؛ در این زاویه دید، فعالیت‌های تحقیق و توسعه، تولید را از طریق افزایش کمیت، بهبود کیفیت، نهادهای واسطه‌ای و ... افزایش می‌دهند (مهرآرا و رضایی، ۱۳۹۵).

رشد اقتصادی عوامل مختلفی دارد که می‌توان آن‌ها را در قالب عوامل اقتصادی و عوامل غیراقتصادی تعریف کرد. منابع طبیعی، منابع انسانی، سرمایه، خلاقیت، تکنولوژی و ... از جمله عوامل اقتصادی رشد هستند و سازماندهی اجتماعی، شرایط سیاسی، امنیت، ارزش‌های اخلاقی و ... نیز عوامل غیراقتصادی رشد و توسعه به شمار می‌آیند (قره‌باغیان، ۱۳۹۰).

امنیت از مفاهیم پیچیده‌ای بوده که ارائه تعریفی دقیق از آن آسان نیست. امنیت، مفهومی ذهنی، نسبی و برساخته اجتماعی است که قدامت اندیشه درباره آن به آغاز حیات بشری و زندگی اجتماعی

1 - Marshal

2 - Shumpeter

3 - Endogenous Growth Models

4 - Economic Growth Driving Forces

5 - Romer

6 - lucas



برمی‌گردد. صحبت درباره امنیت پس از ختم جنگ جهانی دوم به جوامع آکادمیک راه پیدا کرد و با گذشت بیش از شش دهه از مناظرات درباره این مفهوم، مانند گذشته، عدم اتفاق نظر بین محققان در فهم چستی آن نظر مشترک تلاش‌های فکری است (درویشی، ۱۳۸۹).

امنیت به مفهوم ابتدایی و ساده آن عبارت است از صیانت نفس از خطرات احتمالی که جان انسان را تهدید می‌کنند؛ به عبارت دیگر، امنیت شرایطی است که فرد در مقابل خطرات، تهدیدها و زیان‌های نشئت گرفته از زندگی اجتماعی مورد حمایت جمع (جامعه) قرار گیرد و مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت داشته باشد؛ همچنین نبود حراس، بیم و دلهره نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع فردی و اجتماعی افراد، به خطر نیفتادن این حقوق و آزادی‌ها، مصون بودن از تهدید، خطر مرگ، بیماری، فقر و حوادث غیرمترقبه و درک هر عاملی که آرامش انسان را از بین ببرد، امنیت گفته می‌شود (یزدانی و صادقی، ۱۳۸۹).

به عبارتی دیگر، امنیت به معنی دور بودن از خطر یا ترس است و هرگاه فرد، سازمان، دولت یا جامعه‌ای واقعاً از خطر مورد نظر رها بوده یا در مقابل آن حفاظت شود، می‌توان گفت که آن فرد، سازمان، دولت یا جامعه از امنیت برخوردار است. در این تعریف، امنیت پدیده‌ای عینی تلقی شده و در برخی از تعاریف دیگر بر ادراکی و ذهنی بودن آن تأکید شده است. رویکرد رها بودن واقعی از خطر، بیان‌کننده امنیت نیست؛ بلکه در صورتی که فرد، سازمان، دولت یا جامعه‌ای احساس رها بودن از خطری داشته باشد، نسبت به آن خطر از امنیت برخوردار است (برومند و دیگران، ۱۳۸۷).

در نتیجه، «امنیت به معنی نبود ترس و تهدیدات و رهایی بخشی و آزاد ساختن مردم از آن دسته قیدوبندهای فیزیکی و انسانی که آنان را از انجام آنچه آزادانه تصمیم به انجامش می‌گیرند باز می‌دارد. جنگ و تهدید یکی از این قیدوبندها است؛ فقر، آموزش و پرورش ضعیف، سرکوب سیاسی و ... نیز همین‌طور. امنیت و رهایی دور روی یک سکه‌اند. رهایی بخشی و نظم قدرتی است که امنیت حقیقی را به وجود می‌آورد (بوث^۱، ۱۹۹۱ م).

۳. رویکردهای مختلف امنیتی

امنیت، از آغاز ایجاد جوامع انسانی، مسئله بوده و برای دستیابی به آن تلاش به عمل آمده است. معانی و تعاریف امنیت در زمان‌های و مکان‌های مختلفی برای مردم بسیار تفاوت داشته است؛ بالاین‌حال، بررسی‌های امنیت در قالب موضوع علمی و پژوهشی نوآوری نسبتاً جدیدی بوده که پس از جنگ جهانی دوم برجسته شد (ویلیامز، ۱۳۹۰).

¹ - Booth

امروزه، تحقیق و بررسی درباره امنیت از موضوعات مهم است و در دستور کار بسیاری از رشته‌های دانشگاهی - از قبیل علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، اقتصاد، علوم اجتماعی و ... - قرار گرفته است. به عقیده تحلیلگران، دوران طلایی تحقیق و بررسی درباره امنیت به دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی برمی‌گردد؛ در این دوره دولت‌های غربی به رویکردهای غیرنظامی امنیت، که برانگیخته از فعالیت‌های دانشگاهی بود، توجه خاصی نشان دادند. با این حال برجسته‌ترین تحقیق مرتبط با امنیت، کتابی به نام «مردم دولت‌ها و هراس» بری بوزان در سال ۱۹۸۳ میلادی بود که تحولات بسیار مهمی درباره بررسی‌های امنیتی ایجاد کرد.

بوزان بیان کرد که امنیت تنها ناظر بر دولت‌ها نیست؛ بلکه به همه فعالیت‌های انسان مربوط می‌شود؛ همچنین نمی‌توان آن را با تکیه بر نیروی نظامی، که به‌طور ذاتی نارس است، محدود کرد. بوزان چهارچوبی را توسعه داد که به سبب آن، امنیت فعالیت‌های بشری متأثر از پنج بخش عمده بوده؛ که هر یک از آن‌ها دارای کانون خاص خود و شیوه‌ای ویژه برای تنظیم اولویت‌ها داشتند و عبارت بود از نظامی^۱، سیاسی^۲، اقتصادی^۳، اجتماعی^۴ و محیط زیستی^۵ (ویلیامز، ۱۳۹۰).

تحقیقات مختلفی در ارتباط با امنیت گسترش یافته‌اند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به «واقع گرایی»، «لیبرالیسم»، «نظریه بازی‌ها»^۶، «برسازی»^۷، «رویکرد صلح» و «رویکرد انتقادی» اشاره کرد. در میان این تحقیقات، رویکرد صلح - به دلیل ایفای نقش تأثیرگذار در شاخص‌سازی امنیت که در ادامه استفاده می‌شود - توجه اقتصاددانان را به خود جلب کرده است (لولر، ۲۰۰۸ م).

در تحقیقات رویکردهای مختلف نظری، می‌توان دو فلسفه رایج را درباره امنیت مشخص کرد که هرکدام نقطه عزیمت کاملاً متفاوتی با دیگری دارد. فلسفه اول، امنیت را مترادف با انباشت قدرت می‌داند؛ این دیدگاه، امنیت را کالایی عمومی می‌شناسد - یعنی افراد باید برای داشتن امنیت چیزهایی مانند دارایی، پول، سلاح، ارتش و ... داشته باشند. این دیدگاه، راه رسیدن به امنیت را انباشت قدرت می‌داند؛ یعنی هرچه افراد، قدرت بیشتری گرد آورند - به‌ویژه نظامی - از امنیت بیشتری برخوردار خواهند بود.

فلسفه دوم با نتیجه قدرت بودن امنیت مخالف است و فلسفه امنیت را در رهایی^۸ می‌داند؛ بدین مفهوم که رعایت عدالت و تأمین حقوق بشر، نه اینکه امنیت یک کالا بلکه رابطه‌ای میان بازیگران

1 - Military

2 - Political

3 - Economic

4 - Societal

5 - Environmental

6 - Game Theory

7 - Constructivism

8 - Emancipation



مختلف شناخته می‌شود. از این روابط می‌توان دو نوع تلقی برداشت کرد؛ تلقی سلبی (امنیت به نبود چیزی تهدیدکننده باز می‌گردد) یا تلقی ایجابی (امنیت متضمن پدیده‌هایی است که توانایی ایجاد می‌کنند و امور را امکان‌پذیر می‌سازند) که این تفاوت معمولاً در دو مفهوم «آزادی از» و «آزادی برای» نمایان می‌شود.

در تلقی مناسباتی، امنیت، ملزم به کسب اعتماد نسبی به مناسباتی است که از برخی پابندی‌های مشترکی ایجاد شده که به نوبه خود اطمینان و پیش‌بینی‌پذیری نسبی به وجود می‌آورند. این دیدگاه می‌گوید عامل تعیین‌کننده برای شناخت معادله امنیت و ناامنی، وجود کالای خاص (جنگ‌افزارها و ...) نیست؛ بلکه به رابطه میان بازیگران مربوط است (ویلیمز، ۱۳۹۰).

فلسفه اول را، که قدرت بیشتر به مفهوم امنیت بیشتر است، می‌توان بیانگر رویکرد سنتی نسبت به امنیت قبول کرد. فلسفه دوم نیز بیانگر رویکرد نوین امنیت است که قدرت را به تتهایی عامل تعیین‌کننده امنیت نمی‌داند و فقدان عوامل تهدیدکننده و وجود بستر لازم برای ایجاد و ظهور پتانسیل‌ها و توانایی‌ها را از نگاه امنیت تلقی می‌کند.

جدول ۱: رویکردهای مختلف امنیت، مفهوم و شاخص‌های اندازه‌گیری

رویکردهای امنیتی	مفهوم	شاخص‌های اندازه‌گیری
سنتی	قدرت بیشتر به مثابه امنیت بیشتر	قدرت تسلیحاتی مخارج نظامی تعداد پرسنل نظامی و ...
نوین	نبود عوامل تهدیدکننده وجود بستر برای ایجاد و ظهور پتانسیل‌ها و توانایی‌ها	شاخص صلح جهانی شاخص شکنندگی دولت‌ها شاخص احساس فساد هزینه‌های خشونت و ...

منبع: اسماعیل‌نیا، علی اصغر. «بررسی تأثیر امنیت بالای رشد اقتصادی ایران و برخی کشورهای منتخب».

۳-۱. رویکرد سنتی امنیت و رشد اقتصادی

در رویکرد سنتی، جمع کردن قدرت از ضروریات اصلی امنیت است که امروزه این مقوله در قالب هزینه‌های نظامی و بحث اقتصاد دفاع، وارد ادبیات اقتصاد شده‌اند.

اقتصاد دفاع، شعبه‌ای جدید از مطالعات اقتصادی است که مدیریت مخارج دفاعی را در دوره‌های جنگ و صلح و آثار خارجی این مخارج بر سایر بخش‌های اقتصاد را بررسی و تحلیل می‌کند. به‌طور کلی، هزینه‌های دفاعی را مخارج کالاهای عمومی اقتصاد در نظر می‌گیرند؛ اما اقتصاد دفاع، رابطه‌ی مخارج دفاعی و متغیرهای کلان اقتصادی را از طریق کانال‌های مختلف بررسی و تحلیل می‌کند (آندو^۱، ۲۰۰۹ م: ۱۴۲). رشد اقتصادی، یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها در این زمینه است که موضوع بسیار داغ تحلیل‌ها و مطالعات را تشکیل می‌دهد؛ در این باره می‌توان رابطه‌ی هزینه نظامی و رشد اقتصادی را از دو کانال اثرات تقاضا و عرضه تجزیه و تحلیل کرد.

از نظر اثرات مثبت تقاضا، افزایش برونزا در هزینه‌های نظامی، طرف تقاضای اقتصاد را تحریک می‌کند و آن را افزایش می‌دهد. افزایش تقاضای کل از طریق هزینه‌های نظامی باعث افزایش اندازه بهره‌برداری از ظرفیت‌های اقتصادی کشور می‌شود و افزایش نرخ بهره‌وری ناشی از آن موجب ارتقای سطح تولید از طریق ضریب فزاینده یکپزنی (تکثیر) و در نهایت، رشد اقتصادی می‌شود. علاوه بر این، اگر مخارج نظامی در تولید تجهیزات و ابزار نظامی مصرف شوند، صادرات آن می‌تواند باعث بهبود بیلانس تجاری شود و از طریق آن ضریب فزاینده رشد اقتصادی افزایش پیدا کند (دانن و همکاران^۲، ۲۰۰۵ م).

از نظر اثرات منفی تقاضا، افزایش هزینه‌های نظامی، با توجه به محدودیت بودجه دولت، از طریق اثر جایگزینی این هزینه‌ها با هزینه‌های غیرنظامی بخش عمومی (مخارج سرمایه‌گذاری، آموزشی و صحت) و افزایش مالیات‌ها و بدهی‌های خارجی (از جانب کسری بودجه) (فرح‌بخش و همکاران، ۱۳۸۸) سبب پایین آمدن رشد اقتصادی می‌شود. این مسئله را می‌توان براساس مثال «جایگزینی اسلحه با رفاه»^۳ نیز تشریح کرد؛ بنابراین، خرید اسلحه، با توجه به کمبود ارز، منابع موجود را برای وارد کردن کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌گذاری در جهت بهبود رشد اقتصادی بلندمدت پایدار کاهش می‌دهد (نارایان و اسمیت^۴، ۲۰۰۹ م).

همچنین اگر مخارج نظامی بیشتر صرف واردات تجهیزات و وسایل نظامی شوند- که در کشورهای در حال توسعه معمولاً همین‌طور است- با توجه به تأثیر منفی آن بر بیلانس تجاری، رشد اقتصادی کاهش پیدا می‌کند. از طریق اثرات عرضه می‌توان تأثیر مخارج نظامی روی رشد اقتصادی را چنین تشریح کرد که افزایش این هزینه‌ها از طریق به‌کارگیری عوامل تولید (سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی و منابع طبیعی) و فناوری- به واسطه پیوندهای پسین و پیشین با سایر بخش‌های اقتصادی-

¹ - Ando

² - Dunne and et al

³ - Guns Verses Butter Trade Off

⁴ - Narayan and Smyth



سطح تولید بالقوه را افزایش و رشد اقتصادی را سرعت می بخشد؛ البته ممکن است این کانال، مانند کانال اثرات تقاضا، از طریق تغییر موجودی سرمایه و اثر جایگزینی هزینه های نظامی، به جای مخارج سرمایه گذاری، رشد اقتصادی را کاهش دهد (دانن و همکاران، ۲۰۰۵ م).

علاوه بر این، افزایش مخارج نظامی می تواند، از طریق افزایش امنیت، رشد اقتصادی را به طور مستقیم افزایش دهد. بعضی از تئوری های اقتصادی، امنیت را نوعی کالای عمومی دانسته اند که خصوصیات غیر قابل استثنا کردن و عدم رقابتی بودن در مصرف آن وجود دارد. این ویژگی ها سبب شده است تا تأمین مالی مخارج دفاعی توسط بخش های غیر دفاعی توجیه پذیر شود؛ به عبارت دیگر، بخش دفاعی - که اغلب تولید کننده نوعی کالای عمومی خالص است - با سایر بخش های غیر دولتی اقتصاد مشابهت چندانی ندارد (گلخندان، ۱۳۹۳).

پژوهش های تجربی گوناگونی درباره تأثیرات اقتصادی بخش امنیت انجام گرفته اند که می توان به مدل فدر-رم^۱ اشاره کرد؛ در این مدل، عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی به دو بخش تقسیم می شوند که شامل بخش صادرات و سایر بخش های داخلی (بخش های غیر صادرات) است. رم و بیسوایز^۲ (۱۹۸۶ م) از این مدل برای بررسی هزینه های دفاعی استفاده کردند. شکل نهایی مدل فدر، که نقش مخارج نظامی در رشد اقتصادی را تبیین می کند، به شکل رابطه (۱) ارائه شده است (رام^۳، ۱۹۹۹ م).

$$\frac{\dot{Y}}{Y} = \alpha \frac{I}{Y_{-1}} + \beta \frac{\dot{L}}{L_{-1}} + \left(\frac{\delta}{1 + \delta} - \theta \right) \frac{\dot{M}}{Y_{-1}} + \theta \frac{\dot{M}}{M_{-1}} \quad (1)$$

به عبارت دیگر:

$$\frac{\dot{Y}}{Y} = \alpha \frac{I}{Y_{-1}} + \beta \frac{\dot{L}}{L_{-1}} + \gamma \frac{\dot{M}}{Y_{-1}} \quad (2)$$

که در آن Y ، I ، L و M به ترتیب تولید، سرمایه گذاری، نیروی کار و هزینه های نظامی هستند.

اقتصاددانان و کارشناسان، شکل دیگری از توابع را برای بررسی آثار اقتصادی مخارج دفاعی استفاده کرده اند که مبتنی بر تابع کاب-داگلاس و در راستای مدل رشد سولو است. نمونه این توابع در رابطه (۳) ارائه شده است (دانن و همکاران، ۲۰۰۵ م).

$$y = Ak^{1-\alpha-\beta} g_1^\alpha g_2^\beta \quad 0 < \alpha, \beta < 1 \quad (3)$$

که در آن y ، k ، g_1 و g_2 هر کدام به ترتیب به معنای تولید ناخالص داخلی، موجودی سرمایه خصوصی، هزینه های نظامی و هزینه های غیر نظامی هستند.

¹ - The feder Ram Based Defence – Growth Model

² - Biswas and Ram

³ - Ram

علاوه بر رابطه (۳)، تحلیل‌های دیگری نیز از رابطه ابعاد مختلف امنیت و عملکرد اقتصادی انجام شده‌اند که نمونه آن به‌منظور بررسی ابعاد مختلف امنیت بر رشد اقتصادی مطابق رابطه (۴) است (مینتز و هانگ^۱، ۱۹۹۹ م).

$$y = \alpha + \beta_1 I + \beta_2 L + \beta_3 \sum_{0}^1 M + \beta_4 NM + \beta_5 + \beta_6 ELEC + \beta_7 DEM + e \quad (4)$$

که در آن y ، I ، L ، M ، NM ، X ، EC و DEM به‌ترتیب یعنی تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری، جمعیت، مخارج نظامی، مخارج غیرنظامی، صادرات، ادوار فنی و سطح دموکراسی.

مشابه رابطه (۴) برای بررسی آثار و مخارج نظامی بر سرمایه‌گذاری، رابطه (۵) معرفی شده که مبتنی بر مطالعات مینتز و هانگ (۱۹۹۱ م) است.

$$I = \alpha_1 + \sum_{s=0}^{n1} b_{11.s} \Delta P_{-s} + \sum_{s=0}^{n2} b_{12.s} \Delta NM_{-s} + \sum_{s=0}^{n3} b_{13.s} \Delta M_{-s} + b_{14} DEM + e \quad (5)$$

که در آن p نشانگر ستانده تجاری بخش خصوصی و DEM به معنای فرایند دموکراتیک بوده و سایر نمادها مانند تابع قبل هستند.

۲-۳. رویکرد نوین امنیت و رشد اقتصادی

الگوی رشد نئوکلاسیک، چهارچوب مهمی برای رشد بلندمدت مهیا می‌کند. در الگوی رشد سولو، رونق و رشد اقتصادی نشئت گرفته از عوامل کار، سرمایه و تکنولوژی تحت فرض عملکرد رقابتی اقتصاد هستند. الگوهای رشد کاس، کوپمنز، لوکاس و رومر نیز، که براساس این الگو گسترش یافته‌اند، سرمایه نیروی کار و تکنولوژی و دانش را عامل مکانیکی و تعیین‌کننده رشد ارزیابی کرده‌اند. در این صورت این الگوها نتوانسته‌اند به‌خوبی تفاوت سطح درآمدی کشورهای مختلف جهان را توضیح بدهند.

برخی از نظریات بر این باورند که عوامل تعیین‌کننده تفاوت درآمد، بیشتر نشئت گرفته از تفاوت در زیرساخت‌های اجتماعی و به عبارت دیگر، نهادها و سیاست‌هایی هستند که سبب تشویق سرمایه‌گذاری و تولید، به‌جای مصرف و از بین رفتن منابع می‌شوند. بحث انحراف منابع به

¹ - Mintz and Huang



فعالیت‌هایی اشاره دارد که منجر به اختصاص منابع به فعالیت‌هایی غیر از سرمایه‌گذاری و تولید می‌شود؛ این انحراف، که در اقتصاد به نام رانت‌جویی گفته می‌شود، به‌طور مشخص بر مشکلاتی مانند جنایت، بندوبست برای فرار مالیاتی و... اشاره دارد.

سازمان‌ها و تدابیری، که زیرساخت‌های اجتماعی را تشکیل می‌دهند، عبارت از عواملی هستند که محیطی را برای تصمیم‌گیری خصوصی در داخل آن به وجود می‌آورند. اگر جرم و جنایت کنترل نشود یا جنگ داخلی با حمله خارجی به وجود بیاید، پاداش سرمایه‌گذاری برای بخش خصوصی و فعالیت‌هایی که تولید را افزایش می‌دهند، پایین می‌آید؛ همچنین، اگر به قراردادهای احترام داده نشود یا تفاسیر دادگاه‌ها از آن غیرقابل پیش‌بینی باشد، طرح‌های سرمایه‌گذاری درازمدت جذابیت کمتری پیدا می‌کنند (رومر، ۲۰۰۶ م).

رویکرد نوین امنیتی، نزدیکی معنایی بالایی با بحث تأثیر سازمان‌ها و تدابیر در عملکرد اقتصادی دارد. این رویکرد به خلاصی از عوامل تهدیدکننده فردی و اجتماعی تأکید دارد و در جستجوی ایجاد زمینه لازم برای ایجاد و ظهور قوت‌ها و توانایی‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی افراد و جامعه است. تعریف جدید امنیت، نقش مهمی نیز در عملکرد و رشد اقتصادی ایفا می‌کند؛ بنابراین، شاخص‌های مربوط با امنیت، یکی از عوامل نهادی است که باتوجه به این موضوع می‌توان تابع تولد اقتصاد را به شکل تابع (۶) ارائه کرد.

$$Y = f(K, L, D) \quad (6)$$

که در آن Y ، K ، L و D به ترتیب تولید ناخالص داخلی، سرمایه، نیروی کار و عوامل نهادی - از قبیل شاخص‌های امنیت - هستند. این شاخص‌ها در ادامه، با استفاده از معیارهای مبتنی بر محیط صلح‌آمیز، نبود فساد، عدم شکنندگی دولت‌ها و سایر موارد بررسی می‌شوند.^۱

۴. پیشینه تحقیق

تحقیقی با عنوان «تأثیر امنیت بر رشد اقتصادی در ایران و برخی کشورهای منتخب» در سال ۱۳۹۵ توسط علی اصغر اسماعیل‌نیا و شهرام وصفی اسفستانی صورت گرفت که آثار اقتصادی دو رویکرد سنتی و نوین امنیتی با استفاده از شاخص‌های مختلفی چون شکنندگی دولت‌ها، درک فساد، صلح و مخارج نظامی، برای ۱۳۵ کشور در دو دوره زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴ و ۲۰۰۸ تا ۲۱۰۴ میلادی با بهره‌گیری از تحلیل پانل دیتا در آن بررسی شد. نتایج به‌دست‌آمده در تحقق مذکور نشان می‌دهند که مؤلفه‌های مخارج نظامی و شکنندگی دولت، تأثیری منفی بر رشد اقتصادی دارند و هرچه دولت‌ها شکننده‌تر باشند، میزان رشد اقتصادی آن‌ها پایین‌تر خواهد بود. بررسی رابطه «شاخص

^۱ - برای بررسی نظری رویکردهای نوین امنیتی می‌توان از الگوهای مبتنی بر رانت‌جویی و تولید اقتباس کرد.

احساس فساد» و رشد اقتصادی نشان می‌دهد، دولت‌های پاک‌تر دارای رشد اقتصادی بیشتری هستند. بررسی رابطه «شاخص جهانی صلح» و «شاخص شکنندگی دولت‌ها» با میزان سرمایه‌گذاری در کشورهای منتخب نشان می‌دهند که شاخص جهانی صلح دارای تأثیر مثبت و شاخص شکنندگی دولت دارای تأثیر منفی است. در کل، شاخص‌های منبعث از رویکردهای سنتی، تأثیر مثبتی بر رشد اقتصاد ندارند و رویکردهای نوین، به دلیل ساختارگرا بودن و توجه به طیف وسیعی از عوامل ناامن‌کننده، ارتباط مثبتی با مؤلفه‌های اقتصادی در جوامع مختلف دارند. در تحقیقی (بیلدیریم، اوکال و کسکین، ۲۰۱۱ م) با عنوان «مخارج نظامی، رشد اقتصادی و سرریز فضایی» با تلفیق مدل رشد سولو و فدر-رم به بررسی رابطه میان رشد اقتصادی و مخارج نظامی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که مخارج نظامی، تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی کشورهای جهان دارند.

تیواری در تحقیقی با عنوان «مخارج دفاعی و رشد اقتصادی»، با استفاده از روش VECM برای کشور هند، نشان داد رابطه‌ای منفی بین رشد اقتصادی و هزینه‌های نظامی در آن کشور وجود دارد. تحقیق آندو (۲۰۰۹ م) با عنوان «تأثیر مخارج نظامی بر رشد اقتصادی» - که با استفاده از داده‌های ترکیبی، مدل فدر و داده‌های آماری ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۳ میلادی برای ۱۰۹ کشور انجام شده است - نشان داد رابطه مثبتی بین هزینه‌های نظامی و رشد اقتصادی وجود دارد.

دیزجی و تقی‌زاده (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان «اثر هزینه‌های نظامی بر بدهی‌های خارجی در کشورهای در حال توسعه»، با استفاده از داده‌های آماری ۷۷ کشور در حال توسعه در دوره زمانی ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۷ میلادی، از طریق گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) به این نتیجه رسیدند که هزینه‌های نظامی اثر مثبت و درآمد اثر منفی بر بدهی‌های خارجی دارند.

گل‌خندان (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان «تأثیر هزینه‌های نظامی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه‌یافته»، با استفاده از روش GMM و داده‌های آماری سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۰ میلادی، نشان داد که هزینه‌های نظامی رابطه‌ای منفی با رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه دارد اما این رابطه در کشورهای توسعه‌یافته، مثبت است.

سانتیرازگام^۱ (۲۰۰۸ م) در بررسی خود با عنوان «صلح و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه»، با استفاده از داده‌های ترکیبی طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴ میلادی برای ۷۷ کشور جهان سوم، ارتباط محیط صلح‌آمیز با رشد اقتصادی را ارزیابی کرده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که صلح، به طور مستقیم و غیر مستقیم، بر رشد اقتصادی اثر دارد. صلح، سبب کاهش خطر

¹ - Santhiasgaram



و نااطمینانی می‌شود و تأثیر مثبتی بر تجمیع سرمایه فیزیکی و انسانی دارد؛ علاوه بر این، محیط صلح‌آمیز با افزایش بهره‌وری کار و سرمایه، بهبود حکمرانی خوب، افزایش ورود گردشگران خارجی و عملکرد مؤثر سازمان‌ها، به‌طور غیرمستقیم، در بالا بردن رشد اقتصادی اثر دارد.

مان هو و دینوف (۲۰۱۳ م) در بررسی خود با عنوان «مطالعه تجربی رونق اقتصادی و صلح»، با استفاده از ترکیب مدل چندمتغیره خطی لگاریتمی و تجزیه و تحلیل تبعیض، رابطه بین صلح و رشد اقتصادی را ارزیابی کردند. در این بررسی، این فرض که سایر متغیرهای برون‌زا- از قبیل صلح، سیاست‌ها، تاریخ و فرهنگ- در تئوری رشد نئوکلاسیک، نقش مکانیکی و تعیین‌کننده (مانند عوامل کار، سرمایه و فناوری) در رشد اقتصادی ندارند بررسی شد. نتایج به‌دست‌آمده نشان دادند که رابطه مثبت بین رشد اقتصادی و محیط صلح‌آمیز، خطی و مکانیکی نیست.

۵. روش پژوهش

در تحقیق حاضر، تأثیر امنیت بر رشد اقتصاد افغانستان و برخی کشورهای منتخب- با استفاده از تکنیک اقتصادسنجی و مدل داده‌های ترکیبی- بررسی شده است. مدل مورد نظر پس از انجام مطالعات و بررسی‌های لازم از مقالات و نشریات داخلی و خارجی استخراج خواهد شد و پس از بررسی تجربی روابط مشخص‌شده، با استفاده از تجزیه و تحلیل‌های اقتصادسنجی و نرم‌افزار ایویوز^۱، به تحلیل داده‌ها می‌پردازیم.

ابتدا مبانی نظری، با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و اینترنتی، جمع‌آوری می‌شوند و آمار و اطلاعات برای تخمین از داده‌های سری زمانی بانک جهانی استفاده خواهد شد.

برای بررسی تأثیر امنیت بر رشد اقتصادی افغانستان و برخی کشورهای منتخب مدل اقتصادسنجی زیر را به تبعیت از (Ajbola, Joseph Olusegun, 2016) می‌توان در نظر گرفت.

$$LRGDP_{it} = \beta_1 + \beta_2 LCPI_{it} + \beta_3 LGFCF_{it} + \beta_3 Llnfrate_{it} + \beta_4 LLabor_{it} + \beta_5 Lexp_{it} + \beta_6 LUnEm_{it} + u_{it} \quad (7)$$

که در آن:

$LRGDP_{it}$ نشان‌دهنده لگارتیم رشد اقتصادی؛

$LCPI_{it}$ نشان‌دهنده لگارتیم شاخص ادراک فساد؛

$LGFCF_{it}$ نشان‌دهنده لگارتیم تشکیل سرمایه ثابت؛

$Llnfrate_{it}$ نشان‌دهنده لگارتیم نرخ تورم؛

$LLabor_{it}$ نشان دهنده لگارتیم نیروی کار؛

$Lexp_{it}$ نشان دهنده لگارتیم هزینه‌های نظامی؛

$LUnEm_{it}$ نشان دهنده لگارتیم نرخ بیکاری؛

u_{it} نشان دهنده جزء خطا، $\hat{\alpha}$ نشان دهنده واحد مقطعی و t نشان دهنده دوره زمانی هستند.

۵-۱. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای آزمون فرضیه‌ها در این تحقیق از مدل رگرسیون خطی چندمتغیره استفاده شده است. روش آماری استفاده شده در این تحقیق، روش داده‌های ترکیبی است. در ادامه، ابتدا روش داده‌های پانل و آزمون‌های مربوط به آن تشریح می‌شوند؛ سپس آزمون‌های مربوط به معنی دار بودن کل مدل و متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شوند. در اخیر نیز، پس از تشریح آزمون‌های مربوط به مفروضات رگرسیون کلاسیک، نحوه تصمیم‌گیری درباره رد یا پذیرش فرضیه‌های تحقیق بیان می‌شود. لازم به ذکر است که برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در این مطالعه از نرم‌افزار Eviews کمک گرفته شده است.

۶. تحلیل‌های آماری

بررسی ایستایی متغیرها: برای جلوگیری از رگرسیون کاذب در تخمین مدل، باید ابتدا از مانا بودن متغیرهایی که در مدل وارد کرده‌ایم اطمینان حاصل کنیم. چنانچه متغیرها مانا باشند، تخمین‌ها مشکل دچار رگرسیون ساختگی نخواهند شد؛ اما اگر متغیرها مانا نباشند، باید رابطه هم‌انباشتگی بین متغیر وابسته و مستقل را بررسی کنیم. برای سنجش مانایی متغیرهای مدل از آزمون ریشه واحد لوین، لین و چو (LLC)، استفاده خواهیم کرد. آزمون LLC از آزمون‌هایی است که به‌طور گسترده‌ای در مطالعات اقتصادسنجی استفاده می‌شود. نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد متغیرهای مدل به روش LLC یا (LLV- low level vision approach) در جدول (۲) گزارش شده‌اند.

جدول ۲: آزمون ایستایی متغیرها

متغیرها	مرتبه	لین - لوین	p-value	فیشر ADF	p-value
شاخص ادراک فساد (CPI)	سطح	-13.8163	0.0000	33.5317	0.0024
تشکیل سرمایه ثابت (GFCF)	سطح	-1.3357	0.0908	16.2652	0.2975
	یک تفاضل	3.3716	0.9996	17.9629	0.2085
	دو تفاضل	-3.7763	0.0001	50.2538	0.0000
نرخ تورم	سطح	-1.4594	0.0722	11.1788	0.6719

0.0369	24.7683	0.0014	-2.9871	یک تفاضل	(Infrate)
0.0425	23.5040	0.0000	-6.6574	سطح	نیروی کار (Labor)
0.2702	16.7409	0.6971	0.5161	سطح	بیکاری
0.0035	32.3941	0.0000	-4.0742	یک تفاضل	(UnEm)
0.1030	20.9462	0.2547	-0.65965	سطح	هزینه‌های نظامی
0.0099	29.1645	0.0000	-5.6564	یک تفاضل	(EXPS)
0.9705	5.8354	0.1223	-1.1634	سطح	رشد اقتصادی
0.0004	38.5632	0.2462	-0.6863	یک تفاضل	(RGDP)
0.0001	43.0503	0.0222	-2.0105	دو تفاضل	

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، متغیرهایی چون شاخص احساس فساد و نیروی کار در سطح مانایی هستند و سایر متغیرها در سطح نامانای قرار دارند که متغیرهایی چون هزینه‌های نظامی، بیکاری و نرخ تورم با یک مرتبه تفاضل مانا شده‌اند و متغیرهای رشد اقتصادی و تشکیل سرمایه ثابت با گرفتن دو مرتبه تفاضل مانا شده‌اند.

اگر متغیرها در سطح نامانای باشند، تخمین متغیرها باعث ایجاد رگرسیون کاذب می‌شود و باید رابطه متغیرها در کوتاه‌مدت را تخمین بزنیم؛ اما با تفاضل‌گیری، اطلاعات ارزشمندی را از دست می‌دهیم. در اینجا با استفاده از آزمون هم‌انباشتگی می‌توان رگرسیون را بدون هراس از کاذب بودن، براساس سطح متغیرهای سریزمانی برآورد کرد. به‌طور کلی، اگر متغیرها (سری) انباشته از مرتبه یکسانی باشند، رگرسیون روی سطح متغیرها معنی‌دار است؛ یعنی رگرسیون، دیگر ساختگی نیست و هیچ‌گونه اطلاعات بلندمدتی را از دست نمی‌دهیم؛ بنابراین برای بررسی وجود رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرها باید وجود هم‌گرایی را بین آن‌ها آزمون کنیم.

۶-۱. آزمون هم‌انباشتگی (هم‌جمعی)

در صورتی که متغیرهای تحقیق ایستا نباشند، امکان بروز رگرسیون ساختگی وجود دارد. از سوی دیگر، اگر متغیرها ایستا نباشند اما هم‌جمعی داشته باشند، امکان تخمین وجود دارد؛ در این صورت، رابطه بلندمدت میان متغیر وابسته و متغیرهای مستقل وجود دارد. بنابراین، برای بررسی رابطه بلندمدت از آزمون هم‌جمعی استفاده می‌شود که در این تحقیق استفاده شده است.



جدول ۳: نتایج آزمون هم‌جمعی کائو

ADF	مقدار آماره	احتمال آماره
	-1.3378	0.0405
منبع: یافته‌های تحقیق		

جدول (۳) نشان می‌دهد که با آزمون هم‌جمعی کائو، فرضیهٔ صفر مبنی بر عدم وجود هم‌انباشتگی با احتمال ۹۵٪ رد شده است. نتایج آزمون نشان می‌دهند که تعادل بلندمدتی بین متغیرهایی چون هزینه‌های نظامی، تشکیل سرمایهٔ ثابت، نیروی کار، نرخ بیکاری، شاخص احساس فساد و نرخ تورم وجود دارد و تخمین ما دچار رگرسیون کاذب نیست.

۶-۲. آزمون F لیمر

از آزمون F لیمر برای انتخاب روش حداقل مربعات معمولی (OLS) و مدل اثرات ثابت استفاده می‌شود. در این آزمون، فرضیهٔ صفر بیانگر یکسان بودن ضرایب و عرض‌ازمبداء در داده‌های بررسی است؛ از این‌رو، رد فرضیهٔ صفر مبین استفاده از روش اثرات ثابت و عدم رد فرضیه بیانگر استفاده از روش حداقل مربعات معمولی ادغام‌شده است.

جدول ۴: نتایج آزمون F لیمر

F لیمر	آماره	احتمال
	۲۴/۸۳۲۸	۰/۰۰۰۰
منبع: یافته‌های تحقیق		

با توجه به نتایج جدول بالا احتمال، کمتر از ۵٪ است و فرضیهٔ صفر آزمون مذکور رد می‌شود؛ یعنی نتیجهٔ آزمون نشانگر این ست که مدل داده‌های تلفیقی، برای تخمین مناسب نیست و باید براساس مدل اثرات ثابت تخمین زده شود. همان‌طور که مشاهده می‌شود، نتایج، بیانگر رد فرضیهٔ صفر هستند و باید از روش داده‌های ترکیبی استفاده شود.

۶-۳. آزمون هاسمن

پس از اینکه مشخص شد مدل، پنل است یا پولینگ، این سؤال مطرح می‌شود که آیا مدل دارای اثرات ثابت است یا اثرات تصادفی. برای تشخیص مدل از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. براساس آزمون هاسمن، استقلال جزء خطا، عرض‌ازمبداء و متغیرهای توضیحی آزمون می‌شوند. در این آزمون، فرضیهٔ H_0 نشان‌دهندهٔ مدل اثرات تصادفی است؛ در صورتی که احتمال، بیشتر از ۵٪ باشد، فرضیهٔ صفر تأیید می‌شود و مدل دارای اثرات تصادفی خواهد بود.

فرضیهٔ آزمون هاسمن به‌صورت ذیل خواهد بود:

اثرات تصادفی $H_0 =$

اثرات ثابت $H_1 =$

به طور خلاصه، فرضیه صفر در آزمون هاسمن، توصیه به استفاده از روش تصادفی و فرضیه یک، توصیه به استفاده از اثرات ثابت دارند.

جدول ۵: نتایج آزمون هاسمن

Cross-section random	Chi-Sq. Statistic ۱۶۸/۰۹۰۵	Chi-Sq. d. f. ۶	Prob ۰/۰۰۰۰
-------------------------	-------------------------------	--------------------	----------------

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج آزمون هاسمن حاکی از این هستند که در سطح اطمینان ۹۵٪، مدل باید به روش اثرات ثابت برآورد شود؛ به عبارت دیگر، پس از اینکه وجود ناهمگنی در مقاطع تأیید شد، باید منشأ خطاهای ناشی از تخمین نیز تعیین شود. در چنین خطاهایی، با اثر ثابت و تصادفی مواجه خواهیم بود که نتیجه آزمون هاسمن نشان می‌دهد فرضیه H_0 ، مبنی بر مناسب بودن اثرات تصادفی، رد می‌شود و استفاده از اثرات ثابت، رگرسیون مناسب‌تری خواهد داشت.

۴-۶. آزمون واریانس ناهمسانی

موضوع مهم دیگر این است که آیا مدل مورد بحث، توسط روش حداقل مربعات معمولی (OLS)^۱ برآورد شود یا توسط روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS)^۲. اگر جملات اخلاص از یکدیگر مستقل و دارای واریانس‌های یکسان باشند، مدل تحقیق توسط روش حداقل مربعات معمولی بررسی می‌شود؛ اما در صورتی که جملات اخلاص از یکدیگر مستقل باشند اما واریانس‌ها متفاوت باشد، از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) یا سایر روش‌های پویا استفاده می‌شود. برای انتخاب روش، از آزمون واریانس ناهمسانی LR استفاده می‌کنیم؛ در صورتی که $(\text{Prop} < 0.05)$ باشد، فرضیه H_1 پذیرفته می‌شود که بیان‌کننده واریانس ناهمسانی است و مدل باید توسط روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) یا سایر روش‌های پویا برآورد شود.

جدول ۵: نتایج آزمون واریانس ناهمسانی LR

احتمال	آماره	LR
۰/۰۰۰۰	۵۶/۱۱۹۶	

منبع: یافته‌های تحقیق

^۱ - Ordinary least Square

^۲ - Generalized least Square



ملاحظه می‌شود که براساس نتایج آزمون LR، مدل با مشکل واریانس ناهمسانی در سطح اطمینان ۹۹٪ مواجه است؛ به همین دلیل، در تخمین‌های نهایی از وزن‌های مقاطع برای خنثی کردن تأثیر واریانس ناهمسانی در مدل استفاده خواهیم کرد و استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم خطای وزنی GLS توصیه می‌شود.

۵-۶. آزمون خودهمبستگی

یکی از مهم‌ترین فروض مدل کلاسیک، نبود خودهمبستگی میان اجزای اخلاص است. در صورت وجود خودهمبستگی میان اجزای اخلاص، روش حداقل مربعات معمولی برای تخمین مناسب نیست؛ زیرا در این صورت، تخمین‌زنده‌ها کارا نیستند (حداقل واریانس را ندارند). برای آزمون خودهمبستگی از آزمون بروش گادفری استفاده می‌شود. در این آزمون، فرضیه صفر بیانگر این است که u_{it} دارای توزیع عینی ناهمسانی در واحدهای مقطعی و زمان است؛ در مقابل، فرضیه بدیل بیان می‌کند که میان اجزای اخلاص، خودهمبستگی وجود دارد.

جدول ۶: آزمون خودهمبستگی بروش پاگان

احتمال	آماره	Breusch-Pagan LM
0.0031	43.0807	
منبع: یافته‌های تحقیق		

باتوجه به جدول ۶، مقدار احتمال (Prob) کوچک‌تر از ۵٪ است؛ از این جهت، فرض H_0 رد می‌شود و مدل دارای خودهمبستگی است.

۶-۶. تخمین به روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته GLS

در صورتی که مشکل خودهمبستگی و واریانس ناهمسانی در مدل وجود داشته باشد، تخمین‌زنده‌هایی که با روش حداقل مربعات معمولی به دست می‌آیند، کارا نیستند؛ بنابراین، مدل را باید با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) تخمین بزنیم

جدول ۷: نتایج تخمین مدل به روش GLS

شماره	متغیرها	ضرایب	آماره t	احتمال
۱	عرض از مبدأ (C)	6.0616	14.4321	0.0477
۲	لگارت‌م شاخص احساس فساد (L-CPI)	-0.2707	-2.01343	0.0000
۳	لگارت‌م هزینه‌های نظامی (L-EXPS)	0.2070	0.0526	0.0002



۴	لگارتم تشکیل سرمایه ثابت (L-GFCF)	-0.6216	-5.5374	0.0000
۵	لگارتم نرخ تورم (L-Infrate)	-0.3116	-6.9278	0.0000
۶	لگارتم نیروی کار (L-Labor)	0.8421	16.7798	0.0000
۷	لگارتم نرخ بیکاری (L-UnEm)	0.1980	2.9704	0.0041
منبع: یافته‌های تحقیق		0.8826	R-squared	

باتوجه به نتایج به دست آمده از تخمین مدل با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته، در مدل، L-CPI، LRGDP، L-GFCF، L-Infrate، L-Labor، L-EXPS و L-UnEm به ترتیب نشانگر لگارتم نرخ رشد تولید ناخالص اقتصادی، لگارتم شاخص احساس فساد، لگارتم تشکیل سرمایه ثابت، لگارتم نرخ تورم، لگارتم نیروی کار، لگارتم هزینه‌های نظامی و لگارتم نرخ بیکاری هستند. ضریب متغیرها در تحلیل نتایج الگو با علائم مثبت یا منفی هستند و سطح احتمال برای معنی دار بودن ضرایب را مورد توجه قرار می‌دهند؛ بنابراین، با مشاهده جدول فوق، تمام متغیرهای موجود در الگو با اطمینان ۹۵٪ تأثیر مثبت و منفی معنی داری بر نرخ رشد اقتصادی افغانستان و کشورهای منتخب دارند. از آنجاکه تمام متغیرها به صورت لگارتمی هستند، تفسیر ضرایب متغیرها به صورت کشش است.

۷. نتیجه‌گیری

روش عملی تحقیق براساس مدل اقتصادسنجی ای در قالب روش حداقل مربعات تعمیم یافته است که در آن به بررسی تأثیر امنیت بر رشد اقتصادی افغانستان و کشورهای منتخب پرداخته شده است. در این راستا مدلی برای تحقیق در نظر گرفته شده و ابتدا پایایی متغیرها، با استفاده از آزمون‌های لین-لوین و چاو و فیشر، بررسی قرار گرفت. برای داشتن روابط بلندمدت بین متغیرها از روش هم‌جمعی کائو استفاده شده است؛ همچنین، برای تفکیک داده‌های پانلی از آزمون F لیمر، برای بررسی اثرات ثابت و تصادفی از آزمون هاسمن و در نهایت، آزمون‌های ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی به ترتیب انجام شده‌اند. در نهایت، داده‌های تحقیق، با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS)، برآورد شده‌اند.

باتوجه به نتایج به دست آمده و تخمین‌های این تحقیق، موارد زیر قابل ذکر هستند:

فرضیه اصلی این تحقیق - مبنی بر اینکه به نظر می‌رسد طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ میلادی، امنیت تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی افغانستان و کشورهای منتخب داشته - پذیرفته می‌شود؛ زیرا



همان‌طور که نتایج تحقیق در جدول (۶) نشان می‌دهند، شاخص احساس فساد (CPI) تأثیر منفی و معنی‌داری بر رشد اقتصادی افغانستان و کشورهای منتخب داشته است و هرگاه احساس فساد ۱٪ افزایش پیدا کند، رشد اقتصادی افغانستان و کشورهای منتخب ۰.۲٪ کاهش می‌یابد. نمرات این شاخص از صفر (برای فاسدترین کشور) تا ۱۰۰ (برای پاک‌ترین کشور) است که افغانستان و کشورهای منتخب این تحقیق از جمله کشورهایی بودند که معمولاً نمرات پایینی از سازمان شفافیت بین‌الملل دریافت کرده‌اند. ارزیابی رابطه (شاخص احساس فساد) و رشد اقتصادی نشان می‌دهد، دولت‌های پاک‌تر دارای رشد اقتصادی بیشتری هستند (اسماعیل‌نیا، ۱۳۹۵).

از طرف دیگر، نتایج تخمین‌های به‌عمل‌آمده نشان می‌دهند که در بررسی کلی کشورها متغیر (هزینه‌های نظامی)، که شاخصی سنتی برای سنجش امنیت است، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی افغانستان و کشورهای منتخب داشته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند- با ثابت بودن سایر متغیرها- هرگاه مخارج نظامی ۱٪ افزایش پیدا کند، رشد اقتصادی حدود ۰.۲٪ افزایش پیدا می‌کند. افزایش مخارج نظامی می‌تواند از طریق افزایش امنیت، به‌صورت غیرمستقیم، سبب رشد اقتصادی شود (رمزی، ۱۳۹۷).

درباره رابطه متغیر (سهم مخارج نظامی از GDP) با سرمایه‌گذاری، نتیجه متفاوتی به دست آمد؛ به‌طوری که ضریب این متغیر، مثبت است که نشان می‌دهد مخارج نظامی بیشتر منجر به سرمایه‌گذاری بیشتر در اقتصاد می‌شود، اما همیشه سرمایه‌گذاری به رشد بیشتر اقتصادی منجر نمی‌شود (اسماعیل‌نیا، ۱۳۹۵) که این موضوع با یافته‌های تحقیق ما (رابطه منفی میان تشکیل سرمایه ثابت و رشد اقتصادی) سازگار است.

باتوجه به نتایج تحقیق، هرگاه نرخ تورم ۱٪ افزایش کند، نرخ رشد اقتصادی افغانستان و کشورهای منتخب ۱۱/۳٪ افزایش پیدا خواهد کرد. تحقیقات در این باره نشان می‌دهند که اثر تورم بر رشد اقتصادی در نرخ‌های تورم پایین‌تر از ۹/۸٪، مثبت است، در نرخ‌های تورم بین ۹/۸ و ۲۷/۳٪، منفی و در نرخ‌های تورم بالاتر از ۲۷/۳٪ نه تنها منفی است بلکه هزینه نهایی تورم نیز افزایشدهنده است؛ بنابراین هرگونه افزایش در نرخ تورم، فراتر از این سطح، منجر به بی‌ثباتی اقتصادی، کاهش سطح و کارایی سرمایه‌گذاری و در نهایت کاهش رشد اقتصادی خواهد شد (نظری و برزگرودین، ۱۳۹۳).

نیروی کار و رشد اقتصادی نیز رابطه مثبت و معنی‌دار دارند و هرگاه نیروی کار ۱٪ افزایش کند، رشد اقتصادی به اندازه ۰.۴۲٪ افزایش پیدا می‌کند.

پیشنهادهات

باتوجه به یافته‌های این تحقیق توصیه می‌شود:

- امنیت، یکی از شاخصه‌های اساسی در رشد و بالندگی اقتصادی هر جامعه و کشور محسوب می‌شود؛ بنابراین، دولت‌ها برای تأمین آن بیش از پیش تلاش کنند؛
- افزایش هزینه‌های نظامی برای تأمین امنیت بیشتر در کشور؛
- نه تنها دولت بلکه تمام اتباع کشور با نهادهای امنیتی در این جهت همکاری کنند و مسئولیت‌هایی که متوجه آنان است، درست ادا کنند؛
- عدم دخالت اراده‌های غیرقضایی (سیاسی و ...) در روند رسیدگی به جرایم؛
- ثبات دولت، قوانین و مقررات و حاکمیت نظم و قانون؛
- ائتلاف جناح‌های سیاسی در راستای منافع ملی و گسترش همکاری و همدلی میان قوای سه‌گانه؛
- کاهش فساد، رشوه‌ستانی، پارتی‌بازی و واگذاری مشاغل به آشنایان و ...؛
- توجه جدی به شایسته‌سالاری در واگذاری مسئولیت‌ها و نظارت دقیق و همه‌جانبه بر عملکرد سازمان‌ها و مؤسسات دولتی؛
- افزایش اشتغال برای اتباع کشور؛ زیرا بیکاری ارتباط مستقیمی با امنیت دارد و تهدیدی جدی برای امنیت کشور محسوب می‌شود؛
- توجه بالا به آموزش و پرورش و سطح سواد اتباع جامعه از گزینه‌های بسیار مؤثر در کاهش ناامنی کشور به حساب می‌آید؛
- پرهیز از درگیری‌های داخلی، خارجی و قوم‌گرایی و ایجاد امنیت در کشور؛
- کنترل مرزهای کشور به بهترین صورت ممکن.

منابع

- اسماعیل نیا، علی اصغر و شهرام وصفی اسفستانی. «تأثیر امنیت بر رشد اقتصادی در ایران و برخی کشورهای منتخب». فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی. ۱۶ (۶۱)، تابستان ۱۳۹۵، ص ۱۲۷ - ۱۵۴.
- اصغرپور، حسین؛ احمدیان، کسرا و امید منیعی. (۱۳۹۲). «اثر بی ثباتی سیاسی بر رشد اقتصادی ایران؛ رهیافت غیر خطی APARCH». فصلنامه پژوهش ها و سیاست های اقتصادی. ۲۱ (۶۴)، ص ۱۷۵ - ۱۹۴.
- اثنی عشری امیری، ابوالقاسم و دیگران. (۱۳۹۸). «اثر حجم نقدینگی بر رشد اقتصادی در ایران». فصلنامه پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی. ص ۱۵ - ۳۵.
- برومند، شهزاد و دیگران. (۱۳۸۷). امنیت اقتصادی در ایران و چند کشور منتخب (مطالعه تطبیقی). ایران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات اقتصادی.
- درویشی، فرهاد. (۱۳۸۹). «ابعاد امنیت در اندیشه و آرای خمینی». فصلنامه مطالعات راهبردی. ۱۳ (۴۹)، ص ۵۵ - ۸۲.
- رومر، دیوید. (۲۰۰۱ م). اقتصاد کلان پیشرفته. ترجمه مهدی تقوی. ج ۱. چ ۲. ایران: نشر دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات.
- رمزی، محمدجمشید. (۱۳۹۷). «تأثیر هزینه های نظامی بالای رشد اقتصادی در کشورهای جنوب آسیا طی سال های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۶». فصلنامه علمی-پژوهشی کاتب. ۵ (۸ و ۹)، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ص ۱۲۹ - ۱۴۳.
- زمان زاده، اکبر. (۱۴۰۰). «تأثیر آموزش بر رشد اقتصادی در ایران با استفاده از روش بیزی چارکی». فصلنامه مدل سازی اقتصادسنجی (نشریه علمی). ۶ (۲)، بهار ۱۴۰۰، ص ۶۵ - ۹۲.
- شفیعی، محمدعماد. (۱۳۹۷). «بررسی اثر تاب آوری اقتصادی بر رشد اقتصادی ایران». کارشناسی ارشد علوم اقتصادی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- صحت، سعید و دیگران. (۱۳۹۷). عوامل مهم و تأثیرگذار بر رشد اقتصادی ایران و تحلیل مبانی اقتصاد مقاومتی از منظر این عوامل. ایران: دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی.
- صمیمی، احمدجعفر و شهرام اختیاری. (۱۳۸۸). تأثیر امنیت اقتصادی بر فرایند رشد اقتصادی در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی با تأکید بر ایران. ایران: دانشگاه مازندران.
- قرهباغیان، مرتضی. (۱۳۹۳). اقتصاد رشد و توسعه. ج ۱. چ ۱۳. ایران: نشر نی.
- گل خندان، ابولقاسم. «بررسی و مطالعه تطبیقی تأثیر هزینه های نظامی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه نیافته: رهیافت GMM سیستمی». فصلنامه تحقیقات توسعه اقتصادی. ۴ (۱۵)، پاییز ۱۳۹۳، ص ۲۳ - ۴۳.
- لولر، پیتر. (۲۰۰۸ م). بررسی های صلح، در آمدی بر بررسی های امنی. به ویرایش پل دی. بی جا: بی نا.

ویلیامز، پل. (۲۰۰۸ م). درآمدی بر بررسی‌های امنیت. ترجمه علی‌رضا طیب. چ ۱. ایران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

نظری، محمدرضا و مجتبی برزگردوین. «بررسی اثر تورم بر رشد اقتصادی ایران». فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی. (۷۳)، زمستان ۱۳۹۳، ص ۱۴۵ - ۱۶۹.

یزدانی، عنایت‌الله و زهران صادقی. «امنیت اجتماعی و تأثیر آن بر امنیت ملی (در قالب تهدیدات فرهنگی-اجتماعی)». ماهنامه مهندسی فرهنگی. ۴ (۳۹ و ۴۰)، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۹.

Ando, Shio (2009), "The Impact of Defense Expenditure on Economic Growth: Panel Data Analysis Based on the Feder Model", The International Journal of Economic Policy Studies. Vol. 4 Article 8, pp 141-154.

Booth, Ken (1991), "Security and Emancipation", Review of International Studies, Vol. 17, No 4, pp 313-326.

Dunne, p, R. Smith and D. Willenbockel (2005), "Models of Military Expenditure and Growth: A Critical Review", Defense and Peace Economics, 16(6), pp. 449-461.

Frank, Robert and Bernanke, Ben (2001). Principles of Macroeconomics, United State: McGraw Hill Company.

ManHo, Ka and Ivo Dinov (2013), "An Empirical Study on Economic Prosperity and Peace", UCLA Undergraduate Science Journal, Vol. 26, pp 30-41).

Narayan, P.K. and R. Smyth, (2009), "A panel Data Analysis of the Military Expenditure-External Debt Nexus: Evidence From Six Middle Eastern Countries", Journal of peace Research, pp. 235-250.

Ram, Rati (1995), "Defense Expenditure and Economic Growth", Handbook of Defense Economics. Amsterdam, Elsevier, 251-274.

Santhiasgaram, S (2008), Peace and Economic Growth in Developing Countries: Pooled Data Cross- Country: Empirical Study", international Conference on Applied Economics, ICIAE, PP 807-814'.

Yildirim, Julide, N. Ocal and H. Keskin(2011), Military Expenditures Economic Growth and Spatial Spillovers, International Conference on Applied Economics- ICOAE 2011, pp 811-819.



تحلیل اقتصادی صحت دهان و دندان؛ بررسی کلینیک‌های دندان ناحیه سوم شهر کابل (حمل تا حوت ۱۴۰۱)

محمد اخلاقی^۱ و سید احمد سرورش میری^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۲/۴

تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۲/۲۵

چکیده

دامنه سلطه نگرش اقتصادی نه تنها به رفتارهای بازاری بلکه به تمام شئون زندگی بشر، از جمله تعاملات خارج از بازار، نیز تسری یافته است؛ از این جهت، امروزه اقتصاد صحت از مهم‌ترین (اهداف توسعه پایدار)، پرهزینه‌ترین و پردرآمدترین بخش‌های زندگی جمعی، در بطن اقتصاد جامعه قرار گرفته است. در این شاخه از علم اقتصاد، اصول و روش تحلیل اقتصادی در جهت تخصیص بهینه منابع (کمیاب) و مدیریت هزینه‌ها، به منظور افزایش تأثیر آن‌ها، به طور علمی و عملی به کار گرفته می‌شود.

این مقاله، که ترکیبی از روش پرسش‌نامه‌ای و توصیفی-تحلیلی است، به دنبال پاسخ به این پرسش اصلی است که اوسط هزینه‌ها و مصارف ناشی از امراض دهان و دندان از یک سو و اوسط عواید و درآمدهای ناشی از تداوی این امراض از دیگر سو در یکی از درآمدزاترین نقاط شهر کابل (ناحیه سوم) در یک سال کاری (مالی) چقدر است.

پس از مشاهده، مطالعه و مناقشه پرسش‌نامه‌های دریافتی، اوسط هزینه‌های ثابت (پرداختی‌های معمول) برای مرکز صحنی به مقدار ۲۵۳۸۴۰۰ (دو میلیون و پنج صد و سی و هشت هزار و چهار صد) افغانی و اوسط درآمد ثابت (دریافتی‌های معمول) آن نیز به میزان ۵۲۹۰۰۰۰ (پنج میلیون و دویست و نود هزار) افغانی در یک سال کاری (مالی) تخمین زده شده است.

واژگان کلیدی: اقتصاد صحت، تحلیل هزینه-فایده، صحت دهان و دندان، بازار صحت دهان و دندان، ارتقای سلامت دهان و دندان.

¹ - Mohammad Akhlaqi; Founder and Researcher at the Afghanistan Law and Economics Association (AFLEA); aflea2018@gmail.com

² - Said Ahmad Sorosh Miri; MF Surgeon and Head of Prosthodontics Department at the Khatam Al-Nabieen University; sorosh.miri@knu.edu.af

۱. مقدمه

امروزه، نه تنها رفتارهای بازاری^۱ بشر بلکه تمام ابعاد تصمیم‌گیری، انتخاب‌ها و اولویت‌دهی اشخاص، رنگ و بوی اقتصادی به خود گرفته است.^۲ بخش صحت و سلامت^۳ نیز در کنار دیگر بخش‌های زندگی اجتماعی، از ابعاد مختلف اقتصادی تحلیل شده است؛ یکی اینکه تبعات یا پیامدهای مالی برای تداوی^۴ و ارائه خدمات صحی^۵ از گذشته مطرح بوده است و دیگر اینکه اقتصاد سلامت^۶ دانشی بین‌رشته‌ای^۷ است که موضوع سلامت فرد و جامعه و امور مربوط به آن را از طریق اصول و فنون اقتصادی^۸ نقد و ارزیابی می‌کند تا از هدر رفتن منابع، به‌طور کارآمد جلوگیری کند. از این جهت، هزینه‌ها و درآمدهای عرصه بهداشت در اقتصاد (رشد و توسعه) اثر مستقیم دارند.

در این راستا، تجزیه و تحلیل هزینه-فایده یا هزینه-تأثیر صحت^۹، به‌خصوص سلامت دهان و دندان، از زیربخش‌های مهم اقتصاد صحت است. به‌طور کلی، مقصود از هزینه و فایده، تمام مصارف و عواید مالی و مادی^{۱۰} است که طرفین رابطه صحت از آن مستفید می‌شوند. در واقع، این بخش - به دلیل اقتضای تجهیزات، ملزومات، مواد و روش‌های نوین تشخیص و تداوی - مستلزم سرمایه‌گذاری هنگفتی است که تجارت^{۱۱} پرسودی را برای اقتصاد اشخاص و دولت در پی دارد. این منفعت، در سطح کلان، به ارتقای سطح عمومی سلامت^{۱۲} و امید به زندگی^{۱۳} در افراد نیز منجر می‌شود.

1 - Market behaviors

۲ - جهت مطالعه تحقیقی بیشتر درباره مبانی، بسترها، ابعاد و جوانب علمی و عملی مسئله مراجعه شود به اخلاقی؛ ۱۳۹۲، شماره ۲، ۴ و ۵.

3 - Health Sector

4 - Financial Impacts of Treatment

5 - Healthcare Service

6 - Health Economics (HE)

7 - Interdisciplinary

8 - Economic Techniques and Principles

9 - Health Cost-benefit or Cost-effectiveness Analysis

۱۰ - در واقع، هزینه‌ها و درآمدها متغیرهای قابل بحث و تحلیل هستند که در مدل‌های اقتصادی (Economic Models) این تحقیق از آن‌ها استفاده می‌شود.

11 - Health Business

12 - Health Promotion

13 - Life Expectancy



هدف از نگارش این مقاله، توجه به تخصیص بهینه منابع مادی و تجزیه و تحلیل ابعاد کارآمدی یا تأثیر این تخصیص^۱ برای طرفین رابطه صحت است. شکی نیست که تخصیص منابع و نظارت بر این رابطه، در راستای ارتقای سطح عمومی سلامت در بخش دهان و دندان است؛ موضوعی که از مؤلفه‌های اساسی جوامع بشری در توسعه و پیشرفت^۲ نیز تلقی می‌شود. می‌توان رابطه دوسویه‌ای برای توسعه و صحت^۳ برشمرد که اثرات متقابل مثبت و منفی^۴ بر یکدیگر دارند. ناگفته نماند که این سنجش اقتصادی^۵ نباید و نمی‌تواند جنبه‌های انسانی و توسعه‌ی طبابت^۶، از جمله صحت دهان و دندان در کشور، را نادیده بگیرد. همچنین، برخی چالش‌های پیش روی صحت، از جمله سلامت دهان و دندان، در کشور را می‌توان در نبود یا نهادینه نشدن بیمه خدمات درمانی^۷، عدم نظارت کافی و جدی و نیز نبود نرخ‌نامه ارائه خدمات صحی از طرف ارگان‌های دولتی و همکاران آن در قالب شوراها و اتحادیه‌های مربوط برشمرد که می‌تواند در طولانی مدت و در سطح کلان، تخصیص بهینه منابع مادی خرد و کلان را با مشکلات جدی مواجه سازد. در نتیجه، باید به سیاست کلان دولت در امر نظارت و حمایت از مراکز صحی توجه جدی شود و گام‌های عملی در این مسیر برداشته شوند.^۸

در پایان مقدمه باید اشاره کرد که توجه کافی به موضوع سلامت دهان و دندان نشانه توجه به امید به زندگی و اقدام برای بالا بردن کیفیت زندگی^۹ فردی است؛ بنابراین، هدف سوم از اهداف توسعه‌ی پایدار^{۱۰} به سلامتی و خوب بودن^{۱۱} تعلق گرفته است که نشان‌دهنده اهمیت موضوع است. با این وصف، تاکنون در کشور ما فعالیتی تحقیقی پیرامون این موضوع انجام نشده و این اولین نمونه کار در این زمینه است.

^۱ - Efficiency Analysis of Allocation

^۲ - Development country

^۳ - Development and Health

^۴ - Negative and Positive Mutual Impacts

^۵ - Economic Evaluation

^۶ - Human Side of Medicine

^۷ - Health Insurance

^۸ - جهت اخذ معلومات بیشتر و اقدامات در این زمینه به سایت وزارت صحت عامه افغانستان (www.mohe.gov.af) و شورای طبی افغانستان (www.amc.gov.af) مراجعه شود.

^۹ - Quality of Life

^{۱۰} - Sustainable Development Goals (SDG)

^{۱۱} - Good Health and Well-being; Ensure healthy lives and promote well-being for all at all ages (<https://www.un.org/sustainabledevelopment/health/>)

۲. سؤال اصلی

مقدار هزینه‌ها و فواید کلینیک‌های دهان و دندان در یک سال^۱ کاری (مالی) به چه میزان است؟
فرضیه تحقیق بر این است که هزینه‌ها و درآمدهای مراکز صحتی - باتوجه به وارداتی بودن تجهیزات و روش‌های تداوی و نیز افزایش نارسایی‌های^۲ دهان و دندان در کشور - به دلیل عدم رعایت حفظ‌الصحه و بازار گرم انواع نوشیدنی‌ها، فست‌فودها و دخانیات^۳ (سیگرت و نصوار) بسیار زیاد است. به نوعی، این موضوع از تنوع مراکز صحت دهان و دندان در شهر کابل، به‌ویژه در ناحیه سوم، آشکار است.

۳. مفهوم و فرایند تحلیل اقتصادی^۴

از نظر دانش تحلیل اقتصادی حقوق^۵، باتوجه به تأثیرگذاری موضوع و نتایج سلامت بر جامعه، در زیربخش حقوق و اقتصاد عامه^۶ قرار گرفته و برای تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیرندگان^۷ پیشنهادات مشخص علمی و عملی را به منظور اخذ نتایج کارآمد^۸ - باتوجه به اولویت‌ها^۹ و منابع (کمیاب)^{۱۰} - تبیین، تحلیل و تطبیق می‌کند.

از نظر علم اقتصاد، رفتار عاملان فرایند صحت و سلامت متکی به فعالیتی اقتصادی^{۱۱} است؛ به عبارت دیگر، بیماران باتوجه به ابعاد یا عمق مشکل دهان و دندان و نیز میزان درآمد یا همان هزینه کنارگذاشته‌شده برای تداوی، زمان و مکان مناسب اقتصادی برای تداوی را جستجو و تنظیم می‌کنند؛ از طرف دیگر، داکتران یا متخصصان این عرصه - به عنوان سرمایه‌های انسانی^{۱۲} - با در نظر داشت،

1 - Annual Costs and Benefits

2 - Problems

3 - Drinks, Fast foods and Smoking

4 - Concept and Process of Economic Analysis

5 - Economic Analysis of Law or Law and Economics (L&E)

6 - Public Law and Economics

7 - Policy-makers

8 - Efficient Outcomes

9 - Preferences

10 - Scarcity Resources

11 - Economic Activity

12 - Human Capital

هزینه‌های مختلف، اقدام به انتخاب زمان و مکان مفید^۱ برای فعالیت کاری می‌کنند. این رفتار به فکر اقتصادی^۲ نیز تعبیر می‌شود.

از این جهت، نظریه انتخاب یا رفتار عقلانی^۳ مبنای دقیق و عمیقی برای اتخاذ تصمیم مفید یا مؤثر است. این نظریه دو طرف رابطه صحت (مریضان و داکتران) را توصیه به انتخاب تصمیم عقلانه یا اقتصادی^۴ می‌کند. از نظر اقتصادی، اصل عرضه و تقاضا اصل عمده‌ای است؛ از این جهت، باتوجه به مشکلات متنوع دهان و دندان در جوامع - از جمله افغانستان - تقاضای ایجاد مراکز صحتی در این زمینه به عنوان اصل و عرضه خدمات صحتی به عنوان فعالیت اقتصادی مطرح است؛ بنابراین، رفتاری عقلانی یا اقتصادی خواهد بود.

ناگفته نماند که پیشاپیش ذکر نکاتی، به منظور تفهیم مقبول و معقول از تحلیل هزینه‌ها و درآمدهای ارائه خدمات صحتی در این نوشتار، لازم است:

اول. انتخاب مکان تحقیق از این جهت بوده است که، ناحیه سوم شهر کابل (پل سرخ و حومه آن) را محیطی مسکونی و تجارتی متوسط می‌شناسند که از نظر فرهنگی (زندگی شهری)^۵ نیز در شرایط مساعدی قرار دارد. از اوصاف دیگر این منطقه، تنوع کلینیک‌های درمانی است، که باتوجه به اقتصاد متوسط^۶ ساکنان آن، بازار صحت دهان و دندان^۷ مناسبی نیز تلقی می‌شود. طبق سرشماری^۸ انجام شده، ۷۰ کلینیک (خرد تا کلان) صحت دهان و دندان در این ناحیه فعال هستند که از معلومات و اطلاعات ۴۸ کلینیک در این تحقیق بهره برده‌ایم.

دوم. تلاش شده تا مصارف و عواید ثابت یا معمول^۹ مرکزی صحتی، به طور اوسط و بر مبنای مرکز صحتی متوسط در نظر گرفته شود تا نتایج حاصل، علمی و مستند باشند؛ بنابراین، مقصود از مصارف و عواید ثابت یا معمول، دریافتی و پرداختی‌هایی است که مرکزی در طول روز، هفته، ماه و سال به طور عادی و باتوجه به شرایط معمول پیش‌بینی می‌کند. مقصود از مرکز صحتی متوسط، مرکزی

۱ - مثلاً ایجاد و شروع به فعالیت مرکز صحتی در ماه مبارک رمضان یا فصل زمستان، عقلانه و اقتصادی نیست؛ در عین حال، آمادگی پیش از بهار (مثلاً در برج حوت) زمان مناسبی برای آغاز یا شروع مجدد فعالیت است.

۲ - Economic Thinking

۳ - Rational Choice Theory

۴ - Economic or Rationality Decision-making

۵ - Urbanization

۶ - Medium Income

۷ - Dental Treatment Market

۸ - Survey

۹ - Normal Costs and Incomes



است که حداقل دارای یک اتاق تداوی مناسب، یک بستر و تجهیزات و لوازم ضروری آن، یک سرویس بهداشتی و شستشو، یک مکان انتظار، یک پرسونل خدماتی و یک پرسونل اداری است.

سوم. انتخاب سال کاری از ابتدای حمل تا ختم حوت ۱۴۰۱ از جهت زمان مناسب فعالیت و نیز مراجعه بیماران است که از نظر روانی و اقتصادی توجیه پذیر است؛ در ضمن، اوقات کاری (فصل کاری)^۱ در سال کاری، ۱۰ ماه (باتوجه به ماه مبارک رمضان و حداقل یک ماه سرمای شدید زمستان، معادل دو ماه نسبتاً شدید، که امکان فعالیت معمول وجود ندارد) و ساعات کاری^۲ نیز براساس معمول از ۲ الی ۷ بعدازظهر (در ۶ روز کاری) در نظر گرفته شده است.^۳

چهارم. اثرات بیکاری^۴ و کاهش درآمد^۵ افراد، باتوجه به شیوع بیماری بر هزینه ها و عواید مراجعه به کلینیک های تداوی، به علت عدم توان قابلیت پیش بینی آن ها در نظر گرفته نشده است.

پنجم. روش تحقیق^۶ براساس تجربه و تحلیل و توضیح و توصیف داده های به دست آمده از پرسش نامه های توزیع شده^۷ بین مراکز صحت دهان و دندان در ناحیه سوم شهر کابل بوده است.

۴. اصطلاحات و ارتباط مفهومی آنها با موضوع

برخی مفاهیم و اصطلاحات پرکاربرد و اساسی، به منظور فهم دقیق و عمیق مطالب، نیاز به تفهیم دارند. الف. صحت یا سلامت: به طور خلاصه، چهارچوب سازمان جهانی صحت- درباره مفهوم یا تعریف صحت- بهترین و مفیدترین ترکیب است؛ «سلامتی نه فقط بیمار نبودن، بلکه وجود کامل حس سلامتی و خوب بودن است.»^۸ امروزه، می توان مدعی شد که توجه به صحت، به عنوان حق (اشخاص) و وجیه (دولت)^۹، شناخته شده و التزام یا عدم التزام به آن پیامدهای مثبت و منفی زیادی برای اشخاص و دولت ها- از ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی -در پی خواهد داشت؛

^۱ - Working Seasons

^۲ - Working Hours

^۳ - بدین ترتیب، اگر داکتر معالج یا متخصص یا مرکز صحتی که در دو وقت صبح و عصر فعالیت می کند، تبعاً در مصارف و عواید تفاوت خواهد داشت.

^۴ - Jobless

^۵ - Low-income

^۶ - Research Method

^۷ - Mixed Method (Questionnaire and Descriptive-analytical Method)

^۸ - WHO's definition of health is not just the absence of disease, but a complete sense of health and well-being (<https://www.who.int>)

^۹ - Right and Duty

بنابراین، این اثرگذاری در سطح منطقه و بین الملل به «صحت جهانی»^۱ تعبیر می شود که نشان از اهمیت موضوع دارد (اشاعه مرض کرونا^۲ در دنیا، ترسیم کننده واضحی در این زمینه است).

ب. اقتصاد صحت: تحلیل اقتصادی بازار سلامت، عنوان دیگر اقتصاد صحت است که ترکیبی از علم اقتصاد^۳ و مسئله صحت است؛ بنابراین، ابعادی از هر دورا در خود جای داده است. این شاخه علم اقتصاد، ابعاد صحت (برنامه ها و پیامدها) را به روش اقتصادی و با استفاده از مفاهیم و قواعد یا اصول علم اقتصاد تجزیه و تحلیل می کند؛ به عبارت دیگر، بررسی و پیشنهادات کارآمد در راستای اتخاذ اقدامات و تصمیمات برای حداکثرسازی تأثیر^۴ آن ها برای طرفین رابطه صحت است.

درباره «چستی اقتصاد سلامت» باید گفت شاخه ای از علم اقتصاد (شاخه اقتصاد بخش عمومی) که با توجه به بالا رفتن هزینه های درمانی، به عنوان کالای عمومی، در راستای مدیریت بهینه منابع کمیاب که از سال ۱۹۵۰ میلادی وارد دنیای تحلیل اقتصادی شد (حق پرست؛ ۱۳۸۳: ۳۳) یا علم اقتصاد بهداشت، بنابر تعریف رسمی به «مطالعه چگونگی تخصیص منابع به بخش بهداشت و درمان و همچنین تخصیص اعتبارات در درون بخش مزبور» اطلاق می شود (فولاند؛ ۱۳۸۲: ۳۶۶).

پ. بازار صحت دهان و دندان: این بازار یا همان تجارت، زیربخش بازار صحت یا سلامت^۵ است که شامل هزینه ها و درآمدهای ناشی از تداوی امراض دهان و دندان می شود. هزینه ها یا مصارف تداوی عموماً بر دوش بیماران (هزینه زمانی، رفت و آمد، تداوی و محافظت) است و در مقابل، درآمدها یا عواید تداوی برای دولت، کلینیک ها یا مراکز صحتی، لابراتوارهای عکس (دندان و بیره) و تولیدکنندگان مواد دندان و دوا است. به نظر می رسد این بازار یکی از پرهزینه ترین و پرسودترین مشاغل صحتی است که فعلاً در کشور وجود دارد.

ت. ارائه خدمات صحتی: به طور کلی، خدمات صحتی در بخش دهان و دندان عبارت است از فعالیت های مراقبتی، وقایوی، تداوی و حمایتی پس از مداوای دهان و دندان از طرق مختلف و مرتبط. اتحادیه دندان

^۱ - Global Health

^۲ - Covid-19

^۳ - انجمن اقتصاد امریکا (American Economic Association) اشاره می کند که اقتصاد (Economics) از زوایای مختلف قابل تعریف است؛ مطالعه کمیایی، مطالعه چگونگی استفاده از منابع و پاسخ به انگیزه ها توسط مردم یا مطالعه چگونگی تصمیم گیری. علم اقتصاد اغلب شامل موضوعاتی شبیه رفاه (Welfare) و امور مالی (Financial) است و نه لزوماً پول (Money). دانش اقتصاد، اصول وسیعی (Broad discipline) دارد که برای فهم گرایش های تاریخی (Historical trends)، تفسیر عناوین روزمره (Today's headlines) و پیش بینی درباره آینده است (<https://www.aeaweb.org/resources/students/what-is-economics>).

^۴ - Maximizing Health Efficiency

^۵ - Healthcare Market





امریکا^۱ و اکادمی دندان پزشکی جنرال^۲ که متشکل از دندان پزشکان امریکا و کانادا است- به عنوان مهم ترین نهادهای بین المللی^۳ فعال در عرصه حمایت و نظارت از فعالیت های مدرن صحت دندان- برای ارتقای ارائه خدمات صحی در جهان، قواعد و دوره های مسلکی در بخش دندان را رعایت و حمایت می کنند.

بدین ترتیب، ارائه این خدمات از نظر علم اقتصاد به معنای تولید و توزیع (عرضه) خدمات با قیمت تمام شده ای است که با توجه به بازار هزینه ها و رقابت ها^۴، مشتری (خریدار) پیدا می کند. این همان فرصت اقتصادی^۵ است که از طریق ارائه خدمات معیاری^۶ خلق می شود.

ث. تحلیل هزینه-فایده^۷: این تحلیل یا اصل هزینه-فایده متضمن آن است که بر مبنای اطلاعات درست و واقعی، تجزیه و تحلیل تمام مصارف و مخارج پرداختی و نیز عواید و منافع دریافتی، از انجام تا سود حقیقی^۸ محاسبه شوند. این سنجش، در پلان گذاری^۹ کاری و مالی برای سال های بعد استفاده خواهد شد.

ج. اصول یا تئوری های اقتصادی^{۱۰}: اساساً برخی نظریات در علم اقتصاد و تحلیل اقتصادی، کاربرد بیشتری دارند. اصل یا نظریه رفتار یا انتخاب عقلانی یا اقتصادی^{۱۱} اصل هزینه-فایده یا سبک سنگین کردن مصارف و عواید^{۱۲} اصل عرضه و تقاضای ارائه خدمات صحی^{۱۳} اصل کیفیت-گرایی^{۱۴} و آینده نگری و اصول رضایت مشتری یا مشتری مداری^{۱۵}.

1 - American Dental Association (www.ada.org)

2 - Academy of General Dentistry (www.agd.org)

3 - International Institutions

4 - Competition Market

5 - Economic Opportunity

6 - Standard Services

7 - Cost-benefit Analysis

8 - Net Profit

9 - Financial and Work Planning

10 - Economic Theories and Principles

۱۱ - براساس این نظریه، اشخاص در انتخاب های شان عاقلانه رفتار می کنند؛ بنابراین، بیماران و داکتران در مدیریت و اولویت دهی برنامه های شان، تصمیم های منطقی (بر اساس معلومات موجود) می گیرند.

۱۲ - Cost and Income Principle: براساس این اصل، اشخاص منافع و مضرات قابل پیش بینی را در تصمیم گیری های خود در نظر می گیرند؛ بنابراین، بیماران و داکتران معالج سود و زیان (هرچند کم یا زیاد) را در مدیریت برنامه های خود محاسبه عددی می کنند؛ پس رسیدن به سلامت و تأمین هزینه ها و مخارج مراکز برای طرفین اولویت خواهد داشت.

۱۳ - Supply and Demand Principle: براساس این اصل، تمام امور در جامعه مبتنی بر عرضه و تقاضا است؛ بنابراین، با توجه به تمایل به تداوی (تقاضا)، ارائه خدمات صحی (عرضه) مطرح می شود.

14 - Quality Principle

15 - Customer Satisfaction Principles

ج. محرک‌های اقتصادی^۱: انگیزه‌گاه‌هایی هستند که اشخاص را در بهره‌گیری به موقع و مؤثر از مراقبت‌های صحی تشویق می‌کند؛ مانند قیمت مناسب ارائه خدمات صحی،^۲ تنوع کلینیک‌های تداوی^۳ یا ارائه تسهیلات تخفیفی^۴ برای محصلان و اساتید و کارکنان ادارات و نهادها.

۵. محاسبه اقتصادی هزینه‌ها و فواید فعالیت^۵

در این قسمت از مقاله، تحلیل کمی^۶ و عددی از مخارج یا مصارف مراقبت‌های کلینیکی^۷ و نیز عواید و درآمدهای آن بر مبنای پرسش‌نامه‌های جمع‌آوری شده و تجزیه آن‌ها نشان داده می‌شود. این تحلیل (محاسبه یا مقایسه) متکی بر دو بخش عمده است که هریک جداگانه اما مرتبط با یکدیگر نقد و بررسی شده‌اند.

۵-۱. هزینه‌ها

۵-۱-۱. اخذ یا تمدید جواز فعالیت

ابتدایی‌ترین و درضمن اساسی‌ترین گام برای فعالیت، اخذ یا تمدید جواز کار یا فعالیت^۸ است. این اجازه‌نامه از طرف ریاست بررسی از تطبیق قوانین صحی بر مبنای فرایند زیر صادر می‌شود:

دریافت عریضه فارغان- حداقل با درجه تحصیل ام‌دی- به ضم اسناد و مدارک تحصیلی و هویتی، مکاتبه با شورای طبی افغانستان^۹ و مرجع فراغت عارض جهت تأیید مراحل مربوط به اخذ

¹ - Economic Stimulations

² - Reasonable Price of Health Services

³ - Medical Clinics or Centers

⁴ - Discount Facilities

⁵ - Economic Evaluation of Costs and Benefit of Operation

⁶ - Quantitative Analysis

⁷ - Clinical Cares

⁸ - License

^۹ - Afghanistan Medical Council: این شورای دولتی (اما مستقل در عملکرد) در راستای تأمین شرایط مصونیت و

حقوق صحی بیماران، معیاری‌سازی، ارتقای کیفیت و تنظیم خدمات صحی داکتوران طب (داکتوران معالجوی و دندان)،

تقویت و بهبود ستندهای آموزشی طبی در کشور و حمایت از حقوق مسلکی داکتوران طب ایجاد شده است. این شورا مرجع

اخذ امتحان دولتی (Exit Exam) از فارغان جدید مؤسسات تحصیلات عالی طبی دولتی و خصوصی است. سایت شورا،

معلومات لازم درباره شورای طبی افغانستان، ثبت داکتران و منابع امتحانی برای فارغان طب معالجوی و ستوماتولوژی را در

اختیار کاربردان قرار داده است (www.amc.gov.af). وزارت صحت افغانستان نیز، به عنوان نهاد پالیسی ساز، اهداف و

برنامه‌های مشخصی در زمینه حمایت و نظارت از ارائه خدمات صحی در کشور به عهده دارد؛ جهت اخذ معلومات در این

زمینه به سایت این وزارت مراجعه شود (www.mohe.gov.af).



امتحان Exit Exam و فراغت، تکمیل نمبر تشخیصیه مالییه دهی (TIN) و فرم های صحی و جنایی از طرف متقاضی و در نهایت، صدور جواز فعالیت یک یا سه ساله برای متقاضی.

هزینه های فعلی اخذ جواز نیز عبارت اند از:

۱. هزینه صدور جواز فعالیت یک ساله: ۸۰۰۰ (هشت هزار) افغانی؛
۲. هزینه صدور جواز صنفی سالانه برای داکتران معالج^۱ و متخصص^۲: ۳۰۰۰ (سه هزار) افغانی.

۵-۱-۲. پرداخت مالیه

هزینه های مالیاتی^۳ از مصارف دیگری است که به انواع مختلف از طرف ارگان های مربوط اخذ می شود و عبارت اند از مالیه بیمار که سالانه بابت تداوی هر بیمار اخذ می شود: ۶٪،^۴ مالیه سالانه دوکان که باتوجه به موقعیت و اندازه مکان به شاروالی پرداخت می شود: تقریباً برابر با یک ماه هزینه دوکان (پانزده هزار) افغانی و مالیه سالانه لوحه که به شاروالی داده می شود: ۲۰۰۰۰ (بیست هزار) افغانی.

جدول ۱: هزینه های اخذ جواز و پرداخت مالیات

شماره	مصادیق	وضعیت	مبلغ سالانه (افغانی)	ملاحظات
۱	جواز فعالیت	سالانه	۸۰۰۰	هزینه برای داکتر معالج و متخصص
۲	جواز صنفی	سالانه	۳۰۰۰	هزینه صدور ثابت
۳	مالیه بیمار	۶٪ عاید هر بیمار	۳۷۴۴۰۰	از کل عواید (تداوی) (سالانه)
۴	مالیه دوکان	باتوجه به مکان و اندازه	۱۵۰۰۰	یک ماه هزینه دوکان (سالانه)
۵	مالیه لوحه	باتوجه به اندازه	۲۰۰۰۰	هزینه ثابت سالانه
۶	مجموع		۴۲۰۴۰۰	

^۱ - منظور، فارغ ام دی (MD) یا دی ام دی (DMD) از برنامه طب دندان از دانشگاه ها و مؤسسات تحصیلات عالی دولتی و خصوصی دارای جواز فعالیت از وزارت تحصیلات عالی است.

^۲ - منظور، فارغ تخصص (Specialization) از یکی از بخش های طب دندان از ریاست اكمال تخصص (Directorate of Clinical Specialization) وزارت صحت عامه و وزارت تحصیلات عالی است.

^۳ - Taxes

^۴ - برای مشاهده تعداد بیمار و محاسبه مالیه به جدول ۲ مراجعه شود.

۵-۱-۳. اجاره مکان

اجاره مکان (دوکان) فعالیت از مهم ترین هزینه ها است که باتوجه به موقیت (ناحیه سوم) بین ۱۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰ (ده تا شصت هزار) افغانی در ماه در نظر گرفته می شود. ناگفته نماند که این هزینه در کنار هزینه تعمیرات در زمان فعالیت و تخلیه (تحویل مکان) نیز بیشتر خواهد شد. در کل، به طور اوسط برای یک سال مبلغ ۱۸۰۰۰۰ (یکصد و هشتاد هزار) افغانی هزینه اجاره یا کرایه دوکان (پانزده هزار افغانی در ماه) خواهد شد.

۵-۱-۴. تجهیزات و لوازم

در باره خدمات صحت دندان در بخش دندان، سازمان بین المللی ستندردسازی از ارائه خدمات صحنی چنین تعریفی ارائه کرده است: «خدمات صحنی، محصول ابزار، ماشین، امپلنت یا شرایط لابراتواری است که برای استفاده در تشخیص، وقایه و درمان^۱ بیماری یا دیگر شرایط درمانی مورد استفاده قرار می گیرد.»^۲

تجهیزات و امکانات کلینیکی، اداری و خدماتی از پرخرج ترین مصارف هستند؛ باتوجه به وارداتی بودن این تجهیزات و لوازم، ممکن است هزینه ها براساس کمیت و کیفیت تجهیزات و لوازم از سالی به سال دیگر متفاوت باشد. نکته مهم، تقارن تجهیزات تداوی با فنون یا روش های تداوی است؛ به عبارت دیگر، به کارگیری روش جدید طبابت با استفاده از تجهیزات مربوطه مرتبط است؛ بنابراین، از ذکر و تحلیل روش های مدرن معالجه خودداری می شود.

وسایل و لوازم زیر در مرکز صحنی متوسطی در ناحیه سوم شهر کابل الزامی و اساسی پنداشته می شوند:

۱. چوکی دندان (Dental Unit)، کمره دهانی (Oral Camera) و مانیتور (Monitor)، اکس ری (X-ray)، سنسور (Sensor)، ماشین تعقیم (Sterilization Machine): به طور اوسط مبلغ ۵۰۰۰۰۰ (پنج صد هزار) افغانی برای خرید (بدون تعمیر یا استهلاک وسایل)؛

۲. فرنیچر ۷ نفره، الماری، میز اداری و پذیرایی: به طور اوسط سالانه ۸۰۰۰۰ (هشتاد هزار) افغانی مصارف اداری و خدماتی است.

۳. دکوریشن و دیزاین^۳: ایجاد فضای مناسب طبابت و محیط آرام و ایمن، متضمن مصارف خواهد بود. استفاده از وسایل مناسب و ایده های خلاقانه در فضا سازی درونی و بیرونی مرکز صحنی، هزینه بر است (انتخاب مکان مساعد برای گل ها و لوحه ها یا استفاده درست از

^۱ - Diagnosis, Prevention and Treatment

^۲ - <https://www.iso.org/iso-13485-medical-devices.html>

^۳ - Decoration and Design



فرنیچر اداری و محل انتظار بیمار^۱؛ اما این هزینه بر ارائه خدمات صحی و اداری مفید و مؤثر خواهد بود. در مجموع، دیزاین دیوارهای داخلی محل طبابت و محل انتظار، تلویزیون، پارٹیشن و لوحه‌های تزئینی که محل انتظاری به ضم بخش پذیرش (Reception) داشته باشد، حدود ۱۰۰۰۰۰ (یک صد هزار) افغانی هزینه سالانه لازم دارد.

۵-۱-۵. تهیه مواد و دواى دندان

خرید، توافق^۲ یا انعقاد قرارداد^۳ برای تهیه و تحویل مواد پرکاری،^۴ عصب کشی،^۵ ساخت دندان و بیره^۶ و نیز برخی دواهای ضروری،^۷ هزینه جاری دیگری است که تحمیل می شود. این هزینه، عمده ترین بخش از مصارف مرکز صحت دهان و دندان را تشکیل می دهد. ناگفته نماند که مواد باکیفیت، متوسط و کم کیفیت قیمت متفاوتی دارند؛ اما باتوجه به رویکرد این تحقیق، مواد متوسط به عنوان مبنا تعیین شده است. براین اساس، باتوجه به تعداد مراجعان برای تداوی، ساخت یا تعمیر دندان (حد اوسط ۱۱۰ مراجعه در ماه)^۸ و نیاز به دوا و مواد دندانی^۹ برای این تعداد، نیاز به قرارداد ۱۰۴۰۰۰۰ افغانی برای مصارف سالانه است.

۵-۱-۶. مشکلات صحی داکتران

هرچند این هزینه، که به «حق الخطر» تعبیر می شود، در کوتاه مدت و اکنون در کشور ما چندان مطرح نیست، اما در طولانی مدت هزینه ای است که داکتران معالج را تحت تأثیر قرار خواهد داد. در واقع، مواجهه با محیط آلوده به انواع امراض ساری،^{۱۰} باکتری ها و بوی دهان و دندان و نیز مواد کیمیای^{۱۱} اثرات منفی صحی را در پی خواهد داشت. براین اساس، استفاده از ابزارهایی برای کنترل آن ها یا کاهش اثرات مضر^{۱۲} آن، هزینه ای است که تداوم کار داکتر و مرکز را تضمین خواهد کرد؛ به عبارت

1 - Waiting Room

2 - Agreement

3 - Contract

4 - Filling

5 - Root Canal

۶ - مانند کامپوزیت (Composite)، گلس آیونومیر (Ionomer Glass)، کلسیم هایدروکساید (Calcium Hydroxide)، گوتا پرکا (Gutta Percha) و ...

۷ - مانند لیدوکائین (Lidocaine)، آدرنالین (Adrenaline)، دیفن هایدرامین (Diphenhydramine)، دیگر آمازون (Dexamethasone) و ...

۸ - به جدول ۲ مراجعه شود.

9 - Drug and Dental Materials

10 - Infectious Diseases

11 - Chemicals

12 - Reduce Harmful Impacts

دیگر، استفاده از روش‌های وقایوی^۱ و حتی درمانی (چک‌آپ^۲ دوام‌دار، خرید لوازم ورزشی^۳ و استفاده در منزل یا مراجعه هفته‌وار به کلب ورزشی یا حوض آب‌بازی) در حالات مصاب- که می‌تواند بر کمیت و کیفیت فعالیت داکتران معالج و حتی پرسنول خدماتی و اداری اثرگذار باشد- هزینه‌هایی را در بر خواهد داشت که به آینده فعالیت مرکز صحتی نیز مرتبط است. ناگفته نماند که چشم، گردن و کمر داکتران بیشترین قسمت بدن هستند که تحت تأثیر مستقیم قرار می‌گیرند و ممکن است دچار آسیب شوند که باید به‌طور منظم، تحت مراقبت‌های وقایوی و درمانی قرار بگیرند.

به‌طور اوسط، می‌توان سالانه مبلغ ۵۰۰۰۰ (پنجاه هزار) افغانی را به‌عنوان هزینه دفع، رفع یا کنترل مشکلات صحتی و جسمی^۴ در نظر گرفت.

۵-۱-۷. سایر مصارف

این بخش مربوط به دیگر مصارف نسبتاً جزئی یا نهادینه‌نشده‌ای است که توسط مراکز صحتی باتوجه‌به شرایط زمانی و مکانی هزینه می‌شود؛ مانند بیمه خدمات درمانی و تبلیغات چاپی یا فضای مجازی. این مصارف جزء مصارف معمول در نظر گرفته نشده است.

هرچند امروزه، بیمه در کشور ما ضرورت چنانی پیدا نکرده است، اما باتوجه‌به شرایط اجتماعی و فرهنگی کشور در آینده‌ای نزدیک هزینه‌ای است که اشخاص و مراکز باید آن را تأمین و پرداخت کنند؛ بنابراین، باتوجه‌به عدم اجرایی شدن آن، نمی‌توان مبلغی برای آن ذکر کرد.

تجارت امروز، تبلیغات^۵ را هزینه تلقی نمی‌کند؛ بلکه آن را سرمایه‌گذاری^۶ یا بازاریابی^۷ تعبیر می‌کند؛ براین‌اساس، برخی مراکز نو تأسیس یا مرکزی که روش تداوی نوینی را به بازار آورده، ممکن است از تبلیغات چاپی در قالب بروشور یا دیداری و شنیداری از طریق نشرات اینترنتی استفاده کند که تبعاً مصارفی خواهد داشت. به‌طور کلی، برای مصارف طراحی و چاپ بروشور- باتوجه‌به کم و کیف آن مثلاً به تیراژ ۵۰۰ عدد رنگه در قالب برگه A5- حد اوسط ۱۰۰۰ افغانی برای یک مرتبه و برای مصارف تبلیغات نشراتی، برای یک مرتبه و برای هر تبلیغ اینترنتی حد اوسط ۱۵۰۰ افغانی نیاز است.

ناگفته نماند که هزینه ارائه خدمات اداری نیز مطرح است؛ بنابراین، معاشات مربوط به حداقل دو پرسنل اداری و خدماتی به‌ازای اجرت ۱۲۰۰۰ (دوازده هزار) افغانی در یک سال، معادل

1 - Prevention Methods

2 - Check-up

3 - Sport Tools or Goods

4 - Health Problems

5 - Advertising

6 - Investment

7 - Marketing



۱۴۴۰۰۰ (یک صد و چهل و چهار هزار) افغانی خواهد شد. هزینه صرفیه آب و برق نیز به طور اوسط برای ۱۲ ماه، ۲۴۰۰۰ (بیست و چهار هزار) افغانی برآورد شده است که مرکزی صحتی براساس آن، ضروریات روزمره تداوی خود را تأمین می کند.

۵-۲. فایده ها

در ادامه، منافع یا عواید فعالیت یا ارائه خدمات درمانی موضوعیت می یابند. در این بخش، قیمت (عاید دریافتی توسط داکتران) ارائه خدمات درمانی (هزینه پرداختی توسط بیماران) تنها و اصلی ترین منفعت (مادی) محسوب می شود که تمام فرایند تحلیل اقتصادی بر مدار آن می چرخد. موارد ذکر شده دیگر از قبیل شخصیت داکتر، اشتغال زایی و ارتقای سطح عمومی سلامت دهان و دندان - به دلیل عدم دخالت مستقیم در سنجش عددی منافع مراکز صحتی - صرفاً مصادیق منفعت معنوی یا منفعت غیر مستقیم ارائه خدمات صحتی هستند.

۵-۲-۱. درآمد یا قیمت خدمات صحتی^۱ (کمی یا عددی و کیفی یا تخنیکی)

مهم ترین عاید روزانه یا هفته وار مرکز صحتی، هزینه ای است که مراجعه کنندگان پرداخت می کنند. این عواید با توجه به نوع بیماری متفاوت خواهد بود. در واقع، فعلاً در کشور ما تنها عاید و منبع حمایتی^۲ از داکتران و مراکز صحتی، هزینه های درمانی است که بیماران پس از دریافت خدمات صحتی پرداخت می کنند؛ بنابراین، از نظر اقتصادی مفید است که تنوع خدمات مناسب با توجه به نوع امراض ارائه شوند.

۱. پرکاری و تداوی عصب:^۳ برای هر بیمار ۱۵۰۰ (یک هزار و پنج صد) افغانی؛
۲. ساخت پروتیز: ۱۵۰۰ (یک هزار و پنج صد) افغانی؛
۳. امپلنت: ۶۰۰۰۰ (شصت هزار) افغانی؛
۴. تداوی جراحی: با توجه به نوع (روش) جراحی ۲ تا ۱۵۰۰۰ (دو الی پانزده هزار) افغانی، اوسط قیمت ۷۵۰۰ (هفت هزار و پنج صد) افغانی؛
۵. تداوی زیبایی دندان: برای هر مورد ۲ الی ۱۰۰۰۰ (دو الی ده هزار) افغانی، اوسط قیمت ۵۰۰۰ (پنج هزار) افغانی؛

^۱ - Incomes or Price of Health Services

^۲ - Source of Support

^۳ - هر چند پرکاری و تداوی عصب دو موضوع و خدمت صحتی جداگانه محسوب می شوند، اما از آنجایی که در کشور ما تا مشکل دندان حاد نشده، کسی برای تداوی مراجعه نمی کند (عصب کشی مقدمه پرکاری)، بنابراین، هر دو موضوع ذیل یک فعالیت یا خدمت در نظر گرفته شده است.



۶. اورتودنسی: ۵۰۰۰۰ (پنجاه هزار) افغانی؛^۱

جدول ۲: تعداد مراجعه بیمار باتوجه به نوع مرض و داکتر

شماره	نوع ارائه خدمت	تعداد مراجعه کننده (به نفر)			اوسط تعداد مراجعه کنندگان	قیمت (اوسط به افغانی)
		داکتر معالج	داکتر متخصص	زمان		
۱	پرکاری و تداوی عصب	۳	۳	در روز	۳	۲۷۰۰۰
۲	ساخت پروتیز	۱	۱	در روز	۱	۹۰۰۰
۳	امپلنت	۱	۱	در ماه	۰/۵	۱۵۰۰۰
۴	تداوی جراحی	۰	۱	در هفته	۱	۳۰۰۰۰
۵	تداوی زیبایی دندانی	۰	۱	در ماه	۰/۵	۱۲۵۰
۶	اورتودنسی	۱	۱	در هفته	۱	۵۰۰۰۰
۷	مجموع (در هفته):	۲۵	۲۷	در هفته	۲۶	۱۳۲۲۵۰

باتوجه به تشابه نسبی مبالغ تداوی برای داکتر معالج و داکتر متخصص، قیمت ها براساس تعداد اوسط مراجعه کننده در نظر گرفته شده است.

۵-۲-۲. محل، درجه و رشته تحصیلی، تجربه و شهرت نیک

فایده یا منفعت دیگر ناظر به شخصیت یا اوصاف داکتران است؛ به عبارت دیگر، وجود محل تحصیل در خارج از کشور (مکان صاحب نام در طبابت مانند امریکا)، دوره یا درجه تحصیلی بالاتر (فلوشیپ یا تخصص) یا رشته تحصیلی (جراحی دهن و فک) در کنار تجربه کاری (چندساله در داخل یا خارج) و شهرت و نام نیک در جلب مشتری از اهمیت ویژه ای برخوردار است.^۲ بدیهی است که بیماران، اعم از اینکه در چه سطحی از درجه اقتصادی یا جایگاه اجتماعی^۳ باشند، تلاش می کنند تا مخارج درمانی خویش را به طور مؤثر و کارآمدی هزینه کنند و از پرداخت های بعدی^۴ جلوگیری کنند. در صورتی که بیمار، مصارف درمانی خویش را مدیریت کند و با مراجعه به مرکز درمانی معتبر و مطمئن اقدام به تداوی کند، از هزینه مجدد، مصون خواهد ماند؛ جدای از اینکه از

^۱ - لازم به ذکر است که مبالغ داکتر معالج و داکتر متخصص یکسان در نظر گرفته شده اند؛ همان طور که عموماً در عمل نیز دیده می شود.

^۲ - از طرف دیگر، میزان مخارج تحصیلی (Costs of Education) یا هزینه های آموزش و پژوهش مصارفی هستند که بر عهده داکتران و اقتصاد خانواده قرار دارند که به دلیل عدم ارتباط مستقیم با بحث، بررسی نشده اند.

^۳ - Economic and Social Status

^۴ - Next Payments





سرخوردگی و مشکلات جسمی، ذهنی و روانی نیز دور خواهد ماند؛ بنابراین، از نظر اقتصادی، این وضعیت کاملاً معقول (مقرون به صرفه)^۱ و مطلوب است.

۵-۲-۳. اشتغال‌زایی

نفع عمومی^۲ فعالیت صحی، شغل‌یابی^۳ یا ایجاد شغل^۴ است که از ابعاد مختلف برای اشخاص و جامعه عاید می‌شود. در کنار اشتغال داکتران معالج، خدمات‌دهندگان امنیتی و ترانسپورتی، فارغ‌التحصیلان برای پیشبرد امور اداری مرکز و سازندگان لوازم و مواد درمانی، واردکنندگان تجهیزات و دوا مطرح می‌شوند که باتوجه به تمایل، تجارب یا تخصص‌شان وارد بازار کار می‌شوند. در این وضعیت، علاوه بر گردش سرمایه، چرخه اقتصادی^۵ نیز در سطح ملی و محلی^۶ رونق می‌یابد. از نظر تحلیل اقتصادی، این وضعیت مطلوب، تأثیرات مثبتی بر روحیه جمعی و امید به زندگی خواهد گذاشت که یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی^۷ نیز تلقی می‌شود.

از نظر اقتصادی، تولید شغل نقش مستقیمی در کاهش فقر یا فقرزدایی^۸ و رشد و انکشاف اقتصادی جامعه دارد؛ بنابراین، مدیریت و نظارت بر فعالیت مراکز صحی تأثیر مثبتی در شغل‌یابی برای فارغ‌التحصیلان رشته طب دندان از مراکز تحصیلی دولتی و خصوصی خواهد گذاشت.

۵-۲-۴. ارتقای وضعیت مفید صحت دهان و دندان در جامعه

تعهد و وظیفه‌شناسی^۹ در بالا بردن وضعیت عمومی^{۱۰} صحت دهان و دندان، امر نیکی است که مطلوب و محصول ارائه خدمات صحی توسط مراکز درمانی و داکتران معالج است و عاید جامعه می‌شود. به نظر می‌رسد بتوان مدعی شد که وجود و فعالیت مناسب این مراکز و نظارت کارآمد^{۱۱} بر آنان، فرهنگ درمانی^{۱۲} و مراجعه جهت تداوی را در جامعه ایجاد می‌کند و در نهایت به ارتقای حالت

^۱ - Affordable

^۲ - Public Interest

^۳ - Job Search

^۴ - Job Creation

^۵ - Economic Cycle

^۶ - Local and National Level

^۷ - Development Index

^۸ - Poverty Reduction

^۹ - Commitment and Conscientiousness

^{۱۰} - Public Situation

^{۱۱} - Efficient Monitoring

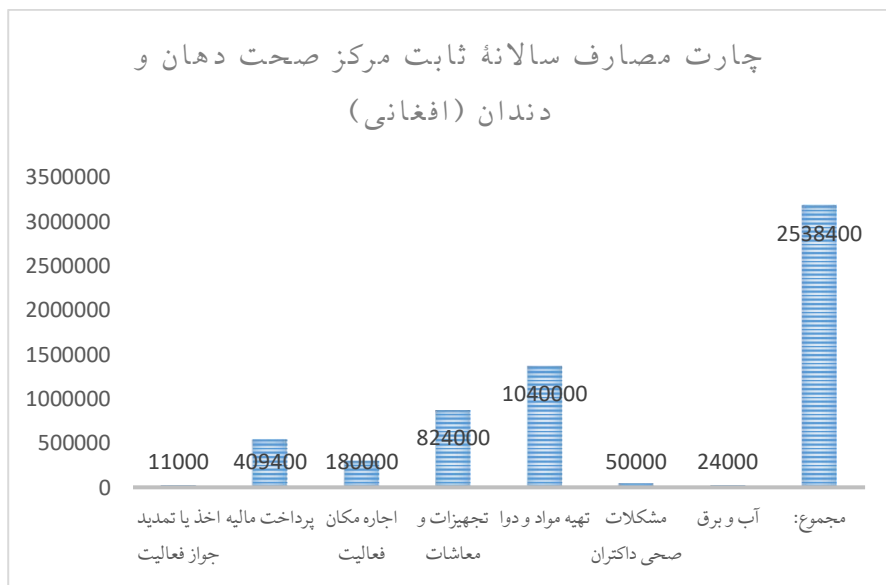
^{۱۲} - Treatment Culture

مناسب صحت دهان و دندان نیز منجر می‌شود. از نظر محاسبه اقتصادی، این مسئله، منفعت یا عاید معنوی^۱ است که جامعه از منافع آن بهره‌مند می‌شود.

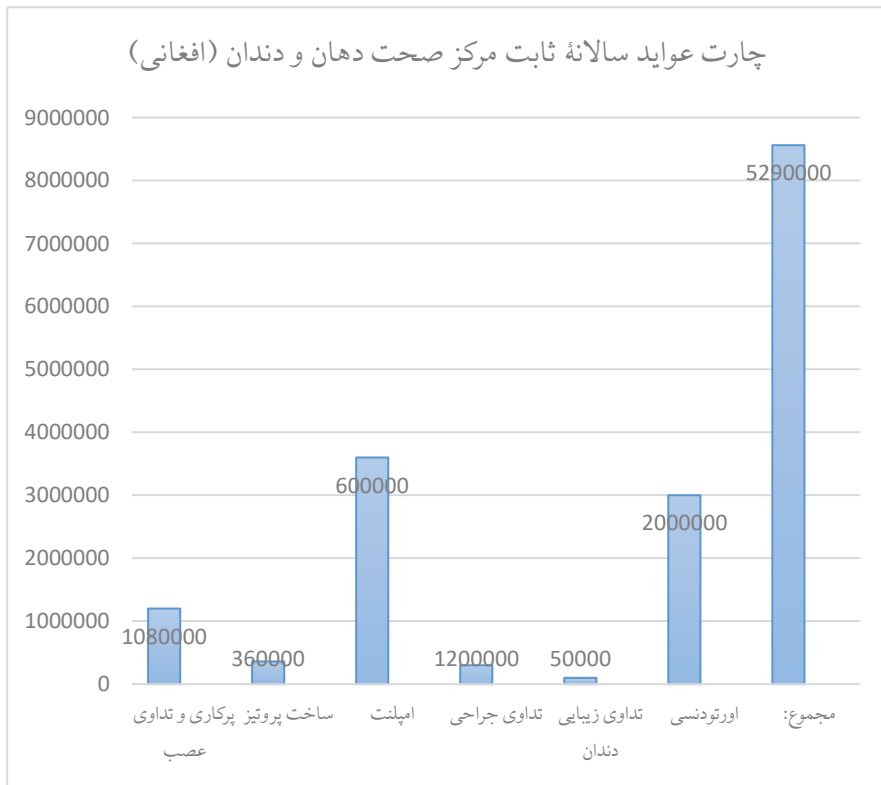
جدول ۳: جدول کلی مصارف و عواید مرکز صحتی در یک سال کاری (مالی)

شماره	مصارف ثابت مرکز		عواید ثابت مرکز (مبلغ به افغانی)	
	نوع	مبلغ (افغانی)	نوع	سالانه
۱	اخذ یا تمدید جواز فعالیت	۱۱۰۰۰	پرکاری	۱۰۸۰۰۰۰
۲	پرداخت مالیه	۴۰۹۴۰۰	تداوی عصب	۱۰۸۰۰۰
۳	اجاره مکان فعالیت	۱۸۰۰۰۰	ساخت پروتیز	۳۶۰۰۰۰
۴	تجهیزات و معاشات	۸۲۴۰۰۰	امپلنت	۶۰۰۰۰۰
۵	تهیه مواد و دوا	۱۰۴۰۰۰۰	تداوی جراحی	۱۲۰۰۰۰۰
۶	مشکلات صحتی داکتران	۵۰۰۰۰۰	تداوی زیبایی دندان	۵۰۰۰۰۰
۷	آب و برق	۲۴۰۰۰۰	اورتودنسی	۲۰۰۰۰۰۰
۸	مجموع:	۲۵۳۸۴۰۰	مجموع:	۵۲۹۰۰۰۰
۹	سود خالص:		۲۷۵۱۶۰۰ افغانی	

چنان‌که قبلاً اشاره شد، مصارف و مبالغ ثابت به‌طور اوسط و برای یک سال کاری یا مالی (۱۰ ماهه) در نظر گرفته شده‌اند.



¹ - Immaterial Profit



۶. نتیجه‌گیری

۱. اقتصاد صحت دهان و دندان، مطالعه علمی و عملی وضعیت سلامت دهان و دندان برای مدیریت هزینه‌ها و منابع در جهت ارتقای سلامت عمومی؛
۲. جدید، جالب و جذاب بودن موضوع درباره تحلیل هزینه-فایده فعالیت مراکز صحت دهان و دندان در افغانستان (شهر کابل)؛
۳. وجود نارسایی‌های متنوع دهان و دندان در جامعه در پی تنوع دخانیات، نوشیدنی‌ها و فست فودها (به‌عنوان اصل تقاضا)؛
۴. وجود تنوع مراکز صحت دهان و دندان در کابل به‌خصوص در ناحیه سوم (به‌عنوان اصل عرضه)؛
۵. اهمیت اقتصادی و سلامتی حاکم بر فعالیت کلینیک‌های صحت دهان و دندان در کشور؛
۶. توجه و حمایت از موانع کاری و مشکلات صحتی داکتران معالج و متخصص؛
۷. فرهنگ‌سازی و تطبیق بیمه خدمات درمانی توسط ارگان‌های ذی‌ربط در جامعه؛
۸. نظارت مسئولانه و دلسوزانه بر فعالیت مراکز صحت دهان و دندان و زیبایی؛



پیشنهادهات

۱. توجه به ارتقای سطح دانش و استفاده از روش‌ها و مواد جدید درمانی توسط داکتران معالج و مراکز صحتی؛
۲. توجه به کیفیت کار و رعایت اصل مشتری‌مداری و ارائه خدمات پس از انجام فعالیت صحتی به بیماران؛
۳. مکافات و مجازات داکتران معالج و مراکز صحتی ارائه‌دهنده خدمات معیاری و غیرمعیاری؛
۴. در دسترس قرار دادن اسناد تقنینی مرتبط با مراکز صحتی به مردم به منظور افزایش خدمات صحتی؛
۵. تدویر سمینارها و دوره‌های مسلکی برای داکتران معالج جهت ارتقای ظرفیت، دانش و روش‌های جدید دندان‌پزشکی؛
۶. طرح و تطبیق نرخ‌نامه واقعی ارائه خدمات صحت دهان و دندان و نظارت شفاف بر آن؛
۷. استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی مراکز صحتی در توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی مردم؛
۸. همکاری و همراهی با مراکز صحتی در امر کارآفرینی و اشتغال‌زایی فارغ‌التحصیلان رشته طب دندان؛



- اخلاقی، محمد. (۱۳۹۲). «تحلیل اقتصادی حقوق؛ مبانی و بسترها». پویش. ۲ (۴ و ۵).
- _____ . «تحلیل اقتصادی نظام حقوقی افغانستان». کتاب سینا. ۲ (۲).
- حق پرست، حسن و اسفندیار معینی. (۱۳۸۳). «اقتصاد بهداشت و درمان: دیدگاه‌ها و نظریه‌ها». فصلنامه تأمین اجتماعی. ۱۶ (۶).
- فولاند، شرمین؛ گودمن، الن سی و میرون استانو. (۱۳۸۲). «مقدمه‌ای بر اقتصاد بهداشت». ترجمه حسن حق پرست. فصلنامه تأمین اجتماعی. ۵ (۱۳).

www.ada.org

www.aeaweb.org

www.agd.org

www.amc.gov.af

www.iso.org

www.mohe.gov.af

www.un.org

www.who.int



Economic Analysis of Oral and Dental Healthcare; Evaluation of Dental Clinics in Kabul (Third District) between Mar.2022- Feb.2023

Mohammad Akhlaqi¹ and Said Ahmad Sorosh Miri²

Abstract

Domination of Economic Views are on all of thing in the live such as non-market behaviors nowadays. So Health Economics (HE) created in economy, society and knowledge today. Also Healthcare is one of the most important, expensive and high-income jobs in the world and Afghanistan. In this branch of Economics, principles and methods of economic analysis, to use systematic allocation of scarcity resources and management of costs to promotion of efficiency them in theoretical and practical.

This paper worked with mixed research method (questionnaire and descriptive-analytical), to answer of this main question that; How many (annual average) costs and benefits are to oral and dental healthcare center activation in 3th district of Kabul in one job year?

After of observation, survey and evaluation of questionnaires, estimate that annual average of usual costs is 2538400 af. and average of usual benefits (incomes) is 5290000 af. for medium an oral and dental healthcare center.

Keywords; Health Economic, Cost-benefit Evaluation, Oral and Dental Healthcare, Oral and Dental Market, and Oral and Dental Health Promotion.

1. Mohammad Akhlaqi; Founder and Researcher at the Afghanistan Law and Economics Association (AFLEA); aflea2018@gmail.com

2. Said Ahmad Sorosh Miri; MF Surgeon and Head of Prosthodontics Department at the Khatam Al-Nabieen University; sorosh.miri@knu.edu.af

Investigating the impact of security on the economic growth of Afghanistan and some selected countries during the years 2010 to 2020

Mustafa Ebrahimi³, Vahwadi email, 2Mohammad Ehsan Erfani¹

abstract

Achieving economic growth is the primary goal of all countries and is considered the ideal point of all economic efforts of countries. Achieving this lofty goal is not possible without security, because security is one of the important bases of economic growth and the most important economic effects of security are crystallized in the phenomenon of investment and economic growth. With regard to the role of security on economic growth, the present research aims to understand the impact of security on the economic growth of Afghanistan and selected countries and raised the question of what effect security has on the economic growth of Afghanistan and some selected countries during the period (2010-2020) (Bangladesh, Bhutan, Pakistan, Iraq, Sudan and Nepal)? In order to find the answer to the above question, he proposed the hypothesis that security has had a positive effect on the economic growth of Afghanistan and selected countries. To investigate this hypothesis, the method of generalized least squares (GLS) and diagnostic tests of the relationships between variables have been used.. After estimating the research model using the Eviews software using the generalized least squares method, the research findings indicate that the variables such as corruption perception index, fixed capital formation, inflation rate and unemployment have a negative and significant relationship and also Military work and expenses have had a positive and meaningful relationship with the economic growth of Afghanistan and the selected countries of this research.

Key words: security, economic growth, military spending, corruption sentiment index (CPI).

1 - Faculty of Economics, Katb University, Kabul, Afghanistan

2 - Faculty of Economics, Katb University, Kabul, Afghanistan

3 - Master's student in Development Economics, Faculty of Economics, Katb University, Kabul, Afghanistan



Central bank balance sheet, money and inflation

Author: Samuel Reynard

Swiss National Bank (Zurich, Switzerland)

Translators:

Gholamreza Rasouli (Kamali)¹ Seyyed Mehdi Asghari²

abstract

In response to economic crises, an increasing expansion in the Central Bank's balance sheet can have different inflationary effects. This article shows whether the private sector, as an intermediary of the central bank to finance the government, has played a role in the process of massive money creation or not? One of the methods of inflation analysis can be the theory of some money. According to the analysis of this article, it explains that the expansionary monetary policy in the global financial crisis did not cause inflation in America; But in the crisis of the Corona epidemic, this policy caused the inflation in this country.

Keywords: central bank balance sheet, inflation, broad money, expansionary monetary policy.



Greedy decision of Brett Woods conference, its consequences and slips

Dr. Abdulhamid Thabit and Mohammad Jan Rahmani (responsible author)

abstract

Life is a choice of decisions. From the Islamic point of view, greedy decisions are condemned and condemned. Greedy decisions are based on short-term interests and undesirable desires. In this research, an attempt has been made to descriptively and analytically, using religious and library sources, greedy decisions and their consequences and slippages, regarding the choice of the US dollar as an international currency, from a religious and empirical point of view. According to religious sources, the world is a world of causes and consequences, and moral crises such as greedy decisions always lead to slip-ups, as the expulsion of Adam and Eve from Paradise is considered to be a consequence of their greedy decisions in the Qur'an, as well as the people of Lot and Madin, etc. throughout history due to immoral behavior. They had slips. According to religious and empirical sources, one of the most important consequences and slippages of the greedy decision of the Bretton Woods conference is the granting of a monstrous strength to the US dollar and the loss of respect of other countries vis-à-vis the US and the severity of inequality. Granting monstrous power to the US dollar is the reason why the US dollar has become a greyhound and it puts pressure on all the national currencies of the countries of the world, and with this tool it causes huge losses to the economy of the countries of the world, and harming others is forbidden from a religious point of view.

Key words: greed, decision, greedy, slips, Brett Weds conference and greedy decisions and slips



The Islamic state as a guiding state and the realm of its involvement in the economy

Dr. Mohammad Asif Tagvi¹

abstract

In this research, an attempt has been made to investigate the nature of the Islamic state as a "guiding" state and to separate the social and economic duties of the society in the form of five areas in order to clearly define the limits and scope of government and people's involvement. These five areas are: Duties that are the responsibility of the government and the people are prohibited from entering them. Duties that are the responsibility of the people and the government is prohibited from entering them. Duties that the people are not capable of performing and the government must step in. Duties that the government is not capable of performing. And the people should be responsible for it. Common duties between the government and the people. In the section of joint duties, by referring to the traditions and life of the innocents, an effort has been made to determine the territory and limits of each party's actions.

Key words: Islamic government, duties of the government, duties of the people, the scope of the government's intervention in the economy



1 - Doctor of economic sciences and professor of Al-Mosazafi Al-Alamiya University of Iran. Qom

Study and Analysis of Economic Utilitarianism from the Perspective of Amir al-Mu'minin Ali (AS) and Jeremy Bentham

Dr. Seyyed Abdul Hamid Sabet¹

Gholamreza Rasoul²

Abstract

Utility, benefit, and pleasure are concepts that moral philosophers have paid special attention to since the beginning of the history of human thought. Moral philosophers believe that human behavior, especially in the economic dimension, is shaped only in the light of economic benefit and desirability and avoidance of suffering. The difference between the Islamic perspective and Western philosophy lies in the fact that in Islamic philosophy, desirability and pleasure are not limited to material and economic pleasures and desirability; rather, they also include otherworldly, spiritual, and divine benefits. In fact, these benefits are much more valuable than fleeting material economic pleasures and desirability. Among the Western theorists, Jeremy Bentham is the most famous philosopher who has done extensive research in this field and the most influential person in the Islamic world after the Holy Prophet of Islam (PBUH), Hazrat Ali ibn Abi Talib (AS). In this article, a comparative study between the idea of economic utility from the perspective of Imam Ali (AS) and Jeremy Bentham has been conducted using an analytical method and based on the collection of library information, with the aim of discovering the common points and differences in the views of these two thinkers. The results show that the accepted economic utility in the thought of Imam Ali (AS) has restrictions and indicators such as: God-centeredness, justice, preservation of religion, right-orientedness and hereafterism, while Bentham's economic utility is devoid of such indicators and the fundamental difference between these two theories lies in these principles and criteria.

Keywords: utility, utilitarianism, hedonism, moral philosophy, Imam Ali (AS) and Jeremy Bentham.



1 - عضو هیأت علمی جامعه المصطفی العالمیه. Email: sah_sabet@yahoo.com

2 - عضو هیأت علمی دانشگاه خاتم النبیین (ص). Email: kamalirasouli@gmail.com



Basics and tools of Islamic banking in Afghanistan

Syed Baratali Naqvi1

abstract

At present, conventional banking, as one of the main pillars of the global financial system, provides financial and monetary resources needed by manufacturing companies, economic enterprises, and various demands of various economic sectors. This provision of resources is usually done through the granting of facilities and interest-based loans, and the profitability of banks is mainly obtained in this way. However, in the Islamic economic system, receiving and paying interest (riba) is known as a forbidden act, and accordingly, Islamic banks and financial institutions must use special methods and tools to provide financial resources and provide banking services that are in accordance with the principles of Islamic Sharia. be compatible In Islamic banking, instead of interest, Islamic contracts are used to allocate financial resources. These contracts can include partnership, exchange, and loan contracts in which the risk and return are equitably divided and no interest is paid to the parties. Among the most important of these contracts, we can mention contracts such as mudarabah, partnership, installment sale, salam and jaala. In these methods, instead of receiving a fixed interest, banks benefit from participation in the profits and losses of their counterparties. The purpose of this research is to investigate the ways of providing and allocating banking resources in Afghanistan, and in particular, it investigates the use of Islamic contracts in the Afghan banking system. The results of this research show that Islamic banks in Afghanistan use a set of Islamic financial methods and tools to provide and allocate financial resources. This study can be used as a scientific and practical basis for improving and promoting the functions of the Islamic banking system in Afghanistan and other similar countries.

Key words: Islamic banking, civil law, exchange contracts, partnership contracts, Rab

The relationship between "extraversion" and "job satisfaction" - a meta-analytic study

Ali Katbi¹, Amir Massoud Salehi.² Seyyedreza Naqvi³ Hanifeh Hosseini⁴

abstract

Organizational managers, in order to take appropriate actions to enhance employee satisfaction and subsequently increase organizational productivity, need to understand the personality traits of their employees and their attitudes towards the organization. The aim of this meta-analysis is to examine the relationship between extraversion and job satisfaction without considering any specific aspect of extraversion. A total of 710 studies in English and Persian languages, sourced from four databases (Scopus, ScienceDirect, ACSE, and Magiran), covering the years 2012 to 2019, were included in the sample group. In the end, 36 articles with 37 independent and analyzable data points were selected and analyzed. Data heterogeneity was assessed using Cochran's Q test. This study considered publication, language, citation, and selection biases. Publication bias was also examined using a funnel plot and Egger's test. All statistical tests were conducted using version 2 of the Comprehensive Meta-Analysis software (CMA2). The results of the analyses using a random-effects model showed a significant positive relationship between extraversion and job satisfaction, with the correlation coefficient of this relationship being 0.203. Additionally, no moderating variable was identified in this study.

Keywords: Extraversion, Job Satisfaction, Personality Traits, Meta-Analysis.

1 - Assistant professor, faculty member of the Department of Engineering and Construction Management, Department of Civil Engineering, Faculty of Engineering and Technology, Khwarazmi University, katebi2020@khu.ac.ir

2 - - Assistant professor, faculty member of the engineering and construction management department, civil engineering department, Khwarazmi University faculty of technology and engineering.

am_salehi@2020khu.ac.ir

3 - - Master's student in civil engineering (engineering and construction management), Khwarazmi University,

Std_sayedrezanaqavi@khu.ac.ir

4 -- Master's student in accounting, Faculty of Economics and Management, Lorestan University

Hosseini.ha@fc.lu.ac.i

